



جمهوری اسلامی ایران

فرهنگستان بان آداب فارسی

فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان

دفتر پانزدهم

تدوین:
گروه واژه‌گزینی



Islamic Republic of Iran

**The Academy of Persian
Language and Literature**

A Collection of Terms

Approved by:
**the Academy of
Persian Language and Literature**

Vol.15

ISBN: 978-600-8735-30-4

قیمت: ۳۶,۰۰۰ تومان

فہرست
دانشگاہی صوبہ پنجاب پاکستان

تدوین:
گروہ
واژہ گزینی

دفتر پانزہم

پنجاب سائنس ہائی اسکول

۸	۰۲۵
۸	۲۴

اسکن شد

فرهنگ واژه‌های
مصوب فرهنگستان
دفتر پانزدهم

۸۴۱۴۶



فرهنگ واژه‌های
مصوب فرهنگستان
دفتر پانزدهم

گروه واژه‌گزینی
پژوهشکده مطالعات واژه‌گزینی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نشر آثار / تهران ۱۳۹۷

فرهنگستان زبان و ادب فارسی. پژوهشکده مطالعات واژه‌گزینی. گروه واژه‌گزینی	سرشناسه
فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان (دفتر پانزدهم)/ گروه واژه‌گزینی، پژوهشکده مطالعات واژه‌گزینی.	عنوان و نام پدیدآور
تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، گروه نشر آثار، ۱۳۹۷.	مشخصات نشر
۳۵۹ صفحه.	مشخصات ظاهری
فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۱۸۹.	فروست
دوره: 978-964-7531-37-5؛ جلد پانزدهم: 978-600-8735-30-4	شابک
فیفا	وضعیت فهرست‌نویسی
فارسی--اشتقاق	موضوع
Persian language -- Word formation	موضوع
فارسی--واژه‌های جدید	موضوع
Persian language -- New words	موضوع
فرهنگستان زبان و ادب فارسی. گروه نشر آثار	شناسه افزوده
Academy of Persian Language and Literature	شناسه افزوده
PIR۲۹۶۴/ف۴۴۵ ۱۳۹۷	رده‌بندی کنگره
۴۳/۱	رده‌بندی دیویی
۵۱۴۷۹۰۴	شماره کتاب‌شناسی ملی

واژه‌های این دفتر در شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای مدت سه سال
تصویب شده و به تأیید رئیس جمهور محترم جمهوری اسلامی ایران، جناب
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی، رسیده است.

فهرست هزارواژه‌های گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی

- ۱- هزارواژه زیست‌شناسی ۱ (مجموعه واژه‌های زیست‌شناسی عمومی، علوم گیاهی، علوم جانوری، ژن‌شناسی، پروتئگان‌شناسی، میکرب‌شناسی)
- ۲- هزارواژه پزشکی ۱ (مجموعه واژه‌های علوم پایه پزشکی، پزشکی، دندانپزشکی، شنوایی‌شناسی، علوم سلامت، دامپزشکی)
- ۳- هزارواژه فیزیک ۱ (مجموعه واژه‌های اپتیک، فیزیک، نجوم، نجوم رصدی و آشکارسازها)
- ۴- هزارواژه علوم زمین ۱ (مجموعه واژه‌های زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، علوم جو)
- ۵- هزارواژه حمل‌ونقل ۱ (مجموعه واژه‌های حمل‌ونقل درون‌شهری - جاده‌ای، حمل‌ونقل دریایی، حمل‌ونقل ریلی، حمل‌ونقل هوایی)
- ۶- هزارواژه علوم نظامی ۱
- ۷- هزارواژه شیمی ۱
- ۸- هزارواژه کشاورزی و منابع طبیعی (مجموعه واژه‌های کشاورزی - شاخه‌های زراعت و اصلاح نباتات و علوم باغبانی و علوم دامی، مهندسی منابع طبیعی - شاخه جنگل و محیط‌زیست)
- ۹- هزارواژه حمل‌ونقل ۲ (مجموعه واژه‌های حمل‌ونقل درون‌شهری - جاده‌ای، حمل‌ونقل دریایی، حمل‌ونقل ریلی، حمل‌ونقل هوایی)
- ۱۰- هزارواژه علوم زمین ۲ (مجموعه واژه‌های اقیانوس‌شناسی، زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، علوم جو)
- ۱۱- هزارواژه پزشکی ۲ (مجموعه واژه‌های آرتاپزشکی، اعتیاد، پیوند، روان‌شناسی، شنوایی‌شناسی، علوم پایه پزشکی، علوم تشریحی، علوم دارویی، علوم سلامت، مدیریت سلامت، میکرب‌شناسی)
- ۱۲- هزارواژه هنر ۱ (مجموعه واژه‌های سینما و تلویزیون، موسیقی، هنرهای تجسمی، هنرهای نمایشی)
- ۱۳- هزارواژه علوم انسانی ۱ (مجموعه واژه‌های آینده‌پژوهی، اقتصاد، باستان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، مدیریت پروژه)
- ۱۴- هزارواژه علوم مهندسی ۱ (مجموعه واژه‌های جوشکاری و آزمایش‌های غیرمخرب، قطعات و اجزای خودرو، مشترک علوم مهندسی، مهندسی بسیار-شاخه‌های رنگ و تایر، مهندسی خوردگی، مهندسی شیمی، مهندسی مواد و متالورژی)
- ۱۵- هزارواژه علوم مهندسی ۲ (مجموعه واژه‌های رایانه و فناوری اطلاعات، رمز، مشترک علوم مهندسی، مهندسی مخابرات، پست)
- ۱۶- هزارواژه علوم مهندسی ۳ (مجموعه واژه‌های سرامیک، مهندسی عمران، مهندسی محیط‌زیست و انرژی، مهندسی نقشه‌برداری، هوافضا)
- ۱۷- هزارواژه تغذیه، علوم و فناوری غذا ۱ (مجموعه واژه‌های تغذیه و علوم فناوری غذا)
- ۱۸- هزارواژه ریاضی ۱
- ۱۹- هزارواژه گردشگری و جهانگردی ۱
- ۲۰- هزارواژه پزشکی ۳ (آرتاپزشکی، اعتیاد، روان‌شناسی، علوم تشریحی، علوم دارویی، علوم پایه پزشکی، علوم سلامت، مهندسی پزشکی، میکرب‌شناسی)
- ۲۱- هزارواژه زبان‌شناسی ۱
- ۲۲- هزارواژه زیست‌شناسی ۲ (زیست‌شناسی - ژن‌شناسی و زیست فناوری، زیست‌شناسی - شاخه علوم گیاهی، زیست‌شناسی - شاخه پروتئگان‌شناسی، جانورشناسی، گیاهان دارویی)
- ۲۳- علوم انسانی ۲ (آینده‌پژوهی، اقتصاد، باستان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی، جغرافیای سیاسی، حقوق، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، مدیریت پروژه، مدیریت فناوری، مطالعات زنان)

فهرست مطالب

نُه	پیشگفتار
یازده	مقدمه
پانزده	همکاران علمی
بیست و یک	اصول و ضوابط واژه‌گزینی
بیست و هفت	نشانه‌های اختصاری
۱-۱۹۶	فرهنگ واژه‌های مصوّب فرهنگستان به ترتیب الفبای فارسی
1-69	فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی
71-135	فهرست واژه‌ها براساس حوزه به ترتیب الفبای لاتینی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پیشگفتار

گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی سالهاست که واژه‌هایی را که در طی یک سال در برابر لغات بیگانه به تصویب رسانده در قالب کتابی به نام «فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان» به چاپ می‌رساند و آن را هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران منتشر می‌سازد. اکنون با انتشار کتابی که در دست دارید شمار این فرهنگ‌ها به پانزده مجلد می‌رسد. علاوه بر آن، گروه واژه‌گزینی چهار فرهنگ تخصصی دیگر هم با نام‌های «هزارواژه پزشکی ۳»، «هزارواژه زبان‌شناسی ۱»، «هزارواژه زیست‌شناسی ۲»، «هزارواژه علوم انسانی ۲»، منتشر کرد. که با در نظر گرفتن هزارواژه‌هایی که قبلاً منتشر شده، شمار این گونه فرهنگ‌های تخصصی هم به ۲۳ جلد بالغ می‌شود. جز اینها ۸ مجموعه‌واژه تخصصی دیگر هم در رشته‌های مختلف تاکنون به چاپ رسیده است.

فرهنگستان امیدوار است استادان دانشگاه‌ها و مترجمان کتاب‌ها و مقالات علمی و دانشجویان با ملاحظه این کتاب‌ها، که مجموع واژه‌های آنها نزدیک به شصت هزار است، و به‌ویژه با دقت در معادل‌های فارسی لغات رشته‌های تخصصی خود، با سبک و سیاق واژه‌گزینی آشنا شوند و زبان فارسی علمی رشته خود را بشناسند تا بتوانند برای لغات جدیدی که نیازمند معادل فارسی است واژه مناسبی پیدا کنند. این کتابها می‌تواند الگوی مناسبی برای ادامه توسعه کاری شود که فرهنگستان اندکی از آن را به انجام رسانده است. زبان فارسی، بالقوه، امکان مبدل شدن به زبان علم را دارد. آنچه می‌تواند این توانایی بالقوه را به فعلیت رساند همه ماست. زبان فارسی در سراسر تاریخ به ما عزت بخشیده است، وظیفه ماست که آن را عزیز بداریم.

بر خود واجب می‌دانم از تلاش همکاران عزیزم در گروه واژه‌گزینی، به‌ویژه سرکار خانم نسرین پرویزی، تشکر کنم.

غلامعلی حداد عادل
رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی
و مدیر گروه واژه‌گزینی
اردیبهشت نودوهفت

مقدمه

دفتر حاضر پانزدهمین فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی حاوی حدود ۲۰۰۰ واژه است که به همت پژوهشگران و همکاران گروه واژه‌گزینی و با مشارکت بیش از ۴۰۰ استاد و صاحب‌نظر در حوزه‌های مختلف زبانی و علمی در طی یک سال معادل‌گزینی شده و در اختیار علاقه‌مندان و اهل علم قرار گرفته است. علاوه بر این فرهنگ، چهار هزارواژه دیگر نیز به مجموعه هزارواژه‌های فرهنگستان افزوده شده است. با انتشار هزارواژه‌های پزشکی (۳)، زبان‌شناسی (۱)، زیست‌شناسی (۲)، علوم انسانی (۲)، تعداد هزارواژه‌ها به بیست‌وسه رسید و امید است بر تعداد این مجموعه، که با اقبال عمومی و اهل فن مواجه شده است، در سال‌های آینده نیز افزوده شود. در طی سال گذشته مشکلات مالی فرهنگستان همچنان ادامه داشت و سبب شد که از همکاری برخی از انجمن‌های علمی محروم شویم. با این حال، فعالیت گروه واژه‌گزینی ادامه داشت و کارگروه‌هایی که جزو بدنه اصلی گروه واژه‌گزینی هستند از فداکاری و همکاری دریغ نکردند و گروه واژه‌گزینی توانست مجموعه واژه‌های خود را هرچند با اُفت در تعداد مصوبات، بنا بر سنت چندساله، تدوین کند و به جامعه عرضه نماید. در سال ۹۶ همکاری تعدادی از انجمن‌های علمی و «کمیسیون انجمن‌های علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» و «کمیسیون انجمن‌های علمی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» با فرهنگستان متوقف نشد و برخی از کارگروه‌های برون‌پذیر واژه‌گزینی وارد چندمین سال همکاری خود با فرهنگستان شدند. چند کارگروه تخصصی واژه‌گزینی جدید نیز راه‌اندازی

شد و امید است واژه‌های آنها در سال آینده وارد دفتر شانزدهم فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان شود. پژوهشکده مطالعات واژه‌گزینی در سال تحصیلی ۹۶ - ۹۷ نیز دانشجوی پذیرفت و سومین دوره کارشناسی ارشد رشته «واژه‌گزینی و اصطلاح‌شناسی» را آغاز کرد. تربیت دانشجوی در این رشته و جذب آنها در مراکز مختلف و در میان جامعه گامی مهم در جهت ارتقای زبان فارسی به‌عنوان زبان علم است. امیدواریم با تداوم تدریس این رشته بتوانیم کاستی‌های کار واژه‌گزینی را دریا بیم و در جهت بهبود آن بکوشیم.

دفتر حاضر همچون چهارده دفتر پیشین در سه بخش جداگانه تنظیم شده است. بخش اول، واژه‌های مصوب به ترتیب الفبای فارسی همراه با تعریف است. بخش دوم، فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی و بخش سوم، فهرست واژه‌ها براساس حوزه کاربرد و به ترتیب الفبای لاتینی است. در ترتیب و تنظیم واژه‌های این دفتر نیز مانند دفترهای پیشین مترادف‌ها و صورت‌های اختصاری در زیر مدخل اصلی ذکر شده و درعین حال در جایگاه الفبایی خود نیز آمده است.

نکته‌ای که همچون دفترهای قبل ذکر آن ضرورت دارد، شیوه تعریف‌نگاری است. تعریف واژه‌های این دفتر، تعریف‌های دقیق علمی و مناسب برای فرهنگ تخصصی نیست، بلکه برای روشن شدن مطلب و توضیح و توجیه معادل مصوب آمده است. تعریف‌ها عمومی شده و در حدی است که برای افرادی در مقطع تحصیلی کارشناسی قابل درک باشد. در تعریف‌ها در کنار برخی از واژه‌های فارسی، صورت لاتینی آنها در داخل دوکمان آمده است. این بدان معناست که این واژه‌ها هنوز به تصویب نهایی فرهنگستان نرسیده و صرفاً پیشنهاد کارگروه تخصصی است. از ذکر صورت لاتینی برخی اصطلاحات معمول و رایج علمی و فنی در تعریف‌ها نیز به علت مأنوس بودن آنها برای اهل فن خودداری شده است.

علاقه‌مندانی که مجموعه واژه‌های مصوب فرهنگستان را در اختیار دارند ممکن است با واژه‌هایی روبه‌رو شوند که در گذشته با یک معادل و در دفترهای اخیر با معادل دیگری به تصویب رسیده است. همان‌طور که بارها اعلام کرده‌ایم، مصوبات فرهنگستان در مقاطعی مصوبات نهایی نیستند و پس از ارزیابی و نظرخواهی از اهل فن و بازیبنی اعضای

کارگروه‌های واژه‌گزینی ممکن است تغییر کنند و چنانچه عدم هماهنگی یا اشتباهی در آنها بوده باشد، اصلاح شود. مصوبات اصلاح‌شده در دفترهای متأخر می‌آیند و مصوبات قبلی از مجموعه مصوبات و دفترهای پیشین حذف می‌شوند. برای مثال، در برابر واژه بیگانه "clone" و "cloning" و مشتقات آن پیش از این در دفتر سوم معادل‌های «تاگ» و «تاگ‌سازی» در حوزه زیست‌شناسی تصویب شده بود، اما این خوشه‌واژه در حوزه‌های علوم زیستی، و به‌ویژه پزشکی، مشابهت‌هایی با واژه‌های دیگر دارد که همه به نوعی شبیه‌سازی دلالت دارند. مجموعه این واژه‌ها مجدداً در شورای واژه‌گزینی مطرح شد و معادل‌های «همسانه» و «همسانه‌سازی» در برابر آنها به تصویب رسید.

گروه واژه‌گزینی از تمامی استادانی که نام آنها در فهرست همکاران علمی آمده است و پژوهشگران گروه واژه‌گزینی، که بار واژه‌گزینی را در کارگروه‌های تخصصی بر دوش می‌کشند و با حوصله و تلاش خود توانسته‌اند مجموعه حاضر را به تصویب شوراهای واژه‌گزینی فرهنگستان برسانند، سپاسگزاری می‌نماید. استادان و همکاران ما در شوراهای هماهنگی نیز در یکدست کردن واژه‌های هر حوزه سهم بسزایی داشته‌اند که به دلیل تنوع شوراها از ذکر نام ایشان به تفکیک شورا خودداری شده است. این استادان هریک نماینده یک گروه تخصصی هستند و نام ایشان در ردیف اعضای کارگروه‌های تخصصی ذکر شده است. همچنین قدردانی خود را از زحمات همکاران بخش تدوین فرهنگ و حروف‌نگاری ابراز می‌دارد که در مقابل فشار کار و مشکلاتی که در تدوین فرهنگ با تمام ظرایف و سختی‌های آن وجود دارد، تاب آوردند. در پایان، از خانم فرزانه سخایی که با وجود مسئولیت‌های فراوان خود در گروه واژه‌گزینی، در تنظیم رایانه‌ای واژه‌های مصوب از هیچ فداکاری دریغ نکردند، سپاسگزاری می‌نماید.

امید است با تمهیداتی که گروه اندیشیده است و همکاری همه صاحب‌نظران و استادان در مراکز علمی دانشگاهی و انجمن‌ها بتوان سال آینده با دستی پربارتر حاصل فعالیت خود را به علاقه‌مندان به زبان فارسی عرضه کرد.

گروه واژه‌گزینی

اردیبهشت نودوهفت

همکاران علمی

اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی (شورای فرهنگستان):

دکتر حسن انوری، دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر یدالله ثمره، دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس فرهنگستان و مدیر گروه واژه‌گزینی)، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر علی رواقی، استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر علی‌اشرف صادقی، دکتر محمود عابدی، استاد کامران فانی، دکتر بدرالزمان قریب، دکتر سیدفتح‌الله مجتبابی، دکتر مهدی محقق، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی همدانی، دکتر محمدعلی موحد، دکتر سلیم نیساری، دکتر محمدجعفر یاحقی

اعضای شوراها و واژه‌گزینی:

اعضای پیوسته: دکتر یدالله ثمره، دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس فرهنگستان و مدیر گروه واژه‌گزینی)، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر علی‌اشرف صادقی، استاد کامران فانی، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی همدانی، دکتر سلیم نیساری

سایر اعضا: دکتر ژاله آموزگار (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر محمدابراهیم ابوکاظمی، مهندس محمدرضا افضلی، مهندس محمدرضا بهاری، نسرین پرویزی (معاون گروه واژه‌گزینی)، دکتر علی پورجوادی، دکتر محمدتقی راشد‌محصل، دکتر هوشنگ رهنما (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر زهره زرشناس، دکتر قطب‌الدین صادقی، دکتر علاء‌الدین طباطبایی (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر لطیف کاشیگر (عضو وابسته فرهنگستان)، سیامک کاظمی، مهندس علی کافی، دکتر ایران کلباسی، دکتر رضا منصوری (عضو وابسته فرهنگستان)، دکتر مهشید میرفخرایی، دکتر شهین نعمت‌زاده، ابراهیم نقیب‌زاده مشایخ، دکتر اسماعیل یزدی

هیئت فنی: نسرین پرویزی (معاون گروه)، دکتر علاء‌الدین طباطبایی (مشاور گروه) مشاوران گروه: دکتر سیدمهدی سمائی، دکتر علاء‌الدین طباطبایی، دکتر شهین نعمت‌زاده

مسئول تدوین فرهنگ و سرویراستار: مهدی حریری

پژوهشگران گروه واژه‌گزینی: مژگان اجدادی، مهدیه برآبادی، عبدالعزیز تاتار، مریم توسلی، مرضیه چوپان‌زاده، علیرضا حجازی، دکتر سعید حسامی تکلو، حمید حسنی، سهیلا حیدری، رؤیا خدادادی، علیرضا رحمتی دیوشلی، دکتر محمدرضا رضوی، فرزانه سخایی، دکتر فرشید سمائی، شیما شریفی، زینب شمسینی، حشمت‌الله صباغی، محمود ظریف (نماینده فرهنگستان در چند کارگروه تخصصی و شورای هماهنگی)، دکتر فرزین غفوری، مهرآذر فارسی، مونا فاضلی، پروانه فخام‌زاده، پریچهر قضاوی، مهدیه قنات‌آبادی، عاطفه قنبری، شبنم مجیدی، آویشن محضری، فاطمه محمودنژاد، سمانه ملک‌خانی، شکوه‌السادات میرفارسی (نماینده فرهنگستان در شورای هماهنگی)، مهنوش نشاط‌مبینی تهرانی، اسلام هورن

اعضای کارگروه‌های تخصصی:

- آمار: دکتر محمدرضا فریدروحانی، سیامک کاظمی، دکتر عادل محمدپور، دکتر حمیدرضا نواب‌پور، دکتر محمدقاسم وحیدی اصل
- باستان‌شناسی: دکتر حمید خطیب‌شهیدی، دکتر کامیار عبدی، مهندس عادل فرهنگی شبستری، دکتر کوروش محمدخانی، دکتر حکمت‌الله ملاصالحی*، دکتر مهرداد ملکزاده، دکتر ناصر نوروززاده چگینی
- حمل و نقل درون‌شهری - جاده‌ای: مهندس مرتضی ایزدی‌فر، دکتر کامران رحیم‌اف، مهندس حسین‌رضا شهیدزاده اسدی، مرحوم مهندس اسفندیار صدیقی، دکتر مهدی عظیمی تبریزی، مهندس محمدرضا معدلت
- حمل و نقل دریایی: دکتر بهروز امرائی، امیردریادار حسین جعفری، مهندس حمید حمیدی، کاپیتان شاهرخ خدایاری، امیردریادار عباسعلی شکری
- حمل و نقل ریلی: مهندس محمدحسن اسماعیلی، مهندس محمود خبازنیا، دکتر جبارعلی ذاکری، دکتر محمدعلی رضوانی، دکتر حسین قهرمانی، دکتر محمد منتظری
- حمل و نقل هوایی: مهندس اکبر اسدالله‌خان والی، مهندس علی‌اکبر اکبرزاده، کاپیتان سیدمحمود تدّین، سرهنگ اردشیر حسامی، جواد رستمی، مهندس ذبیح‌الله کریمی، کاپیتان علیرضا مرتضی‌زاده، مهندس حسن هوشنگی
- رمزشناسی (برون‌پذیر): دکتر ترانه اقلیدس، دکتر مهشید دلاور، مهندس حبیب رستمی، دکتر هادی شهریار شاه‌حسینی، دکتر جواد شیخ‌زادگان، مهندس جواد مهاجری
- روان‌شناسی: دکتر حسن رفیعی، دکتر رضا زمانی، دکتر سیدحسین مجتهدی، دکتر غلامحسین معتمدی، سعید نوروزی جوینانی
- زبان‌شناسی: دکتر محمدتقی راشد‌محصل، دکتر محمدرضا رضوی، دکتر ویدا شقاقی، دکتر مصطفی عاصی، دکتر گلناز مدرسی قوامی، دکتر مهشید میرفخرایی

زمین‌شناسی: دکتر عبدالحسین امینی، مهندس عباس جعفری، دکتر مجید قادری، دکتر محمدرضا قاسمی، دکتر سروش مدبری، دکتر فرید مُر

زیست‌شناسی - شاخه ژن‌شناسی و زیست‌فناوری: دکتر علیرضا زمردی‌پور، دکتر سارا غروی، دکتر علی فرازند، دکتر رحیم هنرنژاد

زیست‌شناسی - شاخه علوم گیاهی: دکتر شاهین زارع، دکتر مرتضی عطری، دکتر فرخ قهرمانی‌نژاد، دکتر ولی‌الله مظفریان، دکتر علی‌اصغر معصومی، دکتر وحید نیکنام

ژئوفیزیک: دکتر اسدالله جوع عطا بیرمی، دکتر حسین زمرّدیان، دکتر حمیدرضا سیاه‌کوهی، دکتر لطیف کاشیگر، دکتر میرستار مشین‌چی اصل، دکتر نوربخش میرزایی

علوم سلامت: دکتر سیدعلی آذین، دکتر حسن رفیعی، دکتر فرشید مرادیان.

علوم نظامی: سرهنگ خلبان رضا آقاجانی، محمدرضا آهنی، سرهنگ ابراهیم اسدیان، سرهنگ مسعود اسفندیاری، سرهنگ پاسدار دکتر سیداسماعیل افتخاری، ولی‌الله اکبر ثنّادی، سرهنگ دکتر غلامحسین بیابانی، مهدی حاج‌آقایی، ناخدا سوم امید روحی، ناخدایکم محمود زندوکیلی، مهندس شهریار سلامی، سرهنگ خلبان محمداسماعیل شریفان، علی عرفان، سرهنگ سورج گلشنی، مهندس سیدعلی ملیح، مصطفی منصورمقدم، مهدی مهدی‌پور، سرهنگ پاسدار محمد یکه‌دهقان

علوم و فناوری غذا: دکتر زهرا امام‌جمعه، دکتر خدیجه خوش‌طینت، دکتر پروین زندی، دکتر محمدعلی سحری، دکتر محمد شاهدهی، دکتر سیدعبّاس شجاع‌الساداتی، دکتر هوشنگ نیکوپور

علوم و فناوری غذا - شاخه قهوه‌پژوهی: هژیر امین‌الهی، صفا صالحی، محمدحسین (صفا) هراتیان، دکتر مهران صولتی هشجین

عمومی: مهدیه برآبادی (دبیر گروه)، عبدالعزیز تاتار، ملیحه تفسیری*، دکتر فرشید سمائی، محمود ظریف، دکتر فرزین غفوری، علی مهرامی

فناوری اطلاعات و ارتباطات: دکتر خلیل بسطامی، مهندس عباس پورخصالیان، مهندس سیدعلی اصغر رهنما فرد، مهندس عباس زندباف، مهندس علی اکبر محسن زاده، مهندس مهدی مخلصیان

فلسفه: دکتر مهدی اخوان، دکتر امیدرضا جانباز، آرش جمشیدپور، پریسا عدالتی شعرباف، دکتر حمیدرضا محبوبی آرانی، دکتر مرتضی نوری

فیزیک: دکتر فیروز آرش، دکتر محمدابراهیم ابوکاظمی، مهندس محمدرضا بهاری، دکتر سید روح الله عقدایی، ناصر مقبل، دکتر عزالدین مهاجرانی

قطعات و اجزای خودرو: دکتر حمید رحمانی سراجی*، دکتر مسعود شریعت پناهی، مهندس حسن صالحی پور، دکتر علی قاضی زاده

گردشگری و جهانگردی: اسدالله ژیان رئیس روحانی، محمدمهدی ضیالالدین، جهاندار مظاهری، مونا میرحسینی، جلال نصیریان

مدیریت (برون پذیر): دکتر عباس بازرگان، دکتر حسین رحمان سرشت، دکتر فرج الله رهنورد، دکتر شمس السادات زاهدی، دکتر اکبر عالم تبریز، مهندس مهرداد علیمرادی، دکتر محمد صائبی، فاطمه مستعد

مدیریت پروژه: دکتر محمدحامد امام جمعه زاده، مهندس علی اکبر صابری، مهندس رضا ضیایی، دکتر محمدمهدی مرتهب

موسیقی: دکتر مهرداد پاکباز، مانی جعفرزاده، مهندس حمیدرضا رضایی، دکتر مریم قره سو، سهراب کاشف، نادر مشایخی، دکتر امین هنرمند

مهندسی بسپار - مجموعه بسته بندی: دکتر غلامرضا پیرچراغی، مهندس فاطمه صولت، دکتر علی عباسیان، دکتر نادر طاهری (عضو مدعو)، دکتر حسین غیائی نژاد (عضو مدعو برای خوشه واژه «زمین ساز»)، دکتر اسماعیل قاسمی، دکتر محمد کریمی، دکتر میلاد

مهندسی محیط‌زیست و انرژی: مهندس اکرم پایدار، دکتر رضا خیراندیش، دکتر جلال‌الدین شایگان سالک، دکتر سید محمود شریعت، دکتر منصور غیاث‌الدین، بهرام معلمی، دکتر سیمین ناصری

مهندسی منابع طبیعی - شاخه جنگل و محیط‌زیست: دکتر هوشنگ سبحانی، دکتر سیدیوسف عرفانی فرد، دکتر جهانگیر فقهی، دکتر محمدرضا مروی مهاجر، بهرام معلمی

مهندسی نقشه‌برداری: مهندس علی‌اکبر امیری، دکتر محمود ذوالفقاری، دکتر عباس علی محمدی، دکتر عباس مالیان، دکتر محمدرضا مباشری، دکتر محمدرضا ملک نجوم (برون‌پذیر): مهندس محمدرضا بهاری، دکتر مهدی خاکیان قمی، علی کوهپایایی (دبیر)، دکتر رضا منصوری، دکتر محمدتقی میرترابی

همکاران فنی

ویراستاران فنی: عفت امانی*، لیدا خیمر، فتنه نادری

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: اکرم زر محمدی، زهرا ساقی شیویاری، مهناز مسیبی

اصول و ضوابط واژه‌گزینی

مصوب جلسه سیدوسی ویکم (مورخ ۸۶/۹/۲۶)

شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۱. تعاریف

با توجه به اینکه درباره برخی اصطلاحات به‌کاررفته در متن اصول و ضوابط واژه‌گزینی نظرات متفاوتی وجود دارد، لازم است مراد ما در این متن به‌وضوح بیان شود.

۱.۱ واژه

واژه در این متن به دو معنی به‌کار می‌رود:

۱.۱.۱ لفظی که از یک یا چند جزء معنی‌دار ساخته شده است و از لحاظ دستوری به یکی از مقوله‌های اسم یا ضمیر یا صفت یا قید یا فعل یا عدد یا حرف اضافه یا حرف ربط یا صوت تعلق دارد. چنین لفظی از نظر ساختمان ممکن است بسیط یا مشتق یا مرکب یا مشتق-مرکب باشد.

۱.۱.۲ لفظی که دست‌کم در یکی از رشته‌های علمی و فنی و حرفه‌ای و هنری دارای تعریفی مشخص است. چنین لفظی ممکن است یک واژه (به معنی ۱.۱.۱) یا یک عبارت یا یک صورت اختصاری باشد. واژه در این معنی مترادف با اصطلاح است.

در این متن لفظ «واژه» در کلمه‌های «واژه‌گزینی» و «واژه‌نامه» و در عبارت «واژه/ واژه‌های مصوب» در معنی دوم به‌کار رفته است.

۲.۱ واژه‌گزینی

واژه‌گزینی فرایندی است که در طی آن برای یک مفهوم مشخص علمی یا فنی یا حرفه‌ای یا هنری معمولاً یک و در مواردی بیش از یک لفظ برگزیده یا ساخته می‌شود.

۳.۱ زبان فارسی

زبان فارسی زبانی است که هم‌اکنون در کشورهای ایران (به نام فارسی) و تاجیکستان (به نام تاجیکی) تنها زبان رسمی، و در افغانستان (به نام دری) یکی از دو زبان رسمی است و در برخی جوامع که در حوزه نفوذ فرهنگی ایران قرار داشته‌اند، گروهی از مردم بدان می‌نویسند و تکلم می‌کنند. از قرن سوم هجری به بعد، متون نوشتاری فراوانی به این زبان به جا مانده است.

۴.۱ واژه فارسی

گنجینه واژگانی زبان فارسی که در واژه‌گزینی مورد استفاده قرار می‌گیرد از عناصر زیر تشکیل شده است:

۱. ۴. ۱ همه واژه‌های فارسی تبار که در فرهنگ‌های معتبر امروز ضبط شده‌اند.
۱. ۴. ۲ همه واژه‌های عربی تباری که یا در فارسی امروز تداول دارند و/ یا دست‌کم در چند متن معتبر نظم و نثر فارسی، عمدتاً تا اواخر قرن پنجم، به کار رفته‌اند.
۱. ۴. ۳ همه واژه‌هایی که تبار هندی یا ترکی یا یونانی یا مغولی و مانند اینها دارند و در فارسی امروز متداول‌اند یا در متون تخصصی معتبر به کار رفته‌اند.
۱. ۴. ۴ هر واژه اروپایی که شرایط زیر را داشته باشد:
۱. ۴. ۴. ۱ در میان عموم فارسی‌زبانان متداول باشد.
۱. ۴. ۴. ۲ در زبان مبدأ واژه‌ای بسیط باشد و در غیر این صورت، ساختار صرفی آن چنان باشد که مانع از اعمال فرایندهای واژه‌سازی فارسی بر روی آن نشود.
۱. ۴. ۴. ۳ فرهنگستان با توجه به نظر متخصصان به دلایلی معادل‌یابی برای آن را ضروری نداند.

۱. ۵ زبان علم

زبان علم گونه‌ای از زبان است که نقش اصلی آن برقراری ارتباط میان اهل علم و بیان مطالب علمی در گفتار و نوشتار است و علاوه بر تعامل با دیگر گونه‌های زبان و بهره‌گیری از واژگان و فرایندهای واژه‌سازی آنها، دارای واژگان ویژه و روش‌های خاص خود در واژه‌گزینی است.

۲. اصول موضوعه

- مراد از اصول موضوعه اصولی است که فرهنگستان، با توجه به وظایفی که در اساسنامه بر عهده‌اش نهاده شده است، پس از بحث و بررسی فراوان آنها را پذیرفته است و اگر نه برای همیشه، برای مدتی طولانی، درستی یا نادرستی آنها را در درون فرهنگستان قابل بحث نمی‌داند. این اصول عبارت‌اند از:
۲. ۱ توسعه علمی نیازمند زبان علمی است.
 ۲. ۲ زبان علم در ایران زبان فارسی است و باید فارسی بماند.
 ۲. ۳ زبان علمی فارسی برای بقا نیازمند واژه‌گزینی سازمان‌یافته و روشمند است.

۳. منابع واژه‌گزینی

منظور از منابع واژه‌گزینی مجموعه واژه‌هایی است که می‌توان در واژه‌گزینی از آنها بهره گرفت. این منابع عبارت‌اند از:

۳. ۱ همه واژه‌هایی که بنا به آنچه در ۱. ۴ آورده‌ایم فارسی به شمار می‌آیند، صرف‌نظر از تبار آنها.
- تبصره: در انتخاب واژه اولویت با واژه‌هایی است که بتوان آنها را در فرایندهای واژه‌سازی با سهولت بیشتری به کار برد. به بیان دیگر، اشتقاق‌پذیری و ترکیب‌پذیری و تصریف‌پذیری مهم‌ترین مؤلفه‌ها در انتخاب یک واژه از میان گنجینه واژه‌هاست.

۳. ۲ واژه‌های متعلق به زبان‌ها و گویش‌های زنده ایرانی.
۳. ۳ واژه‌ها و ریشه‌های متعلق به زبان‌های باستانی و میانه ایران.
۳. ۴ واژه‌ها و صورت‌های ترکیبی^۱ اروپایی که دست‌کم شرایط مندرج در بندهای ۱. ۴. ۲ و ۱. ۴. ۳ را دارا باشند، یعنی:
- در زبان مبدأ واژه‌ای بسیط باشند و در غیر این صورت، ساختار صرفی آنها چنان باشد که مانع از اعمال فرایندهای واژه‌سازی فارسی بر روی آنها نشود.
- فرهنگستان با توجه به نظر متخصصان به دلایلی معادل‌یابی برای آنها را ضروری نداند.

۴. شیوه‌های واژه‌گزینی

- واژه‌گزینی برای یک مفهوم مشخص به چهار روش انجام می‌گیرد:
۴. ۱ برگزینش: انتخاب یک واژه یا عبارت از میان واژه‌ها و عبارت‌های موجود در زبان.
۴. ۲ نوگزینش: انتخاب یک واژه موجود در زبان و دادن مفهومی جدید به آن به طوری که با مفهوم اولیه بی‌ارتباط نباشد.
۴. ۳ ساختن اصطلاح: ساختن اصطلاح به سه شیوه زیر انجام می‌گیرد:
۴. ۳. ۱ واژه‌سازی: ساختن یک واژه جدید مشتق یا مرکب یا مشتق-مرکب.
۴. ۳. ۲ ساختن گروه نحوی: ساختن یک گروه نحوی با به کار بردن دست‌کم دو واژه صورت می‌گیرد. این واژه‌ها با کسره اضافه یا یکی از حروف اضافه به هم پیوند می‌یابند.
۴. ۳. ۳ اختصارسازی: ساختن اختصار به یکی از روش‌های سرواژه‌سازی یا آمیزه‌سازی (نحت) یا اختصار حرف به حرف انجام می‌شود.
۴. ۴ وام‌گیری: اخذ یک واژه از زبان‌های بیگانه (معمولاً غربی) با همان مفهومی که در زبان مبدأ دارد. وام‌گیری عمدتاً در موارد زیر صورت می‌گیرد:
۴. ۴. ۱ واحدهای اندازه‌گیری و اسامی شیمیایی و نام داروها و مانند آنها.
۴. ۴. ۲ واژه‌های اروپایی که هرچند در میان عموم فارسی‌زبانان متداول نیستند، شرایط مندرج در بندهای ۱. ۴. ۲ و ۱. ۴. ۳ و واژه‌های اروپایی را دارند، یعنی:
- در زبان مبدأ واژه‌ای بسیط باشند و در غیر این صورت ساختار صرفی آنها چنان باشد که مانع از اعمال فرایندهای واژه‌سازی فارسی بر روی آنها نشود.
- فرهنگستان با توجه به نظر متخصصان به دلایلی معادل‌یابی برای آنها را ضروری نداند.

۵. روش‌های معادل‌یابی

معادل‌یابی عبارت است از برگزیدن یک واژه یا عبارت یا صورت اختصاری در مقابل یک لفظ بیگانه. معادل‌یابی به دو صورت انجام می‌گیرد:

۱. ۵. معادل‌یابی مفهومی: در این روش بدون توجه به ساختار اصطلاح بیگانه و فقط با در نظر گرفتن معنی و تعریف آن در زبان فارسی یک معادل یافته یا ساخته می‌شود.

۲. ۵. گرده‌برداری: در این روش معادل‌یابی با توجه به ساختار اصطلاح بیگانه صورت می‌گیرد، به این معنی که در مقابل هر جزء معنی‌دار اصطلاح بیگانه یک جزء معنی‌دار در زبان فارسی قرار داده می‌شود. معادل‌یابی با هریک از دو روش بالا که صورت گیرد، در قالب یکی از شیوه‌های واژه‌گزینی می‌گنجد.

۶. ضوابط واژه‌گزینی

مراد از ضوابط واژه‌گزینی بایدونبایدها و اولویت‌هایی است که شایسته است در امر واژه‌گزینی رعایت شود.

۱. ۶. در ساختن اصطلاح باید قواعد دستور زبان فارسی رعایت شود.

۲. ۶. در واژه‌گزینی شایسته است اصطلاحی برگزیده شود که بتوان آن را، بنا به ضرورت، در فرایندهای واژه‌سازی بعدی، یعنی انواع اشتقاق و ترکیب، به کار برد.

۳. ۶. در واژه‌گزینی باید قواعد آوایی زبان فارسی رعایت شود. همچنین باید تلفظی از وام‌واژه‌ها اختیار شود که با قواعد واج‌آرایی و ساختار هجایی زبان فارسی مطابقت داشته باشد.

۴. ۶. در املای واژه‌ها باید از دستور خط فرهنگستان پیروی شود. در صورت نیاز می‌توان از برخی علائم سجاوندی که هنوز در خط فارسی قبول نیافته‌اند نیز استفاده کرد.

۵. ۶. فرهنگستان می‌تواند، بنا به ضرورت، از فرایندهای واژه‌سازی کم‌سابقه یا بی‌سابقه در زبان فارسی استفاده کند.

۶. ۶. هر واژه‌ای را که فارسی محسوب شود، صرف‌نظر از تبار آن، می‌توان در فرایندهای واژه‌سازی به کار برد و با پیشوندها و پسوندها و واژه‌های اصیل فارسی ترکیب کرد و با آن واژه یا واژه‌های جدید ساخت.

۷. ۶. در مورد اشتراک لفظی و معنایی در واژه‌های بیگانه و معادل‌های فارسی آنها از ضوابط زیر پیروی می‌شود:

۱. ۷. ۶. در مقابل یک لفظ بیگانه که دارای یک مفهوم مشخص است شایسته است که در تمامی حوزه‌ها یک معادل فارسی اختیار شود، مگر اینکه در حوزه‌های مختلف از دیرباز معادل‌های متفاوتی در مقابل آن لفظ بیگانه کاملاً تداول یافته باشد.

- ۲.۷.۶ در مقابل یک لفظ بیگانه در یک حوزه مشخص فقط باید یک معادل فارسی اختیار شود، مگر اینکه آن لفظ در همان حوزه دارای چند مفهوم متفاوت باشد.
- ۳.۷.۶ هرگاه یک اصطلاح بیگانه دارای چند مفهوم باشد، به منظور بیان دقیق مقصود، برای هر یک از مفاهیم می‌توان یک معادل فارسی اختیار کرد.
- ۴.۷.۶ در صورت وجود چند لفظ بیگانه برای یک مفهوم واحد، بهتر است در زبان فارسی در مقابل آن فقط یک معادل اختیار شود، اما، بنا به ضرورت، از جمله سابقه و رواج، می‌توان برای هر یک از الفاظ بیگانه یا برخی از آنها نیز معادلی برگزید.
- ۵.۷.۶ استفاده از یک معادل فارسی برای چند اصطلاح بیگانه در حوزه‌های مختلف مجاز است.

نشانه‌های اختصاری

علوم سلامت	[سلامت]	مهندسی بسپار- مجموعه بسته‌بندی	[بسپار]
فناوری اطلاعات و ارتباطات	[فاوا]	مهندسی منابع طبیعی - شاخه جنگل	[جنگل]
علوم و فناوری غذا	[فناوری غذا]	و محیط‌زیست	
علوم و فناوری غذا - شاخه		قطعات و اجزای خودرو	[خودرو]
قهوه‌پژوهی	[قهوه‌پژوهی]	حمل‌ونقل درون‌شهری - جاده‌ای	[درون‌شهری]
گردشگری و جهانگردی	[گردشگری]	حمل‌ونقل دریایی	[دریایی]
زیست‌شناسی - شاخه علوم گیاهی	[گیاهی]	روان‌شناسی	[روان]
مدیریت پروژه	[م. پروژه]	حمل‌ونقل ریلی	[ریلی]
مهندسی محیط‌زیست و انرژی	[محیط‌زیست]	زبان‌شناسی	[زبان]
علوم نظامی	[نظامی]	زیست‌شناسی - شاخه ژن‌شناسی و	[ژن‌شناسی]
مهندسی نقشه‌برداری	[نقشه‌برداری]	زیست‌فناوری	
حمل‌ونقل هوایی	[هوایی]	ژئوفیزیک	[ژئو]

صورت اختصاری واژه فارسی	اختص.	انگلیسی امریکایی	(am.)
مترادف واژه فارسی	مت.	انگلیسی بریتانیایی	(br.)
کارگروه برون‌پذیر	←	آلمانی	(de.)
صورت اختصاری واژه بیگانه	abbr.	فرانسه	(fr.)
مترادف واژه بیگانه	syn.	یونانی باستان	(gr.)
صورت کامل	f. f.	ایتالیایی	(it.)
		لاتینی	(lat.)

واژه‌های مصوّب فرهنگستان

به ترتیب الفبای فارسی

آ، آ

[نظامی] آتشی که برای حمایت از سربازانی تدارک دیده می‌شود که در محدوده سلاح‌های سبک دشمن هستند

آتش پهلوئی flanking fire
[نظامی] آتشی که عمود بر پهلوئی دشمن گشوده می‌شود

آتش هجومی assault fire
[نظامی] نوعی آتش که سربازان حمله‌کننده در هنگام نزدیک شدن به دشمن اجرا می‌کنند

آرپی‌جی‌زن RPG operator
[نظامی] فردی که مسئول پرتاب راکت آرپی‌جی است

آزادراه freeway, autobahn
[درون‌شهری] راه شریانی اصلی با مسیر رفت و برگشت مجزا که در فاصله تقاطع‌های غیر هم‌سطح هیچ دسترسی ندارد

آبخنک‌سازی hydrocooling
[فناوری غذا] خنک کردن محصولات حساس به حرارت، مانند برخی میوه‌ها و سبزی‌ها با قرار دادن آنها در جریان آب سرد

آب‌سنج hydrometer
[فناوری غذا] ابزاری برای آب‌سنجی

آب‌سنجی hydrometry
[فناوری غذا] تعیین وزن مخصوص یک مایع معمولاً با استفاده از لوله در بسته مدرج

آبکش کردن dewatering
[فناوری غذا] خارج‌سازی آب اضافی از ماده غذایی پس از شست‌وشوی آن

آپپ ← آموزش پرواز پایه

آتش پوششی covering fire, suppressing fire

- pressure test** **آزمون فشار**
[موازی] تحت فشار قرار دادن محفظه فشار مانند کپسول‌ها و تنه هواگرد تحت فشار برای تعیین مقاومت و میزان نشتی هوا از آن
- pressure test** **آزمون‌های خودپنداره**
self-concept tests
[روانشناسی] آزمون‌های شخصیت برای تعیین نگرش افراد به جنبه‌هایی از خصوصیات خود
- deterministic tests** **آزمون‌های قطعیتی**
[آمار] انواع بازبینی‌های سازگاری و تجربی برای آشکارسازی خطاهای فاحش در مجموعه مشاهدات
- hot-rolled sphalt** **آسفالت گرم**
[درون‌شهری] نوعی خاص از آسفالت سطحی (sheet asphalt) با دانه‌بندی درشت برای روسازی مسیرهای دارای تردد بسیار
- wet milling** **آسیا کردن مرطوب**
[اقتساری غذا] نوعی فرایند جداسازی مواد تشکیل‌دهنده یک ماده که در آن ابتدا مواد در آب خیسانده و سپس آسیا می‌شوند
- alpha-particle detector** **آشکارساز ذره آلفا**
[فیزیک] اتاقک یونشی که دارای سنجنده شمارگر و پنجره نازکی است که ذرات آلفای فرودی می‌توانند از آن وارد شوند
- magnetic-particle testing** **آزمایش ذرات مغناطیسی**
[دبلی] روش آزمایشی غیرمخرب برای تشخیص ترک یا ناپیوستگی در قطعات ماشین‌کاری شده و ریخته‌گری شده
- destructive testing** **آزمایش مخرب**
[م. پروژه] آزمونی برای بررسی پایداری و دوام آزمودنی در سخت‌ترین شرایط عملکردی تا آستانه تاب‌آوری و شکست آن به منظور تعیین ضعف‌های طراحی و ساخت که در شرایط عادی امکان تشخیص آنها وجود ندارد
- non-destructive testing** **آزمایش نامخرب**
[م. پروژه] آزمونی برای واپایش کیفیت که در طی آن آسیب یا تغییری در آزمودنی ایجاد نمی‌شود
- destructive testing** **آزمون تخریبی**
[آمار] نوعی آزمون بازرسی بر روی یک محصول تولیدی که موجب تخریب واحد نمونه‌گیری می‌شود
- complementation test** **آزمون تکمیل‌سازی**
[ژن‌شناسی] آزمونی برای تشخیص اینکه آیا دو جهش در یک ژن مشابه رخ داده یا در ژن‌های متفاوت
- cis-trans test** **م. آزمون سیس-ترانس**
- آزمون سیس-ترانس**
← آزمون تکمیل‌سازی

[زبان‌شناسی] درهم‌آمیختن دو یا چند واژه و تبدیل شدن آنها به یک واژه

آمیزش انتخابی nonrandom mating
[ژن‌شناسی] آمیزش بین افراد براساس انتخاب

آمیزش تصادفی random mating
[ژن‌شناسی] آمیزش بین افراد بدون توجه به ژن‌نمود

آوند cask
[بسه‌پار] هر نوع گنجاییه و ویژه مایعات با ظرفیت‌های متنوع، از ۲ تا ۱۰۰۰ لیتر

آهنگ جهش mutation rate
[ژن‌شناسی] شمار جهش‌ها در یک ژن در واحد زمان

آبربازار megamall
[عمومی] مرکز خرید بسیار بزرگ شامل شمار بسیاری مغازه و فروشگاه و سینما و غذاخوری

آبرپیچ ← دِنای آبرپیچیده

آبرپیچش supercoiling
[ژن‌شناسی] پیچش یک مولکول دورشته‌ای حلقوی بسته دِنای دور محور خود

آبرپیچش مثبت, positive supercoiling, overwinding
[ژن‌شناسی] پیچش مولکول دِنای هم‌جهت با پیچش مارپیچ دوگانه دِنای

آلتو alto

[موسیقی] ۱. صدای بم زنان که کمتر آلتو هم نامیده می‌شود. ۲. صدای زیر مردان که به صورت فالستو (falsetto) خوانده و کنترل‌تور هم نامیده می‌شود. ۳. بخش بم‌تر بلافاصله پس از سُپرانو در موسیقی چهاربخشی آوازی ۴. عضو بم‌تر بلافاصله پس از سُپرانو در برخی خانواده‌های سازی

آماده‌سازی preparation

[باستان‌شناسی] مرحله‌ای پس از برگیرش در چرخه فرآوری (behavioral processes) که در آن خوراک با تغییر و تبدیل مواد خام آلی فراهم می‌شود.

آماده‌سازی ساختگاه site preparation

[م. پروزه] سامان‌دهی و آماده‌سازی ساختگاه برای شروع عملیات اصلی

آماده فروش ← اتاق آماده فروش

آماره توصیفی descriptive statistic

[آمار] نوعی آماره برای توصیف و سازمان‌دهی داده‌های نمونه

آموزش پرواز پایه

basic flying training

[نظامی] مرحله‌ای از آموزش پرواز، بین مرحله مقدماتی و مرحله پیشرفته
/خت. آ.پ.پ BFT

آمیختگی amalgamation

decompression chamber, اتاق ارتفاع
altitude chamber, environmental
chamber, hypobaric chamber

[مراپی] محفظه‌ای که در آن خلبانان و
فضانوردان تحت آزمایش محیط بی‌فشار قرار
می‌گیرند

sleeper اتاق اشغال‌نما

[گردشگری] اتاقی که مهمان آن تسویه‌حساب کرده
و مهمانخانه را ترک کرده است، اما در نتیجه
قصور کارکنان پیشخان اطلاعات آن به‌روز
نشده است
مت. اشغال‌نما

occupied اتاق پُر

[گردشگری] اتاقی که در حال حاضر به نام یک
مهمان مشخص ثبت شده است

occupied/clean, OC اتاق پُر مرتب

[گردشگری] اتاق اشغالی که خدمات خانه‌داری آن
انجام شده است
مت. پُر مرتب

occupied/dirty, OD اتاق پُر نامرتب

[گردشگری] اتاق پُری که خدمات خانه‌داری از شب
قبل در آن انجام نشده است
مت. پُر نامرتب

stayover اتاق تمدیدی

[گردشگری] اتاقی که مهمان آن سر تاریخ مقرر
مهمانخانه را ترک نمی‌کند و دست‌کم یک شب
دیگر در همان اتاق می‌ماند
مت. تمدیدی

negative supercoiling, منفی آبرپیشش
underwinding

[ژن‌شناسی] پیچش مولکول دنا ناهم‌جهت با پیچش
مارپیچ دوگانه دنا

star cloud ابر ستاره‌ای

[← نجوم] ناحیه‌ای از آسمان، به‌ویژه در کهکشان
راه شیری، که به‌دلیل تجمع ستاره‌ها مانند ابر
به نظر می‌رسد

polarity superchron ابرگاه قطبایی

[ژئوفیزیک] طولانی‌ترین واحد گاه‌شناختی قطبایی
مت. دوره قطبایی

polarity period

آبرمارپیچ ← دِنای آبرپیچیده

ابهام دستوری ← ابهام ساختی

structural ambiguity, ابهام ساختی
constructional homonymy,
constructional homonymity

[زبان‌شناسی] رابطه بین اجزای سازنده واحدهای
نحوی، مانند گروه و جمله، که صورت یکسانی
دارند، اما معنی و ساختار آنها متفاوت است
مت. ابهام دستوری grammatical ambiguity

vacant and ready, اتاق آماده فروش

VR

[گردشگری] اتاقی که نظافت و بازبینی شده و برای
پذیرش مهمان جدید آماده است
مت. آماده فروش

[گردشگری] اتاقی که مهمان می‌تواند، برای ممانعت از ارائه خدمات خانه‌داری، در آن را از داخل با قفل شب‌بند (dead bolt) ببندد

out of order, **اتاق غیرقابل فروش**
OOO

[گردشگری] اتاقی که به دلایل گوناگون از موجودی مهمانخانه خارج می‌شود
مت. غیرقابل فروش

due out **اتاق فرداخلی**

[گردشگری] اتاقی که قرار است روز بعد در زمان خروج خالی شود
مت. فرداخلی

dark cockpit **اتاق تاریک**

[موابی] نوعی اتاق خلبان که در آن تا زمانی که همه سامانه‌های هواگرد به درستی عمل می‌کنند هیچ چراغی روشن نمی‌شود

pressurized cabin **اتاق تحت فشار**

[موابی] محل استقرار سرنشینان هواگرد که فشار آن، با متراکم کردن فشار هوای بیرون و راندن آن به داخل، بیش از فشار بیرون است

glass cockpit, **اتاق شیشه‌ای**
glass CRT cockpit

[موابی] نوعی اتاق خلبان که در آن به جای آلات دقیق عقربه‌ای از نمایشگر استفاده می‌شود

live room **اتاق مانایی**

[موسیقی] اتاقی که در آن اصوات به وضوح انعکاس می‌یابند

vacant/clean, VC **اتاق خالی مرتب**

[گردشگری] اتاقی که خانه‌دار آن را نظافت کرده، اما برای فروش هنوز بازبینی نشده و به تأیید سرپرست یا مدیر نرسیده است
مت. خالی مرتب

on-queue **اتاق در اولویت**

[گردشگری] اتاق آماده‌نشده‌ای که به دلیل ورود مهمان آن به هتل، در نوبت اول کارهای بخش خانه‌داری قرار دارد
مت. در اولویت

on-change, **اتاق در حال تعویض**
vacant/dirty, VD

[گردشگری] اتاقی که مهمان آن را تحویل داده، اما هنوز نظافت نشده است و آماده پذیرش مهمان نیست
مت. در حال تعویض

اتاق در حال نظافت

cleaning in progress

[گردشگری] اتاقی در مهمانخانه که خدمتکار در حال نظافت آن است
مت. در حال نظافت

out of service, **اتاق در دست تعمیر**
OOS

[گردشگری] اتاقی که به دلیل خرابی‌های جزئی به طور موقت بسته می‌شود، اما از موجودی اتاق‌های مهمانخانه کسر نمی‌شود
مت. در دست تعمیر

double-locked room **اتاق دوقفله**

<p>heavy bus اتوبوس سنگین</p> <p>[درون‌شهری] اتوبوسی که وزن کل آن بیش از حد تعیین‌شده در مقررات است</p>	<p>lock out اتاق مسدود</p> <p>[گردشگری] اتاقی که مدیریت مهمانخانه آن را قفل می‌کند و مهمان آن، تا مشخص شدن وضعیتش، نمی‌تواند وارد آن شود</p> <p>مت. مسدود</p>
--	--

اثبات بیش‌تر او
maximum disclosure proof

[← رمزشناسی] نوعی روش اثبات در رمزنگاری که در آن اثبات‌کننده دارای اطلاعات و ارسی‌پذیر است و برای متقاعد ساختن و ارسی‌کننده به این واقعیت، اطلاعات را در اختیار او قرار می‌دهد، به طوری‌که و ارسی‌کننده خود قادر به اجرای روند و ارسی باشد

مت. اثبات بیشینه‌افشا

اثبات بیشینه‌افشا ← اثبات بیش‌تر او

اثبات دانش صفر ← اثبات ناتراوا

اثبات دانش صفر باز نشان‌پذیر
← اثبات ناتراوای باز نشان‌پذیر

اثبات دانش صفر غیرتعاملی
← اثبات ناتراوای غیرتعاملی

اثبات دانش صفر کامل
← اثبات ناتراوای کامل

اثبات شناسه identity proofing

[← رمزشناسی] فرایند ارائه و تأیید اطلاعات کافی برای شناسایی منحصر به فرد هر فرد از سوی مراجع ثبت گواهی و صدور اعتبارنامه

اتاق مهمان‌گریخته skipper

[گردشگری] اتاقی که مهمان آن، بدون پرداخت صورت‌حساب، مهمانخانه را ترک کرده است

مت. مهمان‌گریخته

اتاق میرایی dead room

[موسیقی] اتاقی که در آن غالب اصواتی که به سطوح دیوارها می‌رسند، جذب می‌شوند

اتحادیه جهانی حفاظت
World Conservation Union

[جنگل] سازمانی غیردولتی که در سال ۱۹۴۸ با هدف حفاظت از منابع طبیعی و حیات وحش، از طریق پشتیبانی و ترویج اقدامات دانش‌بنیان تأسیس شد و از جمله اقدامات آن انتشار فهرست قرمز و کتاب قرمز است

اخت. اجات
IUCN
f. f. International Union for Conservation of Nature

* صورت کامل این اصطلاح امروزه دیگر کاربرد ندارد، اما صورت اختصاری آن IUCN در کنار اصطلاح World Conservation Union به کار می‌رود

اتلاف چکه‌ای drip loss

[فناوری غذا] کاهش وزن محصولات غذایی بر اثر خارج شدن یا از دست رفتن مایعات بافتی آنها

[رمزشناسی] روشی برای کاهش شمار دورها در یک اثبات ناتراوا با ارسال تنها یک پیام از طرف اثبات‌کننده به واریسی‌کننده همراه با تغییر مدل به طوری که یک رشته تصادفی مشترک مرجع در دسترس تمامی شرکت‌کنندگان در قرارداد قرار می‌گیرد و اثبات‌کننده یک تک‌پیام به واریسی‌کننده می‌فرستد
مت. اثبات دانش‌صفر غیرتعاملی

اثبات ناتراوای کامل

perfect zero-knowledge proof,
perfect ZK proof

[رمزشناسی] روشی که در آن مقدار اطلاعاتی که از اثبات‌کننده به واریسی‌کننده نشت می‌کند برابر با صفر است. این نوع اثبات در قراردادهای توافق کلید و طرح‌های رمزگذاری (encryption schemes) و امضاهای رقمی به کار می‌رود
مت. اثبات دانش‌صفر کامل

اثر استاین ← برآوردگر انقباضی

rain print

اثر باران

[زمین‌شناسی] گودی کوچک و کم‌عمق دهانه‌شکل با حاشیه‌های اندک برآمده که بر اثر برخورد قطرات باران در رسوبات دانه‌ریز ایجاد می‌شود

impact mark, prod mark اثر برخورد

[زمین‌شناسی] ۱. در رسوب‌شناسی، نشانی که بر اثر تماس یا برخورد یک شیء، عمدتاً ذره رسوبی، با سطح لایه به وجود می‌آید ۲. در زمین‌شناسی ساختاری، نشانه‌ای از جهت لغزش در سطح گسل
مت. نشان برخورد

اثبات کم‌تراوا

minimum disclosure proof

[رمزشناسی] نوعی روش اثبات در رمزنگاری که در آن اثبات‌کننده بدون هیچ شبهه‌ای می‌تواند واریسی‌کننده را به صحت اطلاعات خود متقاعد کند به طریقی که واریسی‌کننده نتواند از محتوای این اطلاع باخبر شود
مت. اثبات کمینه‌افشا

اثبات کمینه‌افشا ← اثبات کم‌تراوا

zero-knowledge proof, اثبات ناتراوا
ZK proof

[رمزشناسی] نوعی روش اثبات در رمزنگاری که در آن اثبات‌کننده می‌تواند به واریسی‌کننده اثبات کند که یک گزاره مفروض درست است، بدون آنکه هیچ اطلاعاتی به‌جز درستی گزاره به واریسی‌کننده منتقل شود
مت. اثبات دانش‌صفر

اثبات ناتراوای بازنشان‌پذیر

resettable zero-knowledge proof,
resettable ZK proof

[رمزشناسی] نوعی روش اثبات دانش‌صفر که حتی در صورت تعامل چندباره مهاجم با اثبات‌کننده، هر بار با بازنشانی اثبات‌کننده به حالت اولیه و وادار کردن او به استفاده از همان نوار تصادفی (random tape)، همچنان ناتراوا باقی بماند
مت. اثبات دانش‌صفر بازنشان‌پذیر

اثبات ناتراوای غیرتعاملی

non-interactive zero-knowledge
proof, NZK proof

<p>اجازه‌نامه هزینه‌کرد authority for expenditure, application for expenditure, authorization for expenditure</p>	<p>اثر دینام dynamo effect [ژئوفیزیک] فرایندی در یون‌سپهر که در طی آن بادها و برابند یونش در میدان مغناطیسی سبب ایجاد جریان القایی می‌شود</p>
<p>[م. پروژه] سند رسمی درخواست اجازه هزینه کردن از محل منابع سرمایه‌ای برای تأمین اهداف کسب‌وکار اختص. / اِهک AFE</p>	<p>اثر شیء tool mark [زمین‌شناسی] نوعی نشان جریان بر بستر گلی که در نتیجه حمل یک جسم جامد با جریان به وجود می‌آید و معمولاً قالب آن در قاعده لایه رویی حفظ می‌شود</p>
<p>اجتماع معرفتی epistemic community [فلسفه] جماعتی که مبانی معرفتی‌شان متأثر از شرایط اجتماعی و ساختارهای حاکم برآمده از آن و باورهای پایه‌ای اجتماعشان باشد</p>	<p>اثر کندگی scour mark [زمین‌شناسی] نوعی نشان جریان که در آن اثر جریان آب بر سطح بستر به صورت کندگی یا شکستگی ظاهر می‌شود</p>
<p>اجرای راهبرد strategy execution [مدیریت] روشی مدیریتی مبتنی بر توانمندسازی کارکنان برای اتخاذ تصمیمات خرد عملیاتی هم‌سو با تصمیمات کلان سازمان</p>	<p>اثر محوری axial trace [زمین‌شناسی] خط برخورد صفحه محوری یک چین با سطح زمین یا هر سطح دیگر</p>
<p>احتمالاً منقرض possibly extinct [جنک] گونه‌ای که تنها براساس شواهد تاریخی شناخته شده است، ولی به کشف دوباره آن امید داریم</p>	<p>اجات ← اتحادیه جهانی حفاظت</p>
<p>احساسی گناه جمعی collective guilt [روان‌شناسی] احساسی ناخوشایند ناشی از نقض اصول اخلاقی توسط گروهی که فرد به آن تعلق دارد</p>	<p>اجازه پرواز flight clearance, clearance [نظامی] ۱. دادن مجوز برخاستن و ترک فرودگاه به یک یا چند هواپیما ۲. دادن مجوز پرواز در یک مسیر تحت شرایط معین</p>
<p>اخترلرزه starquake [نجوم] ۱. تغییرات کوچک و ناگهانی در دوره تناوب تپ‌اخترها یا ستاره‌های نوترونی ۲. هرنوع موج صوتی که در سطح یا درون ستاره منتشر می‌شود</p>	<p>اجازه در مسیر en route clearance [هوابی] اجازه تقرب به فرودگاه مقصد یا انتظار فرود هنگامی که هواگرد در پرواز مستقیم باشد</p>

[مغذایی غذا] ادعای تولیدکنندگان به سلامت بخش بودن محصولاتشان که بر روی بسته بندی درج می کنند

master **ارباب**

[سلامت] مردی که در انواع فعالیت های برده سازی و تندهی نقش فرادست را بازی می کند

ارتباطات نورمرئی

visible light communications,
light fidelity, LI-FI

[فناوری] سامانه ارتباطات بی سیم که اطلاعات را از طریق مدوله سازی با نور مرئی برای چشم انسان انتقال می دهد

VLC **اخت. - ارنوم**

ارتباط غیرکلامی

nonverbal communication

[روانشناسی] انتقال اطلاعات بدون استفاده از کلمات

density altitude **ارتفاع چگالی**

[مغذایی] ارتفاعی که بر حسب چگالی آن از سطح دریای آزاد و در مقایسه با چگالی استاندارد جو محاسبه می شود

pressure altitude **ارتفاع فشاری**

[مغذایی] ارتفاعی که بر حسب فشار از سطح دریای آزاد و در مقایسه با فشار استاندارد ۱۰۱۳/۲ میلی بار اندازه گیری می شود

اختلاف فشار اتاقک

cabin differential pressure

[مغذایی] تفاوت فشار بین درون و بیرون اتاقک هواگرد تحت فشار

sexual ethics² **اخلاق جنسی**

[سلامت] اصول اخلاقی حاکم بر روابط جنسی

professional ethics **اخلاق حرفه ای**

[مدیریت] استانداردها و ارزش ها و اصول پذیرفته شده حرفه ای و رفتاری در یک حرفه یا پیشه یا کسب و کار

sexual ethics¹ **اخلاق شناسی جنسی**

[سلامت] مطالعه جنسینگی انسان و رفتار جنسی او برای فهم و ارزیابی رفتار اخلاقی در زمینه روابط بین فردی و فعالیت های جنسی از منظر فلسفه اخلاق

public ethics **اخلاق عمومی**

[مدیریت] الزامها و هنجارهای حاکم بر رفتار کارکنان سازمان های دولتی و غیرانتفاعی

اداره ← اداره امور

administration² **اداره امور**

[مدیریت] فعالیت های مربوط به برنامه ریزی و سازماندهی و اجرا
مت. اداره

health claim **ادعای سلامتی**

[نظامی] بررسی میزان خسارات ناشی از بمباران
اعم از فیزیکی و اقتصادی
مت. ارزیابی خسارت نبرد
battle damage assessment

ارزیابی خسارت نبرد
← ارزیابی خسارت بمباران

ارزیابی نشده not evaluated, NE
[جنگ] آرایه‌ای که هنوز مطابق با ملاک‌های
اتحادیه جهانی حفاظت ارزیابی نشده است

ارکستر هارمونی
← سازگان هارمونی

ارنوم ← ارتباطات نورمرئی

اساس پُرتراکم heavily bound base
[درون‌شهری] لایه‌ای از رویه راه که حداقل مقاومت
فشاری آن ۴ مگاپاسکال است

استاد برشته‌کار master roaster,
roast master
[قهوه] فردی که دارای بالاترین تجربه و شناخت
و مهارت در فن برشته‌کاری است

استنباط بزرگ‌مقیاسی
large-scale inference
[آمار] استنباط آماری داده‌های بزرگ‌مقیاسی

استوار robust
[ژن‌شناسی] ویژگی سامانه‌ای زیستی که در برابر
جهش‌ها و نوسانات محیطی مقاوم است

ارتفاع فشاری اتاقک cabin altitude,
cabin pressure
[هواپیما] ارتفاع متناسب با فشار درون اتاقک

ارتفاع مغناطیسی magnetic elevation
[ژئوفیزیک] فاصله حسگر مغناطیس‌سنج از سطح
دریا در برداشت مغناطیسی هواپُرد

ارزش‌سنجی appraisal
[مدیریت] سنجش بی‌طرفانه کار و شرایط و
کیفیت براساس معیارهای مشخص

ارزش عمومی public value
[مدیریت] لحاظ کردن هزینه‌ها و مزایای خدمات
عمومی نه از منظر مادی، بلکه از دید ارتقای
پایه‌های مردم‌سالاری و اصولی مانند برابری،
آزادی، پاسخ‌گویی، شفافیت، مشارکت و
شهروندمداری

ارزش گرمایی calorific value, heating value
[فیزیک] مقدار گرمایی که از احتراق هر واحد جرم
سوخت حاصل می‌شود

ارزشیابی خط‌مشی policy evaluation
[مدیریت] مرحله‌ای از فرایند خط‌مشی‌گذاری که
در آن میزان تحقق خط‌مشی عمومی مشخص
می‌شود

ارزیابی خسارت بمباران
bomb damage assessment, BDA

← مدیریت] اعتماد مردم به اینکه فعالیت‌های دولت نه در جهت منافع افراد خاص بلکه در جهت رفاه عمومی (public welfare) است

استواری robustness
[ژن‌شناسی] پایداری سامانه زیستی در برابر جهش‌ها و نوسانات محیطی

اعتنا consideration
[روان‌شناسی] مؤلفه‌ای در رهبری مؤثر که دربرگیرنده بذل توجه به احساسات زیردستان است

اسم مصدر gerund
[زبان‌شناسی] اسم مشتق از فعل که معنای مصدری بدهد

اشغال‌نما ← اتاق اشغال‌نما

اعطای مجوز licensing, licensing agreement
← مدیریت] دادن مجوز برای استفاده از حق مالکیت معنوی، مانند نشان تجاری، تحت شرایط خاص مت. مجوزدهی

اصلاح اداری administrative reform
← مدیریت] تغییر آگاهانه و سنجیده‌ای که به‌منظور بهسازی ساختارها یا فرایندها یا کیفیت نیروی کار در یک سازمان دولتی یا کل نظام اداری اعمال می‌شود

أفت پخت‌زاد cooking loss
[فناوری غذا] کاهش کیفیت بر اثر از دست رفتن مواد مغذی و آب در هنگام پخت

اصل معرفتی epistemic principle
[فلسفه] اصلی ناظر بر عقلانیت و تغییر نظام باورها (belief systems) نظیر اصل سازگاری و انسجام

أفت فشار ترمز brake pipe reduction, BPR

[ریلی] کاهش یافتن فشار هوا در لوله اصلی ترمز

اطلاعات مکانی مردم‌گستر

volunteered geographic information, VGI, volunteered geospatial information

[نقشه‌برداری] محتوای مکانی تولیدشده توسط کاربر در وبگاه‌های گوناگون برای برآوردن نیازهای بخش‌های صنعتی و دولتی و شبکه‌های اجتماعی

افزاربند rigger, ship rigger
[دریایی] کارگر ماهری که افزاربندی می‌کند

افزاربند ارتفاعی loft rigger
[دریایی] افزاربندی که آماده‌سازی وسایل افزاربندی ثابت و متحرک و نصب و تنظیم آنها در ارتفاع برعهده او است

اعتماد عمومی public trust

<p>افزار نمودی skeuomorphic</p> <p>[باستان‌شناسی] ویژگی دست‌ساخته‌ای که شکل یا تزئینات آن برگرفته از کل یا بخشی از شیئی معمولاً قدیمی‌تر است، اما با روش یا جنس متفاوتی ساخته شده است</p>	<p>افزاربند جرثقیل crane rigger, craneman</p> <p>[دریایی] افزاربندی که تجهیزات و متعلقات جرثقیل را برای جابه‌جایی بار آماده می‌کند</p>
<p>افزاره آگاه device-aware</p> <p>[افرا] ویژگی نرم‌افزاری که از اطلاعات موجود در درخواست‌های اینترنتی برای شناسایی مرورگر یا افزاره همراه و تعیین قابلیت‌های آن بهره‌گیری می‌کند</p>	<p>افزاربندی rig</p> <p>[دریایی] آماده‌سازی و اتصال دکل‌ها و بادبان‌ها و جرثقیل‌ها و دیگر تجهیزات برای انجام عملیات</p>
<p>افزاره آگاهی device awareness</p> <p>[افرا] توانایی نرم‌افزار در بهره‌گیری از اطلاعات موجود در درخواست‌های اینترنتی برای شناسایی مرورگر یا افزاره همراه و تعیین قابلیت‌های آن</p>	<p>افزاربندی سردکل masthead rigging</p> <p>[دریایی] بستن مهارهای عرضی و طولی و نگه‌دارنده‌ها به گرده‌گرد سردکل</p>
<p>افزاره برآرافزا high-lift device</p> <p>[مروایی] افزاره‌ای بر روی بال هواپیما که در هنگام نیاز باعث افزایش برآر می‌شود</p>	<p>افزاربندی میله‌ای rod rigging, bar rigging</p> <p>[دریایی] وسایل افزاربندی ثابتی که در آنها به جای طناب، در مهارهای عرضی و طولی، میله به کار رفته است</p>
<p>افزایش واگن pickup¹</p> <p>[ریلی] افزودن واگن به قطار بین محوطه اعزام و محوطه پذیرش</p>	<p>افزار نمود skeuomorph</p> <p>[باستان‌شناسی] ۱. دست‌ساخته‌ای که شکل یا تزئینات آن برگرفته از کل یا بخشی از شیئی معمولاً قدیمی‌تر است، اما با روش یا جنس متفاوتی ساخته شده است ۲. طرح تزئینی غیرکارکردی برگرفته از شیئی قدیمی‌تر با تزئینات کارکردی، که از جنس دیگری ساخته شده است</p>
<p>افسر شکایات claims officer</p> <p>[نظامی] افسر یا کارمند نظامی یا انتظامی که آموزش حقوقی دیده است و در نتیجه برای اجرای تحقیقات و بررسی شکایات مراجعان واجد شرایط است</p>	<p>افزار نمودگری skeuomorphism</p> <p>[باستان‌شناسی] بازآفرینی ویژگی‌های کارکردی گونه‌ای دست‌ساخته در بافتار غیرکارکردی دست‌ساخته‌ای از گونه‌ای دیگر</p>

[روانشناسی] الگویی که بر پایه آن تفاوت‌های شخصیت فردی پنج عامل یا بُعد بنیادی دارد

امتداد افقی مسیر

horizontal alignment

[درون‌شهری] نقشه افقی همزمان مسیر مستقیم و قوس‌های افقی امتداد راه از نمای بالا

vertical alignment **امتداد قائم مسیر**

[درون‌شهری] نیم‌رخ طولی در امتداد خط طراحی جاده

epistemic privilege **امتیاز معرفتی**

[فلسفه] برتری اول‌شخص در شناخت حالات ذهنی خویش در قیاس با دیگران چنانکه آنها نمی‌توانند ادعاهای او نسبت به حالات ذهنی‌اش را انکار کنند

امضای وارس مشخص

designated-verifier signature, DVS

[رمزشناسی] نوعی امضای رقمی که در آن واریسی‌کننده مشخصی از اعتبار پیام امضا شده مطمئن می‌شود، اما نمی‌تواند شخص ثالث یا نهاد دیگری را قانع کند

امنیت ارتباطات

communications security, COMSEC

[رمزشناسی] اقدامات حفاظتی و واپایش‌هایی که از دسترسی افراد غیرمجاز به اطلاعات قابل دریافت از ارتباطات راه دور جلوگیری می‌کند تا اصالت این ارتباطات تضمین شود

افق وارونگی قطبایی

polarity-reversal horizon,
polarity-change horizon,
magnetostratigraphic
polarity-reversal horizon

[ژئوفیزیک] سطح یا توده منفرد معینی از چینه (strata) با ضخامتی کمتر از یک متر که در آن تغییر قطبایی مغناطیسی ثبت شده است

long lead items **اقلام دیرآیند**

[م. پروژه] اقلامی از تجهیزات پروژه که برای طراحی و ساخت آنها زمان طولانی لازم است و نیازمند تصمیم‌گیری و پرداخت‌های زود هنگام است

sieving **الک کردن**

[باستان‌شناسی] روشی برای بازیابی مواد فرهنگی نسبتاً ریز در نهشته‌های باستان‌شناختی با الک کردن خاک بستره
مت. الک کردن خشک

wet sieving **الک کردن آبی**

[باستان‌شناسی] روشی برای بازیابی مواد فرهنگی نسبتاً ریز با شستن خاک و کلوخ‌های بستره در الک

الک کردن خشک ← الک کردن

الگوریتم داده‌افزایی

← خوارزمی داده‌افزایی

الگوی پنج بُعد کلان شخصیت

Big Five personality model

[موازی] صعود مستقیم هواگرد به سطح پرواز
افقی پایاسیر

اِهک ← اجازه‌نامه هزینه‌کرد

ichnofabric **ایزبافتار**

[زمین‌شناسی] کلیه جنبه‌های بافتی و ساختار
درونی رسوب که حاصل زیست‌پیریشی و
زیست‌فرسایش در مقیاس‌های مختلف هستند .

ایستاپشته هوادهی شده

aerated static pile,
ASP

[محبط‌زیست] نوعی روش هوادهی واداشته
(forced aeration) در فرایند پوشش که در آن از
طریق لوله‌های مشبک واقع در زیر پشته، با یک
دمنده، هوا را از درون پشته عبور می‌دهند

ایستگاه گرانی مطلق

← ایستگاه مطلق

absolute station **ایستگاه مطلق**

[ژئوفیزیک] ایستگاه پایه اندازه‌گیری گرانی محلی
یا هر یک از رصدخانه‌های اندازه‌گیری گرانی
مطلق

مت. ایستگاه گرانی مطلق

fideism **ایمان‌گرایی**

[فلسفه] گرایشی مبنی بر اینکه توجیه و اثبات
عقلانی همه یا برخی از باورهای دینی ناممکن
یا حتی نامطلوب است

charge transfer **انتقال بار**

[فیزیک] جابه‌جایی بار الکتریکی از یک جسم یا
ذره به جسم یا ذره دیگر

انحراف ← متغیر انحراف

deviance **انحرافه**

[آمار] آماره‌ای برای ارزیابی نیکویی برازش هر
مدلی که به روش بیشینه درست‌نمایی برازش
یافته است

اندازه‌های فاصله ← تابع فاصله

affrication **انسایشی‌شدگی**

[زبان‌شناسی] تبدیل یک آوا به همخوان انسایشی

coherentism **انسجام‌گرایی**

[فلسفه] دیدگاهی در معرفت‌شناسی مبتنی بر اینکه
یک باور زمانی موجه است که به نظام
منسجمی از باورها تعلق داشته باشد

extirpation, **انقراض محلی**
local extinction

[جنک] ناپدید شدن یک جمعیت یا گونه از یک
محدوده یا ناحیه

motivation **انگیزش**

[روان‌شناسی] نیرویی که به رفتار انسان و حیوان
هدف و جهت‌مندی می‌بخشد

en route climb **اوج‌گیری در مسیر**

سازمان غذا و دارو بر بی‌خطر بودن آن برای مصرف‌کننده صحه می‌گذارد

safe

ایمن

[جنکل] تنها طبقه موجود در طبقه‌بندی گونه بی‌تهدید در کتاب قرمز اتحادیه جهانی حفاظت که کمیاب یا درتهدید نیست

ایمن‌گاه زیردریایی submarine haven

[نظامی] منطقه‌ای اقیانوسی ویژه زیردریایی‌ها

GRAS status

ایمن‌انگاشستگی

[فئاری غذا] میزانی از افزودنی‌های غذایی که

ب

باتری پُرکن همراه power bank
[فاوا] نوعی باتری پرکن برای پر کردن باتری
افزاره‌های همراه

با دید وسیع *sensu lato*
[کیامی] عبارتی قیدی برای تعیین محدودهٔ یک
آرایه که شامل آرایه‌های پیشین متناسب به آن
می‌شود

باج‌افزار ransomware
[فاوا] بدافزاری که رایانه یا تلفن همراه هوشمند
را غیرفعال می‌کند و تا وقتی صاحب آن، مبلغ یا
باجی نپردازد آن را فعال نمی‌کند

بارو bulwark
[دریایی] بخش دیواره‌مانندی که دورتادور
شناور، بالاتر از سطح آزاد عرشه، امتداد
می‌یابد تا از افتادن بار یا افراد به دریا
جلوگیری شود

بادآوار anemoclast
[زمین‌شناسی] قطعه‌سنگ شکسته‌شده‌ای که باد
کمابیش آن را گِرد کرده باشد

بادآواری anemoclastic
[زمین‌شناسی] ویژگی سنگی که بر اثر فرسایش باد
شکسته و تحت تأثیر عملکرد آن گِرد شده است

بازار بزرگ mall, shopping mall,
shopping centre¹, plaza, centre
[عمومی] بنایی بزرگ متشکل از چندین باب مغازه
و بنگاه و غذاخوری و فضای مناسب برای
توقف خودرو و احیاناً فضاهای ورزشی یا
تفریحی یا خدماتی

با دید باریک *sensu stricto*
[کیامی] عبارتی قیدی برای تعیین محدودهٔ یک
آرایه که شامل آرایه‌های پیشین متناسب به آن
نمی‌شود

[ریل] روشی برای بازرسی عیوب داخلی مواد فلزی، به‌ویژه ریل‌ها و محورها و چرخ‌ها، با استفاده از امواج فراصوتی و تجهیزات اندازه‌گیری الکترونیکی

بازآواگر reverb
[موسیقی] دستگاه پردازش صوتی که بازآوایش صوت‌شناختی طبیعی را با روش‌های مکانیکی یا الکترونیکی شبیه‌سازی می‌کند

بازسازی چهره face reconstruction
[نظامی] شناسایی چهره فرد با استفاده از بقایای مجسمه او

بازدارگیری barrier engagement
[نظامی] حالتی که در آن قلاب بازدار هواگرد به بازدار برخورد می‌کند و هواگرد متوقف می‌شود

بازسازی رده‌شناختی
typologically based reconstruction
[زبان‌شناسی] رویکردی در بازسازی زبان مبتنی بر رده‌شناسی

بازده عملکرد operating efficiency
[ریل] تن‌کیلومتر یا نفرکیلومتر قطارهایی که از یک خط عبور می‌کنند تقسیم بر مقدار سوخت مصرفی آنها

بازشناسی ایما gesture recognition
[افوا] تشخیص رایانه‌ای تمام حرکات بدن کاربر

بازدید و بازرسی visit and search
[نظامی] بازرسی شناور غیرنظامی برای تعیین ملیت و تشخیص نوع محموله و ماهیت کاری خدمه آن

بازشناسی چهره face recognition
[نظامی] شناسایی رایانه‌ای و خودکار هویت فرد براساس اطلاعات چهره او و دادگان پلیس، بدون دخالت انسان

بازرس طبقه floor inspector
[گردشگری] شخصی که بر وظایف خانه‌داری یک طبقه از مهمانخانه نظارت دارد

بازگویی paraphrase
[زبان‌شناسی] ۱. فرایند بیان یک جمله یا متن در قالب الفاظ یا ساختی دیگر بدون تغییر معنی
۲. محصول فرایند بیان یک جمله یا متن در قالب الفاظ یا ساختی دیگر بدون تغییر معنی

بازرسی اتاق room inspection
[گردشگری] فرایندی دقیق که در آن اتاق‌های مهمان از نظر نظافت و ملزومات و ضروریات نگهداری (maintenance needs) بررسی می‌شوند

بازنگری آرایه‌شناختی
taxonomic revision
[یکایمی] تغییر تعریف و محدوده یک آرایه

بازرسی فراصوتی
ultrasonic inspection

لازم و سپس پخش کردن و متراکم کردن آن
برای رسیدن به مشخصات موردنیاز
مت. بازیافت گرم

hold point **بازة انتظار**

[م. پروژه] مرحله‌ای تعریف شده در فرایند اجرای
کار که در آن ادامه کار موقوف به بازرسی و
اخذ مجوز لازم است

bass¹ **باس**

[موسیقی] ۱. بم‌ترین صدای مردان ۲. بم‌ترین
بخش در موسیقی چهاربخشی آوازی
۳. بم‌ترین یا دومین عضو بم در برخی
خانواده‌های سازی

polarity interval **بازة قطبایی**

[ژئوفیزیک] واحدی بنیادی در رده‌بندی
چینه‌نگاشتی قطبایی سنگ‌ها از نظر مکانی و نه
از نظر زمانی

figured bass **باس عددی**

[موسیقی] بخش باسی که، برای مشخص کردن
هارمونی‌های همراهی‌کننده، عدد به آن اضافه
شده است

بازیابش ← بازیافت

بازیاب مهمات غوطه‌ور

submerged ordnance recovery
device, SORD

[نظامی] افزاره‌ای زیرسطحی مجهز به سامانه
هدایت تصویری برای بازیابی مهمات موجود
در قعر آب

ground bass, basso ostinato **باس مکرر**

[موسیقی] مکرری که در خط باس می‌آید

recycling, re-use process **بازیافت**

[باستان‌شناسی] تغییر شکل مواد غیرقابل استفاده،
در یک سامانه رفتارمند، برای کاربرد مجدد
مت. بازیابش

continuo, basso continuo, **باس ممتد**
through bass, general bass

[موسیقی] بخش باسی که در طول قطعه ادامه
می‌یابد و براساس آن هارمونی‌ها، بر روی یک
ساز شستی‌دار یا هر ساز دیگری با قابلیت
اجرای آکورد، به صورت فی‌البداهه اجرا
می‌شوند

بازیافت گرم ← بازیافت گرم آسفالت

بازیافت گرم آسفالت

hot-in-place asphalt recycling,
HIPAR

[درون‌شهری] نوعی عملیات ترمیم (rehabilitation
treatment) شامل برداشت آسفالت قدیمی و
فرآوری و گرمادهی و مخلوط کردن آن با
مصالح دانه‌بندی و پیونده جدید و مواد افزودنی

hatch whip¹, **بافه انبارکاری**
up-and-down fall

[دریایی] بافه‌ای که از طریق دارک یا دیرک یا هر
یک از قرقه‌های انبار برای جابه‌جایی کالا از
آن استفاده می‌شود

- after body** **بدنهٔ پاشنه**
[دریایی، نظامی] بخشی از بدنهٔ شناورهای سطحی، مانند کشتی یا قایق، که در پاشنه‌سوی خط میانهٔ عرضی قرار دارد
- air parity** **برابری هوایی**
[نظامی] هم‌ترازی نیروی هوایی یک کشور با نیروی هوایی کشور دیگر
- strategic fitness** **برازش راهبردی**
[مدیریت] هم‌سوسازی قابلیت‌های سازمان با بستر بیرونی برای تأثیرگذاری مثبت بر عملکرد
- heave** **برآمدگی خاک**
[درون‌شهری] برآمدگی‌ای که بر اثر انبساط یا جابه‌جایی ناشی از جذب یا یخ‌زدگی رطوبت خاک یا عملیاتی مانند برداشت سربار و شمع‌کوبی و احداث خاکریز ایجاد می‌شود
- shrinkage estimator** **برآوردگر انقباضی**
[آمار] برآوردگر حاصل از اصلاح یک برآوردگر معمول برای بهینه‌سازی یک ملاک مفروض
Stein effect مـ. اثر استاین
- fixed wing survey** **برداشت بال‌اتصالی**
[ژئوفیزیک] نوعی برداشت هواژرد که در آن مغناطیس‌سنج‌ها بر روی دم یا بال هواپیما نصب می‌شوند
- slave** **برده**
[سلامت] فردی که در انواع فعالیت‌های برده‌سازی و تن‌دهی نقش فرودست را بازی می‌کند
- باکاس** ← بهره‌بردار شبکهٔ مجازی سیار
- epistemic luck** **بخت معرفتی**
[فلسفه] دستیابی به باوری صادق برحسب تصادف یا از روی بخت و اقبال
- private sector, citizen sector** **بخش خصوصی**
[مدیریت] بخشی از اقتصاد ملی که از نگاه‌های خصوصی تشکیل می‌شود
- بخش دولتی** ← بخش عمومی
- بخشش** ← گذشت
- public sector** **بخش عمومی**
[مدیریت] بخشی از امور ملی که دولت مجری آن است
مـ. بخش دولتی
- reverse flow region** **بخش وارش**
[نظامی] محلی بر روی دیسک چرخانه که در آن جریان هوایی که از میان دیسک می‌گذرد در خلاف جهت جریان طبیعی موتور است
- mobile malware** **بدافزار تلفن همراه**
[آمار] نوعی نرم‌افزار تلفن همراه هوشمند که کارهای غیرقانونی، مانند ربودن اطلاعات خصوصی، را انجام می‌دهد
- hull** **بدنه**
[دریایی] بخش عمدهٔ شناور که شامل دکل‌ها و بادبان‌ها و وسایل افزاربندی و موتورخانه و دیگر تجهیزات نمی‌شود

بررسی زمان‌ظاهری

apparent time study

[زبان‌شناسی] در جامعه‌شناسی زبان، بررسی یک یا چند متغیر زبانی در مقطع معینی از زمان

بررسی زمان‌واقعی

real time study
[زبان‌شناسی] بررسی تحول زبان، خاصه تغییرات آوایی، در فاصله‌های زمانی متفاوت

بررسی زیر آب

underwater reconnaissance

[باستان‌شناسی] به‌کارگیری روش‌های ژئوفیزیکی در بررسی بستر دریاها برای یافتن بقایای باستانی

بررسی زیرسطحی

subsurface survey,
subsurface detection

[باستان‌شناسی] اصطلاحی عام برای انواع فنون دورکاوی اعم از فنون نفوذی و فنون غیرنفوذی

بررسی سامانمند

systematic survey
[باستان‌شناسی] بررسی پیمایشی روشمند در محدوده‌ی شبکه‌بندی‌شده‌ی معین که در نتیجه‌ی آن یافته‌ها به‌دقت ثبت و ضبط می‌شوند

برشته‌کار

roaster

[قهوه] کسی که به‌کمک دستگاه برشته‌کاری دانه‌های قهوه را برشته می‌کند

برشته‌کاری قهوه

coffee roasting

[قهوه] فرایندی فیزیکی و شیمیایی که در آن دانه‌ی سبز قهوه با حرارت برشته می‌شود

برشته‌کن ← برشته‌کن قهوه

برشته‌کن استوانه‌ای

drum roaster
[قهوه] نوعی برشته‌کن گازی یا برقی شامل یک محفظه‌ی استوانه‌ای چرخنده که حرارت را به دانه‌ها منتقل می‌کند

برشته‌کن استوانه‌ای دوجداره

double drum roaster
[قهوه] نوعی برشته‌کن که محفظه‌ی استوانه‌ای آن از دو جدار فلزی با فاصله‌ی چند میلی‌متر از یکدیگر تشکیل شده است

برشته‌کن بسترسیال

fluid-bed roaster
[قهوه] نوعی برشته‌کن که در آن هوای داغ از روی دانه‌های قهوه عبور داده می‌شود

برشته‌کن پیوسته

continuous roaster
[قهوه] نوعی برشته‌کن پربازده که در آن دانه‌های قهوه به‌طور پیوسته وارد و محصول برشته‌شده نیز به‌طور پیوسته از آن خارج می‌شود

برشته‌کن قهوه

coffee roaster
[قهوه] دستگاهی ویژه برشته کردن قهوه

مت. برشته‌کن، دستگاه برشته‌کنی

coffee roasting machine

[کیامی] نمونه یا تصویری منتخب که در صورت وجود ابهام در تشخیص تام‌مونه یا گزین‌مونه یا نومونه برای شناسایی یا تشخیص آرایه، به‌عنوان مونه معرفی شود

برنامک item

[عمومی] ۱. بخش یا واحدی در یک مجموعه ۲. بخش کوتاه و جداگانه‌ای از اطلاعات و اخبار و برنامه‌های رادیو و تلویزیون
* این واژه به پیشنهاد شبکه رادیویی جوان مطرح شد و معادل پیشنهادی این شبکه به تصویب رسید

برنامک‌بندی itemize

[عمومی] ارائه فهرستی از برنامک‌ها

برنامه^۱ ← طرح

برنامه^۲ program

[مدیریت] سامانه نظام‌مندی از خدمات و فعالیت‌ها و فرصت‌ها که به دستیابی به اهداف کمک می‌کند

برنامه پیاده‌سازی پروژه project implementation plan

[م. پروژه] سندی رسمی که به‌عنوان بخشی از اجازه‌نامه هزینه‌کرد برای اجرای مراحل مختلف پروژه، از آغاز تا پایان، تنظیم و تصویب می‌شود

برنامه‌ریزی بارگنجان yard planning

[دریایی] برنامه‌ریزی‌ای که در آن مدیران بنادر جابه‌جایی بارگنجه‌ها و صادرات و واردات را واپایی و طرح‌ریزی می‌کنند

برشته‌کن ناپیوسته batch roaster

[قبره] نوعی برشته‌کن که در آن میزان مشخصی از قهوه در مدت‌زمان معینی برشته می‌شود و قهوه برشته‌شده پیش از افزودن دسته بعدی از دستگاه خارج می‌شود

برش زاویه‌ای angular shear

[زمین‌شناسی] سنجه‌ای برای تغییر زاویه بین دو خط که در آغاز بر هم عمود بوده‌اند

برق‌صداها electrophones

[موسیقی] رده‌ای از سازها که تولید یا تشدید یا تغییر صدا در آنها با جریان برق صورت می‌گیرد

برگه اتاق room rack slip

[کردشگری] برگه‌ای شامل نام و دیگر اطلاعات مربوط به مهمان که در طی فرایند ثبت‌نام تکمیل و در بخش مربوط به همان مهمان در جابگره‌ای قرار داده می‌شود

برگه مهمان information rack slip

[کردشگری] برگه‌ای شامل نام هر مهمان و شماره و نرخ اتاق و تاریخ خروج و احیاناً شماره تلفن همراه او

برگیری procurement

[باستان‌شناسی] مرحله‌ای در چرخه فرآوری (behavioral processes) که مقدم بر آمایش (preparation) و مصرف است و در طی آن مواد خام آلی از طبیعت تأمین شود

برمونه epitype

برنامه‌ریزی خطی

linear programming, LP

← مدیریت] ابزار تصمیم‌گیری (decision making)

بهینه که در آن هدف تابعی خطی است و محدودیت‌ها به صورت مساوی‌ها و نامساوی‌های خطی نمایش داده می‌شوند

برنامه‌ریزی راهبردی

← طرح‌ریزی راهبردی

برنامه‌ریزی نیروی انسانی

manpower planning

م. پروژه] فرایند پیش‌بینی و جذب نیروی انسانی لازم از نظر عده و مهارت‌های موردنیاز

برنامه کاربردی توکار

built-in application

[فناور] واحد پردازش مستقلی که یکی از اجزای سازنده روال‌های پیچیده است

برون‌روزی

exostomal

[کیامی] ویژگی تخمکی دپوششی که فقط تخمک‌پوش بیرونی سفت آن را احاطه کرده و تخمک‌پوش درونی آن کوچک‌تر شده است به طوری که به سفت نمی‌رسد

برون‌سو

outboard

[دریایی، نظامی] به سمت خارج از خط میانه طولی شناور یا ناو

برون‌گستره

out of scope

م. پروژه] فعالیت‌های پیش‌بینی نشده در پیمان که فراتر از حدود تغییرپذیر آن باشند

برونی‌گرایی اخلاقی

ethical externalism

[فلسفه] نگرشی مبتنی بر اینکه انگیزه فعل اخلاقی در توجیه اخلاقی آن عمل نقشی ندارد بلکه مطابقت فعل با اصول اخلاقی برای توجیه آن کفایت می‌کند

مت. برونی‌گرایی انگیزشی

motivational externalism

برونی‌گرایی انگیزشی

← برونی‌گرایی اخلاقی

برونی‌گرایی معرفتی

epistemological externalism

[فلسفه] نظریه‌ای مبتنی بر اینکه توجیه یک باور مستلزم آگاهی شخص از فرایند شناختی صحیح آن باور نیست و ماهیت باور، دست‌کم تا حدودی، معلول جهان عینی اطراف ما و نه صرفاً عوامل ذهنی است

برهم‌گذاری رسته‌مبنا

category-wide overlay

[نقشه‌برداری] تخصیص مقادیر به کل نواحی موضوعی به‌عنوان تابعی از مقادیر دیگر لایه‌های مرتبط با یک رده مت. برهم‌گذاری منطقه‌مبنا

region-wide overlay

برهم‌گذاری مکان‌مبنا

location-specific overlay

[نقشه‌برداری] تخصیص مقدار به صورت تابعی از انطباق نقطه به نقطه نقشه‌های موجود

پلیمر polymer

[بهار] درشت‌مولکولی که از مولکول‌های ساده با جرم مولکولی کم ساخته شود

بست بالا ← بست بالای مهار عرضی**بست بالای مهار عرضی** shroud hoop

[دریایی] هر یک از نوارهای فولادی دهنه‌دار در بالای دکل برای اتصال سر فوقانی مهارهای عرضی
مت. بست بالا

بست پایین

← بست پایین مهار عرضی

بست پایین مهار عرضی shroud plate¹

[دریایی] نوازی آهنی و دهنه‌دار در پایین دکل برای اتصال مهارهای عرضی
مت. بست پایین

بست چپ‌وراست rigging screw, bottle screw

[دریایی] بستنی برای تنظیم طول اتصال که از یک پیچ بلند و دو مهره چپ‌گرد و راست‌گرد در دو سر آن تشکیل شده است

بستر کدبندی مکانی geocoding platform

[نقشه‌برداری] هستتاری مفهومی در چهارچوب کدبندی مکانی که میانجی برهم‌کنش آرک‌جی‌آی‌اس (ArcGIS) را با عوامل ورودی تنظیم‌شده در مکان‌یاب‌نشانی و فرایندهای کدگر مکانی ترکیب می‌کند

برهم‌گذاری منطقه‌مبنا

← برهم‌گذاری رسته‌مبنا

برهنه‌شدگی denudation

[زمین‌شناسی] مجموعه فرایندهای طبیعی از قبیل فرسایش و هوازدگی و حرکت جرمی که به تخریب و حذف لایه‌های سطح زمین منجر می‌شود

برهنه‌شدگی زمین‌ساختی**tectonic denudation**

[زمین‌شناسی] برهنه شدن توده‌های زیرین، مانند پی‌سنگ یا سنگ‌های پرقوام دیگر، بر اثر حرکت لایه چینه‌دار روی آن

برهنه‌گرایی nudism, naturism

[سلامت] جنبشی فرهنگی و سیاسی برای تبلیغ و دفاع از برهنگی فردی و اجتماعی

بزرگراه expressway

[درون‌شهری] راهی عمدتاً برای تردد گذری با دو سوواره و مجزا که دسترسی به آن محدود و تقاطع‌های آن معمولاً غیرمسطح است

بسامد زنتش beat frequency

[فیزیک] بسامد موج حاصل از ترکیب دو موج هماهنگ با بسامدهای نزدیک به هم

بسامد شفق auroral frequency

[ژئوفیزیک] درصد شب‌هایی که در آنها یک شفق، در صورت عدم تداخل ابرها، در محل ویژه‌ای دیده می‌شود

ایستابرقی یا تداخل در بسامدهای رادیویی نیز
جلوگیری می‌شود

بسته‌بندی انعطاف‌پذیر

flexible packaging

[بِسپار] نوعی بسته‌بندی برای جلوگیری از
آسیب‌دیدگی محتوای بسته که قابلیت تغییرشکل
در هنگام جابه‌جایی را دارد

primary package, بسته‌بندی اولیه
primary packaging

[بِسپار] نوعی بسته‌بندی که دربرگیرندهٔ محصول
نهایی و مصرفی است

بسته‌بندی بین‌کارخانه‌ای

industrial packaging

[بِسپار] بسته‌بندی قطعات نیم‌ساخته یا تمام‌شده
برای توزیع از کارخانهٔ سازنده به کارخانهٔ
دیگر یا برای استفاده‌کنندگان یا توزیع‌کنندگان
عمده

بسته‌بندی پوشال‌پُر

loose-fill packaging

[بِسپار] نوعی بسته‌بندی که در آن، برای حفاظت
و ضربه‌گیری، ظرف را با حبه‌های اسفنجی از
جنس پلی‌استایرن و پلی‌اتیلن پر می‌کنند تا
محصول در حین جابه‌جایی و ترابری صدمه
نبیند

بسته‌بندی پیام‌ده

intelligent packaging, IP

[بِسپار] نوعی بسته‌بندی که علاوه بر نقش
پوشش‌دهی، اطلاعاتی دربارهٔ شرایط بیرونی و
درونی بسته ارائه می‌دهد

package¹, pack¹, packing, بسته
packaging¹

[بِسپار] گنجایه یا لفاف محصول، به‌منظور
نگهداری و جابه‌جایی و ترابری و عرضهٔ کالا
مت. بسته‌بندی^۱

easy open pack بستهٔ آسان‌بازشو

[بِسپار] نوعی بسته‌بندی برای خرده‌فروشی که
خریدار می‌تواند به‌آسانی آن را باز کند

بستهٔ بازبست‌شدنی

recloseable package

[بِسپار] بسته‌ای که پس از اولین مرتبهٔ بازشدن،
می‌توان آن را مجدداً بست و بارها باز و بسته
و استفاده کرد، بدون اینکه امنیت بسته از بین
برود

pillow pack, بستهٔ بالشکی
flat pouch

[بِسپار] نوعی بسته به‌شکل بالش که بالا و پایین
و درز پشتی آن آب‌بندی شده است

بسته‌بندی^۱ ← بسته

package², pack², بسته‌بندی^۲
packaging²

[بِسپار] قرار دادن محصول در گنجایه یا
لفاف پیچی آن برای محافظت از محصول در
هنگام ترابری و توزیع

بسته‌بندی الکتروافزار

electronic packaging

[بِسپار] نوعی بسته‌بندی وسایل الکترونیکی که در
آن علاوه بر حفاظت مکانیکی، از تخلیهٔ

[بسیار] نوعی بسته‌بندی که در آن با گرما جسم را در فیلم (film) نازک و شفاف می‌پیچند

بسته‌بندی جمع‌شو shrink packaging

[بسیار] یکی از شیوه‌های بسته‌بندی محصول با فیلمی (film) پلاستیکی که بر اثر حرارت جمع می‌شود

بسته‌بندی داغ‌پر hot-fill packaging

[بسیار] نوعی بسته‌بندی که در آن، پیش از وارد کردن مواد به داخل ظرف، محتویات را با حرارت دادن تا دمای ۹۰ درجه سترن می‌کنند

بسته‌بندی دردار clamshell pack

[بسیار] نوعی بسته‌بندی شامل دو بخش پلاستیکی که با اتصالی شبیه به لولا به هم وصل‌اند و یکی نقش در آن بسته را دارد

بسته‌بندی ضد دست‌خوردگی

tamper-resistant packaging, TRP,
tamper-evident packaging,
tamper-proof packaging

[بسیار] نوعی بسته‌بندی با طراحی ویژه که موجب می‌شود کاربر غیرمجاز نتواند به محتوای بسته دست یابد یا آن را دست‌کاری کند

بسته‌بندی فله‌ای bulk packaging

[بسیار] نوعی بسته‌بندی مخصوص مواد نرم یا دانه‌ای در هنگام حمل یا انبارش

بسته‌بندی تجاری

commercial package

[بسیار] نوعی بسته‌بندی که در آن به نوع و مقدار محتویات و کیفیت یا طراحی بسته از لحاظ نیازهای تجاری توجه شده است

بسته‌بندی ترابری

transport packaging,
logistic packaging,
transit packaging, distribution
packaging

[بسیار] نوعی بسته‌بندی برای محافظت کالا در حین فرایند جابه‌جایی و انبارش و ترابری که شامل تمام بسته‌بندی‌های بین‌کارخانه‌ای و بارگنجی می‌شود

بسته‌بندی تنفسی

breathable film packaging

[بسیار] نوعی بسته‌بندی برای فراهم کردن امکان عبور هوا و جلوگیری از ورود رطوبت به داخل بسته

بسته‌بندی ثانویه secondary package,
secondary packaging

[بسیار] نوعی بسته‌بندی دسته‌ای یا گروهی که در آن بسته‌بندی‌های اولیه را برای حمل راحت‌تر در درون بسته‌ای بزرگ‌تر، که معمولاً از نوع کارتن، سینی یا بسته‌بندی جمع‌شو پلاستیکی است، قرار می‌دهند

skin packaging, جلدشفاف
contour packaging,
visual carded display
packaging, skin pack

single serve pack, **بسته تک‌نفره**
portion pack

[بسیار] بسته‌ای شامل آن مقدار از محصول که برای مصرف یک نفر در یک وعده آماده شده است

critically endangered, **بسیار در خطر**
CR

[جنگل] آرایه‌ای که مطابق با فهرست قرمز اتحادیه جهانی حفاظت به احتمال پنجاه درصد ظرف پنج سال یا دو نسل منقرض می‌شود
critical species **گونه بسیار در خطر**

barrel **بشکه**

[بسیار] گنجایه‌ای استوانه‌ای و شکم‌دار با دو سر تخت، از جنس چوب یا پلاستیک و ظرفیت ۱۶۰ تا ۲۰۰ لیتر

bottle **بطری**

[بسیار] گنجایه‌ای صلب یا نیمه‌صلب با دهانه یا گردن نسبتاً باریک و بدون دسته، معمولاً از جنس شیشه یا پلاستیک

بلندای مجاز نشست

height above landing, HAL

[موازی] ارتفاعی بر فراز محل معین فرود که در آن بالگرد با استفاده از پرواز کور شروع به تقرب می‌کند

bass² **بم**

[موسیقی] بخش بسامدپایین سامانه موسیقایی

couplet **بند**

[گیاهی] یک جفت نیم‌بند در یک کلید دوشاخه‌ای

بسته‌بندی کودک‌پاس

child-resistant packaging, CRP¹,
C-R packaging,
poison-prevention packaging,
PPP, special packaging, SP

[بسیار] بسته‌ای با طراحی و ساخت ویژه که کودک کمتر از پنج سال به‌سختی بتواند آن را باز کند، ولی برای بزرگسالان راحت باشد

بسته‌بندی مصرف‌کننده

consumer package,
consumer packaging

[بسیار] نوعی بسته‌بندی برای جلب نظر مصرف‌کننده که معمولاً شامل بسته‌بندی اولیه یا گاه ثانویه‌ای است که برای دربرگیری و نگهداری و حفظ محتوای بسته از محل تولید تا مصرف به کار می‌رود

بسته‌بندی واپارزش

← بسته‌بندی واپاییده‌رهش

بسته‌بندی واپاییده‌رهش

controlled-release packaging, CRP²

[بسیار] فناوری تولید بسته‌هایی که مواد فعال مناسبی، مانند پاداکسنده‌ها و پادمیکرب‌ها و طعم‌ها، را به‌صورت واپاییده و آرام رها می‌کنند تا کیفیت و ایمنی ماده غذایی تضمین شود
م. بسته‌بندی واپارزش

بسته‌بندی هوشمند smart packaging

[بسیار] نوعی بسته‌بندی که علاوه بر پوشانش، می‌تواند هم کارکرد بسته‌بندی فعال و هم بسته‌بندی پیام‌ده را داشته باشد

حمل الوار یا تنه درخت و بستن و تحکیم آنها با
زنجیر است
مت. بوژی بینه‌بری

بومی‌زبان native speaker
[زبان‌شناسی] فردی که زبان مشخصی را به‌عنوان
زبان مادری فراگرفته است
مت. گویشور بومی

به‌اختیار ad libitum, ad lib.
[موسیقی] مطابق میل اجراکننده

بهترین زمان مصرف تا best if use by
[فناوری غذا] تاریخی بر روی مواد غذایی که پایان
دوره زمانی بهترین کیفیت را نشان می‌دهد

به‌چپ! port¹
[نظامی] دستور گردش به چپ که از ایستگاه
و‌اپایش‌کننده راداری به هواپیما برای چرخیدن
داده می‌شود
مت. چپ!

به‌خطر افتادگی کلید compromise
[رمزشناسی] افشا یا تغییر یا جایگزینی یا
استفاده غیرمجاز از داده‌های حساس از جمله
کلیدهای رمزنگاشتی (cryptographic keys) و
دیگر پارامترهای امنیتی خطیر

به‌راست! starboard¹
[نظامی] دستور گردش به راست که از ایستگاه
و‌اپایش‌کننده راداری به هواپیما برای چرخیدن
داده می‌شود
مت. راست!

بندسُر zipliner
[عمومی] شخصی که بندسُری می‌کند

بندسُره zip-line, Sypline,
zip wire, aerial runway, aerial
ropeslide, death slide,
flying fox, foefie slide

[عمومی] ۱. سامانه حمل‌ونقل در مناطق
کوهستانی به‌ویژه آبادی‌های دورافتاده در این
مناطق ۲. بخشی از تجهیزات تفریحی که دو
نقطه غیرمسطح را به یکدیگر متصل می‌کند و با
استفاده از شیب موجود و قرقره و نیروی
گراتش و تسمه‌های آویز جابه‌جایی افراد بین
آن دو نقطه را امکان‌پذیر می‌سازد

بندسُری ziplining
[عمومی] فعالیتی تفریحی که با بندسُره انجام
می‌شود

بندیل bundle
[بسیار] مجموعه دو یا چند شیء لفاف‌پیچ یا
تسمه‌بندی‌شده یا سیم‌پیچی‌شده برای
جابه‌جایی و حمل آسان‌تر

بن‌نام basionym
[کیامی] نام اصلی ولی منسوخ که بخشی از آن
در ترکیب جدید به کار می‌رود

بوژی بینه‌بری ← بوژی درخت‌بری

بوژی درخت‌بری logging truck
[ریلی] بوژی واگن درخت‌بر که گهواره آن ویژه

بهره‌بردار شبکه مجازی سیار
mobile virtual network operator

[افرا] شرکتی که قابلیت‌های خدماتی را از فراهم‌سازان بزرگ خدمات بی‌سیم خریداری می‌کند و به‌صورت محصول و بسته‌های خدماتی به کاربران منفرد می‌فروشد
/خت. باکاس
MVNO

[درون‌شهری] نامیزهٔ آنیونی خاصی که باعث می‌شود ضخامت قشر آستری افزایش یابد و در نتیجه نفوذپذیری سطح راه کمتر شود

بیش‌مان ← مهمان بیش‌مان

بی‌طرفی اینترنتی net neutrality

[افرا] ایجاد وضعیتی در اینترنت به‌طوری‌که به اشتراک گذاشتن اطلاعات در اینترنت از سامانه‌های دسترسی یا قیمت‌گذاری تأثیر نپذیرد

بهسوز fuel dope

[نظامی] هر ماده‌ای که به سوخت افزوده می‌شود تا سوختن آن را تسهیل کند

بیان چهره facial expression¹

[روان‌شناسی] پیام‌رسانی غیرکلامی با استفاده از حرکات صورت

بی‌گوشی‌هراسی nomophobia

[عمومی] اضطراب شدید ناشی از عدم اتصال به آنتن مخابراتی یا قطع تماس یا قطع ارتباط با اینترنت یا تمام شدن انرژی باتری یا گم کردن تلفن همراه

بی‌پوشش ategmic

[کیامی] ویژگی تخمکی بدون تخمک‌پوش

بی‌تعادلی طرح design imbalance

[آمار] طرحی با معیار تعادل طرح بزرگ‌تر از یک آستانهٔ معین

بیل‌کنندآمایی shovel pit testing, shovel testing

[باستان‌شناسی] نمونه‌برداری از خاک سطحی در محوطهٔ باستانی، معمولاً به اندازهٔ یک بیل، و غربال آن برای جداسازی مواد فرهنگی

بی‌خبررفته ← مهمان بی‌خبررفته

بیرون‌خواب ← مهمان بیرون‌خواب

بینه‌گرایی evidentialism

[فلسفه] نظریه‌ای مبنی بر اینکه یک باور به لحاظ معرفت‌شناختی تنها در صورتی موجه است که مبتنی بر شواهد و قرائن مناسب و عقلانی باشد

بیسه gangplank, brow

[دریایی] الواری که به‌عنوان پل بین شناور و ساحل از آن استفاده می‌کنند

بیش‌روان high float emulsion

بی‌هنجاری مغناطیسی القایی
induced magnetic anomaly

[ژئوفیزیک] بی‌هنجاری مغناطیسی پوسته‌ای ناشی از تباين جانبی غلظت سنگ‌های غنی از آهن که با میدان زمین‌مغناطیسی مغناطیده شده‌اند

بی‌هنجاری دامنه amplitude anomaly

[ژئوفیزیک] ۱. افزایش یا کاهش محلی دامنه میدان پتانسیل برآثر تغییر در توزیع مقادیر تباین پذیرفتاری یا چگالی مواد زیرسطحی ۲. کاهش یا افزایش موضعی دامنه موج لرزه‌ای بازتابی

پ

[نقشه‌برداری] پاره‌بندی بسیار متقارن متشکل از چندضلعی‌های همانند منتظم

پاره‌بندی نامنظم

irregular tessellation

[نقشه‌برداری] نوعی پاره‌بندی که در آن هیچ محدودیتی در ترتیب قرار گرفتن چندضلعی‌های متصل به رئوس وجود ندارد

پاره‌بندی نیمه‌منتظم

semiregular tessellation

[نقشه‌برداری] نوعی پاره‌بندی که در آن از چندضلعی‌های منتظم گوناگون استفاده شود

sentence fragment **پاره‌جمله**

[زبان‌شناسی] قسمتی از جمله

responsiveness **پاسخ‌دهی**

[مدیریت] واکنش سریع و توأم با گشاده‌رویی و احساس مسئولیت فرد یا سازمان به مطالبات

geckopod **پاپنجه‌ای**

[عمومی] پایه‌ای با زائده‌هایی انعطاف‌پذیر، شبیه به پنجه پای مارمولک، که از آن برای نگه داشتن گوشی تلفن همراه و دوربین عکاسی و گرفتن خودعکس استفاده می‌کنند

پادا ← پایگاه‌داده

پارامتر لرزه‌شناختی

seismological parameter

[ژئوفیزیک] عاملی برای سرشت‌نمایی ویژگی‌های لرزه‌شناختی چشمه یا مسیر انتشار یا پاسخ ساختگاه

tessellation **پاره‌بندی**

[نقشه‌برداری] در مورد یک صفحه، مجموعه‌شکل‌هایی که صفحه را بدون هم‌پوشانی و بدون جافتادگی پر کند

regular tessellation **پاره‌بندی منتظم**

← مدیریت] گردهم‌آوردن افراد برای تبیین و حل امور مشترک و ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت

heat stability, **پایداری گرمایی**
thermostability, thermal stability

[فناوری غذا] خواص گرمافیزیکی (thermophysical) مربوط به قابلیت یک ماده در پایدار ماندن در دماهای گوناگون

conservation of charge, **پایستگی بار**
charge conservation

[فیزیک] قانونی که بنابر آن بار کلی هر سامانه منزوی ثابت می‌ماند

پایستگی تکانه

← پایستگی تکانه خطی

پایستگی تکانه خطی

conservation of linear momentum

[فیزیک] اصلی که بنابر آن سامانه‌ای که تحت تأثیر هیچ نیروی خارجی نباشد، تکانه خطی آن ثابت می‌ماند

مت. پایستگی تکانه

conservation of momentum

پایستگی تکانه زاویه‌ای

conservation of angular
momentum

[فیزیک] اصلی که بنابر آن سامانه‌ای که تحت تأثیر هیچ گشتاور نیروی خارجی نباشد، تکانه زاویه‌ای آن ثابت می‌ماند

accountability **پاسخگویی**

← مدیریت] التزام فرد یا سازمان به پذیرش مسئولیت و توضیح و توجیه عملکرد به شکل شفاف

footjob **پاکامدهی**

[سلامت] تحریک آلت مردانه با پاها

clear and hold **پاکسازی و تأمین**

[نظامی] راهبردی ضدشورش که در آن نظامیان، ضمن پاکسازی منطقه‌ای از وجود چریک‌ها یا دیگر نیروهای شورشی دوباره بر آن تسلط می‌یابند

choke filter, **پالایه خفانشی**
choke input filter

[فیزیک] پالایه‌ای برای منبع تغذیه که در ورودی آن از یک خفانه استفاده می‌کنند
مت. صافی خفانشی

colour filter **پالایه رنگ**

[فیزیک] افزاره‌ای که امواج نور با طول‌موج‌های خاصی را از خود عبور نمی‌دهد
مت. صافی رنگ

light filter **مت. پالایه نور**

پالایه نور ← پالایه رنگ

پان ← پشتیبانی هوایی نزدیک

پابیندسازی عموم
public engagement,
community engagement

full-text database, پایگاه داده تمام متن
complete text database

[فناوا] پایگاه داده‌ای شامل متن کامل کتاب و مقاله و روزنامه و دیگر اسناد متنی، به جز تصویر و شکل و نمودار که همه آنها را می‌توان به صورت برخط دید یا با کلیدواژه‌ها در آنها جست‌وجو کرد

پایگاه داده توزیعی

distributed database

[فناوا] پایگاه داده‌ای که از نظر مکانی نامتمرکز است و آن را سامانه مدیریت پایگاه داده اداره می‌کند

پایگاه داده رابطه‌ای

relational database, RDB

[فناوا] پایگاه داده‌ای که می‌توان در آن تمام داده‌ها را به هم وصل کرد

پایگاه داده سلسله‌مراتبی

hierarchical database

[فناوا] ساختاری درختی که شماری عنصر جداافتاده را به یک «پدر» یا «دارنده» به عنوان داده اصلی پیوند می‌دهد
م. پایگاه داده پایگانی

active database پایگاه داده فعال

[فناوا] پایگاه داده‌ای که وضعیت‌های مشخصی را پایش می‌کند و در صورت بروز تغییر، پاسخ لازم را در زمان معین می‌دهد

پایگاه داده مکانی

geographic database,
geospatial database,
spatial database

conservation of mass, پایستگی جرم
conservation of matter

[فیزیک] اصلی که بنابر آن جرم نه تولید می‌شود، نه از بین می‌رود

database پایگاه داده

[فناوا] مجموعه‌ای از قطعه‌هایی از اطلاعات پردازش شده و سازمان‌یافته

DB / خت. پادا

م. دادگان

online database پایگاه داده برخط

[فناوا] پایگاه داده‌ای در یک رایانه که آن را یک شبکه، معمولاً شبکه‌ای اینترنتی، میزبانی می‌کند

پایگاه داده پایگانی

← پایگاه داده سلسله‌مراتبی

analytic database پایگاه داده تحلیلی

[فناوا] نوعی سامانه فقط خواندنی که سوابق مربوط به سنج‌های کسب‌وکار را نگهداری می‌کند

پایگاه داده تراکنشی

transactional database

[فناوا] نوعی سامانه مدیریت پایگاه داده که توانایی برگشت به وضعیت پیش از عملیات، در صورت کامل نشدن عملیات، را به طور کامل داراست

پایگاه داده تراکنشی توزیع شده

distributed transaction database

[فناوا] مجموعه‌ای از پایگاه‌های تراکنشی

پایهٔ مهار عرضی shroud plate²
 [دریایی] صفحه‌ای فلزی در دو طرف شناور برای اتصال سرتحتانی مهارهای عرضی به آن

[فناور] پایگاه داده‌ای که برای نگهداری و بازخوانی داده‌های فضامکانی و دسترسی به این داده‌ها بهینه‌سازی شده است

پایی pedal
 [موسیقی] اهرمی در سازها با کارایی‌های متفاوت که با پا کار می‌کند

پایگاه صحرایی bare base
 [نظامی] پایگاهی شامل باند پرواز و خزش‌راه و امکانات اولیه مانند ذخیرهٔ آب آشامیدنی

پایی تداوم sustaining pedal, damper pedal, loud pedal, open pedal
 [موسیقی] پایی سمت راست پیانو که فشار دادن آن صداگیر همهٔ سیم‌ها را جدا می‌کند و امکان ارتعاش آزادانهٔ سیم‌های مرتبط با نت‌های اجراشده را فراهم می‌کند

پایگاه قواعد کدبندی مکانی geocoding rule base
 [نقشه‌برداری] مجموعه‌ای از پرونده‌ها که کدگر مکانی را در جهت استانداردسازی داده‌های نشانی و تطبیق آنها با مکان مربوط در داده‌های مرجع هدایت می‌کند

پایی تداوم برگزین sostenuto pedal
 [موسیقی] پایی میانی پیانوی امروزی که باعث آزاد ماندن سیم‌هایی می‌شود که شستی‌های مربوط به آنها در لحظهٔ عملکرد پایی فشار داده شده‌اند

پایهٔ تیرک دهانه hatch carrier, hatch socket, beam socket, hatch beam shoe
 [دریایی] هریک از پایه‌های دو طرف انبار که تیرک‌های دهانه را نگه می‌دارد

پایی صداگیر muffler pedal, moderator
 [موسیقی] پایی میانی برخی پیانو‌ها که با قرار دادن یک نوار نمدی یا پارچه‌ای یا چرمی بین چکش‌ها و سیم‌ها باعث کاهش حجم صدا می‌شود

پایهٔ دارک davit stand
 [دریایی] ستونی توخالی که پاشنهٔ دارک در داخل آن می‌نشیند و به کمک طوق دارک به انتهای آن فرومی‌رود و محکم می‌شود

پایی کاهش soft pedal, una corda
 [موسیقی] پایی سمت چپ پیانو که باعث کاهش شدت صدا می‌شود

پایهٔ دیرک tabernacle, mast trunk
 [دریایی] سازهٔ مستحکمی بر روی عرشهٔ شناور که بخش تحتانی دیرک را با پیچ و مهره از دو سمت به آن وصل می‌کنند و حرکات جانبی دیرک بر روی آن انجام می‌شود

- پراکندگی کامپتون**
Compton scattering,
Compton process,
gamma-ray scattering
[فیزیک] فرایندی که در آن یک فوتون پراثرژی در برخورد با ذره جرم‌داری مانند الکترون پراکنده می‌شود
- پراکندگی ناهمدوس**
incoherent scattering,
noncoherent scattering
[فیزیک] نوعی پراکندگی که در آن فوتون‌ها حاصل از پراکندگی ناهمدوس‌راند
- پراکندگی نوترون** neutron scattering
[فیزیک] تغییر مسیر نوترون در برخورد با هسته هدف
- پراکندگی همدوس**
coherent scattering
[فیزیک] نوعی پراکندگی که در آن تابش پراکنده‌شده ارتباط فازی معینی با تابش فرودی دارد
- پرامونه** paratype
[کیمیا] نمونه‌ای که در زمان انتشار آرایه ذکر شود، اما تام‌مونه و جورمونه و هم‌مونه نباشد
- پرتو ایکس مشخصه**
characteristic X-ray,
characteristic rays,
characteristic radiation
- screen mirroring
[فارا] قابلیتی که امکان بازتاب و نمایش صفحه تلفن همراه را بر روی صفحه نمایشگر دیگری فراهم می‌کند
- پدیده پذیرندگی خودواداشته**
forced compliance effect,
induced compliance effect
[روانشناسی] تمایل فرد به تغییر نگرش برای انطباق دادن آن با رفتار خود
- پذیرش خط‌مشی** policy adoption
[مدیریت] یکی از مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری که در آن مراجع ذی‌ربط خط‌مشی‌های مختلف را برای پیاده‌سازی در آینده می‌پذیرند
مت. پذیرش سیاست
- پذیرش سیاست** ← پذیرش خط‌مشی
- پراکندگی پایستار**
conservative scattering
[فیزیک] پراکندگی تابش بدون همراهی با جذب
- پراکندگی پُرانرژی**
high-energy scattering
[فیزیک] واکنش ناشی از برخورد دو ذره بنیادی با انرژی چندصد مگاالکترون‌ولتی با هم
- پراکندگی ذره آلفا**
alpha-particle scattering
[فیزیک] انحراف ذره آلفا از مسیر اولیه در طی گذار از لایه نازک فلزی

پَرمه زنی ← مته زنی

[فیزیکی] تابشی الکترومغناطیسی که براثر نوآرایی الکترون‌ها در پوسته‌های داخلی اتم‌ها گسیل می‌شود

پُر نامرتب ← اتاق پُر نامرتب

پرواز تلفیقی
composite flight,
composite flying

[موازی] ناوبری دوربُرد در طول مسیره‌های دایره‌ای بزرگ با وارد کردن قطاع‌ها به سامانه محاسبه‌گر به کمک دیگر روش‌های ناوبری

پرواز شتاب‌یافته accelerated flight

[موازی] حالتی در پرواز که در آن شتاب در صفحه عمود بر خط سیر پرواز رخ می‌دهد

پروانه مبدل گشتاور
impeller,
stator, turbine wheel,
driving torus, driving member,
rotor

[خودرو] پروانه ورودی در مبدل گشتاور که، با راندن روغن، حرکت و توان را به توربین مبدل گشتاور منتقل می‌کند
مت. درون‌رانه

پَرهٔ ملخ چندسازه‌ای

composite propeller blade
[موازی] نوعی پَرهٔ ملخ که از چند ماده مانند چوب و شیشه و گرافیت و الیاف و فوم و فلز ساخته شده باشد

پژواک حالت بدنی postural echo

[روان‌شناسی] حرکت بخش‌هایی از بدن در تقلید از دیگران که معمولاً ناخودآگاه انجام می‌شود

پُرخورش crassinucellate

[گیاهی] ویژگی تخمکی با خورشی متشکل از دو یا چند لایه یاخته که لایه‌های داخلی‌تر آن از تقسیمات یک یاخته جداری پدید می‌آیند

پرسش‌نامهٔ شانزده‌عاملی شخصیت

Sixteen Personality Factor
Questionnaire, 16PF

[روان‌شناسی] پرسش‌نامه‌ای که کُتِل برای سنجش شخصیت براساس شانزده عامل تنظیم کرده است

پرشور passionate¹

[روان‌شناسی] فرد دارای احساس یا اعتقاد شدید

پُرصدا sonore, sonorous,
sonorously

[موسیقی] ۱. اجرایی که در آن صدا حجیم و غنی است. ۲. نشانهٔ این نوع اجرا

پرک ذرت cornflake

[فناوری غذا] پرک صبحانه‌ای که عمدهٔ مواد تشکیل‌دهندهٔ آن ذرت است

پُر مرتب ← اتاق پُر مرتب

پَرمه ← مته نمونه‌برداری

[موسیقی] گذری انتقالی که نقش اصلی آن این است که دو بخش مهم‌تر را چنان به یکدیگر پیوند دهد که کل واحدی را تشکیل دهند

پله‌پوش platform trap door

[رلبی] دری که محل استقرار پله را می‌پوشاند و به این صورت کف واگن را همسطح می‌کند

پله واگن platform steps

[رلبی] پله‌ای در گوشه واگن برای سوار و پیاده شدن مسافر

پناه‌راه hazard corridor, clear zone

[درون‌شهری] نواری با عرض کافی در کناره راه برای ایجاد امکان مهار وسیله نقلیه منحرف‌شده

پوسته جعبه‌دنده gearbox housing, gear housing

[خودرو] محفظه‌ای توخالی، معمولاً ریختگی، که اجزای جعبه‌دنده در درون آن جای می‌گیرند

پوسته مبدل گشتاور torque converter housing, bell housing

[خودرو] پوسته‌ای که مبدل گشتاور و صفحه محرک آن را دربرمی‌گیرد

پوشش خانگی backyard composting, home composting

[محیط‌زیست] تبدیل پسماندهای آلی غذایی و پسماندهای باغچه به محصولی گیاه‌مانند در حیاط خانه که بر اثر فعالیت باکتری‌ها و قارچ‌ها صورت می‌گیرد

پس بوم hinterland, backland

[زمین‌شناسی] پهنه‌ای در مرز یا درون کمربند کوه‌زایی و به دور از پیش‌بوم

پس‌زنی کامپتون Compton recoil

[فیزیک] فرایندی که در آن یک ذره براثر پراکندگی کامپتون به حرکت درمی‌آید یا در آن تغییر حرکت به وجود می‌آید

پسماند زیستی biological waste

[محیط‌زیست] ۱. هر پسماندی که حاوی مواد زیستی بالقوه‌خطرناک یا آلوده به این مواد باشد ۲. پسماند اندامگان‌های زنده

پس‌یال backlimb

[زمین‌شناسی] یال کم‌شیب‌تر هر چین طاق‌دیسی نامتقارن

پسینی a posteriori

[فلسفه] ویژگی گزاره یا مفهوم یا استدلالی که برای توجیه نیازمند رجوع به تجربه باشد

پشتیبانی هوایی نزدیک close air support

[نظامی] پشتیبانی هوایی از نیروهای سطحی خودی شامل تکه‌های هوایی با به‌کارگیری توپ یا موشک یا راکت علیه نیروهای سطحی دشمن
/خت. پان CAS

پُل bridge, bridge passage, transition

[نظامی] یک عنصر تأمینی (security element) که در یکی از پهلوهای نیروی متحرک یا ثابت فعالیت می‌کند تا از آن در برابر دیده‌بانی زمینی و آتش مستقیم و حمله غافلگیرکننده دشمن محافظت کند

پهلودار flanker

[نظامی] سرباز یا وسیله نقلیه یا یگانی جزء (sub-unit) که برای حفاظت از یک پهلو، آرایش رزمی در حال حرکت می‌گیرد

پهنای باریکه ← زاویه باریکه

پیاده‌سازی خطمشی

policy implementation

[مدیریت] فرایندی بین مرحله طرح انتظارات از خطمشی و مرحله دستیابی به نتایج ملموس

پیاده‌سازی راهبرد

strategy implementation

[مدیریت] تبدیل راهبرد انتخابی به اقدامات سازمانی برای نیل به هدف

پیاله cupule

[کیامی] نوعی گریبان متشکل از برگه‌های بهم‌چسبیده که میوه را مانند فنجانی دربرمی‌گیرند

پیام حالت‌بدنی

postural communication

[روانشناسی] انتقال اطلاعات از طریق حرکت یا جهت یا حالت بدن یا هر سه با هم

پوشش درون‌محفظه‌ای

in-vessel composting, enclosed-reactor composting

[محیط‌زیست] روشی برای پوشش پسماند شهری در یک محفظه بسته یا نیمه‌بسته مجهز به تجهیزات واپایش بو و هوادهی و اختلاط

پوش envelope

[موسیقی] تغییر دامنه موج صوتی در طول زمان

پوشش ارتباطاتی

communications cover

[رمزشناسی] پنهان‌سازی یا تغییر مشخصات الگوهای ارتباطات برای مخفی کردن اطلاعاتی که می‌تواند برای رقیب یا دشمن ارزشمند باشد

پوشینه منفذشکاف poricidal capsule

[کیامی] پوشینه‌ای که با ایجاد منافذ شکوفا می‌شود

پویش campaign¹

[عومی] مجموعه فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی

پهلو flank

[نظامی] ۱. جناح چپ یا جناح راست یک یگان نظامی در موقعیت دفاعی یا در آرایش راهکنشی. ۲. عضو یا عنصر متعلق به جناح چپ یا جناح راست یک یگان نظامی. ۳. سمت چپ یا سمت راست محور طولی یگان در پیشانی

پهلوبان flank guard

پیشامدهای دوبه‌دومستقل
pairwise independent events

[آمار] چند پیشامد که هر دو تا از آنها نسبت به هم مستقل هستند

پیشامدهای مستقل
independent events

[آمار] پیشامدهایی که رخ دادن یا رخ ندادن هر شمار از آنها بر احتمال رخداد بقیه آنها تأثیر نگذارد

پیشامدهای وابسته
dependent events

[آمار] پیشامدهایی که رخ دادن یا رخ ندادن هر شمار از آنها بر احتمال رخداد بقیه آنها تأثیر بگذارد

پیش‌بوم
foreland

[زمین‌شناسی] پهنه بیرونی کمربند کوه‌زایی که در آن دگرشکلی بدون دگرگونی قابل‌توجهی روی می‌دهد و به‌طور کلی در مقایسه با بخش‌های دیگر کمربند کوه‌زایی به بخش درونی قاره نزدیک‌تر است

پیش‌داوری
prejudice

[روان‌شناسی] نگرش منفی به یک فرد یا گروه پیش از آنکه هرگونه ارتباط با آن فرد یا گروه شکل گرفته باشد

پیشرفت
progress

[م. پروژه] میزان تکمیل شدن پروژه نسبت به وضعیت پیشین

پیامد
outcome

[مدیریت] حاصل هر اقدام یا رویداد

پیانوی پای‌دار
pedal piano

[موسیقی] پیانویی که مانند ارگ به صفحه پای‌دار مجهز است

پیابند
consequence

[مدیریت] نتیجه معین هر رویداد یا مجموعه‌ای از شرایط

پیت کتابی
jerry can

[بهار] گنجایه‌ای پلاستیکی یا فلزی، با سطح مقطع مستطیل‌شکل یا چندضلعی و اضلاع تخت که برای انبار کردن و حمل مایعات کاربرد دارد

پیچه خفانش ← خفانه

پیراکند
interior packing,
inner packing

[بهار] مواد یا قطعاتی برای حفاظت، ضربه‌گیری یا تنظیم موقعیت محصول درون بسته مخصوص حمل

پی‌سنگ الکتریکی
electrical basement

[ژئوفیزیک] سطحی که مقاومت‌ویژه الکتریکی در زیر آن بسیار بالا است و تغییر در آن تأثیر الکتریکی عمده‌ای در نتایج اندازه‌گیری ندارد

apriority	پیشینی بودگی	foredeep	پیش‌گودال
[فلسفه] درمورد یک مفهوم یا گزاره یا استدلال، کیفیت یا واقعیت پیشینی بودن		[زمین‌شناسی] فرورفتگی‌ای دراز در جلوی کمان جزیره‌ای یا کمر بند کوه‌زایی	
		foreland basin	منه - حوضه پیش‌بوم
complete linkage	پیوستگی کامل		پیش‌نگری جمعیت
[ژن‌شناسی] حالتی که در آن دو ژن بر روی یک فام‌تن آن‌قدر به هم نزدیک باشند که بین آنها نوترکیبی به وجود نیاید		population projection	[آمار] برآورد شمار کل جمعیت یا ترکیب جمعیتی آن در آینده
incomplete linkage	پیوستگی ناکامل	forelimb	پیش‌یال
[ژن‌شناسی] جدایی اتفاقی دو ژن بر روی یک فام‌تن در پی نوترکیبی		[زمین‌شناسی] یال پُرشیب‌تر هر چین طاق‌دیسی نامتقارن	
choke joint	پیوند خفانشی	a priori	پیشینی
[فیزیک] روشی برای اتصال دو مقطع موج‌بر که در آن، بدون وجود پیوستگی فلزی در سطوح داخلی دو بخش موج‌بر، انتقال انرژی صورت می‌گیرد		[فلسفه] ویژگی گزاره یا مفهوم یا استدلالی که بدون رجوع به تجربه توجیه‌پذیر باشد	
		apriorism	پیشینی‌انگاری
			[فلسفه] باور به اصول و مفاهیم و استدلال‌های پیشینی

ت ، ث

guide sign **تابلوی هدایت مسیر**

[درون‌شهری] تابلویی برای اطلاع‌رسانی به استفاده‌کنندگان از راه درمورد جهت، فاصله، مقصد، مسیر و محل خدمت‌رسانی
م. تابلوی راهنمای مسیر

Cerenkov radiation **تابش چرنکوف**

[فیزیک] تابشی از نور آبی‌رنگ که براثر عبور ذره باردار پرانرژی از محیط نارسانای شفاف، با سرعتی بزرگ‌تر از سرعت نور در آن ماده، گسیل می‌شود

social influence **تأثیر اجتماع**

[روان‌شناسی] هرگونه تغییر در افکار یا احساسات یا رفتارهای فرد که دیگران آن را ایجاد کنند

coherent radiation **تابش همدوس**

[فیزیک] تابشی که بین نقاط مختلف سطح مقطع باریکه آن رابطه فازی مشخصی برقرار باشد

تأثیر اجتماعی اطلاعات

← تأثیر اطلاعات

transfer function **تابع انتقال**

[ژئوفیزیک] تابعی که رابطه میان مؤلفه‌های افقی یا قائم میدان مغناطیسی را نشان می‌دهد

تأثیر اجتماعی هنجار ← تأثیر هنجار

تأثیر اطلاعات

informational influence

[روان‌شناسی] آن دسته از تعاملات میان افراد که صحت باورها یا مناسب بودن رفتارهای فرد را

distance function **تابع فاصله**

[آمار] تابعی برای سنجش فاصله بین مشاهدات
م. اندازه‌های فاصله distance measures

تابلوی راهنمای مسیر

← تابلوی هدایت مسیر

holotype **تامپونه**

[کیمی] نمونه یا تصویری که نام علمی بر مبنای آن اختیار شده و در زمان انتشار از آن استفاده یا به آن استناد شده است

liquidated damages **تاوان نقدی**

[م. پروزه] غرامتی پیش‌بینی شده در قراردادها که بنا بر آن در صورت عدم تطبیق محصول یا خدمات با مشخصات تعیین شده در قرارداد، پیمانکار ملزم به پرداخت آن متناسب با میزان خسارت است

footstep verification **تأیید ردپا**

[نظامی] فرایند تهیه و شناسایی و تأیید آثار نقش کف کفش یک فرد

key confirmation **تأیید کلید**

[← رمزشناسی] کسب اطمینان هر یک از طرف‌های مشارکت‌کننده در قرارداد از دستیابی طرف‌های مقابل به اطلاعات سری یکسان برای تولید کلید

charge exchange **تبادل بار**

[فیزیکی] انتقال بار الکتریکی از یک ذره به ذره دیگر در حین برخورد آن ذرات با یکدیگر

تبادلگر گرمای هوا به هوا**air-to-air heat exchanger**

[هوایی] افزاره‌ای در سامانه خنک‌ساز هواگرد که هوای داغ را پیش از ورود به اتاقک با استفاده از هوای بیرون خنک می‌کند

مورد تردید قرار می‌دهد و به این وسیله موجب تغییر می‌شود

مت. تأثیر اجتماعی اطلاعات

informational social influence

تأثیر بینافردي**interpersonal influence**

[روان‌شناسی] فشار اجتماعی مستقیم از طرف یک فرد یا گروه بر فرد یا گروه دیگر که از طریق مطالبات و تهدیدها از یک سو و وعده پاداش یا تأیید اجتماعی از سوی دیگر اعمال می‌شود

تأثیر هنجار

[روان‌شناسی] آن دسته از تعاملات میان افراد که

موجب می‌شود افراد به گونه‌ای احساس و فکر و عمل کنند که با هنجارهای اجتماعی (social norms)

(norms) مطابق باشد

مت. تأثیر اجتماعی هنجار

normative social influence

تاریخچه زمانی

[ژئوفیزیک] توالی مقادیر هر کمیت متغیر با زمان که در فاصله‌های زمانی ثابت اندازه‌گیری شود

dating, date marking **تاریخ‌زنی**

[فناوری غذا] درج اطلاعات مربوط به زمان، مانند تاریخ تولید یا تاریخ انقضا بر روی محصول یا بر روی بسته‌بندی آن

open dating **تاریخ‌زنی دقیق**

[فناوری غذا] نوعی تاریخ‌زنی بر روی محصول که در آن روز و ماه و سال درج می‌شود

تاشه‌زنی آزمایشی ← گمانه‌زنی

<p>تحریک stimulation [روانشناسی] عمل یا فرایندی که موجب افزایش سطح فعالیت موجود زنده می‌شود</p>	<p>تبدیل چندریختی polymorphic transformation [زمین‌شناسی] تبدیلی که در طی آن ترکیبی کانیایی دچار چندریختی می‌شود</p>
<p>تحریک‌گری provocation [روانشناسی] برانگیختن رفتار خشونت‌آمیز</p>	<p>تجاوز به آشنا acquaintance rape [سلامت] تجاوز جنسی توسط فردی که با قربانی آشنا است</p>
<p>تحریک و درگیرسازی bait and bleed [نظامی] راهبردی که در آن دولت‌های رقیب، به تحریک یک دولت سوم، به داخل شدن در یک جنگ فرسایشی و طولانی علیه یکدیگر ترغیب می‌شوند و تا اضمحلال کامل توان یکدیگر پیش می‌روند</p>	<p>تجاوز به صغیر statutory rape [سلامت] تجاوز به فردی نابالغ که به دلیل صغر سن صلاحیت قانونی اعلام رضایت به این عمل را ندارد</p>
<p>تحلیل خطر نقاط بحرانی واپایش hazard analysis critical control points, HACCP [فناوری غذا] رویکردی نظام‌مند برای شناسایی و به حداقل رساندن خطرات میکروب‌شناختی و فیزیکی و شیمیایی که ممکن است در فرایند تولید غذا بر ایمنی و کیفیت مواد غذایی تأثیر سوء بگذارند</p>	<p>تجاوز به همسر marital rape, spousal rape, wife rape [سلامت] هرگونه کنش جنسی توسط همسر فرد بدون رضایت او</p> <p>تجربه‌پذیری openness to experience [روانشناسی] یکی از ابعاد «الگوی پنج‌بعد کلان شخصیت» که گرایش فرد به تجربه‌های جدید را نشان می‌دهد</p>
<p>تحلیل خطمشی policy analysis [مدیریت] مطالعه ماهیت و علل و اثرات خطمشی‌ها</p>	<p>تجهیز mobilization [م. پروژه] سازمان‌دهی نیرو و منابع برای آغاز پروژه یا فعالیت م. تجهیز ساختگاه، تجهیز کارگاه site mobilization</p>
<p>تحلیل نیروی انسانی manpower analysis [م. پروژه] مقایسه نیروی انسانی پیش‌بینی‌شده در برنامه با نیروی انسانی به‌کارگرفته‌شده برای برآورد پیشرفت کار</p>	<p>تجهیز ساختگاه ← تجهیز تجهیز کارگاه ← تجهیز</p>

parting planks **تخته سینه کشتی**

[دریایی] تخته‌های میانی عرشه در سینه کشتی

demolition operator **تخریب‌چی**

[نظامی] فردی که وظیفه انهدام یا تخریب موضع یا مکان خاصی را بر عهده دارد

تخریب زیرآبی

underwater demolition

[نظامی] انهدام یا خنثی‌سازی موانع زیرآبی که معمولاً به دست گروه‌های تخریب زیرآبی انجام می‌شود

room assignment **تخصیص اتاق**

[گردشگری] آخرین مرحله از فرایند ثبت‌نام که در طی آن یکی از اتاق‌های موجود به مهمان اختصاص داده می‌شود

fenestral porosity, **تخلخل روزنه‌ای**

fenestra porosity,
fenestrule porosity

[زمین‌شناسی] فضاهای خالی موجود در رسوب یا سنگ رسوبی که هم‌زمان با تشکیل رسوب در چهارچوب آن گسترش می‌یابند و اندازه آنها بزرگ‌تر از فضاهای بین‌ذره‌ای است

تداخل بسامدرادیویی طبیعی

natural radio-frequency
interference

[ژئوفیزیک] آشفتگی در ارتباطات رادیویی ناشی از علامت‌های رادیویی که منشأ آنها چشمه‌های طبیعی روی زمین یا بیرون جو است

تحلیل همبستگی متعارف

canonical correlation analysis

[آمار] تحلیل همبستگی بین دو مجموعه از متغیرهای تصادفی مت. همبستگی متعارف

canonical correlation

تحول ستارگان ← تحول ستاره

stellar evolution **تحول ستاره**

[← نجوم] مجموعه‌تغییراتی که در گستره عمر یک ستاره در خصوصیات فیزیکی آن، از جمله در ترکیب شیمیایی و درخشندگی (luminosity) و دمای سطحی آن روی می‌دهد مت. تحول ستارگان

plank **تخته**

[دریایی] الواری که برای عملیات چوب‌کاری و مصارف دیگر در درون و بیرون شناور از آن استفاده می‌شود

planker, ceiler **تخته‌بند**

[دریایی] فردی که در ساخت شناورهای چوبی عملیات تخته‌بندی را انجام می‌دهد

planking **تخته‌بندی**

[دریایی] پوشاندن قاب‌های شناور در داخل و خارج آن با استفاده از تخته

bottom planking **تخته‌بندی کف**

[دریایی] تخته‌بندی قایق در ناحیه کف آن

است از کشش و حرکت امتدادلغز ۲. حالت
بینابینی کشش و حرکت امتدادلغز در دگرشکلی
پوسته

تراکم تفریقی differential compaction

[زمین‌شناسی] کاهش تفریقی حجم رسوبات در طی
فرایند تراکم بر اثر اختلاف در حجم آب
درون‌منفذی

تراوش percolation

[زبان‌شناسی] فرایندی که مشخصه هسته یک
ساختار را به کل آن ساختار گسترش می‌دهد

تربیت شنوایی ear training

[موسیقی] تربیتی با هدف ارتقای درک موسیقایی،
شامل قابلیت تشخیص از طریق گوش و
نت‌نگاری لحن‌ها، فواصل، هارمونی‌ها، ریتم‌ها،
وزن‌ها و همچنین قابلیت سرایش

ترفع معنایی amelioration

[زبان‌شناسی] نوعی تغییر معنایی ناظر بر مطلوب‌تر
شدن معنا

ترفعی ameliorative, meliorative

[زبان‌شناسی] مربوط به ترفع معنایی

ترق crack

[بهره] نمودی صوتی بر اثر ترکیدن قهوه در طی
فرایند برشته‌کاری که نشانه مرحله‌ای از این
فرایند است

تدوین خطمشی policy formulation

[مدیریت] تعیین راهکارهای اثربخش و قابل
پذیرش در موضوعاتی که در دستور کار قرار
گرفته‌اند
مت. تدوین سیاست

تدوین راهبرد strategy formulation

[مدیریت] فرایندی که در طی آن سازمان
اقدامات مناسب را برای دستیابی به هدف‌های
راهبردی موردنظر انتخاب می‌کند

تدوین سیاست ← تدوین خطمشی

ترابست binding

[رمزشناسی] ۱. فرایند ایجاد تناظر بین دو عنصر
اطلاعاتی مرتبط ۲. تأیید ارتباط شناسه یک
هستار با کلید عمومی آن توسط یک نهاد مورد
اعتماد

ترابست شناسه identity binding

[رمزشناسی] ایجاد ارتباط بین هویت یک فرد با
شناسه ادعایی توسط یک مرجع رسمی

تراز زمین ground level

[درون‌شهری] سطحی که پس از برداشتن
برآمدگی‌های به‌وجودآمده بر روی سطح طبیعی
زمین پدید می‌آید

تراکشش transtension

[زمین‌شناسی] نوعی سامانه تنش که سبب کشش
مایل (oblique extension) می‌شود که ترکیبی

[ریلی] به کار افتادن خودکار ترمز هوا هنگامی که سرعت لوکوموتیو افزایش می‌یابد یا هشیاری‌سنج فعال می‌شود

ترمزگیری قدرتی power braking

[ریلی] روشی برای مهار قطار که در آن، با استفاده از نیروی لوکوموتیو، نیروی کاهنده ناشی از به‌کارگیری ترمز هوا به‌صورت جزئی یا کلی جبران می‌شود

تشخیص چهره face identification

[نظامی] تشخیص رایانه‌ای و خودکار هویت فرد براساس اطلاعات چهره او و دادگان پلیس بدون دخالت انسان

تشخیص ردپا

footstep identification

[نظامی] بررسی آثار جای پای به‌جامانده از گام‌های فرد در یک مکان

تشکیل قطار train makeup

[ریلی] چینش اجزای تشکیل‌دهنده قطار، شامل واگن‌ها، از نظر نوع و شمار، و واحدهای کشنده

تصادف و گریز hit and run

[نظامی] ترک صحنه تصادف توسط راننده بدون اطلاع دادن به راننده خودرو صدمه‌دیده یا پلیس

تصحیح بولارد بی

Bullard B correction,

Bullard B gravity correction

[ژئوفیزیک] تعدیل برگردان بوگه به‌سبب انحنای سطح زمین

ترک خشکیدگی desiccation crack,
drying crack

[زمین‌شناسی] ترکی که بر اثر خشک شدن گل ایجاد می‌شود

ترک مویی hairline crack

[درون‌شهری] ترک‌های سطحی نامنظم و بسیار باریک در بتن یا آجر

ترکیب‌سازی قهوه blending

[قهوه] آمیختن چند قهوه با خاستگاه یا گونه‌ها یا زیرگونه‌ها یا درجات برشتگی متفاوت برای تهیه قهوه ترکیبی

ترکیب قطار train consist

[ریلی] چینش اجزای تشکیل‌دهنده قطار، فقط شامل واگن‌ها و نوع و شمار آنها

ترمز جعبه‌دنده خودکار

automatic transmission brake,
automatic gearbox brake

[خودرو] نوعی ترمز تسمه‌ای یا صفحه‌ای که با تغییر ترکیب چرخ‌دنده‌های درگیر باعث تغییر نسبت دور در جعبه‌دنده می‌شود

ترمز قدرتی power brake

[ریلی] ترمزی ترکیبی که با هوای فشرده یا سامانه‌ای غیردستی کار می‌کند و به‌صورت دستی یا بادی یا برقی واپایش می‌شود

ترمزگیری جبرانی

penalty application

[فاوا] فن تولید تصویر با استفاده از صوت‌های
بسامد بالا

تصویرسازی چهره

face image synthesis

[نظامی] فرایند تولید تصویر چهره انسان با
استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای

image log **تصویرنگاره**

[ژئوفیزیک] چاه‌نگاره‌ای که از جهت‌های مختلف
تصویرهای دیواره چاه را نشان می‌دهد

تضمن قراردادی

conventional implicature

[زبان‌شناسی] جنبه‌ای از معنی جمله که با کاربرد
یک واژه خاص ایجاد می‌شود و برداشتی
متفاوت با جمله را القا می‌کند

تضمین اطلاعات

information assurance

[رزم‌شناسی] اقداماتی برای حفاظت از اطلاعات و
سامانه‌های اطلاعاتی از طریق کسب اطمینان از
دسترس‌پذیری، یکپارچگی، اصالت‌سنجی،
محرمانگی و انکارناپذیری

adaptability **تطبیق‌پذیری**

[مدیریت] توانایی هم‌نوایی با تغییر شرایط یا
موقعیت‌های جدید

sexual assault **تعرض جنسی**

[سلامت] هر نوع تماس یا رفتار جنسی با کسی
بدون رضایت او

تصحیح داده‌های مغناطیسی

correction of magnetic data

[ژئوفیزیک] جبران داده‌های مغناطیسی
مشاهده‌شده

heading correction **تصحیح سوگیری**

[ژئوفیزیک] نوعی تصحیح ارتفاعی (leveling
correction) داده‌های مشاهده‌ای برای جبران
تغییرات اندازه‌گیری شده حاصل از جهت پرواز
هواگرد نسبت به میدان مغناطیسی زمین

cosine correction **تصحیح کسینوسی**

[ژئوفیزیک] نوعی تصحیح برای حالتی که محور
بزرگ بی‌هنجاری مغناطیسی بر جهت نیم‌رخ
مغناطیسی عمود نباشد

تصحیح‌های گرانی‌سنجی هوایی

aerogravity corrections

[ژئوفیزیک] تصحیح‌هایی که بر روی داده‌های
گرانی هوایی برای جبران اثر عوامل مختلف،
از جمله حرکت عمودی هواگرد یا تغییر جهت آن
یا سرعت سکوی متحرک و مانند آن انجام
می‌شود

تصحیح‌های مغناطیسی

magnetic corrections

[ژئوفیزیک] مجموعه‌ای از تصحیح‌های اعمال‌شده
بر مغناطیس مشاهده‌ای برای جدا کردن
بی‌هنجاری حاصل از تغییرات پذیرفتاری سنگ
از دیگر مؤلفه‌های میدان مغناطیسی زمین

تصویربرداری فراصوتی

ultrasonic imaging

thinking	تفکر	passenger traiff	تعرفهٔ مسافر
[روان‌شناسی] رفتاری شناختی که در آن ایده‌ها، تصاویر و بازنمایی‌های ذهنی یا مؤلفه‌های فرضی فکر، تجربه یا دستکاری می‌شوند		[ریلی] فهرستی شامل کرایهٔ مسافر و هزینهٔ اضافه‌بار همراه با ذکر مسیر و مقررات و تسهیلات	
abstract thinking	تفکر انتزاعی	flight follow-up	تعقیب پرواز
[روان‌شناسی] تفکری که ویژگی آن انتزاع و تعمیم است		[نظامی، هوایی] دنبال کردن مسیر پرواز هواگرد با رادار یا از طریق ترسیم آن	
design thinking	تفکر طراحانه	job involvement	تعلق شغلی
[مدیریت] راهبردی که براساس آن داده‌ها جمع‌آوری و سپس در قالب تصویر ارائه می‌شوند تا به این ترتیب راه‌ها و روش‌های پاسخگویی به مسئله و خلق فرصت یا رفع ضعف‌ها به دست آید		[روان‌شناسی] میزان یکسان‌پنداری (identification) روان‌شناختی فرد با شغلش	
concrete thinking	تفکر عینی	commitment	تعهد
[روان‌شناسی] تفکر متمرکز بر تجربهٔ بی‌واسطه و موضوعات (objects) و حوادث ویژه		[روان‌شناسی] توافق یا پیمانی که انجام یک عمل خاص را در آینده الزام‌آور می‌کند	
ontological priority	تقدم وجودی	radio determination	تعیین رادیویی
[فلسفه] وابستگی وجودی یک‌سویهٔ یک موجود به موجود دیگر		[افرا] تعیین موقعیت و سرعت و دیگر ویژگی‌های مربوط به یک شیء با استفاده از خواص انتشار امواج رادیویی	
initial approach, initial	تقرب آغازین	change in progress	تغییر جاری
[نظامی] خط مستقیم پرواز پیش از ورود به دور شدآمد		[زبان‌شناسی] تغییری که در زبان یک جامعهٔ زبانی مفروض در جریان است	
depositor	تقسیم‌گر	comparative interpretation	تفسیر مقایسه‌ای
[غذایی] افزاره‌ای برای تقسیم کردن و قرار دادن حجمی از مواد در محل‌های موردنظر که انواع گوناگون دارد		[ژنوفیزیک] تفسیری مبتنی بر مقایسهٔ داده‌های برداشت الکتریکی با خَم‌های نظری مربوط به اجسامی با تباین خواص الکتریکی و هندسه یا ساختارهای زمین‌شناختی معلوم	

تکرسانی ← تکرسانی اینترنت	تقویت reinforcement
تکرسانی اینترنت tethering, smartphone hotspots	[زبان‌شناسی] افزایش مؤلفه‌های معنایی یا صوری عناصر واژگانی
[نارا] فرایند استفاده از تلفن همراه به‌عنوان مودم برای اتصال رایانه‌ی کیفی به اینترنت با استفاده از بافه/کابل یا به‌صورت بی‌سیم مت. - تکرسانی	تکامل evolution [کیمی] ۱. تغییرات ارثی در موجودات زنده که در یک دوره‌ی زمانی و در چندین نسل صورت می‌گیرد ۲. انتقال مواد ژنی از والد یا والدین به نتاج در طول زمان با تغییری مشابه در مواد ژنی
تکروزنی unistomal [کیمی] ویژگی تخمکی که سفت آن یک تخمک‌پوش دارد	تکپوششی unitegmia [کیمی] ویژگی تخمکی با یک تخمک‌پوش
تکمیل suppletion [زبان‌شناسی] فرایندی ساختواژی که بر مبنای آن در یک صیغگان صورت‌هایی از دو یا چند ریشه‌ی مختلف مکمل یکدیگر واقع می‌شوند	تکخانگی monothecal [کیمی] بساکی با یک خانک و معمولاً با دو ریزهاگدان (microspotangium)
تکمیل جزئی partial suppletion [زبان‌شناسی] گونه‌ای تکمیل که در آن بخشی از صورت‌های مکمل ثابت می‌ماند	تکراری ناهم‌سو inverted repeat, IR [ژن‌شناسی] یکی از دو یا چند توالی تکراری غیر هم‌جهت در یک مولکول دنا
تک‌نگاشت monograph [کیمی] توصیف آرایه‌شناختی مشروح تمام گونه‌ها و آرایه‌های فرگونه‌ای یک گروه آرایه‌شناختی معین	تکراری ناهم‌سوی پایانی inverted terminal repeat [ژن‌شناسی] توالی‌های کوتاه یا مرتبط یا مشابه ناهم‌سو، در دو سر برخی از ترانژن‌ها
تکینه sachet [بهار] کیسه‌ای کوچک و دوراندختنی، معمولاً از جنس پلاستیک، محتوی مقادیری از مواد غذایی یا بهداشتی یا دارویی، در حد یک بار مصرف	تکراری هم‌سو direct repeat, DR [ژن‌شناسی] یکی از دو یا چند توالی تکراری هم‌جهت در یک مولکول دنا

pangensis

تمام‌زایش

[ژن‌شناسی] نظریه‌ای مردود در تکوین مبنی بر اینکه تمام اجزای بدن به شکل ذرات، از طریق کامه‌ها از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شوند

تمدیدی ← اتاق تمدیدی

decentralization

تمرکززدایی

[مدیریت] انتقال قدرت تصمیم‌گیری از مرکز به نواحی مختلف از یک سو و پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری نواحی در قبال نتایج از سوی دیگر

fast roast

تندبرشته‌کاری

[قهوه] نوعی برشته‌کاری تجاری نسبتاً سریع که ممکن است در ظرف پنج دقیقه نیز انجام شود

pejoration,

تنزل معنایی

degeneration, deterioration

[زبان‌شناسی] نوعی تغییر معنایی ناظر بر نامطلوب شدن معنا

pejorative

تنزلی

[زبان‌شناسی] مربوط به تنزل معنایی

hydrostatic stress

تنش آب‌ایستایی

[زمین‌شناسی] حالتی از تنش که در آن تنش‌های عمودی (normal stresses) واردشونده بر هر سطحی یکسان است و تنش‌های برشی در ماده وجود ندارد

تلاقی ← تلاقی قطارها

train meet,
train crossing

تلاقی قطارها

[ریلی] فرایندی که در هنگام حرکت هم‌زمان دو قطار در جهت مخالف یکدیگر روی می‌دهد و در آن یکی از قطارها در خط کناری توقف می‌کند تا قطار دیگر بتواند عبور کند
متن. تلاقی

debitting

تلخی‌زدایی

[مغذی‌شناسی] زدودن ترکیبات تلخ از فراورده‌های غذایی برای مطبوع کردن مزه آنها

anchored dune,
fixed dune, established dune,
stabilized dune

تل‌ماسه مهارشده

[زمین‌شناسی] تل‌ماسه‌ای که حرکت آن متوقف شده یا شکل آن بر اثر رشد گیاه یا سیمانی شدن ماسه از تأثیر باد بیشتر در امان مانده است

honey pot

تله‌عسل

[فارا] سامانه‌ای در شبکه که عمداً طوری پیکربندی شده است که با شبیه‌سازی خدمات شبکه مهاجمان را تطمیع کند و آنها را به دام اندازد

تیم ← درون‌مایه

totalism

تمام‌خواهی

[روان‌شناسی] سازمان‌دهی خودپنداره به نحوی که دارای مرزهای مستبدانه و انعطاف‌ناپذیر باشد

<p>agreeable توافق‌پذیر [روان‌شناسی] فردی که توافق‌پذیری دارد</p>	<p>deviatoric stress تنش انحرافی [زمین‌شناسی] تنش‌ای که پس از تفریق تنش عمودی (normal stress) متوسط یا تنش کروی از تنش کل باقی می‌ماند</p>
<p>agreeableness توافق‌پذیری [روان‌شناسی] تمایل به عمل همیارانه و عاری از خودپسندی که یکی از ابعاد «الگوی پنج بُعد کلان شخصیت» است</p>	<p>lithostatic stress تنش سنگ‌ایستایی [زمین‌شناسی] ۱. حالتی از تنش که در آن تنش‌های عمودی (normal stresses) واردشونده بر هر سطحی یکسان است. ۲. تنش روباره (overburden stress) یا تنش قائم (vertical stress) در پوسته زمین</p>
<p>power-aware توان‌آگاه [افراد] ویژگی افزاره یا سامانه‌ای که از چگونگی بهره‌گیری بهینه از توان الکتریکی برای انجام کارها آگاهی دارد</p>	<p>headway setting تنظیم فاصله گذر [درون‌شهری] تنظیم دستگاه فرماندهی چراغ راهنمایی با توجه به فاصله زمانی اندازه‌گیری‌شده بین خودروهای متوالی براساس سرعت معین و طول خودروها در محدوده نصب شناسگر (detection zone)</p>
<p>power awareness توان‌آگاهی [افراد] توانایی افزاره یا سامانه در بهره‌گیری از توان الکتریکی برای انجام کارها</p>	<p>تنظیم فشار اتاقک cabin pressurization [هوابی] ثابت نگه داشتن فشار ایمن درون هواگرد در هنگام پرواز در ارتفاع بالا</p>
<p> Candlepower, CP¹ توان شمعی [افزیک] معیاری برای اندازه‌گیری میزان روشنایی حاصل از یک چشمه نور</p>	<p>تنظیم‌گر فشار اتاقک ← واپایشگر فشار اتاقک</p>
<p>توپخانه کمک‌مستقیم direct support artillery [نظامی] توپخانه‌ای که مأموریت اصلی آن فراهم کردن آتش به درخواست یگان پشتیبانی‌شونده است</p>	<p>تِنور tenor [موسیقی] ۱. زیرترین صدای طبیعی مردان. ۲. بخش زیرتر بلافاصله پس از باس در موسیقی چهاربخشی آوازی. ۳. یکی از اعضای بم در برخی خانواده‌های سازی</p>
<p>justification توجیه [فلسفه] آنچه به‌عنوان دلیل برای اثبات یا دفاع از ادعا یا رفتاری ارائه شود</p>	

تور دهانه انبار hatchway netting

[دریایی] توری‌ای بر روی دهانه انبار برای تهویه و جلوگیری از سقوط افراد به درون انبار

توزیع آماسیده inflated distribution

[آمار] توزیع گسسته‌ای که در آن با افزایش جرم احتمال یک یا چند نقطه و در نتیجه، کاهش جرم احتمال نقاط دیگر، تکیه‌گاه یک توزیع به دست می‌آید

توزیع تباهیده degenerate distribution

[آمار] توزیع احتمال یک متغیر تصادفی که فقط یک مقدار می‌پذیرد

توزیع سربریده decapitated distribution

[آمار] توزیعی که اولین مقدار آن حذف شده باشد

توزیع کاهیده deflated distribution

[آمار] توزیع گسسته‌ای که در آن با کاهش جرم احتمال یک یا چند نقطه و در نتیجه، افزایش جرم احتمال نقاط دیگر، تکیه‌گاه یک توزیع به دست می‌آید

توزیع مستطیلی گسسته

← توزیع یکنواخت گسسته

توزیع یکنواخت گسسته**discrete uniform distribution**

[آمار] یک توزیع احتمال که در آن تمام اعضای

توجیه استنتاجی**inferential justification**

[فلسفه] توجیهی که در آن یک باور به‌واسطه باور دیگری موجه می‌شود

توجیه غیراستنتاجی**non-inferential justification**

[فلسفه] توجیهی که در آن موجه بودن یک باور متکی بر باور دیگر نیست بلکه یا به‌خودی‌خود موجه است یا بر منابعی مانند احساس و ادراک و حافظه استوار است که بی‌نیاز از توجیه‌اند

توجیه قاطع conclusive justification

[فلسفه] توجیهی که در آن برای یک فعل یا باور مشخص دلایلی ارائه می‌شود که وزن نتیجه را چنان افزایش می‌دهد که نیاز به ارائه ادله بیشتر نیست

توربین جت کنارگذری**bypass turbojet,****leaky turbojet**

[هوایی] نوعی موتور توربین جت که در آن جریان هوای عبوری از فشرده‌ساز کم‌فشار کمی بیشتر از فشرده‌ساز پُرفشار است و هوای اضافی از طریق مجرای کنارگذر تخلیه می‌شود

توربین مبدل گشتاور**torque converter turbine**

[خودرو] پروانه خروجی مبدل گشتاور که با جریان پرسرعت روغن به گردش درمی‌آید و حرکت و توان را از طریق محور خروجی به جعبه‌دنده منتقل می‌کند

[دریایی] سازه‌ای در دیوارهٔ انبار و متصل به در انبار که در هنگام باز و بسته کردن در انبار، بخشی از فشار واردشده را تحمل می‌کند

hatch beam, **تیرک دهانه**
hatchway beam, hatch web,
bridle beam

[دریایی] هریک از تیرک‌هایی که در عرض دهانهٔ انبار نصب می‌شود و از آن برای نگه داشتن تکه‌های در انبار استفاده می‌کنند

hatch-end beam **تیرک سر دهانه**

[دریایی] تیرکی محکم در دو سر دهانهٔ انبار برای تحمل نیروهای وارد بر دهانه

outside sill **تیر کناری**

[دریایی] هر یک از تیرهایی که به صورت طولی در دو طرف قاب واگن قرار دارند

identity registration **ثبت شناسه**

[رمزشناسی] فرایند معرفی شناسهٔ یک شخص به سامانهٔ واریسی شناسهٔ شخصی با استفاده از یک شناسانهٔ منحصر به فرد متناظر

مجموعه‌ای متناهی از مقدارهای هم‌فاصله، احتمال‌های برابر دارند
توزیع مستطیلی گسسته
discrete rectangular distribution

plant **تولیدگاه**

[م. پرورده] مجموعهٔ زمین، ساختمان‌ها، تأسیسات، ابزارها، ماشین‌آلات، و دیگر امکاناتی که برای یک تولید صنعتی خاص به کار گرفته شده‌اند

coda **ته‌بند**

[موسیقی] ۱. بخش پایانی یک قطعه یا لحن ۲. بخش الحاقی به یک شکل یا ساختار استاندارد

codetta **ته‌بندک**

[موسیقی] ۱. ته‌بند کوتاهی، غالباً در انتهای برشی از یک پویهٔ سونات ۲. در فوگ، گذری میانکی که در بخش گشایش بین هر بار حضور نهاد تکرار می‌شود

hatch stopper, **تیر دیوارهٔ انبار**
hatch-side girder

ج

voice exchange, **جابه‌جایی صدایی**
part exchange

[موسیقی] جابه‌جایی دو و گاه سه صدای عباراتی
که هم‌زمان شنیده می‌شوند

Compton shift **جابه‌جایی کامپتون**

[فیزیک] افزایش طول موج فوتون پراکنده‌شده در
پراکنندگی کامپتون نسبت به طول موج فوتون
جذب‌شده

message rack **جاییامی**

[کردشگری] تخته یا قفسه مخصوصی که پیام‌ها را
در داخل خانه‌های آن یا بر روی آن قرار
می‌دهند یا به آن الصاق می‌کنند

luggage rack, baggage rack **جاچمدانی**

[کردشگری] رف یا محفظه‌ای معمولاً در بالای سر
مسافران در وسایل نقلیه، مانند قطار و اتوبوس
و هواپیما برای قراردادن بار و وسایل دستی
آنها

جابرشستی ← جانان‌برشستی

room rack **جابرگه‌ای اتاق‌ها**

[کردشگری] ردیفی از برگه‌دان‌های کوچک فلزی
برای نگه داشتن برگه‌های مربوط به هر یک از
اتاق‌های مهمانخانه به ترتیب شماره آنها

information rack **جابرگه‌ای مهمانان**

[کردشگری] قفسه‌ای شامل ردیفی از شکاف‌های
فلزی که به صورت نمایه الفبایی نام مهمانان
مقیم مهمانخانه عمل می‌کند و برگه‌های مهمان
در شکاف‌های مربوط قرار داده می‌شود

plate rack **جایشقاب‌ی**

[کردشگری] وسیله‌ای برای چینش و نگهداری
آسان و بهداشتی بشقاب‌ها در کنار هم و در
کمترین جا

جابه‌جایی زاویه‌ای
angular displacement

[فیزیک] تغییر موقعیت زاویه‌ای یک جسم چرخان

[مدیریت] حمایت فعالانه یا پنهان یا ناخواسته از یک خطمشی یا دسته‌ای از خطمشی‌های مختلف

music stand, pupitre **جائتی**

[موسیقی] افزاره‌ای دارای صفحه‌ای مایل، پایه‌دار یا بی‌پایه، که بر روی آن در ارتفاع دید نت‌نوشت را قرار می‌دهند

toponym **جای‌نام**

[زبان‌شناسی] نام هر مکان

toponymic **جای‌نام‌شناختی**

[زبان‌شناسی] مربوط به جای‌نام‌شناسی

toponymist **جای‌نام‌شناس**

[زبان‌شناسی] کسی که تخصص او جای‌نام‌شناسی است

toponymy¹ **جای‌نام‌شناسی**

[زبان‌شناسی] مطالعه‌ی جای‌نام‌ها

toponymy² **جای‌نامگان**

[زبان‌شناسی] مجموعه‌ی جای‌نام‌های یک منطقه یا قلمرو زبانی

jet wash **جت‌شار**

[نظامی] فوران گاز خروجی از اگزوز موتور جت

pneumatic bulkhead **جداساز بادی**

magical thinking **جادواندیشی**

[روان‌شناسی] باور به اینکه رویدادها یا رفتارهای دیگران ممکن است از افکار و آرزوها (wishes) و اعمال (rituals) فرد تأثیر بپذیرند

key rack **جاکلیدی**

[کردشگری] در مهمانخانه‌های سنتی یا در قدیم، قابی با گیره‌ها یا حفره‌های لانه‌کیوتری پرشمار، در نزدیک پیشخان مهمانخانه برای قرار دادن کلید اتاق‌ها

جامعه‌ی مورد مطالعه

study population

[آمار] جامعه‌ای که آمارگیری از آن انجام می‌شود

target population **جامعه‌ی هدف**

[آمار] جامعه‌ای که کسب اطلاع از آن مورد نظر است

mail rack **جانامه‌ای**

[کردشگری] قفسه‌ای که نامه‌ها یا بسته‌های پستی مهمانان یا دیگر افراد مقیم مهمانخانه در آن قرار داده می‌شود

toast rack **جانان برشتی**

[کردشگری] وسیله‌ای برای نگهداری و عرضه‌ی قطعات نان برشته‌شده
مت. جابرشتی

جانبداری از خطمشی

policy advocacy

[نظامی، هوایی] وسیله‌ای برای نشان دادن آهنگ جریان سوخت در موتور هواگرد

جریان گرایستی bias current

[فیزیکی] جریان ثابت و پایایی که آستانه کارکرد مدار را پیشاپیش تعیین می‌کند

جعبه box

[سپار] گنجایه‌ای صلب و مکعب‌شکل با وجوه عمود بر کف، از جنس چوب یا مقوا یا پلاستیک

جعبه‌دنده gearbox, transmission, gearcase

[خودرو] یکی از زیرمجموعه‌های زنجیره نیرورسان که گشتاور و دور انتقالی موتور به چرخ‌ها را متناسب با نیاز خودرو تنظیم می‌کند

جعبه‌دنده پیوسته

continuously variable transmission, CVT, single-speed transmission¹, stepless transmission¹, pulley transmission¹, constantly variable transmission

[خودرو] جعبه‌دنده‌ای که در آن تغییر نسبت سرعت به صورت پیوسته است نه پله‌ای

جعبه‌دنده پیوسته تسمه‌ای

variable-diameter pulley, VDP, reeves drive, single-speed transmission², stepless transmission², pulley transmission²

[ریلی] ابزار ایمن‌سازی حمل بار در واگن که معمولاً شامل کیسه‌های بزرگ هواست که بین بارهای دارای حجم زیاد فشار طولی ایجاد می‌کند تا از حرکت جانبی یا طولی آنها جلوگیری کند

جدایی تولیدمثلی

reproductive isolation

[ژن‌شناسی] نبود امکان درون‌آمیزی (interbreeding) بین اعضای یک جمعیت یا زیرگونه‌ها یا گونه‌های آن

جدول کسری گنجایش outage table

[ریلی] جدولی حاوی مقادیر ازپیش‌تعیین‌شده کسری گنجایش متناسب با ترازهای مختلف سطح سیال در مخزن

جذب کامپتون Compton absorbtion

[فیزیکی] بخشی از باریکه پرتو X یا پرتو گاما که بر اثر پراکندگی کامپتون از باریکه حذف می‌شود

جرم جنسی sex crime

[سلامت] کنش جنسی که مطابق قانون دارای مجازات است

جریان ستاره‌ای star streaming

[نجوم] جابه‌جایی نسبی دو دسته از ستاره‌ها در اطراف خورشید که به لحاظ بصری این تصور را پدید می‌آورد که در دو جهت مخالف حرکت می‌کنند

جریان سنج سوخت fuel flowmeter

[خودرو] نوعی جعبه‌دنده پیوسته که در آن تغییر نسبت دور، از طریق جابه‌جایی یک تسمه بر روی دو مخروط با محورهای موازی انجام می‌شود

جعبه‌دنده پیوسته مغناطیسی
magnetic continuously variable transmission, MCTV

[خودرو] نوعی جعبه‌دنده پیوسته که از یک ایستانه و سه چرخانه واپایشی و ورودی و خروجی تشکیل می‌شود که با تغییر سرعت چرخانه واپایشی نسبت سرعت چرخانه ورودی به خروجی به‌طور پیوسته تغییر می‌کند

جعبه‌دنده پیوسته نامحدود
infinitely variable transmission, IVT

[خودرو] نوعی جعبه‌دنده پیوسته که در آن نسبت سرعت می‌تواند تا حد صفر کاهش یابد

جعبه‌دنده پیوسته نیم‌چنبره‌ای
half toroidal continuously variable transmission, half toroidal CVT

[خودرو] نوعی جعبه‌دنده پیوسته که در آن تغییر نسبت سرعت از طریق جابه‌جایی دو نیم‌چنبره شلجمی‌شکل، میان دیسک‌های ورودی و خروجی انجام می‌شود

جعبه‌دنده تسمه‌ای
← جعبه‌دنده پیوسته تسمه‌ای

جعبه‌دنده چهارسرعه
four-speed transmission,
four-speed gearbox, four speed

[خودرو] جعبه‌دنده دستی یا خودکار با چهار نسبت سرعت

[خودرو] نوعی جعبه‌دنده پیوسته که در آن تغییر نسبت سرعت از طریق یک تسمه نوزنقه‌ای و یک زوج چرخ‌تسمه قطرمتغیر صورت می‌گیرد
مت. جعبه‌دنده تسمه‌ای

جعبه‌دنده پیوسته جغجه‌ای
ratcheting continuously variable transmission, ratcheting CVT

[خودرو] جعبه‌دنده پیوسته‌ای که در آن تغییر نسبت دور، از طریق درگیر شدن و خلاص شدن پیاپی اجزای یک سازوکار صورت می‌گیرد

جعبه‌دنده پیوسته چنبره‌ای
toroidal continuously variable transmission, toroidal CVT,
roller-based continuously variable transmission, full-toroidal continuously variable transmission

[خودرو] نوعی جعبه‌دنده پیوسته که در آن تغییر نسبت سرعت از طریق جابه‌جایی غلتک‌های چنبره‌ای بر روی دیسک‌های شبه‌مخروطی ورودی و خروجی صورت می‌گیرد

جعبه‌دنده پیوسته سیاره‌ای
planetary continuously variable transmission, planetary CVT

[خودرو] نوعی جعبه‌دنده پیوسته که در آن تغییر نسبت دور، از طریق تغییر زاویه تماس مجموعه‌ای از گویچه‌های موجود در بین دیسک‌های ورودی و خروجی صورت می‌گیرد

جعبه‌دنده پیوسته مخروطی
cone continuously variable transmission, cone CVT

جعبه‌دنده سیاره‌ای

planetary gearbox,
epicyclic gearbox,
planetary transmission,
epicyclic transmission

[خودرو] جعبه‌دنده‌ای که در آن تعدادی چرخ‌دنده کوچک (سیاره) درحین چرخش بر روی محیط بیرونی یک چرخ‌دنده مرکزی (خورشید) با دنده‌های داخلی یک چرخ‌دنده حلقوی (ring gear) درگیرند

جعبه‌دنده نیمه‌خودکار

semi-automatic gearbox, SAT,
semi-automatic transmission,
clutchless manual transmission,
automated manual transmission,
trigger shift, flappy-paddle
gear shift, paddle-shift gearbox

[خودرو] جعبه‌دنده‌ای که در آن با اقدام راننده به تعویض دنده، کلاچ‌گیری به‌صورت خودکار انجام می‌گیرد

جعبه‌دنده هم‌دورساز

← جعبه‌دنده هم‌دورکننده

جعبه‌دنده هم‌دورکننده

synchromesh gearbox,
synchromesh transmission

[خودرو] جعبه‌دنده‌ای که در آن برای یکسان کردن سرعت چرخ‌دنده‌های محرک و متحرک از یک یا چند هم‌دورساز در هر دنده استفاده می‌کنند

مت. جعبه‌دنده هم‌دورساز

جعبه‌دنده خودکار

automatic gearbox,
automatic transmission,
automatic transmission system,
AT, self-shifting transmission

[خودرو] جعبه‌دنده‌ای که در آن تعویض دنده بدون دخالت راننده و به‌صورت خودکار صورت می‌گیرد

جعبه‌دنده خودکار-دستی

manumatic transmission, tiptronic

[خودرو] جعبه‌دنده خودکاری که قابلیت تعویض دنده به‌صورت دستی نیز در آن پیش‌بینی شده است

manual gearbox, **جعبه‌دنده دستی**
MT, manual transmission,
manually-shifted transmission,
standard transmission

[خودرو] جعبه‌دنده‌ای که در آن تغییر دنده به‌صورت دستی توسط راننده صورت می‌گیرد

جعبه‌دنده دودامنه

dual-range gearbox,
dual-range transmission

[خودرو] جعبه‌دنده‌ای با دو مجموعه نسبت‌سرعت سبک و سنگین برای کاربری‌های جاده‌ای و برون‌جاده‌ای

جعبه‌دنده دوکلاچه

dual-clutch transmission, DCT,
twin-clutch gearbox, double-clutch
transmission

[خودرو] جعبه‌دنده خودکاری که در آن توان موتور از طریق دو کلاچ جداگانه به دنده‌های زوج و فرد منتقل می‌شود

[تقشه‌برداری] فرایند جمع‌سپاری مجموعه‌ای از وظایف مکانی به مجموعه‌ای از عاملان که مستلزم سفر آنها به آن مکان‌ها است

جمعیت‌شناسی demography

[آمار] مطالعه آماری جوامع انسانی با توجه به مشخصه‌هایی مانند زادومرگ، مهاجرت و اشتغال

جمله sentence

[زبان‌شناسی] بزرگ‌ترین واحد ساختاری در دستور یک زبان

جمله‌ای sentential

[زبان‌شناسی] مربوط به جمله

جمله خبری declarative sentence, indicative sentence

[زبان‌شناسی] جمله‌ای که خبری را بیان می‌کند

جمله درونه‌ای embedded sentence

[زبان‌شناسی] جمله‌ای که درون جمله‌ای دیگر قرار می‌گیرد

جمله شرطی conditional sentence

[زبان‌شناسی] جمله‌ای شامل بند پایه و بند شرطی (conditional clause)

جنسیت‌نگری sexism

[سلامت] ۱. پیش‌داوری و تبعیض براساس جنسیت، به‌ویژه علیه زنان ۲. رفتار یا شرایط یا نگرش‌هایی که کلیشه‌های رایج درخصوص نقش‌های جنسیتی را اشاعه می‌دهد

جعبه‌دنده همه‌گرد

constant-mesh gearbox

[خودرو] جعبه‌دنده‌ای که همه جفت‌دنده‌های آن همواره درگیرند و تعویض دنده از طریق قطع و وصل ارتباط بخش‌های مختلف محور خروجی صورت می‌گیرد

جعل امضای وجودی

existential forgery

[رم‌شناسی] نوعی جعل امضا که در آن مهاجم، بدون در اختیار داشتن کلید خصوصی، قادر به تولید امضای معتبر بر روی یک پیام دلخواه امضانشده باشد

جعل‌نگاشت

allograph

[نظامی] دست‌خط یا امضای ساختگی یک نفر به‌جای دیگری

جفت‌راهنما

hazard warning lights

[درون‌شهری] دو چراغ راهنمای زرد خودرو که هم‌زمان و منظم روشن و خاموش می‌شوند

جمع

plural

[زبان‌شناسی] یکی از اقسام مقوله شمار، که در بیشتر زبان‌ها، بر «بیش از یکی» دلالت می‌کند

جمع‌سپاری

crowdsourcing

[مدیریت] کسب خدمات و نظرات از طریق جلب مشارکت عمومی، به‌ویژه با مراجعه به اجتماعات برخط

جمع‌سپاری مکانی

spatial crowdsourcing

[نجوم] خارجی‌ترین لایه گاز و پلاسما در سطح ستاره که پرتوهای نور از آن گسیل می‌شود

جولان پهلوئی flanking maneuver

[نظامی] در راهکنش نظامی، حرکت یک نیروی مسلح در اطراف یک پهلو برای به دست آوردن موقعیت برتر نسبت به دشمن

جهش خنثی neutral mutation

[ژن‌شناسی] ۱. تغییری ژنی که بیان رخ‌نمودی آن هیچ تغییری در برازندگی موجود زنده در شرایط فعلی ایجاد نمی‌کند ۲. جهشی که تغییر رخ‌نمودی آشکاری ایجاد نمی‌کند

جهش شرطی conditional mutation

[ژن‌شناسی] جهشی که، در شرایط خاص، باعث بروز رخ‌نمود وحشی (wild-type phenotype) و در شرایط محدودکننده، باعث بروز رخ‌نمود جهش‌یافته می‌شود

جهش قطبی polar mutation, dual-effect mutation

[ژن‌شناسی] جهشی که در آن اثر جهش علاوه بر خود ژن در ژن‌های پایین‌دست همان ورزه نیز دیده می‌شود

جهش نقطه‌ای point mutation, micromutation

[ژن‌شناسی] در ژن‌شناسی مولکولی، جهشی که نتیجه جایگزینی یا حذف یک نوکلئوتید با یک نوکلئوتید دیگر است

جنگ ادامه‌دار perpetual war, endless war, forever war

[نظامی] جنگی که پایان مشخصی ندارد و حاکی از وضعیتی است که در آن تنش میان نیروهای متخاصم روبه‌افزایش است

جنگ تمام‌عیار total war

[نظامی] جنگی که در آن با استفاده از سلاح‌ها و راه‌کنش‌های خاص، علاوه بر منابع نظامی، منابع غیرنظامی و زیرساخت‌های کشور هدف گرفته می‌شوند و خسارات و تلفات غیرنظامی بسیار به دنبال دارد

جنگ‌زده war stricken, war torn

[نظامی] ویژگی شهر یا کشوری که بر اثر جنگ تخریب شده یا آسیب‌های جدی دیده باشد

جنگ مطلق absolute war

[نظامی] جنگی که در آن طرف‌های درگیر تا پایان طبیعی جنگ هیچ‌گونه خویشتن‌داری یا مصلحت‌اندیشی اخلاقی و سیاسی از خود نشان نمی‌دهند

جواز معرفتی epistemic permissibility

[فلسفه] مجاز بودن پذیرش یک گزاره زمانی که آن گزاره به لحاظ معرفتی موجه باشد

جورمونه isotype

[کیمی] نمونه دوم تام‌مونه که هم‌زمان، از همان جمعیت، جمع‌آوری شده است

جوّ ستاره stellar atmosphere

جهل گروه‌زاد pluralistic ignorance

[روان‌شناسی] وضعیتی که در آن اکثریت اعضای گروه قلباً باور یا هنجاری را کنار می‌گذارند ولی به غلط می‌پندارند که اکثر اعضا کماکان بر آن باورند و در نتیجه عملاً با آن همراهی می‌کنند

چ

[باستان‌شناسی] چاله‌ای برای ریختن خاکستر اجاق
یا آتش‌چال

چال ذخیره storage pit
[باستان‌شناسی] چاله‌ای استوانه‌ای یا مخروطی،
حداکثر به عمق سه متر، برای ذخیره کردن
دانه‌های خوراکی

چال زباله rubbish pit
[باستان‌شناسی] چاله‌ای در سطح محوطه باستانی
که زباله‌ها در آن انباشته می‌شده است

چای بدون کافئین decaffeinated tea
[فناوری غذا] چایی که کافئین آن را با حلال گرفته
باشند

چپ! ← به‌چپ!

چپ شناور port side, port²
[دریایی] طرف چپ شناور هنگامی که رو به سینه
شناور ایستاده‌ایم

چادر کشی bagging²
[بسهار] هر نوع منسوجی که در زمان انبارش یا
در حین حمل محصول، برای محافظت، بر روی
آن می‌کشند

چادر کشی bagging³
[بسهار] کشیدن لایه‌ای از فیلم (film) ناتراوا بر
بخش بدون پوشش و درزبندی لبه‌های آن برای
ایجاد خلأ

چارچوب دیرک derrick post,
Samson post, king post

[دریایی] سازه چهارگوش بسیار مستحکمی که
دیرک و افزارهای متعلق به آن بر روی آن
نصب می‌شوند

چال pit
[باستان‌شناسی] اثر یا نشانه یک حفره در برش
لایه‌نگاشتی که پدیداری معمول در محوطه‌های
باستانی است

چال خاکستر ashpit

[مدیریت] سیر حیات سازمان که به طور معمول شامل چهار مرحله شکل‌گیری (birth or incorporation) و رشد (initial growth) و بلوغ (expansion) و افول (decline) است

چسبانقش sticker

[نار] در فضای مجازی، تصویری کوچک شبیه به شکلک، که از آن برای نشان دادن عواطف خاصی، مانند محبت و نفرت، می‌توان استفاده کرد

چشمه همدوس coherent source

[فیزیک] چشمه‌ای که تابش همدوس گسیل می‌کند

چشمی صفحه‌فلز thimble eye

[دریایی] سوراخی در یک صفحه فلزی که کناره‌های آن پخ شده است و می‌توان طناب را به‌جای قرقره از آن عبور داد

چکش hammer

[موسیقی] ۱. بخشی از سازوکار پیانو که به سیم‌ها ضربه می‌زند ۲. نوعی کوبه که برای نواختن بر برخی سازهای کوبه‌ای به کار می‌رود

چکش شمع‌کوب pile hammer

[ریلی] وزنه یا کوبه‌ای برای کوبیدن شمع

چگالی بار charge density

[فیزیک] بار الکتریکی موجود در واحد طول یا سطح یا حجم

جراغ مخابره آلدیس Aldis lamp, signal lamp, Morse lamp

[نظامی] نوعی چراغ علامت‌دهی قابل‌حمل که از آن برای مخابره دستی پیام بین دو یا چند شناور سطحی یا میان یک شناور سطحی و واحدهای پروازی استفاده می‌شود

چرخ‌دنده‌های سیاره‌ای planetary gear set,

sun-and-planet gearset, planetary gears, planetary gear system, planetary gear train, sun-and-planet gears

[خودرو] مجموعه‌ای از چرخ‌دنده‌های کوچک در جعبه‌دنده خودکار که درحین چرخش بر روی محیط بیرونی یک چرخ‌دنده مرکزی (خورشید) با دنده‌های داخلی یک چرخ‌دنده حلقوی (ring gear) درگیرند

چرخ‌دنده هرزگرد reverse idler gear

[خودرو] چرخ‌دنده ساده‌ای که در حالت دنده‌عقب حرکت را از محور واسط جعبه‌دنده به چرخ‌دنده عقب منتقل می‌کند
م. چرخ‌دنده هرزگرد دنده‌عقب

چرخ‌دنده هرزگرد دنده‌عقب

← چرخ‌دنده هرزگرد

چرخ‌زنی orbit¹

[نظامی. موبای] پرواز دایره‌ای هواگرد حول نقطه یا مکانی خاص بر فراز زمین

چرخه عمر life cycle

چندرسیانی اینترنت hot spot¹

[فنا] خدماتی در تلفن همراه هوشمند که خط اینترنت بی‌سیم را هم‌زمان در اختیار چند افزاره قرار می‌دهد
م. چندرسیانی

چندرسیانی همراه mobile hotspot

[فنا] سخت‌افزاری که برای اتصال چند دستگاه دارای قابلیت وای‌فای، مانند تلفن همراه هوشمند و رایانک، به شبکه‌های ارتباطات سیار به کار می‌رود

چنگ پایی‌دار pedal harp

[موسیقی] چنگ امروزی که ۴۷ سیم دارد و کوک آن، علاوه بر دو سیم بم، با سامانه‌ای پایی تا دو نیم‌پرده تغییر می‌کند

چوب رهبر ارکستر

← چوب رهبر سازگان

چوب رهبر سازگان baton, baguette

[موسیقی] قطعه چوبی نازک و مخروطی‌شکل با طول تقریبی ۴۵ سانتیمتر و اغلب به رنگ سفید برای رهبری سازگان
م. چوب رهبر ارکستر

چوبکده xyliarium

[یکامی] مجموعه‌ای از نمونه‌چوب‌های شناسنامه‌دار که در دسترس پژوهشگران است

چهارتایه tetrad**چگالی ستاره‌ای** star density

[ع. نجوم] شمار ستاره‌ها در واحد حجم

چلیک keg

[سپار] نوعی بشکه باریک با ظرفیت تقریبی ۱۱۳/۵ لیتر، برای حمل و نگهداری مایعات و موادی مانند میخ و باروت

چنته pouch

[سپار] کیسه‌ای پاکت‌مانند برای بسته‌بندی محصولات جامد یا مایع

چنته ایستاده stand-up pouch, SUP

[سپار] نوعی چنته پرکاربرد با کف کاچه‌ای که به حالت ایستاده قرار می‌گیرد

چنته شیردار spout pouch

[سپار] نوعی بسته‌بندی جانشین برای بسته‌بندی‌های صلب، ویژه مایعات، که انواع شیر بر روی آن قابل نصب است و از فیلم‌های (films) چندلایه پلاستیکی با استحکام مناسب ساخته می‌شود؛ ظرفیت آن از ۵۰ گرم تا ۱۰ کیلوگرم است

چندرسیانی ← چندرسیانی اینترنت**چندرسیانی ایستگاهی****stationary hotspot**

[فنا] واحدی ثابت، شامل یک ایستگاه پایه وای‌فای کامل، که در قیاس با چندرسیانی همراه از افزاره‌های بیشتر و در گستره وسیع‌تری پشتیبانی می‌کند

م. مسیریاب فراخ‌باند سیار

mobile broadband router

neutral fold

چین خنثی

[زمین‌شناسی] چینی که به صورت جانبی بسته می‌شود و بنابراین، نه طاق‌گون به شمار می‌آید نه ناوگون

ptygmatic fold

چین روده‌ای

[زمین‌شناسی] چین‌هایی با لوله‌های گرد و دامنه‌هایی تقریباً برابر با طول موج که در لایه‌های مجزا و به طور معمول در سنگ‌های دگرگونی دیده می‌شوند

چینش بیش‌فشرده

ultra-high-density seating

[مروایی] نوعی چیدمان صندلی، فشرده‌تر از چینش فشرده، که در آن، ضمن حذف غذاخانه کمترین فاصله بین ردیف صندلی‌ها در نظر گرفته می‌شود

high-density seating

چینش فشرده

[مروایی] نوعی چیدمان صندلی در هواپیما که از چیدمان درجه عادی متراکم‌تر است

reclined fold

چین کژیده

[زمین‌شناسی] نوعی چین که خط لولا (hinge line) و شیب سطح محوری آن با یکدیگر موازی‌اند

parasitic fold,
subsidiary fold**چین کهن**

[زمین‌شناسی] چینی با طول موج کوتاه و دامنه کم که معمولاً به صورت سامانه‌ای بر روی چین‌هایی با طول موج بزرگ‌تر قرار می‌گیرد؛ نیمرخ این چین‌ها در یال‌های چین‌های بزرگ‌تر عموماً به شکل S و Z نامتقارن و در گستره لولای آنها به شکل M هستند

[ژئوشناسی] ۱. چهار فامینک که در یکی از مراحل کاستمان از فام‌تن‌های همساخت به وجود می‌آیند ۲. چهار یاخته تک‌لاد که در پایان مرحله کاستمان پدید می‌آیند ۳. چهار باکتری کروی که حاصل دومین تقسیم متوالی عمود بر هم هستند و با آرایش مربعی در کنار هم قرار می‌گیرند

tetrad analysis

چهار تابه کاوی

[ژئوشناسی] روشی برای تحلیل پیوستگی ژن و نوترکیبی با استفاده از چهار یاخته تک‌لادی که حاصل تقسیم کاستمانی‌اند

one gallon jug,
gallon jug, gallon**چهار لیتری**

[بِسپار] گنجایه‌ای سبوماند با اندازه اسمی چهار لیتر، با دهانه و دسته‌ای کوچک، که در ایران برای بسته‌بندی مایعات غیرخوراکی از آن استفاده می‌شود

celebrity

چهره

[عمومی] افراد سرشناس و محبوب در حوزه‌های فرهنگی و هنری و ورزشی و سیاسی و جز آن

site layout

چیدمان ساختگاه

[م. پروژه] پیکربندی تأسیسات و سازه‌های اولیه که باید در ساختگاه برپا شود

curtain fold

چین پرده‌ای

[زمین‌شناسی] چینی استوانه‌ای که اثر محوری آن شعاعی و لولای آن پرشیب است و در درون یک دیاپیر (diapir) شکل می‌گیرد

similar fold

چین همسان

[زمین‌شناسی] نوعی چین که در آن ستبرای لایه‌های چین‌خورده، در جهت عمود بر لایه‌بندی، در لولا بیشتر از یال‌های چین است، اما فاصله بین دو سطح چین‌خورده در موازات سطح محوری یکسان است

intrafolial fold

چین میان‌برگه‌ای

[زمین‌شناسی] چینی فرعی که تنها در چند لایه سنگی در ظاهر چین‌خورده دیده می‌شود

sheath fold

چین نیامی

[زمین‌شناسی] چینی با نیم‌رخ هم‌شیب (isoclinal profile) یا یال موازی که خط لولای آن بیش از ۹۰ درجه خمیده شده است

ح

[دریایی] هر یک از دریچه‌هایی عموماً مدور در اطراف ساختمان شناور که برای نورگیری و تهویه تعبیه می‌شود

blocking volume **حجم بندالی**

[ژئوفیزیک] حجمی از دانه که در آن مانده مغناطش شیمیایی سنگ در طول زمان‌های زمین‌شناختی ثابت باقی می‌ماند

حجم ساعتی بیشینه

highest hourly volume,
HHV

[درون‌شهری] بیشترین شمار وسایل نقلیه عبوری در یک دوره ۶۰ دقیقه‌ای متوالی در طول یک سال

حجم‌نگاری آلت

penile plethysmography, PPG,
phallometry

[سلامت] سنجش جریان خون در آلت که غیرمستقیم از آن برای ارزیابی برانگیختگی جنسی استفاده می‌شود

mobile-governance, **حاکمیت سیار**
m-governance

[فناوری] استفاده از فناوری و خدمات ارتباطات سیار به‌عنوان بستری برای بهبود کارایی و اثربخشی حاکمیت

posture **حالت بدن**

[روان‌شناسی] وضعیت بدن و حرکات آن که از آن می‌توان معنی و منظوری را استنباط کرد

facial expression² **حالت چهره**

[روان‌شناسی] علائم و نشانه‌هایی در چهره که حاکی از پاسخ هیجانی است

حالت‌کاوی چهره
facial expression analysis

[فناوری] بررسی تغییرات چهره در واکنش به تغییرات احساسی و ارتباطات اجتماعی

side scuttle, porthole, hublot **حُبله**

[خودرو] حسگری که میزان باز بودن دریچه گاز را می‌سنجد و اطلاعات مربوط به آن را به واپایشگر موتور و واپایشگر جعبه‌دنده خودکار می‌فرستد

حسگر راستا orientation sensor

[فناور] افزاره‌ای که راستای عمودی یا افقی افزاره‌های همراه را حس می‌کند

حسگر سرعت خودرو vehicle-speed sensor

[خودرو] نوعی حسگر که سرعت حرکت خودرو را اندازه‌گیری می‌کند

حسگر موقعیت پدال ترمز brake pedal position sensor

[خودرو] حسگری که میزان فشردگی پدال ترمز را می‌سنجد و ولتاژ متناسب با این فشردگی را تولید می‌کند

حسگر موقعیت میل‌لنگ crankshaft position sensor, CP², CKP

[خودرو] حسگری که سرعت چرخشی میل‌لنگ موتور و موقعیت پیستون درون سیلندر را می‌سنجد و اطلاعات مربوط به آن را به واپایشگر موتور منتقل می‌کند

حسگر هوشمند intelligent sensor

[فناور] زیرسامانه‌ای الکترونیکی که هم کارهای حسگری و هم کارهای واسنجی را انجام می‌دهد

حجم‌نگاری زهره vagnial plethysmography

[سلامت] اندازه‌گیری گردش خون در زهره با استفاده از نورسنجی که در ارزیابی پاسخ جنسی تناسلی در زنان از آن استفاده می‌شود

حداکثر بارپذیری higher mass limits, HML

[درون‌شهری] حداکثر بار محوری که خودروهای سنگین در مسیرهای تعیین‌شده و متناسب با ساختار جاده می‌توانند بر سطح جاده تحمیل کنند

حذف آغازی aphaeresis, aphesis

[زبان‌شناسی] افتادن آوای آغازین واژه که معمولاً واژه است

حرکت پهلوئی flanking movement

[نظامی] جولان‌دهی در اطراف پهلوئی دشمن

حرکت دایره‌ای circular motion

[فیزیک] حرکت جسم سختی که در آن همه جسم با سرعت زاویه‌ای یکسان به دور محور ثابتی در مسیرهای دایره‌ای در حرکت‌اند

حسگر حرکت motion sensor

[فناور] حسگری که جابه‌جایی فیزیکی در یک افزاره یا در یک محیط را تشخیص می‌دهد و در هر لحظه توان شناسایی حرکت و جنبش را دارد

حسگر دریچه گاز throttle-position sensor, TPS

حقوق‌مندی معرفتی

epistemic entitlement

[فلسفه] حقی که شخص برای خود مسلم می‌گیرد تا باورها و احکامی را که شاهدهی برای دفاع از آنها ندارد، بپذیرد

[دریایی] حلقک بزرگ روی‌اندودی در اندازه‌های متفاوت، از ۵/۵ تا ۱۱ اینچ، که از آن برای اتصال بافه‌ها استفاده می‌کنند

حلقک بندآویز

lanyard thimble

[دریایی] حلقکی سه‌گوش که از آن برای اتصال به بندآویز استفاده می‌شود

حقوق اداری

administrative law

[مدیریت] مجموعه قوانین و مقرراتی که دولت برای هدایت فعالیت‌های سازمان‌های دولتی و خدمات عمومی تنظیم می‌کند

حلقک توپُر

solid thimble

[دریایی] حلقکی میان‌پُر با سوراخ‌هایی به اندازه میله یا پیچی که قرار است از آن عبور کند

حکومت باز

open government

[مدیریت] دیدگاهی در حکومت‌داری که براساس آن شهروندان حق مراجعه به اسناد و مدارک حکومتی را برای اعمال نظارت مؤثر دارند

حلقک دوتایی

union thimble,
lock thimble

[دریایی] دو حلقک که در هم قفل شده‌اند و از آنها برای اتصال بافه‌هایی با اندازه‌های مختلف استفاده می‌کنند

حکومت محلی

local government

[مدیریت] ساختاری اداری که بر یک منطقه جغرافیایی مانند ایالت یا استان یا شهر یا حتی واحدهای کوچک‌تر در چهارچوب ضوابطی قانونی، اعمال حاکمیت یا مدیریت می‌کند

حلقک قلبی

heart-shaped thimble,
pear-shaped thimble

[دریایی] حلقکی به شکل قلب در اندازه‌های متفاوت، از ۷/۵ تا ۵ اینچ

حکومت مرکزی

central government

[مدیریت] حکومت یک ملت‌کشور (nation-state) که مشخصه حکومت یکپارچه است

حلقک گرد

round thimble

[دریایی] حلقک گردی که از آن برای اتصال طناب به انتهای بادبان‌ها استفاده می‌شود

حلقک

thimble

[دریایی] حلقه فلزی گرد یا قلبی‌شکلی که شیاری در سطح بیرونی دارد و طناب یا بافه به دور آن می‌افتد و از آن برای ساختن حلقه در سر طناب یا بافه استفاده می‌کنند

حلقه در انبار

hatch ring

[دریایی] هریک از حلقه‌هایی که بر روی در انبار، برای بلند کردن و جابه‌جایی آن، نصب می‌شود

حلقک بافه

hawser thimble

[رمزشناسی] نوعی تهاجم به صورت جعل امضا که براساس ارسال شماری پیام منتخب از سوی مهاجم و اقتناع امضاکننده به امضای آنها انجام می شود

حمله تفاضلی-خطی

differential-linear attack

[رمزشناسی] نوعی تحلیل متن اصلی منتخب با راهکار دومرحله ای که در آن در مرحله نخست، تحلیل رمز تفاضلی، از ابتدا تا دور میانی رمز قالبی، انجام می شود سپس در مرحله دوم از دور میانی تا انتها تحلیل خطی اجرا می شود

حمله تهاجمی

[رمزشناسی] حمله به سامانه های فیزیکی که در نتیجه آن ویژگی های فیزیکی تراشه به طور برگشتناپذیر تغییر می کند

حمله جعل هویت

impersonation attack

[رمزشناسی] حمله ای که در آن مهاجم هویت یکی از طرف های مجاز در یک سامانه یا قرارداد ارتباطی (communications protocol) را به خود نسبت می دهد

حمله جعل هویت واریس

← حمله جعل هویت واریسی کننده

حمله جعل هویت واریسی کننده

verifier impersonation attack

[رمزشناسی] حمله ای که در آن مهاجم هویت واریسی کننده را در یک قرارداد احراز اصالت (authentication protocol) جعل می کند

نت. حمله جعل هویت واریس

حلقه سردیرک

derrick band
[دریایی] حلقه ای فلزی در سردیرک که از آن برای اتصال قرقره های مختلف استفاده می کنند

حلقه سنجاق سری

hairpin loop
[ژن شناسی] هر ناحیه مارپیچی از دنا یا رنا که در نتیجه جفت شدن بازی بین توالی های وارونه مکمل و مجاور بر روی یک رشته تشکیل می شود

حمله بدهستان زمان-حافظه

time-memory trade-off attack

[رمزشناسی] اگر پیچیدگی یافتن کلید برابر با K باشد، در حمله بدهستان زمان-حافظه می توان کلید را در T مرحله (زمان) با M کلمه از حافظه به دست آورد که در آن $K = T \times M$

حمله بدهستان زمان-حافظه-داده

time-memory-data trade-off attack

[رمزشناسی] حمله ای که در آن مهاجم قادر به انجام جست و جوی فراگیر نیست، اما با جست و جوی بخش کوچکی از فضای کلید، سعی می کند یک رشته کلید اجرایی معلوم تولید کند و افزایش طول رشته منجر به افزایش احتمال موفقیت مهاجم در انجام حمله می شود

حمله برق آسا

blitzkrieg
[نظامی] حمله ای که در آن نیروهای متمرکز با سرعت بسیار خطوط دشمن را درهم می شکنند

حمله پیام منتخب

chosen message attack

سری از تجهیزات امن بدون آسیب‌رسانی جدی
به آنها

حمله عیب‌افزایی fault attack

[← رمزشناسی] هر نوع حمله با استفاده از ترکیبی
از شرایط محیطی مختلف که سبب ایجاد
خطاهای محاسباتی در تراشه و در نتیجه نشت
اطلاعات حفاظت‌شده می‌شود

حمله نرم‌افزاری software attack

[← رمزشناسی] هر نوع حمله از طریق رخنه‌های
موجود در نرم‌افزار با استفاده از یک کانال
ارتباطی عادی

حمله غیرتهاجمی non-invasive attack

[← رمزشناسی] حمله به سامانه‌های فیزیکی با
بهره‌گیری از اطلاعات در دسترس، مانند زمان
اجرا و مصرف توان، بدون نیاز به تخریب
تراشه

حوزه مغناطیسی magnetic domain

[ژئوفیزیک] مجموع ناحیه‌های بسیار کوچک دارای
مغناطش مختلف جهت در درون ذرات سنگ یا
بلورها

حمله مربعی square attack

[← رمزشناسی] نوعی حمله بیش‌مجموعه‌ای که
اولین بار حین تحلیل رمز مربع شناسایی شد و
در آن تحلیل‌گر به‌جای مطالعه رفتار یک زوج از
متن‌های اصلی، مجموعه بسیار بزرگ‌تری از
متن‌های رمز را بررسی می‌کند که در آن
بخش‌هایی از متن ورودی، تشکیل یک
بیش‌مجموعه می‌دهند

حوضه پیش‌بوم ← پیش‌گودال

حیطه‌بندی compartmentalization

[← رمزشناسی] نوعی گروه‌بندی غیرسلسله‌مراتبی
اطلاعات حساس برای واپایش دسترسی داده‌ها
که دقیق‌تر از دسته‌بندی امنیتی سلسله‌مراتبی
عمل می‌کند

حمله منطقی logical attack

[← رمزشناسی] حمله با هدف بازیابی داده‌های

خ

[باستان‌شناسی] روشی برای بازیابی مواد فرهنگی ریز با شستن خاک بستره با آب و استفاده از سرند
متن: سرند کردن آبی

خالی مرتب ← اتاق خالی مرتب

خانک
theca
[گیاهی] نیمی از بساک‌های معمولی که دو ریزهاگدان (microsporangium) دارد

خبره‌سپاری
expertsourcing
[نقشه‌برداری] واگذاری حل یک مسئله به فرد یا افرادی که دارای تجربه کافی در زمینه مشخصی هستند

خدمات عمومی
public service
← مدیریت] خدماتی که دولت یا کارگزاران دولتی به مردم عرضه می‌کنند

خاکچال آکنی
landfilling
[محبط‌زیست] ریختن پسماند جامد در یک محیط مهندسی‌شده که سطح آن روزانه با خاک پوشانده می‌شود و به‌صورت مجموعه‌ای از لایه‌های فشرده درمی‌آید

خاکریز
earthwork
[باستان‌شناسی] هر سازه باستانی به شکل پشته‌ای از خاک که کاربرد آن عموماً دفاعی بوده است

خاکریز خطی
linear earthwork
[باستان‌شناسی] هر نوع خاکریز از جمله بند (dike) یا پشته (bank) که در امتداد خطی راست و نه منحنی ساخته شده باشد

خاکستر بستر
bed ash
[محبط‌زیست] خاکستر باقی‌مانده در ته زباله‌سوز با بستر سیال

خاک‌شویی
water screening

domestic violence **خشونت خانگی**

[روان‌شناسی] هر نوع خشونت در خانواده

خصوصی‌بودگی معرفتی

epistemic privacy

[فلسفه] نسبت معرفتی خاص میان شخص و گزاره، چنانکه فقط آن شخص بتواند معرفتی بی‌واسطه یا غیراستنتاجی از آن گزاره داشته باشد

fallibilism **خط‌پذیرانگاری**

[فلسفه] دیدگاهی در معرفت‌شناسی مبتنی بر اینکه هر باور، نظریه، دیدگاه و آموزه‌ای ممکن است خطا از کار درآید و هیچ توجیهی قاطع نیست

tie **خط اتحاد**

[موسیقی] کمانی که دو نت متوالی با نغمه‌ای یکسان را به هم وصل می‌کند و بر عدم اجرای نت دوم و افزودن دیرش آن به دیرش نت اول دلالت دارد

slur **خط اتصال**

[موسیقی] کمانی که بالا یا پایین دو یا چند نت با نغمه‌های متفاوت قرار می‌گیرد و به اجرای متصل آنها دلالت می‌کند

extinction risk **خطر انقراض**

[جنگل] خطر مواجه شدن یک گونه با انقراض نابهنگام که با بیان احتمال انقراض آن در مدت زمانی مشخص تعریف می‌شود

address service **خدمات نشانی**

[نقشه‌برداری] خدماتی که می‌توان از طریق آن موقعیت یک نشانی را تعیین و متقابلاً نشانی یک موقعیت را مشخص کرد

noosphere **خُردسپهر**

[فلسفه] سومین ساحت یا مرحله از مراحل سه‌گانه تکامل زمین که در آن بشر آگاهانه در فرایند تکامل دخالت می‌کند

shattering **خُردشدگی**

[زمین‌شناسی] فرایند خُرد شدن سنگ سخت به قطعات زاویه‌دار بر اثر تنش‌های شدید

frost shattering, **خُردشدگی یخبندانی**
gelifraction

[زمین‌شناسی] خُردشدگی و فروپاشی فیزیکی سنگ یا خاک بر اثر فشار عظیم ناشی از یخ‌زدگی آب موجود در شکستگی‌ها یا فضاهای خالی یا سطوح لایه‌بندی آن

violent **خشن**

[روان‌شناسی] فرد دارای رفتارهای خشونت‌آمیز

violence **خشونت**

[روان‌شناسی] خشم انفجاری و ابراز خصومت با هدف صدمه زدن به اشخاص و اموال

sexual violence **خشونت جنسی**

[سلامت] کنش جنسی با کسی بدون رضایت او

خط واگن خدمت caboose track

[ریلی] خطی ویژه نگهداری از واگن‌های خدمت

خط‌های فرانهورفر Fraunhofer lines

[آنجوم] مجموعه‌ای از خط‌های جذبی که نخستین بار فرانهورفر آنها را در طیف خورشید رصد کرد

خفانه choke

[فیزیک] القاگری که در مدار الکتریکی قرار می‌دهند تا بدون ایجاد محدودیت برای جریان مستقیم در برابر بسامدهای بزرگ‌تر از حد معین، رهنمندی بالا ایجاد کند

مت. پیچۀ خفانش chocking coil, choke coil

خفه‌سوزی wet start

[مروایی] فرایندی ناقص در عملیات راه‌اندازی موتور توربین‌گازی که در آن عمل جرقه‌زنی به‌خوبی انجام نمی‌شود یا دور موتور بالا نمی‌رود و سوخت خام از موتور خارج می‌شود

خلاف شم counter-intuitive

[زبان‌شناسی] ویژگی ساختی که مغایر با شمّ بومی‌زبان یا داوری زبان‌شناس مجرب در هنگام تحلیل عناصر زبانی باشد

خمیر ماهی fish paste

[فناوری غذا] فراورده‌ای حاوی گوشت چرخ‌شده ماهی و نمک به‌صورت ماده‌ای با رطوبت کم و بافتی یکدست

خطر راه‌کنار roadside hazard

[درون‌شهری] شیء یا عارضه‌ای در حدفاصل کناره خط عبور و مرز حریم راه یا داخل میانگاه که ممکن است باعث آسیب دیدن سرنشینان خودرو در هنگام برخورد خودرو منحرف‌شده با آن شود

خطرنا hazard marker

[درون‌شهری] علامتی مستطیل‌شکل با خطوط یا نوارهای شبرنگ و جهت‌نمای سفید و قرمز بر روی آن که هشداردهنده وجود مانع در کناره راه است

خط سبقت passing track

[ریلی] خطی کمکی در کنار خط اصلی برای سبقت‌گیری قطارها از یکدیگر

خط ستیغ crest line

[زمین‌شناسی] خطی که نقطه‌های ستیغ یک چینه (stratum) را به هم پیوند می‌دهد

خط‌کشی انتظار holding line

[درون‌شهری] خط‌کشی عرضی منقطع که وسایل نقلیه‌ای که قصد ورود به تقاطع را دارند، در صورت لزوم به توقف، باید پشت آن بایستند

خط‌مشی policy

[مدیریت] طرح و مسیری که یک واحد کسب‌وکار یا دولت یا حزب سیاسی یا سازمان یا اجتماعی از مردم برای فعالیت خود در نظر می‌گیرد
مت. سیاست

- خودبپرداز** vending machine
[عمومی] دستگاهی خودکار که با استفاده از پول یا کارت اعتباری می‌توان اقلامی مانند نوشیدنی و روزنامه و شکلات را از آن خریداری کرد
- خودپنداره** self-concept
[روان‌شناسی] تصور فرد از خویش و قضاوتی که وی درباره ارزش‌ها و توانایی‌ها و اهداف خود دارد
- خودتوان‌آگاهی** self-efficacy
[روان‌شناسی] آگاهی فرد از توانایی‌هایش برای اقدام به نحوی مؤثر که به نتایج مطلوب منجر شود
- خودرو باری سنگین** heavy goods vehicle
[درون‌شهری] خودرو حمل کالا با وزن بیش از ۱۲ تن
- خودشیرینی** ingratiatio
[روان‌شناسی] تلاش ابزاری برای کسب تأیید و رضایت دیگران از طریق مدیریت تأثیر
- خودنام** autonomy
[بیمای] نامی که با استفاده از آرایه‌های فروتیره‌ای (intrafamilial)، فروسردهای (infrageneric) و فروگونه‌ای (infrspecific) ساخته شده باشد
- خنثایی بار** charge neutrality
[فیزیک] وضعیتی که در آن شمار الکترون‌ها و شمار حفره‌ها در یک نیم‌رسانا با هم برابر است
- خنک‌کن روغن** oil cooler, oil radiator
[خودرو] نوعی خنک‌کن برای کاهش دمای روغن جعبه‌دنده خودکار مت. روغن‌سردکن
- خوارزمی داده‌افزایی** data augmentation algorithm
[آمار] نوعی جاذبهی چندگانه که بیشتر در مدل‌های بیزی متغیر نهان به کار می‌رود مت. الگوریتم داده‌افزایی
- خواص پخت** cooking properties
[غذایی] قابلیت یک فراورده غذایی در حفظ بافت و رنگ و عطر و طعم مواد موجود در آن پس از فرایند پخت
- خودبانک** virtual teller machine, video teller machine, VTM, personal teller machine, PTM
[عمومی] دستگاه الکترونیکی خودکاری که از طریق آن می‌توان بیشتر خدمات بانکی از قبیل افتتاح حساب، دریافت یا وصول چک، دریافت تسهیلات و نقل و انتقال پول را، در صورت نیاز به کمک یک کارشناس بانک و از طریق دوربینی، در تمام ساعات شبانه‌روز انجام داد

د، ذ

davit	دارک	دادگان ← پایگاه داده
[دریایی] دیرک کوچکی که برای بالا و پایین بردن قایق‌ها و لنگرها و وسایل دیگر به کار می‌رود		داده‌کاوی
		data mining
		[آمار] فرایند کشف روابط بین متغیرها در مجموعه بزرگی از داده‌ها
stern davit	دارک پاشنه	
[دریایی] هر یک از دو دارکی که از آن برای پایین بردن قایق پاشنه استفاده می‌شود		داده‌های بریده
		truncated data
		[آمار] داده‌هایی که مقدارهای بزرگ‌تر (بریده‌شده از راست) یا کوچک‌تر (بریده‌شده از چپ) از مقداری ثابت، از آنها حذف شده یا اصلاً مشاهده نشده است
collapsible davit	دارک تاشو	داده‌های بزرگ‌مقیاس
[دریایی] دارکی که در پاشنه آن در محل اتصال به عرشه لولا تعبیه شده است و به دلیل قابلیت تا شدن در زمانی که از آن استفاده نمی‌شود، فضای عرشه را اشغال نمی‌کند		large-scale data
		[آمار] داده‌هایی که شمار متغیرهای آنها بیش از شمار واحدهای نمونه‌گیری است
cat davit	دارک تنه لنگر	داده‌های مرجع کدبندی مکانی
[دریایی] نوعی دارک در شناورهای قدیمی برای بالا آوردن تنه لنگر از طریق بستن آن به حلقه‌های انتهایی		geocoding reference data
		[نقشه‌برداری] داده‌هایی که برای نمایش هندسی مکان‌های موردنظر در خدمات‌دهی کدبندی مکانی به کار می‌روند
	دارک دهانه ← دارک دهانه انبار	

- دارک ناخن لنگر** fish davit
[دریایی] دارکی آهنی که از آن در کنار دارک تنه لنگر، برای بالا کشیدن ناخن لنگر و گذاشتن آن در بستر لنگر استفاده می‌کنند
- دارک دهانه انبار** hatch davit
[دریایی] دارکی کوچک و قابل حمل برای بالا و پایین بردن اجسام یا آنوقه یا وسایل، که بر بالای دهانه انبارها نصب می‌شود
مت. دارک دهانه
- داستان آوری** storynomics
[مدیریت] علم شناخت کاربرد داستان‌گویی در کسب و کار
- دامنه بی‌هنجاری** anomaly amplitude
[ژئوفیزیک] بیشینه انحراف محلی نشانک/سیگنال هدف، اعم از مغناطیسی و گرانی، از سطح نوبه زمینه، پس از آن بین بردن مؤلفه‌های نوبه با طول موج‌های کوتاه و دامنه بلند
- دامنه بی‌هنجاری مغناطیسی** magnetic anomaly amplitude
[ژئوفیزیک] تغییر نسبی شدت میدان مغناطیسی در ناحیه برداشت، ناشی از میزان تباین پذیرفتاری مغناطیسی جانبی و عمق چشمه
- دانش** knowledge¹
[فلسفه] پیکره کل دانسته‌های بشری درباره امور طبیعی و انسانی که گاه به شاخه‌ای از دانسته‌های نظام‌مند بشری هم اطلاق می‌شود
- دانه پوش گوشتی** sarcotesta
[گیاه] پوسته دانه‌ای که در زمان بلوغ گوشتی است
- دانه سنجی** granulometry
[فتاوری غذا] روشی برای دانه‌بندی یا تعیین اندازه دانه‌ها یا ذرات ترکیبات مواد غذایی
- دارک شلنگ** hose davit
[دریایی] دارکی در کشتی‌های مخزن‌دار که برای جابه‌جایی شلنگ تخلیه و بارگیری از آن استفاده می‌شود
- دارک قایق‌آویز** boat davit
[دریایی] هریک از دو دارکی که برای آویزان نگاه داشتن و پایین بردن یا بالا آوردن قایق‌های کشتی نصب شده است
مت. قایق‌آویز
- دارک کمان‌گرد** quadrant davit
[دریایی] نوعی قایق‌آویز که بخش تحتانی بازوی آن یک کمان نیم‌دایره است و از آن برای خارج کردن قایق از کشتی استفاده می‌شود
- دارک لنگر** anchor davit
[دریایی] نوعی دارک در شناورهای قدیمی برای جابه‌جایی لنگر؛ در کشتی‌های امروزی به جای این دارک از یک دوار یا جرثقیل لنگر استفاده می‌کنند
- دارک مکانیکی** mechanical davit
[دریایی] نوعی دارک که، برخلاف دیگر دارک‌ها که با دست کار می‌کنند، با چرخ‌دنده و افزارهای مکانیکی کار می‌کند

Haugh score **درجه تازگی**

[فناوری غذا] مؤلفه‌ای برای برآورد تازگی تخم‌مرغ، که براساس نسبت ضخامت سفیده به وزن تخم‌مرغ کامل اندازه‌گیری می‌شود

Celsius degree **درجه سلسیوس**

[فیزیک] یکای اندازه‌گیری دما در مقیاس سلسیوس و کلوین

excrecence **درج همخوان**

[زبان‌شناسی] تغییری آوایی که در نتیجه آن یک همخوان در میان دو همخوان ظاهر می‌شود

درحال‌تعویض ← اتاق درحال‌تعویض

درحال‌نظافت ← اتاق درحال‌نظافت

در دست‌تعمیر ← اتاق در دست‌تعمیر

pressure seal **درزگیر فشاری**

[مراپی] نوعی درزگیر بادشونده بین قطعات ثابت و متحرک هواگرد که با تحت فشار قرار گرفتن از خروج هوا جلوگیری می‌کند

grouting **درزگیری**

[درون‌شهری] ریختن یا تزریق ملاط‌ها یا پیونده‌هایی مانند قیر یا دوغاب سیمان یا چسب شیمیایی یا مواد اپوکسی در داخل سطح روسازی یا سازه یا مواد طبیعی، مانند شکاف طبیعی یک سنگ

dowsing **دُخاله‌زنی**

[باستان‌شناسی] روش غیرعلمی و حدسی برای یافتن مواد یا پدیده‌های زیرسطحی با استفاده از وسیله‌ای مشابه عصای آب‌یابی

operating revenue **درآمد عملکرد**

[دیجی] دریافتی حاصل از عملکرد سامانه حمل‌ونقل عمومی شامل درآمدهایی که از بلیت‌فروشی و تبلیغات و سود بانکی و کمک‌های دولتی به دست می‌آید

hatch cover, hatchway cover, hatch² **در انبار**

[دریایی] در چوبی یا فلزی برای پوشاندن دهانه و جلوگیری از نفوذ آب به انبار شناور

در انبار شیب‌راه‌ای

hatch cover ramp

[دریایی] در شناورهای رو-رو، در انباری به شکل شیب‌راهه که پس از باز شدن و خوابیدن و استقرار، خودرو از روی آن عبور می‌کند

دراولویت ← اتاق دراولویت

pressure door, plug door **در تحت‌فشار**

[مراپی] نوعی در بر روی سازه هواگرد تحت‌فشار که در هنگام بسته بودن، تمام تنش‌های وارد بر سازه، از جمله فشار درونی، را تحمل می‌کند

roast degree, degree of roast **درجه برشته‌گی**

[قهوه] میزان تیره‌شدگی قهوه برشته‌شده

[کیامی] ویژگی تخمکی دپوششی که فقط تخمکپوش درونی سفت آن را احاطه کرده و تخمکپوش بیرونی کوچکتر شده است به طوری که به سفت نمی‌رسد

athwartships, در عرض شناور
athwart

[دریایی] از یک سمت به سمت دیگر شناور و در عرض آن

inboard درون سو

[دریایی، نظامی] به سمت خط میانه طولی شناور یا ناو

public involvement درگیرسازی عموم

[مدیریت] درگیر ساختن شهروندان در مراحل مختلف تصمیم‌گیری و طرح‌ریزی

in scope درون گستره

[م. پروژه] فعالیت‌های پیش‌بینی شده در پیمان که در بیانیه گستره پروژه ذکر شده‌اند

sensate focus therapy درمان حس‌مدار

[سلامت] رویکردی به درمان دُشکاری‌های جنسی که در آن به افراد آموزش داده می‌شود تا توجه خود را بر روی نشانه‌های طبیعی و زیستی شهوانی خود متمرکز کنند و به تدریج به لذت از تحریکات حسی دست یابند

theme درون‌مایه

[موسیقی] ماده موسیقایی که تمام یا بخشی از یک اثر براساس آن شکل می‌گیرد
مت. تم

hatch grating در مشبک انبار

[دریایی] در چوبی مشبکی که برای تهویه به جای در اصلی انبار بر روی دهانه انبار گذاشته می‌شود

embedding درونه‌گیری

[زبان‌شناسی] فرایند قرار گرفتن یک جمله یا بند در درون جمله دیگر

hatch-rest bar, ledge bar, در نشین

hatch-rest section, hatch bearer,
hatch-ledge bar, hatch zee

[دریایی] نبشی فلزی به شکل Z که به‌عنوان پایه نگه‌دارنده در انبار، دورتادور دهانه آن نصب می‌شود

درونی‌گرایی اخلاقی

ethical internalism

[فلسفه] نگرشی مبتنی بر اینکه انگیزه فعل اخلاقی جزء مقوم توجیه اخلاقی آن عمل است
مت. درونی‌گرایی انگیزشی

motivational internalism

درون‌رانه ← پروانه مبدل گشتاور

درونی‌گرایی انگیزشی

← درونی‌گرایی اخلاقی

endostomal درون‌روزی

دسترسی ممتاز privileged access

[فلسفه] آگاهی بی‌واسطه و غیراستنتاجی اول‌شخص از محتویات ذهن خویش که از دو نوع آگاهی دیگر، یعنی آگاهی از اشیای فیزیکی و حالت‌های ذهنی دیگران، متمایز است

دست‌کام‌دهی handjob

[سلاط] تحریک آلت مردانه با دست

دستگاه برشته‌کنی ← برشته‌کن قهوه**دستگاه دولتی public agency**

[ء مدیریت] هرگونه کارگزاری وابسته به دولت

دستگاه مختصات افقی

horizontal coordinate system,
horizontal system of coordinates,
horizontal coordinates¹

[ء نجوم] دستگاه مختصاتی که برای تعیین موقعیت اجرام آسمانی نسبت به ناظر زمینی به کار می‌رود و از دو مختصه سمت و ارتفاع تشکیل شده است

مت. دستگاه مختصات سمتی ارتفاعی
alt-az coordinates¹

دستگاه مختصات خورشیدمرکز

heliocentric coordinate system,
heliocentric coordinates¹

[ژئو، نجوم] دستگاه مختصاتی برای تعیین موقعیت اجرام منظومه شمسی نسبت به مرکز خورشید
مت. دستگاه مختصات خورشیدمرکز

درونی‌گرایی معرفتی

epistemological internalism

[فلسفه] نظریه‌ای در باب توجیه معرفتی مبتنی بر اینکه توجیه یک باور منوط است به دسترسی شخص به فرایندهای شناختی صحیحی که تولیدکننده آن باور بوده است

دریچه ورودی booby hatch, companion hatch

[دریایی] دهانه ورودی کوچکی برای تردد از عرشه آزاد در کشتی یا انبار بدون باز کردن در انبار

دست‌آزاد hands-off

[هواپی] ۱. ویژگی وضعیتی در هواگردهای فاقد خلبان خودکار که در آن سطوح فرمان طوری تنظیم شده است که هواگرد بدون دخالت دست خلبان با ایمنی کامل پرواز کند. ۲. ویژگی وضعیتی در هواگردهای مجهز به خلبان خودکار که در آن پرواز در اختیار سامانه خودکار است و خلبان دخالتی در تنظیم سطوح فرمان ندارد

دست‌داد سری secret handshake

[ء رمزشناسی] طرحی برای شناسایی متقابل اعضای یک گروه به گونه‌ای که: الف) افراد خارج از گروه قادر به شناسایی اعضای گروه نباشند، ب) افراد خارج از گروه نتوانند خود را به‌عنوان یکی از اعضای گروه به دیگر اعضای گروه معرفی کنند

دسترسی پذیر معرفتی

epistemic accessibility

[فلسفه] امکان آگاهی یافتن انسان از توجیهی که پشتوانه باور او باشد

[ژنو، نجوم] دستگاه مختصاتی که موقعیت یک نقطه را در فضا، با فاصله آن از یک مبدأ مشخص و دو زاویه تعیین می‌کند

دستگاه مختصات مرکز جرم

← دستگاه مرکز جرم

دستگاه مختصات ناظرمرکز

topocentric coordinate system,
topocentric coordinates

[ژنو، نجوم] دستگاه مختصاتی که مبدأ آن موقعیت ناظر روی سطح زمین است

دستگاه مرکز جرم

center of mass system,
center of momentum coordinate
system, center-of-gravity coordinate
system

[فیزیک] چهارچوب مرجعی که با سرعت مرکز جرم سامانه‌ای از ذرات حرکت می‌کند

← دستگاه مختصات مرکز جرم

center-of-mass coordinate system

دستگاه هواچرخه‌ای

air-cycle machine,
air cycling machine, ACM

[موازی] وسیله‌ای شامل توربین انبساط و فشرده‌ساز در سامانه خنک‌ساز هواگرد که با تبدیل انرژی‌ها به یکدیگر هوای داغ ورودی به اتاقک هواگرد را خنک می‌کند

دستور جمله‌بنیاد

sentence grammar
[زبان‌شناسی] دستوری که جمله را بزرگ‌ترین واحد بررسی خود فرض می‌کند

دستگاه مختصات خورشیدنگاشتی
heliographic coordinate system,
heliographic coordinates¹

[نجوم] دستگاه مختصاتی برای تعیین موقعیت هر نقطه از قرص خورشید نسبت به ناظر زمینی

← دستگاه مختصات خورشیدنگاشتی

دستگاه مختصات خورمرکز

← دستگاه مختصات خورشیدمرکز

دستگاه مختصات خورنگاشتی

← دستگاه مختصات خورشیدنگاشتی

دستگاه مختصات سماوی

celestial coordinate system,
celestial coordinates¹

[ژنو، نجوم] دستگاه مختصاتی که موقعیت اجرام آسمانی را بر روی کره سماوی تعیین می‌کند

دستگاه مختصات سمتی‌ارتفاعی

← دستگاه مختصات افقی

دستگاه مختصات سیاره‌نگاشتی

planetographic coordinate system,
planetographic coordinates¹

[نجوم] دستگاه مختصاتی برای تعیین موقعیت عارضه‌های یک سیاره

دستگاه مختصات کروی

spherical coordinate system,
spherical coordinates¹,
spherical polar coordinates¹

<p>دگرگشت رده‌شناختی typological shift, typological change [زبان‌شناسی] هر نوع تحول اساسی در ویژگی‌های رده‌شناختی یک زبان مانند تبدیل یک زبان از پیوندی به تصریفی</p>	<p>دستور ساختاری construction grammar [زبان‌شناسی] در زبان‌شناسی شناختی، دستوری که به بررسی و توصیف ساختارهای ویژه می‌پردازد</p>
<p>دگره وحشی wild-type allele [ژن‌شناسی] دگره‌ای که بیشترین فراوانی را در طبیعت دارد</p>	<p>دکل انبار hatch mast [دریایی] دکلی در کنار انبار که افزاره‌های بارورزی به آن متصل‌اند</p>
<p>دلخواهی arbitrary [زبان‌شناسی] ویژگی دلخواهی‌بودگی</p>	<p>دکل مشبک lattice mast [دریایی] دکلی که در ساختار آن سازه‌های فلزی به صورت شبکه به هم متصل شده‌اند</p>
<p>دلخواهی‌بودگی arbitrariness [زبان‌شناسی] یکی از خصوصیت‌های زبان ناظر بر اینکه بین صورت و معنی نشانه‌های آن رابطه طبیعی وجود ندارد</p>	<p>دگرسانی زیردریایی halmyrolysis, halmyrosis, submarine weathering [زمین‌شناسی] واکنش زمین‌شیمیایی میان آب دریا و رسوب در مکان‌های فاقد رسوب‌گذاری یا با رسوب‌گذاری اندک</p>
<p>دمای رنگ colour temperature [فیزیک] دمایی که در آن نور گسیل‌شده از جسم سیاه، هم‌رنگ نور ناشی از چشمه معینی است</p>	<p>دگرشکلی پیش‌رونده ناهم‌محور noncoaxial progressive deformation [زمین‌شناسی] نوعی دگرشکلی که در آن جهت کرنش‌های اصلی بیضوی‌های کرنش افزایشی و نهایی در همه مرحله‌های دگرشکلی با هم موازی نیستند</p>
<p>دمای مطلق absolute temperature [فیزیک] دمایی که در مقیاس دمای کلوین یا مقیاس صفر مطلق اندازه‌گیری می‌شود</p>	<p>دگرشکلی پیش‌رونده هم‌محور coaxial progressive deformation [زمین‌شناسی] نوعی دگرشکلی که در آن جهت کرنش‌های اصلی بیضوی‌های کرنش افزایشی و نهایی در همه مرحله‌های دگرشکلی با هم موازی هستند</p>
<p>دمنده اتاقک cabin blower, cabin supercharger [مروایی] دمنده‌ای مکانیکی که هوای اتاقک هواگرد تحت فشار را تأمین می‌کند</p>	
<p>دِنای آسوده relaxed DNA [ژن‌شناسی] دِنایی که اَبَرپیچیده نیست</p>	

<p>fifth gear, fifth دنده پنچ [خودرو] وضعیتی در جعبه‌دنده که در آن نسبت دور معمولاً کمتر از یک است</p>	<p>supercoiled DNA دِنای اَبَرپیچیده [ژن‌شناسی] شکلی از ساختار دِنای که در آن مارپیچ دوگانه حول خود تاب‌های بیشتری برمی‌دارد supercoil مت. اَبَرپیچ superhelix اَبَرمارپیچ</p>
<p>dog clutch, jaw clutch دنده چنگکی [خودرو] قطعه‌ای طوقه‌ای شکل که توسط ماهک روی محور اصلی جعبه‌دنده جابه‌جا می‌شود و یکی از چرخ‌دنده‌های متحرک را بر روی محور خروجی جعبه‌دنده قفل می‌کند</p>	<p>linker DNA دِنای پیونده [ژن‌شناسی] قطعه‌ای از دِنای که دو هسته‌تن را به یکدیگر مرتبط می‌کند</p>
<p>fourth gear, fourth دنده چهار [خودرو] وضعیتی در جعبه‌دنده که در آن نسبت دور معمولاً در حدود یک است و در نتیجه سرعت‌ها و گشتاورهای ورودی و خروجی جعبه‌دنده تقریباً یکسان هستند</p>	<p>single-stranded DNA, ssDNA دِنای تک‌رشته‌ای [ژن‌شناسی] یک مولکول دِنای که فقط از یک رشته نوکلئوتیدی تشکیل شده است</p>
<p>second gear, second دنده دو [خودرو] وضعیتی در جعبه‌دنده که در آن نسبت دور اندکی کمتر از دنده یک است و در نتیجه، سرعت بیشتر و گشتاور کمتری به محور خروجی جعبه‌دنده منتقل می‌شود</p>	<p>دِنای چلیپایی ← ساختار چلیپایی circular DNA دِنای حلقوی [ژن‌شناسی] هر دِنایی که با پیوند اشتراکی یک حلقه بسته تشکیل داده است</p>
<p>third gear, third دنده سه [خودرو] وضعیتی در جعبه‌دنده که در آن نسبت دور اندکی کمتر از دنده دو است و برای تأمین سرعت‌ها و گشتاورهای متوسط کاربرد دارد</p>	<p>double-stranded DNA, dsDNA, DNA duplex, duplex DNA دِنای دورشته‌ای [ژن‌شناسی] یک مولکول دِنای متشکل از دو رشته مکمل که با پیوند هیدروژنی بین جفت‌بازهای متقابل به هم وصل شده‌اند</p>
<p>reverse gear, reverse دنده عقب [خودرو] وضعیتی در جعبه‌دنده که در آن جهت چرخش محور خروجی عکس جهت چرخش این محور در دنده‌های یک تا پنج است</p>	<p>follower دنبالگر [افوا] کاربری که برای دیدن مطالب ارائه‌شده کاربر دیگر مشترک حساب کاربری او می‌شود</p>

- دنده‌یک** first gear, lowest gear, low gear, first, bottom gear
[خودرو] وضعیتی در جعبه‌دنده که با ایجاد بیشترین نسبت دور کمترین سرعت و بیشترین گشتاور به محور خروجی جعبه‌دنده منتقل می‌شود
- دور قطبایی** ← گاه قطبایی
- دور معرفتی** epistemic circularity
[فلسفه] مبتنی بودن دفاع از یک منبع معرفتی بر مقدماتی که از همان منبع گرفته شده است
- دوروتایی** dyad
[ژن‌شناسی] ۱. یک جفت فامینک خواهری ۲. آنچه پس از جدایی چهارتاییه در نخستین تقسیم کاستمانی به دست می‌آید
- دوروتایی** doublet¹
[نجوم] نوعی عدسی مرکب که از دو بخش آپتیکی مجزا تشکیل شده است
- دوروتایی** double crossover, double exchange
[ژن‌شناسی] وقوع دو پیش‌آمد شکستگی و تبادل فام‌تن‌ها در یک چهارتاییه
- دوگانگی** doublet²
[زبان‌شناسی] دو واژه در یک زبان که از نظر تاریخی منشأ مشترک دارند، اما از سطوح زبانی متفاوت یا در دو برهه زمانی مختلف اخذ شده‌اند
- دوختانی** dithecal
[گیاهی] بساکی با دو خانک و معمولاً با چهار ریزهاگدان (microsporangium)
- دوربین‌های محدوده کاهش** low emission zone cameras
[درون‌شهری] دوربین‌هایی که به وسیله آنها محدوده کاهش پایش می‌شود
- دور** landing pattern
[نظامی] دور شدآمد پیش از فرود هواگرد
- دور** دور معرفتی
[فلسفه] مبتنی بودن دفاع از یک منبع معرفتی بر مقدماتی که از همان منبع گرفته شده است
- دوروتایی** amphistomal
[گیاهی] ویژگی تخمکی دوپوششی که هر دو تخمک‌پوش سفت آن را احاطه کرده است
- دوره قطبایی** ← ابرگاه قطبایی
- دوره گذار قطبایی** polarity transition period
[ژئوفیزیک] مدت‌زمان یک تغییر قطبایی در میدان مغناطیسی زمین
- دولت** Administration¹
[مدیریت] شاخه اجرایی تحت نظر بالاترین مقام قوه مجریه
- دهانه** ← دهانه انبار

derrick, DER, DERR	دیرک	hatchway, hatch ¹ , hatch opening	دهانه انبار
[دریایی] وسیله‌ای متشکل از مجموعه‌ای از قرقرها و بافه‌ها و طناب‌ها و دوارها و یک دکل و یک بازو که برای بلند کردن اجسام سنگین از آن استفاده می‌کنند	مت. دیرک بار	[دریایی] دهانه‌ای عموماً چهارگوش در عرشه اصلی کشتی برای دسترسی به بخش‌های پایینی کشتی	مت. دهانه
Stülcken deerick	دیرک اشتولکن	hatchway screen	دهانه‌پوش
[دریایی] نوعی دیرک سنگین که سازه نگه‌دارنده بازوی آن به شکل عدد هفت است		[دریایی] پوششی از جنس برزنت یا الیاف که بر روی دهانه انبار می‌اندازند	
	دیرک بار ← دیرک	hatch bar ¹ , hatch clamping beam	دهانه‌پوش‌بند
دیرک بازوتلسکوپی		[دریایی] بستنی متشکل از الوارهای چوبی یا تسمه‌های فلزی که بر روی دهانه‌پوش نصب و گاه پیچ می‌شود تا از باز شدن و جابه‌جایی دهانه‌پوش بر اثر باد و دیگر عوامل طبیعی جلوگیری شود	
weldless derrick, telescopic derrick		shroud bridle	دهنه مهار عرضی
[دریایی] نوعی دیرک بازولوله‌ای که بازوی آن از یک لوله فولادی بی‌درز با قطرهای متفاوت در طول ساخته شده است	مت. دیرک تلسکوپی	[دریایی] دهنه‌ای که از آن برای اتصال مهار عرضی به وسایل افزاربندی متحرک استفاده می‌شود	
tubular derrick	دیرک بازولوله‌ای		دیده‌بانی پهلوئی
[دریایی] دیرکی که بازوی آن از اتصال چند لوله و تشکیل لوله‌ای استوارتر و بزرگ‌تر ساخته شده است	مت. دیرک لوله‌ای	flanking observation	[نظامی] دیده‌بانی آتش از یک مکان در پهلوئی هدف یا در نزدیکی آن
lattice derrick, lattice boom	دیرک بازومشبک	scouting	دیده‌وری
[دریایی] دیرکی که از اتصال پرچی یا جوشی سازه‌های فلزی به صورت شبکه‌ای ساخته می‌شود و از آن برای جابه‌جایی بارهای سنگین استفاده می‌کنند	مت. دیرک مشبک	[نظامی] مأموریتی دریایی شامل جست‌وجو یا گشت یا ردیابی یا شناسایی با ناو یا زیردریایی یا هواگرد	

<p>دینام خودانگیخته self-exciting dynamo</p> <p>[ژئوفیزیک] دینامی که قادر به تولید میدان مغناطیسی در اطراف خود است</p>	<p>دیرک تلسکوپی ← دیرک بازوتلسکوپی</p>
<p>دیواره دهانه hatch coaming, coaming</p> <p>[دریایی] دیواره‌ای در اطراف دهانه انبار برای جلوگیری از نفوذ آب و تقویت سازه و نصب درهای انبار بر روی آن</p>	<p>دیرک دهانه hatch derrick, hatch boom</p> <p>[دریایی] نوعی دیرک برای جابه‌جایی بار که بر دهانه انبار نصب می‌شود</p>
<p>ذخیره‌پذیری storability</p> <p>[محیط‌زیست] حجم آبی که در یک آبخوان در واحد سطح و در واحد عمق می‌توان ذخیره کرد</p> <p>مت. ضریب ذخیره‌سازی storage coefficient</p>	<p>دیرک سنگین heavy derrick, jumbo boom</p> <p>[دریایی] دیرکی فولادی که از آن برای جابه‌جایی بارهای سنگین استفاده می‌شود</p>
<p>ذره باردار charged particle</p> <p>[فیزیک] هر ذره‌ای که دارای بار الکتریکی مثبت یا منفی باشد</p>	<p>دیرک گردان slewing derrick</p> <p>[دریایی] نوعی دیرک که محدوده عملکرد آن می‌تواند داخل یا خارج کشتی باشد</p>
<p>ذره پس‌زنی کامپتون Compton recoil particle</p> <p>[فیزیک] ذره جرم‌داری که در برخورد با فوتون در فرایند پراکندگی کامپتون بخشی از انرژی جنبشی را با خود به همراه دارد</p>	<p>دیرک لوله‌ای ← دیرک بازولوله‌ای</p> <p>دیرک مشبک ← دیرک بازومشبک</p>
<p>ذره شتاب‌دار accelerated particle</p> <p>[فیزیک] ذره‌ای که بردار سرعت آن در طول زمان پیوسته تغییر می‌کند</p>	<p>دیرک هیدرولیکی hydraulic derrick</p> <p>[دریایی] نوعی دیرک که حرکات مختلف آن به کمک موتورهای هیدرولیکی انجام می‌شود</p> <p>دیرینه‌کارست paleokarst, buried karst</p> <p>[زمین‌شناسی] لایه‌ای کارستی که در یک چرخه فرسایشی پیشین تشکیل شده است اما بر اثر دفن‌شدگی یا تعلیق فرایند کارستی شدن (karstification) محفوظ مانده است</p>

ر

petshop, pet store **رامه‌فروشی**

[عمومی] فروشگاه‌هایی که در آن انواع حیوانات خانگی و ملزومات آنها از قبیل غذا و قفس و گاه نشریات و کتاب‌های مربوط فروخته می‌شود

رابطه جنسی مُراجع-متخصص
professional-client sexual relation

[سلامت] برقراری روابط جنسی بین متخصص مراقبت سلامت با بیمار تحت مراقبت او که خارج از حدود اخلاقی است

drift **رافش**

[زبان‌شناسی] الگوی تغییری که در آن زبان‌های مرتبط یا گونه‌های یک زبان پس از جدا شدن از منشأ مشترک ضمن ازسرگذراندن تغییرات و تحولات شباهت‌هایی با یکدیگر پیدا می‌کنند که نشان می‌دهد تحولات آنها سیری متوازی داشته‌اند

راجات ← راهبرد جهانی حفاظت

راست! ← به‌راست!

starboard side, **راست شناور**

starboard²

[دریایی] طرف راست شناور هنگامی که رو به سینه شناور ایستاده‌ایم

highway **راه**

[درون‌شهری] ۱. هر راه اصلی که وسایل نقلیه حق عبور از آن را دارند و ساکنان محلی می‌توانند با وسایل نقلیه خود به آن دسترسی داشته باشند ۲. راه مبنا (principal road) در سامانه راه‌ها

strip mall, **راسته‌بازار**
shopping plaza, shopping centre²,
mini-mall

[عمومی] بازاری بزرگ در فضای باز با مغازه‌هایی که در یک ردیف قرار گرفته‌اند و محل عبور عابران پیاده در جلوی آنها قرار دارد

[مدیریت] راهبردی که شرکت برای معطوف کردن فعالیت‌های خود به بخش خاصی از بازار به کار می‌برد

راهبرد تمایزبخشی

differentiation strategy

[مدیریت] فرایند متفاوت‌سازی محصولات و خدمات در نظر مشتریان

راهبرد تمایزبخشی انگاره‌ای

image differentiation strategy

[مدیریت] ایجاد مزیت رقابتی با پدید آوردن تمایز در انگاره‌ها در مقایسه با رقبای، که از طریق متفاوت‌سازی علائم تجاری و نمادها و شیوه‌های تبلیغاتی و مانند آنها انجام می‌شود

راهبرد تمایزبخشی پشتیبانی

support differentiation strategy

[مدیریت] ایجاد تمایز مبتنی بر بهبود کمی و کیفی عرضه خدمات جانبی

راهبرد تمایزبخشی طراحی

design differentiation strategy

[مدیریت] ایجاد تمایز با بهره‌گیری از طراحی متفاوت و عرضه محصول جدید به بازار

راهبرد تمایزبخشی کیفی

quality differentiation strategy

[مدیریت] فرایند متفاوت‌سازی و بهبود کیفی محصولات از طریق ایجاد تغییرات کیفی جزئی یا افزودن ویژگی‌های تازه

turnaround strategy **راهبرد احیا**

[مدیریت] راهبرد بازسازی مالی شرکتی که برای مدت طولانی عملکرد ضعیفی داشته است

expansion strategy **راهبرد انبساط**

[مدیریت] راهبردی برای افزایش تنوع یا حجم و ابعاد فعالیت‌های سازمان، عمدتاً در پی دستیابی به رشد و رونق

liquidation strategy **راهبرد انحلال**

[مدیریت] راهبرد فروش تمام دارایی‌ها و توقف فعالیت‌های سازمان

retrenchment strategy **راهبرد انقباض**

[مدیریت] راهبردی برای کاهش تنوع یا حجم و ابعاد فعالیت‌های سازمان

راهبرد ایجاد بازار

market development strategy

[مدیریت] راهبردی برای فروش کالاها و خدمات موجود در بازارهای جدید

راهبرد پیشگامی در کاهش هزینه

cost leadership strategy

[مدیریت] راهبردی برای کاهش هزینه‌های عملیاتی در فضای رقابتی

راهبرد تخصصی‌سازی

product specialization strategy,
market specialization strategy,
target specialization strategy

راهبرد تمایزپرهیزی

undifferentiation strategy

[مدیریت] عدم استفاده از هرگونه اقدام برای ایجاد تمایز یا تغییر در محصول

راهبرد تمرکز

focus strategy

[مدیریت] راهبردی برای کاهش هزینه با تمایزبخشی کالاها یا خدمات در یک یا چند بخش از بازار

راهبرد تملک

acquisition strategy

[مدیریت] راهبردی که در آن تمام یا بخش عمده‌ای از سهام یک شرکت خریداری می‌شود تا از این طریق اداره آن شرکت در دست گرفته شود

راهبرد تنوع‌بخشی

← راهبردی متنوع‌سازی

راهبرد تنوع‌بخشی ناهمگون

← راهبرد متنوع‌سازی ناهمگون

راهبرد تنوع‌بخشی همگون

← راهبرد متنوع‌سازی همگون

راهبرد ثبات

stability strategy

[مدیریت] راهبردی که شرکت‌های خطرگریز (risk aversion) در بیشتر مواقع و دیگر شرکت‌ها در شرایط نامطلوب برای حفظ وضعیت موجود در مدت‌زمان مشخصی اتخاذ می‌کنند و در طی این مدت تغییر مهمی در کار شرکت پدید نمی‌آورند

راهبرد جهانی حفاظت

World Conservation Strategy

[جنگل] راهبردی بین‌المللی برای حفاظت از طبیعت که در سال ۱۹۸۰ اعلام شد و دربردارنده راهکاری جامع برای مشکلات جهانی حفاظت از گونه‌ها و جمعیت‌ها است
/خت. راجات WCS

راهبرد خلق و بهبود محصول

product development strategy

[مدیریت] راهبرد به‌روزرسانی محصولات موجود یا خلق محصولات جدید

راهبرد رسوخ در بازار

market penetration strategy

[مدیریت] راهبرد تمرکز بر فروش محصولات یا خدمات موجود برای کسب سهم بیشتر در بازار کنونی

corporate strategy, **راهبرد سازمانی**
organizational strategy

[مدیریت] جهت و گستره کلی سازمانی و شیوه‌ای که براساس آن عملیات گوناگون برای نیل به اهداف خاص هماهنگ می‌شود

راهبرد سرمایه‌برداری

harvesting strategy

[مدیریت] راهبردی که براساس آن سرمایه‌گذاری در بخش خاصی از فعالیت‌ها کاهش می‌یابد یا متوقف می‌شود، زیرا درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری بیشتر هزینه‌ها را توجیه نمی‌کند

راهبرد کسب‌وکار business strategy

[← مدیریت] راهبردی برای نیل به موفقیت و هدف‌های موردنظر

راهبرد عام generic strategy

[← مدیریت] راهبرد کلی کسب‌مزیت رقابتی در بازار منتخب

راهبرد متنوع‌سازی**diversification strategy**

[← مدیریت] راهبردی برای معرفی محصول جدید یا ورود به بازاری نو
مت. راهبرد تنوع‌بخشی

راهبرد فراگسترش افقی**horizontal integration strategy**

[← مدیریت] راهبردی که براساس آن شرکت با تملک یا ادغام (merger) یا تصرف (takeover) شرکتی دیگر، در موقعیت مشابه در زنجیره ارزشی (chain value) به گسترش فعالیت‌های خود می‌پردازد

راهبرد متنوع‌سازی ناهمگون**conglomerate diversification strategy**

[← مدیریت] نوعی راهبرد متنوع‌سازی که در آن کالا یا خدمات جدید نامرتبط با تولیدات موجود عرضه می‌شود
مت. راهبرد تنوع‌بخشی ناهمگون

راهبرد فراگسترش عمودی**vertical integration strategy**

[← مدیریت] راهبردی که براساس آن گسترش کسب‌وکارهای سازمان در طول زنجیره ارزشی (chain value)، از جمله با تملک سازمان‌های بالادستی و پایین‌دستی، صورت می‌گیرد

راهبرد متنوع‌سازی همگون**concentric diversification strategy**

[← مدیریت] نوعی راهبرد متنوع‌سازی که در آن کالا یا خدمات جدید مرتبط با تولیدات موجود عرضه می‌شود
مت. راهبرد تنوع‌بخشی همگون

راهبرد فراگسترش عمودی پس‌نگر**backward vertical integration strategy**

[← مدیریت] نوعی راهبرد گسترش عمودی که از طریق آن فعالیت‌های سازمان در جهت تأمین منابع، مانند تملک سازمان‌های بالادستی، گسترش می‌یابد

راهبرد هرس pruning strategy,**product line pruning strategy**

[← مدیریت] راهبردی که براساس آن تولید یک یا چند محصول به دلیل نبود تقاضا یا بازده مالی متوقف می‌شود

مت. راهبرد هرس محصول product pruning

راهبرد فراگسترش عمودی پیش‌نگر**forward vertical integration strategy**

[← مدیریت] نوعی راهبرد گسترش عمودی که از طریق آن فعالیت‌های سازمان در جهت توزیع محصولات، مانند تملک سازمان‌های پایین‌دستی، گسترش می‌یابد

راهبرد هرس محصول

← راهبرد هرس

راه پُرتردد heavy-trafficked road

[درون‌شهری] راهی که میانگین سالیانه تردد روزانه در آن بیش از ۱۵۰۰ وسیله نقلیه باشد

راهکار افقی horizontal device

[درون‌شهری] هر یک از تغییرات در سطح سواره‌رو شامل تغییر مسیر در سطح افقی یا انحراف از مسیر اصلی با هدف تأثیرگذاری بر رفتار راننده

راهکار قائم vertical device

[درون‌شهری] هر یک از تغییرات شامل ایجاد پشته‌های سرعت‌کاه یا خطوط لرزاننده در سطح سواره‌رو برای کاهش سرعت وسایل نقلیه از طریق پایین آوردن کیفیت عبور مسیر

راهنمای جرثقیل hatchman, hatch tender, hatchminder, hatch signal man

[دربایی] شخصی که در کنار انبار می‌ایستد و برای جابه‌جایی بار به راننده جرثقیل علامت می‌دهد

رایک ← رایاکتاب

رایاکتاب e-book

[فارا] کتابی که به صورت رقمی ذخیره شده است و با افزاره‌های الکترونیکی، مانند رایانک و تلفن همراه، قابل خواندن است

/خت. رایاک

رایانش بافت‌آگاه

context-aware computing

[فارا] متناسب‌سازی بهره‌برداری از خدمات رایانشی به صورت خودکار برای هر کاربر براساس اطلاعات بافتاری، مانند مکان و حرکات کاربر و صدا و دمای محیط

رایانش توان‌آگاه

power-aware computing

[فارا] استفاده از مؤلفه‌ها و اجزای توان‌آگاه در رایانش برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی

رایانش شناختی cognitive computing

[فارا] رایانشی که سازوکار آن مبتنی بر سازوکارهای رایانشی مغز انسان است

رایانش همراه mobile computing

[فارا] مجموعه گسترده‌ای از عملیات رایانشی که به کاربر امکان می‌دهد با استفاده از افزاره‌های همراه، مانند رایانک و تلفن همراه، به اطلاعات دسترسی یابد

رایانک‌گیر padlette

[فارا] وسیله‌ای که با آن رایانک را نگه می‌دارند

رایانه یکتکه all-in-one computer

[فارا] نمونه فشرده رایانه رومیزی که اجزای آن درون بدنه نمایشگر گنجانده شده است

/خت. رایک ALO

رایک ← رایانه یکتکه

typological **رده‌شناختی**

[زبان‌شناسی] مربوط به رده‌شناسی

typology **رده‌شناسی**

[زبان‌شناسی] طبقه‌بندی زبان‌ها بر مبنای

ویژگی‌های ساختاری آنها

language typology **مت. رده‌شناسی زبان**

رده‌شناسی زبان ← رده‌شناسی

رده عارضه کدبندی‌شده

← رده عارضه کدبندی‌شده مکانی

رده عارضه کدبندی‌شده مکانی

geocoded feature class

[نقشه‌برداری] یک رده عارضه که با کدبندی مکانی

دسته‌ای تولید شده باشد

مت. رده عارضه کدبندی‌شده

interval class **رده فاصله‌ای**

[موسیقی] برداشتی از فاصله که در آن ترتیب

نت‌ها، در رده نغمه‌ای، لحاظ نمی‌شود

assault echelon **رده هجومی**

[نظامی] عنصری از واحدها و نیروهای رزمی و

هوایی در عملیات آبخاکی که مأموریت اداره

حمله اولیه بر روی مناطق عملیاتی را بر عهده

دارد

رسانه کاربر آفریده

← محتوای کاربرزاد

رخساره دگرگونی

metamorphic facies,
mineral facies, densofacies

[زمین‌شناسی] مجموعه‌ای از کانی‌های دگرگونی که

از نظر زمانی و مکانی با یکدیگر مرتبط‌اند

رخنشگر ← رخنه‌کنشگر

رخنشگری ← رخنه‌کنشگری

رخ‌نمای ارتباطات

communications profile

[← رمزشناسی] الگویی تحلیلی از ارتباطات وابسته

به یک سازمان یا فعالیت که از آزمون نظام‌مند

محتوا و الگوهای ارتباطات و توابع حاصل از

آنها و سنجش‌های کاربردی امنیت ارتباطات

حاصل می‌شود

hacktivist **رخنه‌کنشگر**

[فانوا] فردی که با اغراض سیاسی به سامانه‌های

رایانه‌ای رخنه می‌کند

مت. **رخنشگر***

* «رخنشگر» صورت اختصاری رخنه‌کنشگر است

hacktivism **رخنه‌کنشگری**

[فانوا] استفاده از رایانه‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای

برای ترویج اهداف سیاسی و عمدتاً آزادی بیان

و حقوق بشر

مت. **رخنشگری***

* «رخنشگری» صورت اختصاری رخنه‌کنشگری

است

رساله مشتری‌زاد

← محتوای کاربر‌زاد

رسوب سیلیسی‌آواری

siliciclastic sediment

[زمین‌شناسی] رسوب آواری غیرکربناتی‌ای که به‌طور کامل از سیلیس (کوارتز) یا کانی‌های سیلیکاتی تشکیل شده است

رضایت شغلی

job satisfaction

[روان‌شناسی] نگرش فرد به شغل خود که به میزان خشنودی وی از درآمد و محیط کار و علاقه‌مندی به آن بستگی دارد

رغبت‌های کژکامانه

paraphiliac interests

[سلامت] تمایلات جنسی نامتعارف یا غیرعادی

رفتار شکل‌پذیر

ductile behavior

[زمین، ژئو] نوعی واکنش سنگ به تنش که در طی آن به نظر می‌رسد سنگ، در مقیاسی که آن را مشاهده می‌کنیم، بدون آنکه پیوستگی خود را از دست بدهد، تغییر شکل می‌دهد

رفتار شکننده

brittle behavior

[زمین، ژئو] نوعی واکنش سنگ به تنش که در طی آن سنگ پیوستگی خود را از دست می‌دهد

رمزگذاری تابعی

functional encryption

[رمزشناسی] نوعی رمزگذاری نامتقارن که در آن هر کاربر مجاز، با استفاده از یک کلید خصوصی، قادر به دستیابی به یک تابع از متن اصلی می‌شود

رنزیم سرچکشی

hammerhead ribozyme

[ژن‌شناسی] نوعی رن‌زیم تاشده که در پیرایش رونوشت‌های رنا نقش دارد

رن‌زیم سنجاق‌سری

hairpin ribozyme, HR

[ژن‌شناسی] رن‌زیم کوچک طبیعی یا مصنوعی شبیه به سنجاق‌سر که خودپیرای است و می‌تواند رنای دیگر را برش دهد

رن‌ای کمندی

lariat RNA

[ژن‌شناسی] ساختاری کمندی‌شکل که در طی پیرایش پیش‌رن‌اپ تشکیل می‌شود

رنگ ستاره

star color

[نجوم] یکی از ویژگی‌های مشاهده‌پذیر ستاره‌ها که نشان‌دهنده دمای ستاره است

رنگ صدا

tone colour, timbre

[موسیقی] کیفیت صدایی که، مستقل از زیربمی، یک منبع صوتی یا ساز را از منبع صوتی یا ساز دیگر متمایز می‌کند

روان‌نژندخویی

neuroticism

[روان‌شناسی] یکی از ابعاد «الگوی پنج بُعد کلان شخصیت» و «الگوی شخصیت پنج‌عاملی» که ویژگی آن سطح مزمن بی‌ثباتی هیجانی و آمادگی برای تشویش روان‌شناختی است

روایت

interpretation

[موسیقی] جنبه‌ای از اجرای یک اثر که نتیجه برداشت اجراکننده از دستورالعمل‌های نت‌نویسی شده آهنگ‌ساز است

روش چشمه‌متحرک moving-source method

[ژئوفیزیک] نوعی داده‌برداری، عموماً در الکترومغناطیس، که در آن چشمه انرژی یا فرستنده و آشکارسازها یا گیرنده‌ها در وضعیت نسبی مشابهی قرار دارند و برای تهیه نمودار یا نقشه با هم به نقاط مختلف حرکت داده می‌شوند

روش دلتا delta method

[آمار] روشی که با استفاده از بسط تیلور (Taylor series expansion) تابعی از یک یا چند متغیر تصادفی، تقریبی برای میانگین یا وردایی/ واریانس آن تابع به دست می‌دهد

روش شک ← شکاکیت دکارتی

روش قطبش القامغناطیسی magnetic induced polarization method, MIP

[ژئوفیزیک] اندازه‌گیری پدیده قطبش القایی با ثبت تغییرات میدان مغناطیسی نزدیک به جسم قطبیده الکتریکی زیرسطحی

روش قطبش تپ‌القایی pulse induced polarization method, pulse potential, direct current pulse, simply pulse method

[ژئوفیزیک] در روش قطبش القایی حوزه زمان، نشانک/ سیگنال فرستاده‌شده پس از قطع جریان فرستنده که باعث ایجاد ولتاژ واپاشی می‌شود

روبه‌تهدید near threatened, NT

[جنگل] آرایه‌ای که در حال حاضر در طبقه‌بندی‌های بسیاردرخطر یا درخطر یا آسیب‌پذیر نمی‌گنجد، ولی احتمال می‌رود در آینده نزدیک در یکی از این طبقه‌بندی‌ها قرار گیرد

روز رسمی civil day

[ذئو. نجوم] روز خورشیدی متوسط که مبدأ آن نیمه شب است

روش ایست-آغاز stop-start technique

[سلامت] روشی برای کاهش درمانی موارد انزال زودرس از طریق واپاشی مراحل پاسخ جنسی مسترز و جانسون

روش بازیافت گرم آسفالت hot-in-place asphalt recycling method

[درون‌شهری] روشی برای بازیافت گرم آسفالت

روش بُرش truncation method

[آمار] در نظریه احتمال، روشی که در آن مقادیر متغیر تصادفی در داخل بازه‌ای معین حفظ می‌شود و به‌جای مقادیر خارج از آن بازه، یک یا دو عدد ثابت قرار می‌گیرد

روش چشمه‌ثابت fixed-source method

[ژئوفیزیک] نوعی داده‌برداری، عموماً در الکترومغناطیس، که در آن چشمه یا فرستنده در یک محل ثابت می‌ماند و آشکارساز یا گیرنده در منطقه مورد کاوش (ناحیه برداشت) حرکت داده می‌شود

[فناوری غذا] بیرون فرستاده شدن محصول از دستگاه تولیدکننده آن

رهبری leadership

[روانشناسی] هدایت و تأثیرگذاری بر اعمال و نگرش‌های افراد یا گروه‌ها از طریق سازماندهی، راهنمایی، هماهنگی و انگیزگی آنها

رهبری تبدالی transactional leadership

[روانشناسی] شیوه‌ای از مدیریت که در آن مدیر با کارکنان ارتباطی سازمانده و تعاملی برقرار می‌کند و از این طریق به تثبیت ارتباط و رضایت دو طرف نظر دارد

رهبری تحولی transformational leadership

[روانشناسی] شیوه‌ای از مدیریت که در آن مدیر در کارکنان انگیزه ایجاد می‌کند تا به جای منافع فوری به اهداف متعالی و سطوح بالاتر و خودشکوفایی توجه کنند

رهیابی wayfinding

[نقشه‌برداری] یافتن همه راه‌هایی که مردم از طریق آنها از مکانی به مکان دیگر می‌روند

ریزتاب pico projector, pocket projector, mobile projector, handheld projector, mini beamer

[عمومی] نوعی فراتاب بسیار کوچک با قابلیت تصویری استفاده در دستگاه‌هایی مانند تلفن‌های هوشمند و دوربین‌های رقمی و رایانک که محتوای تصویری آنها را بر روی دیوار یا هر سطح صاف نمایش می‌دهد

روش گمانه‌زنی پراکنده isolated pit approach

[باستان‌شناسی] شمار بسیاری گمانه‌آزمایشی کوچک و پراکنده بر روی محوطه‌ای بزرگ که با نمونه‌برداری تصادفی مشخص شده است

روش نزدیکی همراستا coital alignment technique, CAT

[سلامت] نحوه خاصی از رابطه جنسی در وضعیت کامشی مرسوم (conventional position) که در آن تحریک فنج به حد بیشینه خود می‌رسد

روش نیم‌پهنا half-width method

[ژئوفیزیک] روشی ترسیمی برای برآورد عمق تک‌چشمه‌بی‌هنجاری مغناطیسی یا گرانی

روغن سردکن ← خنک‌کن روغن

روکش مقاومت‌بالا high stress seal, HSS

[درون‌شهری] روکشی از قیر برای مقابله با اثرات ناشی از ترمزگیری و شتاب‌گیری و گردش وسایل نقلیه و مقاوم در برابر تردد بسیار

رویداد قطبایی ← زیرگاه قطبایی

رهانه dispenser

[فناوری غذا] افزاره‌ای که محصول را از دستگاه تولیدکننده آن به بیرون هدایت می‌کند

رهایش dispensing

رئیس محوطه yard master

[دریایی، ریلی] فردی که ناظر بر عملیاتی مانند جابه‌جایی لوکوموتیوها و قطارها و همچنین کار با جرثقیل مشترک باریکی در محوطه کارگاهی یا کشتی‌سازی است

ز، ژ

اروان. زبان| بیان احساسات و افکار از طریق حالت بدن یا ایما یا حالت چهره یا دیگر حرکات همراه با کلام یا بدون کلام

native language, زبان بومی
native tongue

[زبان‌شناسی] زبانی که کودکان به صورت طبیعی فرامی‌گیرند

mother tongue مادر. زبان مادری

contact language زبان تماس

[زبان‌شناسی] زبانی میانجی که برای تماس میان گویشورانی که زبان‌های مادری متفاوت دارند در موقعیت‌ها و مناطقی که با هم تماس پیدا می‌کنند، شکل می‌گیرد و به کار می‌رود

natural language زبان طبیعی

[زبان‌شناسی] زبانی که ساختگی نیست بلکه زبان بومی یک جامعه انسانی است

زبان مادری ← زبان بومی

beam angle زاویه باریکه

[فیزیک] ۱. در آنتن‌ها، زاویه رأس مخروطی که نوک آن منطبق بر چشمه تابش است و سطح جانبی آن منحنی توزیع میدان تابش را در نقاطی قطع می‌کند که در آنها شدت تابش به نصف مقدار بیشینه می‌رسد ۲. زاویه فضایی متناظر با فاصله‌ای عرضی که در آن شدت تابش به نصف شدت بیشینه کاهش می‌یابد

beam width م. پهنای باریکه

interlimb angle زاویه میان‌یالی

[زمین‌شناسی] زاویه میان یال‌های همسایه یک چین که با رسم مماس بر یال‌ها در نقطه‌های عطف (inflection points) چین به دست می‌آید

bloatware¹ زائدافزار

[فارا] هر نرم‌افزار از پیش نصب‌شده یا موجود در رایانه شخصی که کاربر آن را نخواهد و بتواند هر زمان که مایل باشد آن را حذف کند

body language زبان بدن

geopolymer

زمین‌بسپار

[بسپار] بسپاری غیرآلی که در برابر خوردگی و آتش بسیار مقاوم است

زمین‌جنبش طراحی

design ground motion

[ژئوفیزیک] میزانی از جنبش زمین که در طراحی سازه‌های مقاوم در برابر زمین‌لرزه در نظر گرفته می‌شود

design earthquake زمین‌لرزه طراحی

geodynamo

زمین‌دینام

[ژئوفیزیک] سازوکار ایجادکننده میدان مغناطیسی زمین

geosynthetic barrier زمین‌ساز سدگر

[بسپار] نوعی زمین‌ساز با تراوایی کم که از گذر سیالات از خلال سازه جلوگیری می‌کند

زمین‌ساز سدگر بسپاری

← زمین‌ساز ورقی

زمین‌ساز سدگر رُسی

clay geosynthetic barrier,
geosynthetic clay liner, GBR-C

[بسپار] نوعی زمین‌ساز ناتراوا که به‌صورت ورق تولید می‌شود و در آن ترکیب رُسی از عبور آب یا دیگر سیالات جلوگیری می‌کند

geospacer

زمین‌ساز فاصله‌انداز

[بسپار] ساختار بسپاری سه‌بعدی با فضاهای بهم‌متصل توخالی

aberrant language

زبان نابه‌روال

[زبان‌شناسی] زبانی که به‌روشنی به خانواده زبانی خاصی تعلق دارد، اما، در نتیجه تحول‌های پیچیده، مراحل آغازین آن فعلاً قابل شناسایی نیست

Secchi disk

زلالی‌سنج سِکی

[محیط‌زیست] وسیله‌ای برای سنجش شفافیت آب در یک پیکره آب

زمان تقویمی ← زمان واقعی

penalty time

زمان جبران

[ریلی] مدت‌زمان پیش‌بینی‌شده در طراحی یک سامانه که به‌منظور افزایش ایمنی سامانه عملکردی را متوقف می‌سازد، نظیر آزاد کردن ترمزگیری اضطراری پیش از توقف کامل قطار

civil time

زمان رسمی

[ژئو. نجوم] زمانی قراردادی که مراجع هر کشور برای استفاده در مناسبات اداری تعیین می‌کنند

apparent time

زمان ظاهری

[زبان‌شناسی] فاصله زمانی میان گروه‌های سنی مختلف از نظر کاربرد زبان

off time

زمان قطع

[ژئوفیزیک] زمانی که در آن فرستنده قطبش القایی قطع می‌شود و ولتاژ واپاشی در گیرنده اندازه‌گیری می‌شود

real time

زمان واقعی

[زبان‌شناسی] زمان در مفهوم معمول آن
مت. زمان تقویمی

[بِسپار] زمین‌ساز منسوج حاصل از در هم تابیدن دو یا چند مجموعه نخ یا رشته یا نوار و مواد دیگر در زوایای قائم

زمین‌منسوج کشیاف

knitted geotextile, GTX-K

[بِسپار] زمین‌ساز منسوج حاصل از بافت حلقه‌ای یک یا چند نخ یا رشته یا مواد دیگر

fornication **زنا**

[سلامت] آمیزش جنسی توأم با رضایت دو نفر که با هم ازدواج نکرده‌اند

زنای محصن ← زنای محصنه

adultery **زنای محصنه**

[سلامت] آمیزش جنسی داوطلبانه فرد متأهل با کسی که همسر او نیست
مت. زنای محصن

زنبیل ← سبد

chain plate, chain **زنجیربند**

[دربای] هریک از ورق‌های فلزی که، برای بستن مهارهای عرضی و طولی به آن، به بدنه شناور متصل می‌کنند

pairing **زوج‌نگاشت**

[رمزشناسی] نگاشت‌تی مانند
 $G_1 \times G_2 \rightarrow G_1$ با ویژگی‌های دوخطی بودن و ناتباهی‌دگی (non-degeneracy) و محاسبه‌پذیری

geotextile, GTX **زمین‌ساز منسوج**

[بِسپار] نوعی منسوج صفحه‌ای و بسپاری (طبیعی یا مصنوعی) و تراوا به صورت بافته یا نیافته یا کشیاف که در مهندسی سازه و ژئوتکنیک (geotechnic) در تماس با خاک یا مواد دیگر به کار می‌رود
مت. زمین‌منسوج

geomat, GMA **زمین‌ساز نمدی**

[بِسپار] ساختاری سه‌بعدی و تراوا، از تکرار شده‌های بسپاری یا عناصر دیگر، که به شیوه مکانیکی یا گرمایی یا شیمیایی یا با ترکیبی از این شیوه‌ها به هم متصل می‌شوند

geomembrane, GBR-P **زمین‌ساز ورقی**

[بِسپار] نوعی زمین‌ساز ناتراوا که به صورت ورق انعطاف‌پذیر تولید می‌شود و به دلیل بسپاری بودن آن، آب یا دیگر سیالات از آن عبور نمی‌کنند

مت. زمین‌ساز سدگر بسپاری

polymeric geosynthetic barrier

زمین‌لرزه زمین‌ساختی

tectonic earthquake

[ژئوفیزیک] زمین‌لرزه ناشی از آزاد شدن انرژی انباشته شده بر اثر دگرشکلی زمین‌ساختی

زمین‌لرزه طراحی

← زمین‌جنبش طراحی

زمین‌منسوج ← زمین‌ساز منسوج

woven geotextile, **بافته**
GTX-W

[زمین‌شناسی] یکی از زیربخش‌های رخساره دگرگونی که براساس تفاوت در مجموعه‌کانی‌های فرعی ولی مهم متمایز می‌شوند

زورگیری mugging, steaming
[نظامی] حمله به یک فرد در مکان عمومی با هدف سرقت اموال او

زیرشمول hyponym
[زبان‌شناسی] واژه‌ای که در رابطه زیرشمولی با واژه دیگر قرار داشته باشد

زهوار دهانه hatch molding
[دریایی] زهوار نیم‌گردی که برای جلوگیری از سایش و آسیب دیدگی چتری در انبار در تماس با بافه‌های جرتقیل‌ها بر روی دیواره دهانه انبار نصب می‌شود

زیرشمولی hyponymy¹
[زبان‌شناسی] رابطه معنایی میان دو واحد واژگانی که در آن یک واژه نوعی از واژه دیگر است

زهوار دهانه‌پوش hatch batten, battening bar, hatch bar², battening iron
[دریایی] تسمه‌ای فلزی که از آن برای محکم کردن دهانه‌پوش استفاده می‌کنند

زیرگاه قطبایی polarity subchron
[ژئوفیزیک] بازه زمانی کوتاهی، معمولاً کمتر از ۰/۱ میلیون سال، که در آن قطبایی متناوب، در یک گاه قطبایی رخ می‌دهد
مت. رویداد قطبایی polarity event

زیر treble
[موسیقی] صدای دارای بسامد بالا که غالباً در مورد صدای دختران و پسران نابالغ مصداق دارد

زیرمچی wristocat
[عمومی] ابزاری مغناطیسی و شناور، که در هنگام کار با موشی یا صفحه‌کلید یا لتلمسی رایانه، برای راحتی دست، در زیر مچ قرار می‌گیرد

زیرچمدانی luggage stand
[گردشگری] نیمکت یا پایه‌ای خاص و کوتاه برای قرار دادن چمدان‌های مهمان در اتاق‌های مهمانخانه

زیست‌شناسی حفاظت conservation biology

[جنک] علمی چندرشته‌ای که به مطالعه فراوانی و کاستی و انقراض گونه‌ها می‌پردازد و بحران کاهش تنوع زیستی کانون توجه آن است

زیررخساره subfacies
[زمین‌شناسی] یکی از زیربخش‌های رخساره براساس مشخصات رسوب‌شناختی و ضمام فسیلی آن

زیررخساره دگرگونی metamorphic subfacies

[ژئوفیزیک] اثر میدان مغناطیسی بر موجودات زنده	biomethanisation زیست‌متان‌سازی
wild-type gene ژن وحشی	[محیط‌زیست] تولید گاز متان در نتیجه فعالیت زیست‌شیمیایی
[ژن‌شناسی] ژنی که بیشترین فراوانی را در طبیعت دارد	biomagnetism زیست‌مغناطیس

س

[زمین‌شناسی] ساختاری رسوبی با آرایش
چندضلعی

flame structure **ساختار شعله‌ای**

[زمین‌شناسی] ساختاری رسوبی متشکل از
ستون‌های موجی یا شعله‌ای شکل که به صورت
نامنظم در رسوبات واحدهای بالایی نفوذ کرده
است

ساختار لانه‌مرغی

chickenwire structure

[زمین‌شناسی] ساختاری در رسوبات تبخیری
(evaporite texture) که در آن چندگوش‌هایی از
کانی تبخیری ژیپس (gypsum) و آنیدریت
(anhydrite) به قطر یک تا پنج سانتی‌متر با
نوارهای تیره‌تر و باریکی از کانی‌هایی مانند
کربنات‌ها و رُس از یکدیگر جدا شده‌اند

ساختار لرزه‌زا

seismogenic structure

[ژئوفیزیک] ساختاری با توان ایجاد زمین‌لرزه

manufacture

ساخت

[باستان‌شناسی] مرحله‌ای پس از یابش در چرخه
فراوژی (behavioral processes) که در آن
دست‌ساخته‌ها در نتیجه تغییر و تبدیل مواد
خام معدنی به دست می‌آیند

dish structure

ساختار بشقابی

[زمین‌شناسی] ساختار رسوبی اولیه‌ای که عموماً
در ماسه‌سنگ‌ها یافت می‌شود و متشکل از
عدسی‌های هلالی شکل کوچکی (به طول ۴ تا ۵۰
سانتی‌متر و ضخامت چند میلی‌متر) است که در
سطحی بیضوی در امتداد لایه‌بندی گسترش
می‌یابند

cruciform structure **ساختار چلیپایی**

[ژئوشناسی] ساختاری از دنا که با جفت شدن
بازی توالی‌های تکراری و ارونه و مکمل تشکیل
شده است و شکلی شبیه به صلیب دارد
متن: بنای چلیپایی

cruciform DNA

ساختار چندضلعی

polygonal structure

[موسیقی] سازی که در آن اصوات به کمک ابزارهای الکترونیکی تولید می‌شوند یا تغییر می‌کنند

harmonie **سازگان هارمونی**

[موسیقی] ۱. سازهای بادی ۲. گروهی از نوازندگان یا سازگانی متشکل از سازهای بادی مت. ارکستر هارمونی

civil service **سازمان خدمات کشوری**

[مدیریت] نهادی (institution) واسطه‌ای برای بسیج منابع انسانی در جهت عرضه خدمات دولتی

organizing **سازمان‌دهی**

[مدیریت] از وظایف اصلی مدیریت که در آن منابع انسانی و مالی و فیزیکی سازمان با نظم و ترتیب مشخصی، برای دستیابی به هدف‌های برنامه، با هم ترکیب می‌شوند

compatibility **سازواری**

[مدیریت] توانایی دو یا چند سامانه یا اجزای آنها در کار با یکدیگر

combining form **سازه ترکیبی**

[زبان‌شناسی] جزئی واژگانی که معمولاً در ترکیب ظاهر می‌شود و برخلاف وند می‌تواند پایه قرار گیرد

high-alcohol hours, alcohol hours **ساعات اوج الکل**

[درون‌شهری] ساعاتی که در آنها تصادف‌های ناشی از مصرف الکل بیشتر است

ساختار مخروط در مخروط
cone-in-cone structure

[زمین‌شناسی] ساختاری در سنگال که در آن رشته‌ای از مخروط‌های تودرتو در هم فرومی‌روند

mullion structure **ساختار موجی**

[زمین‌شناسی] الگوی موجی شکل شیارهای هشتی شکل و پشته‌های گرد موازی در سنگ‌ها

site **ساختگاه**

[م. پروژه] محل و زمینی که به احداث پروژه اختصاص می‌یابد

aberrant formation **ساخت نابه‌روال**

[زبان‌شناسی] واحد واژگانی جدیدی در یک زبان که به شیوه‌ای سامان‌گریز و متفاوت با الگوهای معمول واژه‌سازی آن زبان ساخته شده باشد

ساختواژه طبیعی ← صرف طبیعی

ساراب

← سامانه رایانه‌ای عملیات بارگنجی

acoustic instrument **ساز آکوستیکی**

[موسیقی] سازی که در آن تولید و تقویت و تغییر شکل صوت به‌طور طبیعی و بدون استفاده از تمهیدات الکترونیکی یا برقی صورت می‌گیرد

ساز الکترونیکی

electronic instrument,
electric musical instrument,
electroponic instrument

سامانه تشخیص چهره

facial identification system

[فرا. نظامی] وسیله رایانه‌ای یا دستی برای تأیید شباهت مظنون و ایجاد چهره‌های شبیه به چهره او با استفاده از ویژگی‌های صورت فرد موردنظر

سامانه جبران مغناطیسی

magnetic compensation system

[ژئوفیزیک] سامانه رایانه‌ای در درون هواپیما برای جبران نوفه‌های مغناطیسی ناشی از بخش‌های ایستا و متحرک هواگرد در هنگام برداشت

سامانه خنک‌ساز گازچرخه‌ای

vapour-cycle air cooling system

[مروبی] نوعی سامانه خنک‌ساز مدار بسته در برخی هواگردها که در آن ماده خنک‌ساز گازی در چرخه تبخیر و میعان با تبادل گرما درون هواگرد را خنک می‌کند

سامانه خنک‌ساز هواچرخه‌ای

air-cycle cooling system

[مروبی] نوعی سامانه خنک‌ساز در برخی هواگردها که در آن هوای متراکم پس از ورود به مبدل‌های گرمایی و دستگاه هواچرخه‌ای و رطوبت‌گیری وارد بخش‌های مختلف هواگرد می‌شود

سامانه رایانه‌ای عملیات بارگنجی

yard operation computer system

[دریایی] سامانه‌ای برای واپایی و برنامه‌ریزی عملیات جابه‌جایی بارگنج‌ها در اسکله

YOCS

/خت. ساراب

ساعات غیر اوج الکل

low-alcohol hours

[درون‌شهری] ساعاتی که در آنها تصادف‌های ناشی از مصرف الکل کمتر است

ساق بادسو

downwind leg

[مروبی] خط سیر پرواز در دور شدآمد موازی با باند پرواز در خلاف جهت نشست

سامان‌گزینی مشترک

← نابه‌روالی مشترک

سامانه اطلاعات مکانی مشارکت

public participation GIS

[نقشه‌برداری] سامانه‌ای دارای اطلاعات مکانی و نقشه‌سازی در سطح محلی برای تولید دانش توسط گروه‌های محلی و غیردولتی
مت. سام همگانی
PPGIS

سامانه اطلاعات مکانی مشارکتی

participatory GIS

[نقشه‌برداری] سامانه‌ای متشکل از مجموعه فناوری‌های اطلاعات مکانی و سامانه موقعیت‌یابی جهانی و نرم‌افزار سنجش از دور و دسترسی آزاد به داده‌های مکانی و تصاویر
مت. سام مشارکتی
PGIS

سامانه پایستار

conservative system

[فیزیک] سامانه‌ای که در آن انرژی تلف نمی‌شود و مقدار آن در گذر زمان ثابت می‌ماند

طرح‌واره‌های پایگاه‌داده و زبان پرس‌وجو پشتیبانی می‌کند

سامانه موقعیت‌یاب جهانی یاری‌شده assisted-GPS

[فارا] سامانه‌ای که با استفاده از منابع شبکه‌هایی مانند شبکه‌های تلفن همراه به موقعیت‌یابی با ساموج، به ویژه در شرایطی که نشانک ضعیف است، کمک می‌کند و در تلفن‌های همراه ساموج‌دار کاربردی گسترده دارد

A-GPS / اخت. ساموجی

سامانه واپایش محیطی environmental control system, environmental system

[مواپی] سامانه‌ای که عوامل زیست‌محیطی مانند دما و فشار و رطوبت را در هواگرد تنظیم و واپایش می‌کند

ECS / اخت. ساوام

سامانه یکپارچه بسته-حسگر integrated sensor-packaging system

[ببپار] سامانه‌ای مشتمل بر یک یا چند بسته و حسگر که کار آن پایش محیط بسته‌بندی و وضعیت محصول و تبادل داده با دادگان‌های بیرونی است تا اطلاعات موردنیاز برای تصمیم‌سازی را فراهم کند

سامپاد ← سامانه مدیریت پایگاه‌داده

سامپادرا

← سامانه مدیریت پایگاه‌داده رابطه‌ای

سامانه شناختی cognitive system

[فارا] سامانه‌ای که می‌تواند درمورد آنچه می‌خواهد انجام دهد، حتی در شرایط غیرمنتظره، استدلال کند

سامانه‌گذری system migration

[فارا] انتقال سامانه‌های قدیمی به محیط‌های جدید به طوری که به آسانی قابل نگه‌داری باشند و با الزامات جدید کسب‌وکار انطباق یابند

سامانه مدیریت پایگاه‌داده database management system

[فارا] سامانه‌ای برای پشتیبانی از ایجاد و نگهداری و واپایش یک پایگاه‌داده و دستیابی به آن و تسهیل اجرای برنامه‌های کاربردی

DBMS / اخت. سامپاد

سامانه مدیریت پایگاه‌داده رابطه‌ای relational database management system

[فارا] سامانه یا موتور نوعی پایگاه‌داده مبتنی بر مدل رابطه‌ای که ادگار اف. کاد در سال ۱۹۷۰ آن را معرفی کرد

RDBMS / اخت. سامپادرا

سامانه مدیریت پایگاه‌داده شیئی-رابطه‌ای

object-relational database
management system,
ORDBMS

[فارا] سامانه‌ای شبیه به سامانه مدیریت پایگاه‌داده رابطه‌ای، با این تفاوت که این سامانه دارای یک پایگاه‌داده شیء‌گرا است و از شیءها و کلاس‌ها (classes) و ارث‌بری (inheritance) در

[دریایی] سبک‌سازی که برای تخلیه و بارگیری،
دیرکی بر روی آن نصب شده است

debranning **سبوس‌گیری**
[فناوری غذا] فرایند جداسازی سبوس از غلات

soprano **سُپرانو**
[موسیقی] ۱. زیرترین صدای زنان و کودکان ۲.
زیرترین بخش در موسیقی چهاربخشی آوازی
۳. زیرترین عضو در برخی خانواده‌های سازی

harness **سپربافه**
[نظامی] کلافی از سیم که از میان سازه هواگرد
عبور داده شده و اجزای برقی را به یکدیگر و
به درگاه نیروی موتور متصل می‌کند

ignition harness **سپربافه گیرانش**
[نظامی] مجموعه‌ای کامل از بافه‌هایی با مقاومت
بالا و پایه‌ها و اتصالات که برای انتقال جریان
ولتاژ بالا از آهن‌ربا به انواع شمع‌های گیرانش
در داخل موتور به کار می‌رود

evolved star **ستاره تحول‌یافته**
[نجوم] ستاره‌ای که هیدروژن هسته آن سوخته
و از رشته اصلی خارج شده است

evolving star **ستاره درحال تحول**
[نجوم] ستاره‌ای که مسیر تحول را طی می‌کند

standard star **ستاره معیار**
[نجوم] ستاره‌ای با قدر و رنگ مشخص که از
آن برای اندازه‌گیری نور ستاره‌های دیگر
استفاده می‌شود

crowdsourcing GIS **سام جمع‌سپاری**
[نقشه‌برداری] الگوی خاصی از تأمین داده که در
آن افراد یا سازمان‌ها برای دریافت خدمات یا
نظرات موردنیاز خود از مشارکت اینترنتی
کاربران استفاده می‌کنند

سام مشارکتی
← سامانه اطلاعات مکانی مشارکتی

ساموجی
← سامانه موقعیت‌یاب جهانی یاری‌شده

سام همگانی
← سامانه اطلاعات مکانی مشارکت
همگانی

ساوام ← سامانه واپایش محیطی

erosion **ساییدگی**
[زبان‌شناسی] کوتاه شدن تدریجی صورت واژه
بر اثر تغییرات آوایی
مت. فرسایش attrition, phonetic attrition

basket, hamper **سبد**
[بهار] گنجایه‌ای نیمه‌صُلب و سرباز، با سطح
مقطع گرد یا بیضی یا چندضلعی و یک یا دو
دسته، برای حمل دستی میوه و سبزی و مواد
دیگر
مت. زنبیل

derrick lighter, steam lighter **سبک‌ساز دیرک‌دار**

- سرددم‌آوری**
cold-water brewing method,
cold brew¹, cold-water method
[قهوه] شیوه‌ای که در آن دم‌آوری قهوه با آب سرد و در طی چند ساعت انجام می‌شود
- سردیرک**
derrick head
[دریایی] بخش فوقانی دیرک که اجزایی مانند مهار بالایی (topping lift) و قرقره بار (cargo block) و ضمایم طناب‌قرقره را به آن متصل می‌کنند
- سرسوزی**
tipping
[قهوه] سوختن نوک‌ها و لبه‌های دانه قهوه در هنگام برشته‌کاری
- سُرُش**
glide, slip
[فیزیک] نوعی تقارن در بلور که از ترکیب هم‌زمان دو عمل تقارنی آینه‌ای و انتقالی حاصل می‌شود
- سُرُش الماسی**
diamond glide
[فیزیک] سرشی که در آن بُردار انتقال موازی با صفحه آینه‌ای و برابر با یک‌چهارم مجموع دو ثابت شبکه است
- سُرُش قطری**
diagonal glide
[فیزیک] سرشی که در آن بُردار انتقال موازی با صفحه آینه‌ای و برابر با نصف مجموع دو ثابت شبکه است
- سختیدگی**
hardening
[فناوری غذا] جامد و سفت و سخت کردن یا شدن محصول یا یک ماده که گاه مطلوب و گاه نامطلوب است
- سرآبرو**
headwall
[درون‌شهری] دیوار حائلی در ابتدا یا انتهای آبروی که از زیر جاده می‌گذرد
- سرافزار**
headset
[عمومی] مجموعه‌ای متشکل از یک یا دو گوشی و صدابرد
- سربه‌گوشی**
smombie
[فارا] فردی که در حال راه رفتن از تلفن همراه استفاده می‌کند و به اطراف توجه ندارد
* smombie از ادغام دو لفظ zombie و smart phone ساخته شده است
- سرپوش مهار عرضی**
shroud cap
[دریایی] پوششی فلزی یا قیرگونی یا چرمی که آن را برای جلوگیری از نفوذ رطوبت به دو سر مهار عرضی وصل می‌کنند
- سرددم‌آور ← سرددم‌آور قهوه**
cold brew coffeemaker
[قهوه] وسیله‌ای برای تهیه قهوه به روش سرددم‌آوری متداول سرددم‌آور

- capital-intensive سرمایه‌بر**
 [م. پروژه] ویژگی پروژه‌ها و صنایعی که به سرمایه‌گذاری فراوان نیاز دارند، مانند خودروسازی و استخراج نفت و صنایع فولاد
- sexual capital, erotic capital سرمایه جنسی**
 [سلامت] ارزشی اجتماعی که به‌واسطه جذابیت جنسی فرد برای او فراهم می‌شود
- screening سرنند کردن**
 [باستان‌شناسی] روشی برای بازیابی دست‌ساخته‌ها و بوم‌ساخته‌های نسبتاً درشت با گذراندن خاک بستره از سرنند
 متد. سرنند کردن خشک dry screening
- سرنند کردن آبی ← خاک‌شویی**
سرنند کردن خشک ← سرنند کردن
- سطح دیرینه‌کارستی**
 paleokarstic surface
 [زمین‌شناسی] سطحی نامنظم و پشته‌ای (hummocky) و حفره‌دار در یک سنگ آهک که به دلیل تأثیر آب شیرین در رُخمون ایجاد شده است
- rest سکوت**
 [موسیقی] ۱. بازه زمانی که در آن صدایی شنیده نمی‌شود ۲. هر یک از نشانه‌هایی که در نت‌نگاری برای دیرشی مشخص در نظر گرفته شده است و در آن صدایی شنیده نمی‌شود
- axial glide سُرش محوری**
 [فیزیک] هر یک از انواع سُرش‌هایی که در آنها بُردار انتقال برابر با نصف ثابت شبکه است
- hatch speed سرعت انبارکاری**
 [دریایی] سرعت جابه‌جایی کالا در بین انبار و اسکله
- سرعت خودتمیزی**
 self-cleansing velocity
 [محیط‌زیست] سرعتی از جریان فاضلاب که در آن مواد جامد در مجاری فاضلاب ته‌نشین نمی‌شود
- سرعت دایره‌ای**
 circular velocity
 [فیزیک] سرعت جسمی که حرکت دایره‌ای دارد
- سرعت متوسط**
 average velocity
 [فیزیک] نسبت بُردار جابه‌جایی به زمان سپری‌شده
- سرعت مجاز سیروحرکت**
 operating speed limit
 [ریلی] حداکثر سرعت مجاز قطارهای باری یا مسافری و مانند آنها در یک مسیر مشخص یا در بخش مشخصی از یک مسیر
- سرعت‌نمای مغناطیسی**
 magnetic speed indicator
 [ریلی] مولد مغناطیسی کوچکی که از یکی از محورها تغذیه می‌شود و از طریق ولتاژ ایجادشده در خروجی‌های آن، سرعت لحظه‌ای را از طریق عقربه‌ای در داخل اتاقک مشخص می‌کند

روان‌پریش‌خویی (psychoticism)، برون‌گرایی و روان‌نژندخویی توضیح داده می‌شود

derrick stool, **سکوی دیرک**
derrick table, mast table,
boom table

[دریایی] سکویی که پای دیرک و ملحقات آن بر روی آن سوار می‌شود

anemoclastic rock **سنگ بادآواری**
[زمین‌شناسی] سنگی که عمدتاً از بادآوارها تشکیل شده است

operating platform **سکوی عملیات**

[ریلی] سازه‌ای با سطحی صاف برای فعالیت و عبور ایمن کارگران در اطراف واکن‌های مخزنی

aboard, on board **سوار**
[دریایی] ویژگی هرچه بر روی شناور یا در داخل آن قرار دارد

سنجش پیشرفت
progress measurement

carriageway **سواره‌رو**
[درون‌شهری] قسمتی از راه یا پل که مشخصاً به حرکت خودروها اختصاص دارد و شامل شانه‌راه و خطوط کمکی هم می‌شود

[م. پروژه] ارزیابی و مقایسه میزان کار انجام‌شده با آنچه در پیمان پیش‌بینی شده است

triple valve **سوپاپ سه‌قلو**
[ریلی] نوعی شیر اصلی برای پر کردن مخزن هوا و گرفتن یا آزادسازی ترمز

headspace analysis **سنجش سرفضا**

[فتاوری غذا] روشی برای اندازه‌گیری کمی و کیفی ترکیبات فرآری که در سرفضای بسته یا شیشه یا قوطی مواد خوراکی یا مواد غذایی جمع می‌شوند

fuel jettison, **سوخت‌پرتابی**
fuel dumping

سنجه مغناطیسی شناور
magnetic float-gauge

[نظامی] تخلیه سریع سوخت از هواگرد در وضع اضطراری

[ریلی] سامانه اندازه‌گیری بسته‌ای که با مغناطیس‌های شناور و به‌کمک میله مدرج متصل به آن سطح مایع را اندازه‌گیری می‌کند

corn dog **سوسیس چوبی**

[عمومی] سوسیزی که یک میله چوبی از محور طولی آن می‌گذرانند و لایه‌ای ضخیم از خمیر نرت بر آن می‌پوشانند و در روغن سرخ می‌کنند

سنخ‌شناسی آیزنک
Eysenck's typology

[روان‌شناسی] نظام طبقه‌بندی سنخ‌های شخصیتی که در آن تفاوت‌های فردی بر حسب سه بُعد

شخصیتی به‌کمک تحلیل عوامل تهیه می‌شود و یکی از معروف‌ترین آنها پرسش‌نامهٔ شانزده‌عاملی شخصیت است

سه‌تایی triplet

[← نجوم] نوعی عدسی مرکب که از سه بخش اپتیکی مجزا تشکیل شده است

bias winding سیم‌پیچ گرایستی

[فیزیک] سیم‌پیچ واپاشی با جریان برق مستقیم در تقویت‌کننده‌های مغناطیسی یا دستگاه‌های مشابه

سیاره‌نگاری planetography

[← نجوم] توصیف عارضه‌های طبیعی سطح سیاره‌ها

cantino, chanterelle سیم خوانش

[موسیقی] زیرترین زه در هر ساز زهی، که معمولاً برای اجرای لحن به کار می‌رود

سیاره‌نگاشتی planetographic

[← نجوم] مربوط به سیاره‌نگاری

سیاست ← خط مشی

workface, working face سینه کار

[محیط‌زیست] سطحی از خاکچال که به‌طور منظم با پسماند پر می‌شود

سیاههٔ انبار hatch list

[دریایی] سیاهه‌ای که مشخصات بارنامه و بار به تفکیک هر یک از انبارها در آن درج می‌شود

advancing face سینه کار پیش‌رونده

[محیط‌زیست] سینه کاری که به‌طور مرتب، گاه روزانه، پیشروی دارد

سیاههٔ کتِل Cattell inventory

[روان‌شناسی] مجموعهٔ خودگزارش‌گری (self-report)هایی که براساس بررسی ویژگی‌های

ش

high shoulder

شانه برآمده

[درون شهری] شانه‌ای که از سطح راه بالاتر است و یکی از نقص‌های راه محسوب می‌شود

silt density index شاخص چگالی لای

[محبط‌زیست] شاخصی تجربی برای سنجش امکان گرفتگی غشا با لای

competency

شایستگی

[مدیریت] مجموعه‌ای از توانایی‌ها و تعهدات و دانش‌ها و مهارت‌ها که فرد یا سازمان را قادر می‌سازد تا کار خود را به‌طور مؤثر انجام دهد
مت. صلاحیت

diversity index شاخص چندگونگی

[آمار] معیاری برای پراکندگی کیفی جامعه‌ای از عناصر که به چندین رسته مختلف کیفی تعلق دارند

horizontal branch

شاخه افقی

[نجوم] نواری افقی در نمودار خوشه‌های گویچه‌ای (globular clusters) هرتزشپرونگ - راسل که نشان‌دهنده ستاره‌هایی با هسته هلیوم‌سوز است

policy network

شبکه خطمشی

[مدیریت] مجموعه‌ای از مواردی که بر پیوند و وابستگی دولت به دیگر فعالان دولتی و اجتماعی تمرکز دارد

giant branch

شاخه غول‌ها

[نجوم] ناحیه‌ای از نمودار هرتزشپرونگ-راسل که به‌طور مایل به سمت راست و بالای رشته اصلی گسترش می‌یابد و ستاره‌های غول در آن جای دارند

شبکه داخلی بی‌سیم

wireless local area network,
Wireless LAN

[فارا] نوعی شبکه داخلی که در آن برای برقراری ارتباط بین گرہ‌ها به‌جای سیم از امواج رادیویی بسامدبالا استفاده می‌شود

low shoulder

شانه افتاده

[درون شهری] شانه‌ای که از سطح راه خیلی پایین‌تر است و یکی از نقص‌های راه محسوب می‌شود

WLAN

خت. شداب

شبکه مخلوط رمزگشایی
decryption mixnet

[رمزشناسی] نوعی شبکه مخلوط که در آن ورودی‌های هر مرحله با استفاده از کلید خصوصی متناظر با آن مرحله بازگشایی می‌شوند

شبکه موردی
ad hoc network

[فاوا] گروهی خودسازمان‌یافته از گره‌ها که زیرساخت ثابتی ندارند و برای ایجاد ارتباط به گره‌های مجاور متکی هستند

شبنا ← شبکه‌سازی نرم‌افزاری

شبه‌جمله
sentence word

[زبان‌شناسی] واژه‌ای که به‌تنهایی همچون جمله‌ای مستقل مفهوم کاملی را برساند اما مثل جمله دارای نهاد و گزاره نباشد

شبیه‌ساز پرواز
flight simulator

[نظامی] افزاره‌ای که شرایط واقعی پرواز را شبیه‌سازی می‌کند و به‌ویژه برای اهداف آموزشی از آن استفاده می‌شود

شتاب‌سنج
accelerometer

[فاوا] حسگری که براساس رابطه‌اش با نیروی جاذبه به تعیین سرعت و جهت گوشی تلفن همراه کمک می‌کند

شتاب متوسط
average acceleration

[فیزیک] نسبت تغییر بُردار سرعت به زمان سپری‌شده

شبکه راه
road network,
highway network

[درون‌شهری] مجموعه‌ای از پیوندها (معرف راه‌ها) و گره‌ها (معرف تقاطع‌ها) که نمایانگر سامانه راه‌های موجود است

شبکه‌سازی نرم‌افزاری
software-defined networking

[فاوا] نوعی شبکه‌سازی نوین که به مدیر شبکه امکان می‌دهد شبکه را با واپایشگری که نیاز به دسترسی فیزیکی به تمام افزاره‌های شبکه ندارد، مدیریت کند

SDN /خت- شبنا

شبکه مخلوط
mixnet, mix network

[رمزشناسی] سامانه‌ای برای گمنام‌سازی فرستندگان با استفاده از عملیات رمزنگاشتی و جای‌گشتی در چند مرحله

شبکه مخلوط بازرمگذاری
re-encryption mixnet

[رمزشناسی] نوعی شبکه مخلوط که در آن ورودی‌های هر مرحله با استفاده از یک کلید عمومی مشترک رمزگذاری می‌شوند

شبکه مخلوط بازرمگذاری عام
universal re-encryption mixnet

[رمزشناسی] نوعی شبکه مخلوط بازرمگذاری که در آن شمار گیرندگان بیش از یک نهاد است و در هر مرحله، عمل بازرمگذاری هر پیام بدون نیاز به اطلاع از کلید عمومی گیرنده انجام می‌شود

[کیامی] شرحی کوتاه از صفات شاخص یک آرایه به نحوی که از دیگر آرایه‌ها متمایز شود

anthroponym

شخص نام

[زبان‌شناسی] نام شخص

condition شرط

شخص نام شناختی

[زبان‌شناسی] مؤلفه‌ای در یک قاعده که نشان می‌دهد آن قاعده در کدام وضعیت اعمال می‌شود

anthroponymic

[زبان‌شناسی] مربوط به شخص نام‌شناسی

anthroponymist شخص نام‌شناس

[زبان‌شناسی] کسی که تخصص او شخص نام‌شناسی است

شرکت بین‌المللی
international company

شخص نام‌شناسی

[مدیریت] نوعی شرکت فرامرزی که با استفاده از فناوری‌ها یا فعالیت‌های تحقیق و توسعه شرکت مادر فعالیت می‌کند

anthroponymy,
anthroponomastics

[زبان‌شناسی] شاخه‌ای از نام‌شناسی که به بررسی نام اشخاص، به ویژه به ریشه‌شناسی آن، می‌پردازد

شرکت تراملی
transnational company,
transnational enterprise

شداب ← شبکه داخلی بی‌سیم

[مدیریت] نوعی شرکت فرامرزی که از تلفیق سه راهبرد جهانی و چندملیتی و بین‌المللی بهره می‌گیرد

شدت مغناطیسی زمین

ground magnetic intensity

شرکت جهانی
global company

[ژئوفیزیک] شدت کل میدان مغناطیسی زمین که با مغناطیس‌سنج‌های زمینی در ایستگاه پایه ثبت می‌شود

[مدیریت] نوعی شرکت فرامرزی متمرکز که از طریق تولید در کشورهایی با منابع ارزان‌تر به دنبال کسب مزیت هزینه است

description شرح

[کیامی] تعیین ویژگی‌ها یا صفات و مشخصات یک آرایه یا هر موجود دیگر

شرکت چندملیتی
multinational company, MNC,
multinational organization

شرح تشخیصی

[مدیریت] نوعی شرکت فرامرزی که در کشورهای مختلف نمایندگی دارد و هر نمایندگی از استقلال عمل برخوردار است

diagnostic characterization,
diagnosis

[فلسفه] شکلی منسوب به پیرون [لئایی، فیلسوف یونانی، که در مواجهه با هر مسئله‌ای که در مورد آن ادله متعارض وجود داشت تعلیق حکم می‌کرد؛ از جمله مسئله امکان یا عدم امکان شناخت

شکاکیت دکارتی Cartesian skepticism

[فلسفه] شکورزی به‌عنوان راه و روشی برای آغاز فرایندی که به شناخت یقینی می‌انجامد
 methodic skepticism روشی شکاکیت روشی
 Cartesian doubt شک دکارتی
 method of doubt روش شک
 methodic doubt شک روشی
 شکاکیت روش‌شناختی
 methodological skepticism

شکاکیت روش‌شناختی

← شکاکیت دکارتی

شکاکیت روشی ← شکاکیت دکارتی

شک دکارتی ← شکاکیت دکارتی

شکر دانه‌ای granulated sugar

[فناوری غذا] بلورهای جامد شکر حاوی دست‌کم ۹۹/۸ درصد ساکارز که از طریق بلورش یا دانه‌گیری شربت غلیظ قند به دست می‌آید

شک روشی ← شکاکیت دکارتی

شکستگی عادی

← شکستگی عادی ریل

شرکت فرامرزی

cross-border company,
worldwide enterprise

[مدیریت] شرکتی که تحت مدیریت کشور مبدأ در چندین کشور فعالیت می‌کند

شرکت‌کنندگان participants

[زبان‌شناسی] کسانی که مستقیم در یک کار یا کنش گفتاری شرکت دارند

شکاک skeptic, scepticist

[فلسفه] فردی که نگرش فلسفی او مبتنی بر شکاکیت است

شکاکانه skeptical

[فلسفه] منسوب یا مربوط به شک یا شکاکیت

شکاکیت skepticism

[فلسفه] نگرشی فلسفی که امکان معرفت یا توجیه را به چالش می‌کشد

شکاکیت آکادمیایی

Academic skepticism

[فلسفه] شکاکیتی منسوب به آکادمی افلاطون که باورمندان به آن، برخلاف رواقیون (Stoics)، معتقد بودند که حس و عقل منابعی غیرقابل اطمینان برای معرفت‌اند، و هیچ چیز قابل شناخت نیست

شکاکیت پیرونی

Pyrrhonian skepticism, Pyrrhonism

[گیامی] شکستگی بساک از طریق منفذی که صفحه‌ای بافتی آن را پوشانده است

شکستگی کنارافشان

latrorse dehiscence

[گیامی] شکستگی کنارسوی بساک نسبت به مرکز گل

aerial gunnery **شلیک هوایی**

[نظامی] تیراندازی و آتشباری با تیربار یا توپ یا راکت یا موشک از هواگرد

intuition **شم**

[زبان‌شناسی] آگاهی درونی فرد از زبان مادری و توانایی داوری درباره آن
مت. شم زبانی

twisting number **شمار پیچش**

[ژن‌شناسی] حاصل تقسیم کل جفت‌بازها در یک مولکول دناي حلقوی بسته آسوده، بر شمار جفت‌بازهای هر مارپیچ

linking number **شمار پیوندش**

[ژن‌شناسی] شمار پیچ‌های دناي حلقوی بسته دورشته‌ای

writhing number **شمار چرخش**

[ژن‌شناسی] شمار دفعاتی که مولکول دناي دوزنجیره‌ای با اَبَرپیچش به دور خود می‌چرخد

star count **شمار ستاره‌ها**

[نجوم] تعداد ستاره‌هایی که در واحد سطح، در یک بازه معین قدر، دیده می‌شوند

ordinary break **شکستگی عادی ریل**

[ریلی] ترک‌خوردگی کامل یا جزئی ریل راه‌آهن بی‌آنکه علامتی از شقاق (fissure) یا دیگر عیوب ریل قابل مشاهده باشد
مت. شکستگی عادی

شکستگی برون‌افشان

extrorse dehiscence

[گیامی] شکستگی برون‌سوی بساک دور از مرکز گل

anther dehiscence **شکستگی بساک**

[گیامی] باز شدن بساک در هنگام رها شدن دانه‌های کرده

شکستگی درون‌افشان

introrse dehiscence

[گیامی] شکستگی درون‌سوی بساک رو به مرکز گل

شکستگی طولی

longitudinal dehiscence

[گیامی] شکستگی بساک در امتداد محور بلند خانک‌های آن

شکستگی عرضی

transverse dehiscence

[گیامی] شکستگی بساک عمود بر محور بلند خانک‌های آن

valvular dehiscence **شکستگی کفهای**

[ریبی] مدرکی که در آن تمام اطلاعات مربوط به تعمیرات واگن ثبت می‌شود

شمارگر چرنکوف Cerenkov counter

[فیزیک] افزاره‌ای برای تشخیص ذرات موجود در باریکه و ذرات تولیدشده در برخوردهای ذرات پرانرژی براساس آشکارسازی تابش چرنکوف

شناسه‌زنی code dating

[فناوری غذا] نوعی تاریخ‌زنی بر روی محصول که در آن شناسه‌های درج‌شده تنها برای تولیدکننده قابل شناسایی هستند

شماره بدنه hull number, yard number

[دریایی] شماره شناسایی‌ای که سازنده به بدنه هر شناور اختصاص می‌دهد و در موارد لازم به این شماره ارجاع می‌شود

شناور حوضچه yard craft

[دریایی] هر یک از یدککش‌ها و دوبه‌ها و سبک‌سازها و دیگر شناورهای کوچک که در محوطه‌های بندری و کشتی‌سازی‌ها از آنها استفاده می‌شود

شم زبانی ← شم

شمول معنایی hyponymy², inclusion

[زبان‌شناسی] رابطه میان دو واحد واژگانی که معنی یکی شامل معنی دیگری نیز باشد

شناورسازی flotation

[باستان‌شناسی] روشی برای بازیابی مواد آلی، مانند دانه‌های گیاهی و بقایای حشرات و نرم‌تنان از خاک کاوش با غوطه‌ور کردن آن در آب

شمی intuitive

[زبان‌شناسی] مبتنی بر شم

شناورسازی کف‌آبی froth flotation

[باستان‌شناسی] نوعی شناورسازی با استفاده از مواد شوینده و کف‌کننده

شناسایی identification

[کیمیا] فرایند مرتبط کردن یک آرایه یا یک موجود ناشناخته با یک مورد شناخته‌شده

شن‌پاشی gritting

[درون‌شهری] پاشیدن ریزدانه‌های دارای قطر کمتر از ۴/۷۵ میلی‌متر بر روی سطح راه

شناسایی نشانگر landmark identification

[نقشه‌برداری] شناسایی مکان‌ها یا عارضه‌های جغرافیایی که می‌توان آنها را به‌عنوان شاخص به کار برد

شور passion¹

[روان‌شناسی] احساس یا اعتقاد شدید و حرکت‌برانگیز

شناسنامه تعمیرات واگن original record of repairs

[ریلی] افزاره‌ای در مسیر سیلندر ترمز
لوکوموتیو برای ایجاد امکان تخلیه سریع هوای
ترمز

شیر ترمز سریع quick-service valve
[ریلی] افزاره‌ای برای کاهش فشار لوله ترمز و
ترمزگیری پیوسته و سریع

شیر توزیع distributing valve
[ریلی] نوعی شیر اصلی که برای پر کردن مخزن
هوا و گرفتن و آزاد کردن ترمز به کار می‌رود،
و علی‌رغم نشستی هوای سیلندر ترمز، از طریق
منبع هوا فشار مناسب را تأمین می‌کند

شیر خروجی outflow valve
[هوایی] شیر یا دریچه‌ای در بدنه هواگرد
تحت فشار که فشار هوای اتاقک را از طریق باز
و بسته کردن راه خروج هوا تنظیم می‌کند

شیر فشارشکن ← شیر فشارمثبت

شیر فشارمثبت
positive pressure relief valve,
cabin pressurization safety valve,
safety relief valve,
over-pressure relief valve

[هوایی] ۱. شیری در سامانه‌های بادی و اکسیژنی
که فشار هوا و اکسیژن وارد شده به سامانه را
تسا می‌زان مطلوب کاهش می‌دهد
۲. شیری که در صورت افزایش فشار به بیش
از حد مقرر، سیال را به مخزن یا چندراهه باز
می‌گرداند

مت. شیر فشارشکن

pressure-relief valve, PRV

شهوت passion²
[روانشناسی] میل جنسی شدید

شهوت‌نگاره erotica
[سلامت] نوشته یا تصویر یا پویانمایی یا هر ماده
هنری دیگر که ممکن است پاسخ جنسی را
برانگیزد و، برخلاف هرزه‌نگاری، اغلب بیانگر
جنبه‌ای مثبت از جنسیتی به دور از خشونت و
تبعیض و استثمار جنسی است

شهوتی passionate²
[روانشناسی] فرد دارای میل جنسی شدید

شیر اصلی operating valve
[ریلی] افزاره‌ای که با استفاده از آن هواگیری،
تخلیه یا ترمزگیری انجام می‌شود

شیر تخلیه^۱ dump valve,
depressurization valve

[هوایی] ۱. شیر یا دریچه‌ای بر روی بدنه هواگرد
تحت فشار که در مواقع ضروری به وسیله
خلبان یا به صورت خودکار باز می‌شود و فشار
باقی‌مانده اتاقک را به خارج هواگرد تخلیه
می‌کند ۲. شیری در سامانه سوخت‌رسانی
هواگرد که در هنگام کاهش فشار سوخت به کمتر
از حد معمول، به صورت خودکار باز می‌شود و
سوخت را به خارج لوله فشار تخلیه می‌کند

شیر تخلیه^۲ outlet valve
[ریلی] شیری بر روی واگن مخزنی برای تخلیه
محموله از مخزن

شیر تخلیه سریع quick-release valve

[ریلی] بخشی از شیر اصلی که ترمزگیری سریع را هنگامی که فشار مخزن به ده پوند می‌رسد غیرفعال می‌کند

chemical survey

شیمیاکاوی

[نظامی] تلاش هدایت‌شده برای تعیین نوع و درجه خطر شیمیایی در یک منطقه و تشخیص محدوده منطقه خطر

شیر فشار منفی

negative pressure relief valve

[موابی] نوعی شیر یا دریچه بر روی بدنه هواگرد تحت فشار که در هنگامی که فشار اتاقک کمتر از فشار هوای آزاد شود، باز می‌شود و تعادل میان درون و بیرون هواگرد را حفظ می‌کند

شیر قطع ترمز سریع

quick-service limiting valve

ص ، ض

صافی خفانشی ← پالایه خفانشی

صافی مؤلفه مغناطیسی
magnetic component filter

[ذئوفیزیک] پالایه‌ای خط‌پایه (line-based) در حوزه مکان که میدان مغناطیسی مشاهده‌شده را به مؤلفه‌های افقی و عمودی تجزیه می‌کند

صافی رنگ ← پالایه رنگ

صافی گوسف
Goussev filter

[ذئوفیزیک] عملگری خط‌پایه (line-based) یا شبکه‌پایه (grid-based) در حوزه مکان که اختلاف نرده‌ای گرادیان کل و گرادیان افقی داده‌های مغناطیسی را محاسبه می‌کند

صداآرایی
acoustic

[موسیقی] کیفیت صوتی یک فضا

صافی مؤلفه افقی

horizontal component filter

[ذئوفیزیک] پالایه‌ای خط‌پایه (line-based) در حوزه طیف که مؤلفه افقی میدان مغناطیسی را یا در راستای خط برداشت خاصی نگه می‌دارد یا آن را عبور می‌دهد

صدادهی
sonority

[موسیقی] ۱. کیفیت صوتی که هر نوازنده با ساز خود ایجاد می‌کند ۲. رنگ صدایی که بر اثر آمیزش چند ساز یا منطقه صوتی حاصل می‌شود

صافی مؤلفه قائم

vertical component filter

[ذئوفیزیک] پالایه‌ای خط‌پایه (line-based) در حوزه طیف که مؤلفه قائم میدان مغناطیسی را نگه می‌دارد یا عبور می‌دهد

صرف طبیعی
natural morphology

[زبان‌شناسی] رویکردی در واژه‌سازی که بر مبنای آن فرایندهای تغییر در ساخت واژه‌ها در جهت طبیعی‌تر شدن یا بی‌نشان شدن آنها است
مت. ساختواژه طبیعی

صفحه لمسی خازنی
capacitive touch screen

[فارا] صفحه‌ای که در آن محل تماس انگشت کاربر با اندازه‌گیری اختلاف بار الکتریکی مشخص می‌شود

صفحه محرک

← صفحه محرک مبدل گشتاور

صفحه محرک مبدل گشتاور
torque converter drive plate,
flexplate

[خودرو] صفحه گردی در جعبه‌دنده خودکار که انتهای میل‌لنگ به آن متصل و مبدل گشتاور بر روی آن سوار می‌شود
مت. صفحه محرک
drive plate

صلاحتیت ← شایستگی

صوت اصلی
fundamental tone,
fundamental

[موسیقی] در صوت‌شناسی، کمترین بسامد یا هماهنگ نخست در سری هماهنگ‌ها

صوت فرعی
overtone
[موسیقی] هر یک از هماهنگ‌های بالاتر از صوت اصلی

صوت‌کدگذاری پیشرفته
advanced audio coding

[فارا] روش پیشرفته کدگذاری برای ایجاد صوت‌های کیفیت بالا
/ختت. کدپی
AAC

مت. کدگذاری پیشرفته صوت

صفت پیچیده
complex trait

[ژن‌شناسی] صفتی که رخ‌نمود آن تحت تأثیر چندین ژن و عوامل محیطی است

صفت فاعلی فعلی
present participle

[زبان‌شناسی] صفت فعلی برگرفته از ستاک حال فعل

صفت فعلی
participle

[زبان‌شناسی] صفت مشتق از فعل

صفت فعلی
participial

[زبان‌شناسی] مربوط به صفت فعلی؛ واجد صفت فعلی

صفت مفعولی
past participle

[زبان‌شناسی] صفت فعلی برگرفته از ستاک گذشته فعل

صفحه پایینی
pedal board

[موسیقی] پایی ارگ که در گستره بم قرار می‌گیرد

صفحه سرش
glide plane

[فیزیک] صفحه تقارن آینه‌ای در بلور که سرش به موازات آن صورت می‌گیرد

صفحه‌کلاچ جعبه‌دنده خودکار

automatic gearbox clutch disk,
automatic transmission clutch disk

[خودرو] هریک از صفحات تشکیل‌دهنده کلاچ چندصفحه‌ای که با فشرده شدن به دیسک‌ها و صفحات دیگر حرکت یا دور را از مجموعه چرخ‌دنده‌های خورشیدی به محور خروجی جعبه‌دنده خودکار منتقل می‌کند

[درون‌شهری] نسبت سفرهای آینده به سفرهای فعلی از یک مبدأ به یک مقصد مشخص

ضخامت نسبی relative thickness
[ژئوفیزیک] نسبت ضخامت هر لایه به فاصله الکترودی

ضریب مهاجرت migration coefficient
[ژئشناسی] نسبتی از خزانه ژن که در هر نسل از ژن‌های مهاجر نمایش داده می‌شود

ضریب ذخیره‌سازی ← ذخیره‌پذیری

ضریب رشد سفر trip growth factor

ط ، ظ

drum

طبله

[بسیار] گنجایه‌ای استوانه‌ای از جنس تخته چندلا، پلاستیک یا فلز، برای نگهداری و حمل مایعات و مواد خطرناک و نفتی، در ظرفیت‌های متنوع تا ۲۱۶ لیتر

straight-sided drum **طبله استوانه‌ای**

[بسیار] نوعی طبله بدون شکم، با بدنه کاملاً استوانه‌ای که برای بسته‌بندی چسب‌های ذوبی و موادی که با پمپ غلتکی به درون طبله تزریق می‌کنند، کاربرد دارد

drum without chimes **طبله بی‌زهوار**

[بسیار] ساده‌ترین نوع طبله به صورت استوانه‌ای مقوایی با دو سر فلزی یا پلاستیکی

طبله زهوار فلزی

drum with metal chimes

[بسیار] معمول‌ترین نوع طبله که بالا و پایین آن دوره‌هایی از جنس فلز دارد

antiform

طاق‌گون

[زمین‌شناسی] چینی که در بالاسو کوژ و در پایین سو کاو باشد، در صورتی که لایه‌های چین‌خورده ترتیب چین‌شناختی نداشته باشند یا هسته چین دارای سنگ‌های، به لحاظ چین‌شناختی، جوان‌تر هم باشد

طبقه‌بندی رده‌شناختی

typological classification

[زبان‌شناسی] طبقه‌بندی زبان‌ها بر مبنای شباهت یا ارتباط منطقی

طبقه بی‌تهدید

not threatened category of species

[جنک] یکی از طبقه‌بندی‌های گونه‌ها در کتاب قرمز از لحاظ میزان تهدید که تنها شامل یک طبقه، طبقه «ایمن»، است

طبقه تهدیدناشناخته

unknown threat category of species

[جنک] طبقه‌ای برای گونه‌های در تهدید در کتاب قرمز که شامل گونه وضعیت‌ناشناخته و گونه کم‌شناخته است

word painting **طراحی واژگانی**

[موسیقی] در موسیقی آوازی، نمایش موسیقایی معنای واژه‌ها و عبارات به صورت لفظ به لفظ

plan **طرح**

[مدیریت] مجموعه‌ای از اقدامات که برای انجام کاری مشخص در نظر گرفته می‌شود
مت. برنامه^۱

implementation **طرح اجرایی**

[باستان‌شناسی] مرحله‌ای در برنامه‌ریزی پژوهش‌های باستان‌شناختی که شامل دریافت مجوز و تأمین منابع مالی و تدارکات است

طرح پرواز تلفیقی

composite flight plan

[هوابی] طرح پروازی که در آن یک یا چند بخش از نوع پرواز با دید و بقیه از نوع پرواز کور است

strategic planning **طرح‌ریزی راهبردی**

[مدیریت] فرایند نظام‌مند تجسم آینده مطلوب و تبدیل آن به اهداف و تعیین گام‌های عملیاتی برای دستیابی به این اهداف
مت. برنامه‌ریزی راهبردی

طرح ژنگان انسان

human genome project

[ژن‌شناسی] طرح توالی‌یابی نوکلئوتیدی و نقشه‌نگاری ژن‌های انسان

HGP

اخت. / طزا

removable drum, **طبلة سربازشو**
open-head drum

[بهار] نوعی طبلة که کف آن به بدنه چسبیده است، اما سر دیگر آن را می‌توان به صورت درپوش جدا کرد

non-removable drum, **طبلة سربسته**
tight-head drum

[بهار] نوعی طبلة که سر و کف آن به بدنه چسبیده است و بر روی بدنه و سر آن یک یا چند روزنه برای پر و خالی کردن طبلة یا هواگیری آن تعبیه شده است

fiber drum **طبلة مقوایی**

[بهار] نوعی طبلة با دیواره‌های کاغذی یا مقوایی، که دو سر آن از همان جنس یا از جنس فلز یا پلاستیک یا تخته چندلا یا مواد چندسازه است

طبلة مقوایی توهم‌چین

nestable fiber drum

[بهار] نوعی طبلة به شکل مخروط ناقص، ویژه حمل پسماندهای بیمارستانی خطرناک و سوزاندنی، متشکل از لایه‌هایی از ورق‌های مقوایی و سرپوش‌هایی پلاستیکی که در رأس و کف چسبانده می‌شود

naturalness

طبیعی‌بودگی

[زبان‌شناسی] خصوصیتی زبانی ناظر بر قواعد و روابط و اصولی که تاحدی برحسب عوامل برون‌زبانی یا بیرون از حوزه یک نظام زبانی مشخص قابل تبیین باشد

shroud-laid rope, **طناب چهاررشته**
shroud laid

[دریایی] طنابی با مغزی الیاف طبیعی که چهاررشته به هم تابیده مغزی آن را دربرگرفته‌اند

painter **طناب قایق**

[دریایی] قطعه طنابی که به قایق می‌بندند و از آن برای مهار یا کشیدن قایق استفاده می‌کنند

guy **طناب قرقره**

[دریایی] مجموعه‌ای متشکل از طناب و قرقره که برای جابه‌جا کردن و ایجاد تعادل در دیرک یا دکل به کار می‌رود

shroud rope **طناب مهار عرضی**

[دریایی] طنابی با کیفیت که به دلیل استحکام بالا از آن برای ساخت مهار عرضی استفاده می‌کنند

davit collar, davit keeper, **طوق دارک**
davit bearing, davit cranes,
davit bust, davit ring

[دریایی] بست یا مهاری L شکل و لولایی برای استوار نگه داشتن قایق آویز یا دارک بازوخم که در پایه آن قرار دارد

طول خورشیدمرکز
heliocentric longitude

[نجوم] مختصه‌ای بر روی دایره البروج که، از صفر تا ۳۶۰ درجه، اندازه‌گیری می‌شود و مبدأ آن نقطه اعتدال بهاری است
مت. طول خورشیدمرکز

master plan, main plan **طرح کلی**

[م. پروژه] طرحی که نشان‌دهنده ساختار اصلی و کلان پروژه است

balanced design, **طرح متعادل**
orthogonal design

[آمار] طرحی آزمایشی که در آن شمار مشاهدات در سطوح مختلف برابر است

unbalanced design, **طرح نامتعادل**
imbalanced design,
nonorthogonal design

[آمار] طرحی آزمایشی که در آن شمار مشاهدات در سطوح مختلف برابر نیست

طرحواره پایگاه داده
database schema

[فارا] طرحی کلی که شیوه سازمان‌دهی و ساختاربندی منطقی یک پایگاه را نشان می‌دهد

طژا ← طرح ژنگان انسان

phishing **طعمه‌گذاری**

[فارا] ارسال رایانامه یا نمایش اعلان دروغین، به‌ظاهر از سوی مؤسسات و نهادهای قانونی و معتبر، در وب برای فریفتن کاربر و دریافت اطلاعات خصوصی او

flavour note **طعمیاد**

[قهوه] یکی از ویژگی‌های متمایز طعم‌های گوناگون قهوه که در هنگام چشیدن آن احساس می‌شود

بدنه، از سینه تا پاشنه، که مبدأ محاسبات
برطبق قوانین است

طول خورشیدنگاشتی

heliographic longitude

[← نجوم] مختصه‌ای که ناظر زمینی آن را بر
مبنای یک نصف‌النهار معیار بر روی خورشید
اندازه‌گیری می‌کند
مت. طول خورشیدنگاشتی

طول موج بی‌هنجاری مغناطیسی

magnetic anomaly wavelength

[ژئوفیزیک] طول موج غالب در طیف توان
بی‌هنجاری مغناطیسی مشاهده‌شده

طول خورمرکز ← طول خورشیدمرکز

transmissivity ظرفیت انتقال

[محیطزیست] قابلیت یک آبخوان در انتقال آب

طول خورشیدنگاشتی

← طول خورشیدنگاشتی

payload capacity ظرفیت مجاز

[ریلی] بیشینه حجمی که به متر مکعب بر طبق
مقررات در واگن‌های مخزنی قابل بارگیری
است

طول در خط شاهین freeboard length

[دریایی] طول کشتی در تراز سطح تماس آب با

ع، غ

عرض خورشیدمرکز
heliocentric latitude

[ء نجوم] مختصه‌ای بر روی دائرة البروج، از ۹۰- تا ۹۰ درجه، که نسبت به قطب‌های دائرة البروج اندازه‌گیری می‌شود
م. عرض خورمرکز

عرض خورشیدنگاشتی
heliographic latitude

[ء نجوم] مختصه‌ای که ناظر زمینی آن را بر مبنای استوای خورشید اندازه‌گیری می‌کند
م. عرض خورنگاشتی

عرض خورمرکز
← عرض خورشیدمرکز

عرض خورنگاشتی
← عرض خورشیدنگاشتی

عشق تمام‌عیار
consummate love
[روان‌شناسی] کامل‌ترین شکل عشق دارای اجزای صمیمیت و شور و تعهد

عبور با آتش
firing pass
[نظامی] پرواز هواگرد به‌سوی هدف به‌قصد شلیک به آن

عدسی انتقال
transfer lens, relay lens
[ء نجوم] نوعی عدسی که در مسیر باریکه نور قرار می‌گیرد تا، بدون تشکیل تصویر، باریکه نور را از نقطه‌ای به نقطه دیگر انتقال دهد

عدسی مرکب
compound lens
[فیزیک] سامانه‌ای متشکل از دو یا چند عدسی با شعاع‌های یکسان که به‌جای یک عدسی منفرد به کار می‌رود تا برخلاف عدسی منفرد ابیراهی نداشته باشد یا ابیراهی آن به حداقل برسد

عدل‌بُر
bale cutter
[بسه‌بار] دستگاهی برای کوچک کردن اندازه عدل‌های بزرگ لاستیکی

عدل‌ساز ← ماشین عدل‌ساز

slice operation **عملیات بُرش‌زنی**

[نقشه‌برداری] تخصیص مقادیر جدید از طریق تقسیم دامنه مقادیر نقشه به فواصل معین

clump operation **عملیات دسته‌بندی**

[نقشه‌برداری] تخصیص مقادیر جدید به گروه‌های مجاور از خانک‌های درون هر رده از نقشه

عملیات فاصله‌بندی**distance operation**

[نقشه‌برداری] عملیاتی برای تولید نقشه جدید بر مبنای فواصل و مسیرهای بین نقاط

proximity operation **عملیات مجاورت****عملیات مجاورت**

← عملیات فاصله‌بندی

عملیات همسایگی**neighbors operation**

[نقشه‌برداری] تولید یک نقشه جدید بر پایه مقادیر همسایگی موقعیت هدف

air land operation **عملیات هوا-زمین**

[نظامی] عملیاتی شامل جابه‌جایی یگان‌ها و افراد از راه هوا استقرار زمینی آنها در مکانی جلوتر یا توزیع دورتر تدارکات از راه زمین

plankage **عوارض بیسه**

[دریایی] هزینه‌ای که در صورت استفاده از بیسه برای تخلیه و بارگیری شناورها دریافت می‌شود

freeboard depth **عمق ارتفاع آزاد**

[دریایی] فاصله بین مازه (keel) تا آزادعرشه در میانه کشتی

Secchi depth, **عمق سیکی**

Secchi disk depth,
Secchi disk transparency

[محیط‌زیست] عمقی از آب که در آن زلالی‌سنج سیکی غوطه‌وردرآب دیگر دیده نمی‌شود یا به‌زحمت قابل تشخیص است

sonic depth finder **عمق‌یاب صوتی**

[نظامی] افزاره تعیین عمق آب از طریق اندازه‌گیری زمان رسیدن نشانک صوتی / سیگنال صوتی به عمق آب و بازگشت آن

عمل همیوغی بار ← همیوغی بار

size operation **عملیات اندازه‌بندی**

[نقشه‌برداری] عملیات تخصیص مقادیر جدید، مطابق با مساحت، به هر رده از نقشه

عملیات بازرده‌بندی**reclassify operation**

[نقشه‌برداری] تخصیص دوباره مقادیر به یک نقشه موجود به‌عنوان تابعی از مقدار یا موقعیت یا اندازه یا شکل یا همجواری اولیه پیکربندی‌های مکانی که با یک رده از نقشه همراه است

عملیات بازشماره‌بندی**renumber operation**

[نقشه‌برداری] عملیات تخصیص مقادیر جدید به رده‌های یک نقشه

[فناوری غذا] مواد غذایی، به ویژه انواع آماده مصرف، که پس از فراوری سردپخت باید در دمای کمتر از ۵ درجه سلسیوس نگهداری شوند

strength, brew strength, **غلظت**
solubles concentration

[قهوه] درصد ذرات قهوه حل شده در واحد حجم نوشیدنی نهایی

غیرقابل فروش ← اتاق غیرقابل فروش

neumatic **غیرهجایی**

[موسیقی] در موسیقی آوازی، ویژگی ای موسیقایی که در آن پنج یا شش نت با هر هجا همراهی می کنند

عوارض خط پرسرانشین

high-occupancy toll, HOT

[درون شهری] عوارضی که از خودروهای تکسرانشینی اخذ می شود که از خطوط یا راه های مختص به خودروهای پرسرانشین عبور می کنند

roast defect **عیب برشته کاری**

[قهوه] عیبی که بر اثر ایراد در دستگاه یا در فرایند برشته کاری، در دانه های قهوه ایجاد شده باشد و به طعم های بد در نوشیدنی قهوه منجر شود

cook chill foods **غذاهای آماده سرد**

ف

altiplano, altiplanicie	فرازدشت	fathom	فادُم
[زمین. ژئو] فلات یا تخت‌زمینی مرتفع، به‌ویژه فلات غرب بولیوی، که از رشته‌حوضه‌های میانکوهی تشکیل شده است		۰.۱ واحدی برای اندازه‌گیری طول، به‌ویژه عمق آب، معادل شش پا یا ۱/۸۵۳ متر ۰.۲ واحد اندازه‌گیری حجم الوار معادل ۷/۸ مترمکعب	
altiplanation	فرازدشت‌سازی	haul	فاصله حمل
[زمین‌شناسی] مجموعه فرایندهایی فرسایشی، شامل خاک‌سُره و حرکت‌های توده‌ای وابسته به آن، که باعث تشکیل سطوح تخت و پادگانه‌مانند می‌شوند؛ فعالیت آنها به‌ویژه در ارتفاعات و عرض‌های جغرافیایی بالا روی می‌دهد، که فرایندهای پیرایخساری در آنها غالب است		[درون‌شهری] مسافت حمل کالا از محل بارگیری تا تخلیه	
			فاصله رده‌شناختی
		typological distance	
		[زبان‌شناسی] میزان تفاوت رده‌شناختی دو زبان به‌ویژه زبان‌های مجاور	
abundance	فراوانی	combined sewer	فاضلاب‌رو درهم
[فیزیکی] شمار هر یک از ایزوتوپ‌ها در یک عنصر		[محیط‌زیست] فاضلاب‌روی که برای انتقال هم‌زمان فاضلاب و آب‌های سطحی به کار می‌رود	
bioproduct	فراورده زیستی	separate sewer	فاضلاب‌رو مجزا
[محیط‌زیست] در تصفیه فاضلاب یا پسماند، فراورده‌ای که در نتیجه عملیات فراوری پسماند به دست می‌آید		[محیط‌زیست] فاضلاب‌روی که فقط برای انتقال فاضلاب سطحی به کار می‌رود	

infibulation

فَرَجِ دوزی

[سلامت] نوعی فَرَجِ بُری که در آن لب‌های فَرَجِ برای جلوگیری از دخول دوخته و تنها منفذ کوچکی برای قاعدگی باز گذاشته می‌شود

cunnilingus,

فَرَجِ لیسسی

cunnilinctio, cunnilingation,
cunnilinctus, cunnilingam

[سلامت] تحریک اندام جنسی خارجی زن با دهان یا زبان

فرداخالی ← اتاق فرداخالی

فرسایش ← ساییدگی

Airy hypothesis

فرضیهٔ ایری

[ژئوفیزیک] فرضیه‌ای مبتنی بر ترازمندی گرانشی (هم‌ایستایی) میان پوسته و گوشته

contact hypothesis

فرضیهٔ تماس

[روان‌شناسی] فرضیه‌ای که براساس آن افراد یک گروه از طریق افزایش تماس با اعضای دیگر گروه‌ها ممکن است کمتر دربارهٔ آنها پیش‌داوری کنند

مت. فرضیهٔ تماس بین‌گروهی

intergroup-contact hypothesis

فرضیهٔ تماس بین‌گروهی

← فرضیهٔ تماس

dimension reduction

فروگاهی بُعد

[آمار] نوعی ترتیب‌بندی چندمتغیره که در آن مشاهدات به صورت تقریبی، در ابعاد کوچک‌تر نمایش داده می‌شود

فراوری سردپخت

cook chill processing

[فناوری غذا] نوعی فرایند تهیهٔ مواد غذایی، شامل پخت غیرپیوستهٔ یک مرحله‌ای و سرد کردن فوری تا دمایی بالاتر از نقطهٔ انجماد

deterministic process

فرایند قطعیتی

[آمار] فرایندی تصادفی با خطای پیشگویی صفر

فرایند کدبندی مکانی

geocoding process

[نقشه‌برداری] گام‌های مربوط به برگردان مدخل نشانی و جست‌وجو برای نشانی در داده‌های مرجع موجود در مکان‌یاب نشانی و انتخاب بهترین گزینه از میان نامزدها

فرایندهای دیریکله

Dirichlet processes

[آمار] رده‌ای از توزیع‌های پیشینی بر روی مجموعهٔ تمام اندازه‌های احتمال تعریف‌شده بر مجموعه‌ای معین که ویژگی‌های مشخصی دارند

bloatware², fatware

فربه‌افزار

[فنا] نرم‌افزاری که به دلیل داشتن امکانات اضافی فضای بسیاری را در سخت‌دیسک اشغال کند و از سرعت رایانه بکاهد

software bloat

فربهی نرم‌افزاری

[فنا] وضعیتی که در آن نرم‌افزار در طی ویرایش‌های پیاپی، به قدری امکاناتش آن افزایش یابد که هم حافظهٔ بسیار اشغال کند و هم کاربردش بسیار پیچیده شود

فشار منفذی pore pressure,
pore-water pressure,
neutral pressure, neutral stress
[زمین، ژئو] تنش‌ی که در نتیجهٔ شارژ موجود در فضای خالی بین ذرات تودهٔ سنگ یا خاک به وجود می‌آید

فشار همه‌سویه confining pressure
[زمین، ژئو] فشاری که در همهٔ جهتها یکسان است، مانند فشار زمین‌ایستایی یا آب‌ایستایی

فشرده‌سازی compression
[فرا] فرایند کوچک‌سازی اندازهٔ پرونده، اعم از نوشتاری و نگاره‌ای و صوتی و ویدیویی
مت. فشرده‌سازی داده‌ها data compression

فشرده‌سازی با اتلاف lossy compression,
irreversible compression
[فرا] روشی برای فشرده‌سازی که در آن مقدار معینی از داده‌ها را حذف می‌کنند تا اندازهٔ پرونده کاهش یابد

فشرده‌سازی بی‌اتلاف lossless compression
[فرا] نوعی فشرده‌سازی که در آن هیچ داده‌ای از دست نرود

فشرده‌سازی داده‌ها ← فشرده‌سازی

فضای پیکربندی configuration space
[فیزیک] فضایی بُرداری با دسته‌ای از مختصات تعمیم‌یافته که پیکربندی سامانه را تعیین می‌کند

فروگاهی داده‌ها data reduction
[آمار] فرایند خلاصه‌سازی شمار فراوانی از داده‌ها در قالب جدول، نمودار و آماره‌های توصیفی

فربیب ارتباطاتی communications deception
[رمزشناسی] ارسال یا بازارسال یا تغییر آگاهانهٔ ارتباطات با هدف گمراه‌سازی دشمن

فربیب ارتباطاتی بدلی imitative communications
deception
[رمزشناسی] تزریق پیام یا نشانه‌های/ سیگنال‌های فربیب‌آمیز به نشانه‌های/ سیگنال‌های ارتباطاتی مهاجم

فربیب ارتباطاتی ساختگی manipulative communications
deception
[رمزشناسی] تغییر یا شبیه‌سازی ارتباطات دوستانه به منظور فربیب

فساد corruption
[مدیریت] رفتار نامطلوب و ناسازگار با آداب حرفه‌ای و غیرقانونی و غیراخلاقی کارکنان در رده‌های مختلف سازمانی

فشار اجتماعی social pressure
[روان‌شناسی] تأثیرگذاری شدید یک فرد یا گروه بر فرد یا گروه دیگر

[باستان‌شناسی] روشی صوتی، مشابه کوبه‌زنی، که در اکتشافات زیرسطح از آن استفاده می‌شود

فنون غیرنفوذی

non-invasive techniques

[باستان‌شناسی] فنونی که در آن از روش‌های ژئوفیزیکی و زمین‌شیمیایی و حتی روش‌های غیرمعارفی مانند دُخاله‌زنی برای بررسی‌های زیرسطحی استفاده می‌شود

فنون نفوذی

invasive techniques
[باستان‌شناسی] فنونی که در آن از روش‌هایی، مانند میل‌زنی و مته‌زنی و مغزه‌گیری، برای بررسی‌های زیرسطحی استفاده می‌شود

فهرست تِمی ← فهرست درون‌مایه‌ای

فهرست درون‌مایه‌ای

thematic catalogue

[موسیقی] نمایه‌ای شامل گروهی از آثار موسیقایی که براساس نت‌های شروع درون‌مایه اصلی یا قطعه یا هردو تنظیم شده است
مت. فهرست تِمی

فهرست قرمز

Red List,
IUCN Red List of Threatened

Species, IUCN Red List,

Red Data List

[جنگل] فهرستی از گونه‌های درخطر که در کتاب قرمز آمده است و از ۱۹۶۴ منتشر می‌شود

nativism

فطری‌گرایی

[زبان‌شناسی] نظریه‌ای مبتنی بر اینکه بسیاری از توانایی‌های ذهن انسان، از جمله زبان، ارثی‌اند، نه اکتسابی

فعالگر ← فعالگر جعبه‌دنده خودکار

فعالگر جعبه‌دنده خودکار
automatic transmission actuator

[خودرو] هر یک از شیرهای سیم‌لوله‌ای (solenoid valves) که با تغییر مسیر روغن پرفشار موجب تعویض دنده می‌شود
مت. فعالگر

فناوری بازیافت گرم آسفالت

hot-in-place asphalt recycling
technology

[درون‌شهری] فناوری‌ای که برای بازیافت گرم آسفالت به کار گرفته می‌شود

فنجانی سیلندر ترمز

packing cup
[ریلی] قطعه‌ای مخصوص آب‌بندی با طراحی ویژه که در انتهای پیستون سیلندر ترمز قرار می‌گیرد تا با چسبیدن به جداره سیلندر از نشت هوا در هنگام ترمزگیری جلوگیری کند

فن موج‌ساکن

standing wave technique

ق

که فشار را دست‌کم بر یک سطح محصول به‌صورت یکنواخت وارد می‌کند

گاتر کاست قالب ناودانکی gutter cast

[زمین‌شناسی] برآمدگی ناودانی‌شکل کوچکی در قاعده لایه رسوبی با طول نسبتاً زیاد، یک تا چند متر، و عرض و عمق نسبتاً کم، چند سانتی‌متر تا چند دسی‌متر، که در برش عرضی به شکل یک کانال کوچک دیده می‌شود

آدرس‌نشان قالب نشانی address format

[نقشه‌برداری] ساختار و آرایش ویژه عناصر نشانی و روش هم‌تابایی مربوط که برای یک کاربرد خاص قابل استفاده باشد

قالب وزنی load cast

[زمین‌شناسی] یکی از نشانه‌های سطح زیرین لایه که معمولاً در ابعاد کوچک‌تر از یک متر دیده می‌شود و شامل فرورفتگی‌های حبابی‌شکل کم‌بیش عمیق و برآمدگی‌های نامنظمی است که حاصل فرورفتگی ذرات آواری ماسه و ذرات درشت‌تر در بستر گلی یا رُسی است

قابلیت راهبردی strategic capability

[مدیریت] مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و منابع و مهارت‌ها که سبب ایجاد مزیت رقابتی بلندمدت برای سازمان می‌شود

قاب ماشینین machine frame

[ریلی] تکیه‌گاه و محل بخش‌های مختلف ماشینین هم‌بندی

قارچکده fungarium

[گیاهی] مجموعه‌ای از نمونه‌قارچ‌های خشک که در محل خاصی نگهداری می‌شود

قاشقک برشته‌کاری trowel, coffee roaster sample spoon

[قهوه] افزاره‌ای که در بخش پیشین دستگاه برشته‌کاری قرار دارد و برای نمونه‌گیری از دانه‌های قهوه در حین فرایند برشته‌کاری به کار می‌رود

قالب‌گیری چادری bag moulding

[بسپار] روشی در شکل‌دهی و پخت چندسازه‌های پلاستیکی با کمک ورقه منعطف

rear entry position, پشت از قرارگیری
doggy style

[سلامت] نوعی قرارگیری که در آن زن روی دست‌ها یا زانوها یا سینه تکیه می‌کند و مرد در پشت او قرار می‌گیرد

قرارگیری جماعی
← قرارگیری کامشی

قرارگیری زنرو
woman-on-top position,
female superior position

[سلامت] دسته‌ای از انواع قرارگیری‌ها که در آن‌ها مرد به پشت دراز کشیده یا نشسته است و زن روی او قرار می‌گیرد

قرارگیری سنتی missionary position

[سلامت] نوعی قرارگیری که در آن مرد روی زن قرار می‌گیرد و دو طرف چهره‌به‌چهره هستند
مت. قرارگیری متعارف

conventional position
man-on-top position قرارگیری مردرو

sex position **قرارگیری کامشی**

[سلامت] وضعیتی که شرکای جنسی در حین نزدیکی یا سایر فعالیت‌های جنسی ممکن است انتخاب کنند

مت. قرارگیری، قرارگیری جماعی
coital position

قرارگیری متعارف
← قرارگیری سنتی

قایق‌آویز ← دارک قایق‌آویز

round bar davit, قایق‌آویز بازوخم
rotary davit

[دریایی] نوعی قایق‌آویز که بخش فوقانی آن خمیدگی دارد و برای بیرون گذاشتن قایق در شرایطی که شناور تا ۱۵ درجه به طرفین کژینگی داشته باشد، قابل استفاده است

radial davit, قایق‌آویز چرخشی
luffing davit

[دریایی] نوعی قایق‌آویز که در پاشنه آن لولا تعبیه شده است و توانایی چرخش به دو طرف، راست و چپ شناور، را دارد

gravity davit **قایق‌آویز گرانشی**

[دریایی] نوعی قایق‌آویز جفتی که در آن، برای پایین بردن بازوهای قایق‌آویز، ترمزها آزاد می‌شوند و نیروی گرانش انرژی لازم را فراهم می‌کند

carboy **قزابه**

[بهار] گنجایه‌ای گردن‌باریک و بی‌دسته، با ظرفیت ۲۰ تا ۶۰ لیتر، از جنس پلاستیک، شیشه، سرامیک یا فلز، برای حمل مایعات و مواد شیمیایی

conventional **قراردادی**

[زیان‌شناسی] ویژگی چیزی که فاقد توجیه طبیعی است

قرارگیری ← قرارگیری کامشی

derrick heel block, **قرقره پای دیرک**
lead block

[دریایی] قرقره‌ای متصل به پای دیرک که کشنده
بار از روی آن عبور می‌کند و به طرف دوار
هدایت می‌شود

derrick head block **قرقره سردیرک**

[دریایی] قرقره‌ای متصل به سردیرک که کشنده
بار از داخل آن عبور می‌کند

plank sheer, washboard, **قرنیز**
covering board

[دریایی] در شناورهای چوبی، تخته‌ای که
به صورت افقی در بالاترین بخش لبه شناور
قرار داده می‌شود و پایه پاروها بر روی آن
نصب می‌شود

letter of intent **قصدنامه**

[م. پروژه] نامه کارفرما به پیمانکار برای اعلام
قصد واگذاری پیمانی که هنوز اسناد آن رسماً
به امضا نرسیده است

fellatio, penilingus **قضیب‌لیسی**

[سلامت] تحریک آلت مردانه با زبان برای لذت و
تحریک جنسی

beam diameter **قطر باریکه**

[فیزیک] فاصله بین دو نقطه متقابل در سطح مقطع
باریکه نور که در آن شدت به $1/e$ بیشینه آن
کاهش می‌یابد

قرارگیری مردرو ← قرارگیری سنتی

قرارگیری همبر

side-by-side sex position

[سلامت] شکلی از انواع قرارگیری که در آن دو
طرف به پهلو قرار گرفته‌اند

قرارگیری یک‌سویه

lateral coital position

[سلامت] نوعی قرارگیری چندمرحله‌ای که مسترز
و جانسون به‌عنوان یک روش کامش‌درمانی
پیشنهاد کردند

قرص صبح بعد

← قرص ضدبارداری اضطراری

قرص ضدبارداری اضطراری

emergency contraceptive pill

[سلامت] داروی ضدبارداری خوراکی که، در
موارد اضطراری، پس از نزدیکی تجویز
می‌شود

م. قرص صبح بعد morning-after pill

rigging luff, **قرقره افزاربندی**

luff purchase

[دریایی] قرقره‌ای که از آن در افزاربندی استفاده
می‌شود

hatch tackle, hatch whip² **قرقره انبار**

[دریایی] هریک از قرقره‌هایی که در بخش‌های
مختلف انبار برای جابه‌جایی کالا نصب شده
است

کاملاً طبیعی قلمداد می‌کند که باید از منظری تماماً انسان‌شناختی و کاملاً پسینی فهم و توصیف و ارزیابی شوند

قهوه آزما coffee cupper, cupper

[قهوه] کسی که متخصص قهوه‌آزمایی است

قهوه‌آزمایی coffee cupping, cupping

[قهوه] روشی نظام‌مند برای ارزیابی ویژگی‌های کیفی قهوه، مانند عطر و مزه و طعم و کام‌پذیری و تنواری و اسیدیته، توسط متخصص

قهوه بدون کافئین

decaffeinated coffee

[فناوری غذا، قهوه] قهوه‌ای که کافئین آن را با حلال گرفته باشند

قهوه تازه‌برشت fresh-roasted coffee

[قهوه] قهوه‌ای که از برشتن آن زمان زیادی نگذشته است

قهوه ترکیبی blended coffee, coffee blend, blend

[قهوه] مخلوطی از دانه‌های قهوه با درجات برشتگی یا خاستگاه‌ها یا گونه‌ها یا زیرگونه‌های متفاوت

قهوه تک‌خاستگاه single-origin coffee

[قهوه] دانه قهوه‌ای که خاستگاه آن یک ناحیه یا منطقه جغرافیایی خاص است

قطعات تقلبی bogus parts

[مربای] قطعات نامرغوب تولیدشده یا بازسازی‌شده با شماره فنی قطعات اصل و در جعبه‌های مشابه که شرکت‌های ناشناس آنها را به‌عنوان قطعه اصلی به مراکز تعمیرات و نگهداری می‌فروشند

قفل جعبه‌دنده خودکار parking pawl

[خودرو] قطعه‌ای زائنده‌دار که با درگیر شدن با چرخ‌دنده‌ای بر روی محور خروجی جعبه‌دنده خودکار مانع از حرکت آن می‌شود

قوانین تشدید مجازات hoon laws

[درون‌شهری] مقرراتی که به پلیس قدرت بیشتری می‌دهد تا با رانندگان خطرآفرین مقابله کند

قوس افقی horizontal curve

[درون‌شهری] قوسی در سطح یا امتداد افقی سواره‌رو

قوس قائم vertical curve

[درون‌شهری] قوسی در نیمرخ طولی سواره‌رو برای حفظ سرعتی مشخص متناسب با تغییر ارتفاع

قوطی can

[سپار] گنجایه‌ای استوانه‌ای با ظرفیت حداکثر ۴۰ لیتر

قوم‌معرفت‌شناسی ethnoepistemology

[فلسفه] نوعی معرفت‌شناسی طبیعی‌شده که همه فعالیت‌های معرفت‌شناختی بشر را پدیده‌های

<p>قهوه میان برشت medium-roasted coffee [قهوه] قهوه‌ای که درجه برشتن آن پیش از ترق دوم متوقف می‌شود</p>	<p>قهوه تیره برشت dark-roasted coffee [قهوه] قهوه‌ای که برشتن آن پس از ترق دوم متوقف می‌شود</p>
<p>قید جمله sentence adverb, sentential adverb [زبان‌شناسی] قیدی که رابطه معنایی آن با کل جمله است نه با فعل یا سازه‌های دیگر جمله</p>	<p>قهوه روشن برشت light-roasted coffee [قهوه] قهوه‌ای که برشتن آن پیش از نخستین ترق یا بلافاصله پس از آن متوقف می‌شود</p>
<p>قید فعلی converb [زبان‌شناسی] صورتی فعلی که به‌عنوان قید استفاده می‌شود</p>	<p>قهوه سرددم cold brew², cold-brewed coffee, cold brew coffee [قهوه] قهوه‌ای که به روش سرددم‌آوری تهیه شده است</p>
<p>قیف تغذیه bean hopper, hopper [قهوه] قیف نگهدارنده دانه‌های قهوه در دستگاه آسیا</p>	<p>قهوه فوری مخلوط coffee mix [قهوه] مخلوطی از قهوه فوری و شیر خشک و شکر</p>

ک

[باستان‌شناسی] مرحله‌ای در چرخه فرآوری (behaviorual processes) که در آن دست‌ساخته‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند

کارت شناسه اتاق room data card

[گردشگری] کارتی که در آن اطلاعات مربوط به مشخصه‌ها و متعلقات مهم هر یک از اتاق‌های مهمان درج می‌شود

کارتن carton

[بهار] گنجایه‌ای مکعب‌شکل، از جنس مقوا و گاه پلاستیک، برای بسته‌بندی و حمل

کارخانه لبنیات dairy factory, creamery, dairy

[فناوری غذا] واحدی تولیدی که در آن فراورده‌های شیری تولید می‌شود

کارزار campaign²

[عمری] مجموعه فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده با هدف خاص سیاسی

کاچه gusset

[بهار] ۰۱. قطعه‌ای که برای افزایش اندازه یا استحکام معمولاً به کناره‌های کیسه افزوده می‌شود. ۰۲. قسمت تاخوردۀ فیلم (film) نازک‌لوله‌ای (tube) تخت‌شده

کارافزارها ← مجموعه کارافزار

کارایی اوج‌گیری در مسیر en route climb performance

[موایی] کارایی هواگرد در هنگام اوج‌گیری یا کاهش ارتفاع در شرایطی که یکی از دو موتور یا دو موتور از سه موتور در وضع خطرناک قرار گیرند

کارایی نسبی relative efficiency

[آمار] نسبت میانگین توان دوم خطاهای دو برآوردگر

کاربرد use

[فناوری غذا، قهوه] زدودن کافئین از موادی مانند قهوه یا چای

hatch-hours **کار- ساعت انبار**

[دریایی] واحدی برای محاسبه زمان کار که عبارت است از مجموع ساعاتی که در مجموع انبارها عملیات بارگیری و تخلیه انجام می‌شود

کامش بین‌پستانی
coitus intra mammas

[سلامت] کامشی از طریق قرار دادن آلت جنسی مرد در بین پستان‌های زن

silent running **کارکرد بی‌صدا**

[نظامی] وضعیتی که در آن تجهیزات زیردریایی برای جلوگیری از شناسایی شدن توسط دشمن عملکردی بدون صدا دارند

test excavation **کاوش آزمایشی**

[باستان‌شناسی] کاوشی محدود برای شناخت ویژگی‌های یک محوطه باستانی در پاسخ به پرسش‌های پژوهشی

rigging loft, loft **کارگاه افزاربندی**

[دریایی] در کشتی‌سازی‌ها، کارگاهی که در آن افزاربندی می‌کنند

training excavation **کاوش آموزشی**

[باستان‌شناسی] کاوشی که دانشگاه‌ها، برای آموزش مبانی روش‌شناسی باستان‌شناسی به دانشجویان، انجام می‌دهند

roastery **کارگاه برشته‌کاری**

[قهوه] کارگاهی که در آن قهوه را برشته می‌کنند

labor-intensive **کارگربر**

[م. پروژه] ویژگی فعالیت‌هایی تولیدی که در آنها نسبت کار نیروی انسانی به به‌کارگیری ماشین‌آلات بیشتر است

کاهش

← محدوده کاهش آلودگی هوای شهر

کاهش ارتفاع در مسیر

en route descent

[هوایی] کم شدن ارتفاع پرواز هواگرد از سطح ارتفاع پایاسیر در مسیر پرواز

labor pool **کارگرگاه**

[م. پروژه، نظامی] محل یا بنگاهی که می‌توان از آن نیروی کار تأمین کرد

کاهش ناهماهنگی شناختی

dissonance reduction

[روان‌شناسی] فرایندی که در آن فرد حالت روحی ناراحت‌کننده‌ای را که از ناسازگاری عناصر نظام شناختی در وی پدید آمده است، کاهش می‌دهد

site works **کارهای ساختمانی**

[م. پروژه] کارهایی که در یک ساختمان انجام می‌گیرد، اما در مقایسه با ساخت‌وساز و تأسیسات اصلی جانبی تلقی می‌شود

decaffeination **کافئین‌زدایی**

[نقشه‌برداری] فرایند کدبندی مکانی هم‌زمان برای
شمار بسیاری از اطلاعات مربوط به نشانی

کدبندی مکانی نشانی

address geocoding

[نقشه‌برداری] عملیاتی در سامانه اطلاعات مکانی
(سام) برای تبدیل نشانی خیابان‌ها به داده‌های
مکانی که به صورت عرضه بر روی نقشه قابل
نمایش باشند

کدبندی مکانی وارون

reverse geocoding

[نقشه‌برداری] فرایند یافتن یک مکان متنی مشخص
مانند نشانی خیابان از روی مختصات
جغرافیایی

کدپی ← صوت‌کدگذاری پیشرفته

کدگذاری پیشرفته صوت

← صوت‌کدگذاری پیشرفته

geocoding engine **کدگر مکانی**

[نقشه‌برداری] هستاری در چهارچوب کدبندی
مکانی که فرایند کدبندی را پیش می‌برد

source code **کد منبع**

[نوا] مجموعه‌ای از دستورها که برای اجرای
کار خاصی به رایانه داده می‌شود

davit socket **کرسی دارک**

[دریایی] جایی که پاشنه قایق آویز یا دارک
بازوخم در داخل آن می‌چرخد

set-off¹ **کاهش واگن**

[ریلی] کاستن واگن از قطار بین محوطه اعزام و
محوطه پذیرش

کپه‌خاک ← کپه‌خاک کاوش

spoil pile, back dirt **کپه‌خاک کاوش**

[باستان‌شناسی] خاک و دیگر مواد حاصل از کاوش
در یک محوطه باستانی که غالباً از آنها برای پر
کردن دوباره تاشه‌ها پس از اتمام کار استفاده
می‌شود
مت. کپه‌خاک

Red Data Book, **کتاب قرمز**
IUCN Red Data Book

[جنکل] فهرستی جهانی از گونه‌های درخطر و
درتهدید که اتحادیه جهانی حفاظت به‌طور منظم
آن را به‌روزرسانی و منتشر می‌کند

bookazine **کتاب-مجله**

[عمومی] نشریه‌ای در ابعاد مجله با کاغذهای
روغنی و صفحاتی پرشمارتر از یک مجله عادی
و معمولاً در یک موضوع خاص یا در یک حوزه
معین که گاه ممکن است حاوی آگهی تبلیغاتی
نیز باشد

geocode, geocoding **کدبندی مکانی**

[نقشه‌برداری] فرایند تعیین موقعیت یک مکان
به صورت مختصات جغرافیایی از طریق مقایسه
آن با دیگر داده‌های جغرافیایی

batch geocoding **کدبندی مکانی دسته‌ای**

plank floor	کف تخته‌ای	کرم پراف ← کرم پیام‌رسانی فوری
	[دریایی] کف صاف تخته‌بندی‌شده شناورهای کوچک	کرم پیام‌رسانی فوری
yard dolly	کفی بارگنج	instant messaging worm
	[دریایی] وسیله‌ای چهارچرخ برای جابه‌جا کردن بارگنج‌ها در بارگنجان	[فاوا] برنامه خودگستر مخربی که از طریق شبکه‌های پیام‌دهی آنی پخش می‌شود
multi-plate clutch, multiple-plate clutch, multi disk clutch, multiple-disk clutch, multi plate, multiple clutch	کلاچ چندصفحه‌ای	IM worm
	[خودرو] نوعی کلاچ اصطکاکی در جعبه‌دنده خودکار که از چندین دیسک و صفحه اصطکاکی تشکیل شده است	IM worm
multi-plate clutch, multiple-plate clutch, multi disk clutch, multiple-disk clutch, multi plate, multiple clutch	کلاچ قفل‌کن	کرنش افزایشی
	← کلاچ قفل‌کن مبدل گشتاور	[زمین‌شناسی] نوعی کرنش نهایی یا جزئی که دو حالت متوالی از یک جسم را به یکدیگر پیوند می‌دهد
torque converter lock-up clutch	کلاچ قفل‌کن مبدل گشتاور	incremental strain
	[خودرو] کلاچی که، با درگیر شدن آن به صورت خودکار، محورهای ورودی و خروجی مبدل گشتاور هم‌سرعت و قفل می‌شوند	[زمین‌شناسی] نوعی کرنش نهایی یا جزئی که دو حالت متوالی از یک جسم را به یکدیگر پیوند می‌دهد
megaproject	کلان‌پروژه	outage
	[م. پروژه] پروژه‌ای بزرگ و زیرساختی که هزینه‌ای بیش از یک میلیارد دلار و ذی‌نفعان بسیار دارد	[دریایی] حجم پُر نشده یا خالی‌شده یک مخزن
		کشتی اسقاطی
		hulk
		[دریایی] شناوری که از رده خارج شده است؛ در گذشته، گاه از این‌گونه شناورها به‌عنوان انبار در کنار اسکله یا لانگ‌رگاه استفاده می‌کرده‌اند
		کشنده ← کشنده بار
		cargo runner
		[دریایی] طناب یا بافه‌ای که یک سر آن به بار متصل می‌شود و سر دیگر آن، پس از گذشتن طناب از روی یک یا چند قرقره، به دوار یا موتور وصل می‌شود و در مجموع یکی از اجزای سامانه جرتقیلی را تشکیل می‌دهد
		runner
		مت. کشنده

طوری انتخاب می‌شوند که شناسایی را به مجموعه کوچک‌تری از احتمالات محدود کنند

کلید به‌خطرافتاده compromised key

[رمزشناسی] کلیدی امنیتی (security key) که کل یا بخشی از آن افشا شده است

کلیدپایی key control

[گردشگری] پایش و ردیابی دقیق کلید یا کارت ورود به اتاق‌ها برای جلوگیری از سرقت وسایل مهمانان و وسایل مهمانخانه و دیگر حوادث مرتبط با ایمنی و امنیت

کلید دندانه‌ای indented key

[کیامی] کلیدی دوشاخه‌ای که نیم‌بندهای هر یک از بندهای آن نسبت به حاشیه تورفتگی داشته باشند

کلید دوشاخه‌ای dichotomous key

[کیامی] کلیدی که شامل دو مجموعه گزاره متضاد است، گزینش یکی از گزاره‌ها نیمی از یک بند است و دو نیم‌بند به یک بند کامل منتهی می‌شود

کلید شماره‌ای numbered key

[کیامی] کلیدی دوشاخه‌ای که نیم‌بندهای هر یک از بندهای آن شماره‌گذاری شده باشند

کلیک click¹

[فناوری] ضربه‌ای که با انگشت بر روی دکمه اصلی موشی یا بر افزاره شماره‌ای دیگر مانند لنت لمسی می‌زنند

کلان کیسه big bag, bulk bag, bulk sack, jumbo bag

[بهار] کیسه بافته بزرگی که برای انتقال مواد فله طراحی شده است

کلاهک دیرک derrick cap piece, derrick head fitting

[دریایی] کلاهکی فلزی که، برای اتصال قرقره‌های مختلف به دیرک، بر سردیرک بازولوله‌ای نصب می‌شود

کلون دریچه ورودی hatch-locking bar

[دریایی] تسمه یا میله‌ای که از آن برای بستن و قفل کردن دریچه ورودی برای جلوگیری از ورود افراد غیرمجاز استفاده می‌کنند

کلون دهانه hatch batten clip, hatch cleat, batten cleat

[دریایی] هریک از گیره‌های اطراف دهانه انبار برای چفت کردن در آن

کلید ← کلید آرایه‌شناختی

کلید آرایه‌شناختی taxonomic key

[کیامی] راهکاری برای شناسایی یک آرایه که در آن با گزاره‌های متضاد دایره شناسایی را محدود و محدودتر می‌کنند

مت. . کلید key

کلید بس‌شناسه‌ای polyclave key

[کیامی] کلیدی که در آن تمام حالات صفتی شناخته‌شده‌ای که با یک نمونه همخوانی دارند،

[جنگل] آرایه‌ای فراوان و شایع که با کمترین مخاطره مواجه است و بنابراین، در طبقه‌بندی‌های بسیار در خطر یا در خطر یا آسیب‌پذیر یا روبه‌تهدید اتحادیه جهانی حفاظت قرار نمی‌گیرد

کم‌یابی

rarity [جنگل] فراوانی اندک یک گونه و بنابراین آسیب‌پذیری آن در برابر خطر انقراض

کمیت پایسته

conserved quantity [فیزیک] هر کمیتی که در طی تحول یک سامانه پویا/ دینامیکی بدون تغییر بماند

کُندبرشته‌کاری

slow roast [تپه] نوعی برشته‌کاری نسبتاً آهسته که هدف آن به دست دادن طعمی مطلوب در زمانی بین ده تا بیست دقیقه است

کنش راهبردی

strategic action [مدیریت] حرکتی بازارمدارانه و نیازمند استفاده از منابع فراوان که قابلیت اجرا یا بازگشت‌پذیری آن پس از اجرا بسیار دشوار است

کوبه‌زنی

bosing [باستان‌شناسی] شیوه‌ای برای شناسایی پدیده‌های مختلف در محوطه‌های باستانی با کوبیدن پا یا تخماق و شنیدن پژواک آن

کوچاندن داده

data migration, database migration [فناوری] فرایند تبدیل داده از قالبی به قالب دیگر یا جابه‌جایی آن از مخزنی به مخزن دیگر

کلیک‌ریایی

clickjacking, user interface redress attack, UI redress attack, UI redressing, clickjack attack

[فناوری] حمله‌ای که در آن کاربر را فریب می‌دهند تا بر روی گزینه‌هایی نامرئی در صفحه وب دکمه موشی را فشار دهد و ناخواسته نفع مهاجم را تأمین کند

کلیک کردن

click² [فناوری] زدن ضربه با انگشت بر روی دکمه اصلی موشی یا بر افزاره اشاره‌ای دیگر

کم‌خورش

tenuinucellate [گیاهی] ویژگی تخمکی با خورشی متشکل از یک لایه یاخته، بدون یاخته جداری

کم‌داده

data deficient, DD [جنگل] آرایه‌ای که اطلاعات کافی برای ارزیابی خطر انقراض آن براساس وضعیت توزیع یا جمعیت آن وجود ندارد

کمربند آلپ - هیمالایا

Alpine-Himalayan belt, Alipides

[زمین‌شناسی] کمربند کوهزایی بزرگ یا سامانه‌ای از کوه‌های جوان چین‌خورده، مانند رشته‌کوه‌های آلپ، که گسترش آن شرق سو (eastward) است و از اسپانیا تا جنوب شرق آسیا امتداد دارد

کم‌مان ← مهمان کم‌مان

least concern, LC کم‌نگران‌کننده

archaism ²	کهن‌گرایی	micromastia	کوچک‌پستانی
	[زبان‌شناسی] گرایش به کاربرد واژه‌ها و ساخت‌های کهن زبان		[سلامت] کوچکی غیرطبیعی پستان
archaism ³	کهن‌واژه	in tune	کوک
	[زبان‌شناسی] واژه‌ای که به صورت‌های کهن یک زبان تعلق دارد		[موسیقی] ویژگی اجرایی که در آن زیروبمی‌نت‌ها درست است
bag, sack	کیسه	Alpine orogeny	کوه‌زایی آلپی
	[بهار] گنجایه‌ای با ساختار لوله‌ای و منعطف در شکل‌ها و ابعاد و جنس‌های مختلف که از یک طرف باز است		[زمین‌شناسی] کوه‌زایی نسبتاً جوان در جنوب اروپا و آسیا که سبب دگرشکلی و فراخاست شدید سنگ‌ها در کوه‌های آلپ شده‌اند
boil-in-bag	کیسه آب‌پزی	Alpine-Himalayan orogeny	کوه‌زایی آلپی - هیمالایی
	[بهار] نوعی بسته‌بندی مواد غذایی در ورق آلومینیم یا پلاستیک که می‌توان آن را، برای پخت محتویات، در آب جوش قرار داد		[زمین‌شناسی] یک دوره کوه‌زایی که بر حاشیه‌های شمالی و جنوبی اقیانوس کهن تتیس اثر گذاشته است و کوه‌های آلپ نمونه آشکار آن هستند و چین‌های ملایم شمال فرانسه و حوضه «ویلده و لندن» در انگلستان اثرات بیرونی آن را نشان می‌دهند
flat bag	کیسه تخت	starburst galaxy	کهکشان اخترفشان
	[بهار] کیسه کاغذی یکپارچه، بدون کاچه، که از نازک‌لوله‌ای (tube) پیش‌شکل‌گرفته و تخت ساخته شده که انتهای آن تا خورده و چسبانده شده است		[نجوم] نوعی کهکشان که آهنگ ستاره‌زایی آن به شکل قابل‌ملاحظه‌ای از کهکشان‌های دیگر بیشتر است
pasted sack	کیسه چسب‌دوخت	archaic	کهن
	[بهار] کیسه‌ای که یک یا دو سر آن با چسب بسته شده است		[زبان‌شناسی] ویژگی صورتی از زبان که خصوصیات متعلق به گذشته را حفظ کرده است
vacuum bag	کیسه خلأ	archaism ¹	کهن‌ساخت
	[بهار] هر نوع کیسه منعطف که در آن با خلأسازی، بر آنچه درون کیسه است فشار وارد می‌شود		[زبان‌شناسی] ساختی که به صورت‌های کهن یک زبان تعلق دارد

open mouth bag, open mouth sack	کیسه یک‌سرباز	gusseted sack, gusset bag	کیسه کاچه‌دار
[بسیار] کیسه‌ای معمولاً گرمادرزگیری‌شده که انتهای آن بسته است		[بسیار] کیسه‌ای که از نازک‌لوله‌ای (tube) کاچه‌دار ساخته شده است	
regulatory quality	کیفیت مقررات	block-bottom bag	کیسه کف‌چارگوش
[مدیریت] میزان توانایی دولت در تدوین و پیاپی‌سازی خط‌مشی‌ها و مقررات مؤثری که به بخش خصوصی اجازه توسعه بدهد و از آن پشتیبانی کند		[بسیار] کیسه‌ای کاغذی یا پلاستیکی که اتصالی لبرولب (lap joint) در هر جانب دارد و کف آن با تا زدن به‌صورت خشت شش‌گوش تختی درمی‌آید که اجزای آن در مرکز به هم می‌رسند	
cosmogony, cosmogeny	کیهان‌زایش	bagging ¹	کیسه‌کُنی
[فلسفه] نظریه‌ای در باب نحوه پیدایش و بسط کیهان		[بسیار] بسته‌بندی مواد و اقلام، مانند مواد غذایی، در درون کیسه	
cosmology	کیهان‌شناسی	air bag	کیسه هوا
[فلسفه] علم بررسی سرشت، ساختار، آغاز و انجام و سیر تحول کل کیهان که در گذشته شاخه‌ای از مابعدالطبیعه به شمار می‌رفت		[بسیار] نوعی کیسه خودبادشونده (automatically inflating bag) که در جلوی سرنشینان خودرو در محفظه‌ای تعبیه می‌شود تا در هنگام تصادف از سرنشین محافظت کند	

گی

scale) که در طی آن میدان مغناطیسی زمین قطبایی ثابت یا غالب دارد
مت. دور قطبایی
polarity epoch

گذشت
forgiveness
[روانشناسی] کنار گذاشتن ارادی احساس رنجش از کسی که به فرد آسیب رسانده است
مت. بخشش

گرانی باقی مانده
residual gravity
[ژئوفیزیک] اختلاف میان داده‌های گرانی مشاهده‌شده و گرانی منطقه‌ای در گرانی‌سنجی

گرانی‌سنج هواپُرد
airborne gravimeter,
airborne gravity meter
[ژئوفیزیک] گرانی‌سنج ارتقایافته‌ای که برای استفاده در هواگرد بر روی سکویی ثابت نصب شده و مجهز به حسگرهای زمان‌واقعی رقمی و سامانه‌های واپایش سکوی متحرک است

گاززدایی
degassing, deaeration
[متاوری غذا] خارج کردن هوا یا اکسیژن از محلول

گام‌شمار
pedometer
[فناوری] افزاره کوچکی که حرکت عمودی بدن را حس می‌کند و با استفاده از آن گام‌ها را می‌شمارد

گام‌شناسی
gait recognition
[نظامی] فرایند بازشناسی هویت فرد با استفاده از الگوی راه رفتن او

گام‌یار
walker, walking frame
[عمومی] ابزاری برای کمک به حفظ تعادل افراد سانه‌دیده یا معلول یا سالمند یا خردسال در هنگام راه رفتن یا ایستادن

گاه قطبایی
polarity chron
[ژئوفیزیک] بازه زمانی پایه در مقیاس زمان مغناچینه‌نگاشتی (-magnetostratigraphic time)

[درون‌شهری] حرکت گردشی دارای اولویت بیشتر، مانند گردش اتوبوس که حق تقدم دارد

hook turn **گردش قلاب‌وار**

[درون‌شهری] نوعی گردش به چپ که در آن راننده یا دوچرخه‌سوار از منتهی‌الیه سمت راست تقاطع و از مقابل جریان منقطع، پس از سبزشدن چراغ عبور می‌کند

age-grading **گروه‌بندی سنی**

[زبان‌شناسی] دسته‌بندی افراد بر مبنای سن برای مطالعه زبان آنها بدون در نظر گرفتن تغییر جاری

shroud knot **گره مهار عرضی**

[دریایی] گرهی که برای اتصال موقت مهار پاره‌شده تا زمان تعویض مهار به کار می‌رود

involucre **گریبان**

[گیاهی] دسته یا خوشه‌ای از برگ‌های دربرگیرنده گل‌آذین

involucl **گریبانک**

[گیاهی] دسته یا خوشه‌ای از برگه‌های دربرگیرنده یک واحد از گل‌آذین

rigger's horn, grease horn **گریس‌دان افزاربند**

[دریایی] ظرفی قیفی‌شکل، متصل به کمربند افزاربند، برای حمل گریس و استفاده از آن در حین افزاربندی

aerogravity, airborne gravity, aerogravimetry **گرانی‌سنجی هوایی**

[ژئوفیزیک] روش جمع‌آوری و پردازش داده‌های میدان گرانی زمین با یک هواگرد متحرک

regional gravity **گرانی منطقه‌ای**

[ژئوفیزیک] میدان گرانی حاصل از تغییرات بزرگ‌مقیاس

bias **گرایستگی**

[آمیزیک] نیرو یا ولتاژ یا جریانی که به یک دستگاه اعمال شود تا عملکرد دلخواه داشته باشد

image gather **گردآورد تصویر**

[ژئوفیزیک] گردآورد هم‌میان‌نقطه‌ای که روی آن کوچ عمقی انجام شده است

common-image gather **گردآورد هم‌تصویر**

[ژئوفیزیک] مجموعه دایره‌ها با دورافت‌ها یا زاویه‌های مختلف که اختلاف زمان سیر آنها با توجه به دورافت‌ صفر تعدیل شده است

data gathering, data collection **گردآوری داده‌ها**

[باستان‌شناسی] مرحله‌ای در پژوهش‌های باستان‌شناختی که در آن جمع‌آوری داده‌ها از طریق بررسی سطحی و کاوش انجام می‌شود

higher order turn **گردش اولویت‌دار**

آماده که برای متصدی و کارکنان پیشخان
مهمانخانه تهیه می‌شود

lectotype **گزین مونه**

[گیامی] نمونه انتخاب شده از بین نمونه‌های اصلی
به‌عنوان مونه در زمانی که هیچ تام‌مونه‌ای در
هنگام انتشار معین نشده باشد

analogical extension **گسترش قیاسی**

[زبان‌شناسی] گسترش صورت یا الگوی زبانی بر
مبنای قیاس

گسترش هندسی

geometrical spreading

[ژئوفیزیک] کاهش انرژی موج در واحد سطح
جبهه موج، ناشی از گسترش جبهه موج با
افزایش فاصله

spherical divergence **مت. واگرایی کروی**

address range **گستره نشانی**

[نقشه‌برداری] گستره شماره‌های موجود در یک
خیابان یا در بخشی از یک خیابان از کمترین تا
بیشترین مقدار

transform fault **گسل ترادیدیسی**

[زمین‌شنو] گسل امتدادلغزی که دو مرز صفحه
همگرا یا واگرا را به یکدیگر پیوند می‌دهد

transcurrent fault **گسل تراگذر**

[زمین‌شنو] گسل امتدادلغزی در پوسته قاره‌ای که
مرز بین دو صفحه زمین‌ساختی را تشکیل
نمی‌دهد

progress report **گزارش پیشرفت**

[م. پروژه] گزارشی که در آن میزان پیشرفت
پروژه در وضعیت کنونی با وضعیت
برنامه‌ریزی شده مقایسه می‌شود

passing report **گزارش سبقت**

[ریلی] گزارشی که در آن «واحد نظارت بر تردد»
فهرست پذیرش و اعزام قطارها را در
ایستگاه‌های تلاقی ارائه می‌کند

گزارش کیفیت جوش

procedure qualification record

[ریلی] سندی که داده‌های واقعی جوش درز ریل
در آن ثبت می‌شود تا بر مبنای آن گواهی
آزمایش کیفی صادر شود و نتایج آزمایش‌های
جوش درز ریل در آن ثبت گردد

wheel report **گزارش محورشمار**

[ریلی] گزارشی که براساس برنامه تنظیم
می‌شود و در آن شمار واگن‌های قطار، در
هنگام ترک محوطه، مشخص می‌شود

گزارش مغایرت‌ها

room variance report

[کردشگری] فهرستی از مغایرت‌های موجود بین
گزارش بخش خانه‌داری و اطلاعات پیشخان از
وضعیت اتاق‌ها و همچنین اتاق‌هایی که به نرخ
رسمی فروخته نشده‌اند

گزارش وضعیت اتاق

room status report

[کردشگری] گزارشی از وضعیت اتاق‌های خالی و

[بسیار] نوعی گنجایه با دیواره‌های شیب‌دار که در حالت خالی می‌توان آنها را در یکدیگر داخل کرد

گنجایه واسط فله‌ای

intermediate bulk container,
IBC tote, pallet tank

[بسیار] نوعی گنجایه صنعتی باز مصرف برای نگهداری و حمل مایعات یا مواد دانه‌ای مانند حلال‌ها و مواد شیمیایی و دارو و مواد غذایی
/اخت. گوف
IBC

گنجایه واسط فله‌ای صلب

rigid intermediate bulk container

[بسیار] گنجایه‌ای با دیواره‌های صلب برای جابه‌جایی اقلام
/اخت. گوف صلب
RIBC

گنجایه واسط فله‌ای منعطف

flexible intermediate bulk
container

[بسیار] گنجایه‌ای انعطاف‌پذیر، معمولاً از جنس پارچه، که هنگامی که پر می‌شود، نمی‌توان آن را به صورت دستی جابه‌جا کرد و از آن صرفاً برای حمل مواد خشک استفاده می‌شود
/اخت. گوف منعطف
FIBC

گواهینامه خط شاهین

loadline certificate,
freeboard certificate

[دریایی] گواهینامه‌ای که پس از انجام محاسبات ارتفاع آزاد شناور در مناطق مختلف جغرافیایی صادر می‌شود و نشان‌دهنده حد مجاز بارگیری در آب‌خورهای مختلف است و بر بدنه شناور حک می‌شود

گسیخت سطحی اصلی

primary surface rupture

[ژئوفیزیک] گسیختگی سطحی که با جابه‌جایی زیرسطحی گسل زمین‌لرزه‌ای (seismic fault) ارتباط مستقیم دارد

گشتاور دو قطبی یکا حجمی

dipole moment per unit volume

[ژئوفیزیک] سنج‌های برای شدت قطبش یک ماده

sounding

گمانه‌زنی

[باستان‌شناسی] کاوشی سریع و کم‌هزینه و محدود برای ارزیابی و تخمین داشته‌های باستان‌شناختی در یک محوطه
م. تاشه‌زنی آزمایشی
trial trenching

container

گنجایه

[بسیار] محفظه‌ای برای نگهداری و جابه‌جایی و حمل وسایل و ابزارها و انواع مواد

گنجایه برهم - توهم‌چین

stack and nest container

[بسیار] نوعی گنجایه که خالی آنها را می‌توان داخل یکدیگر کرد و پر آنها را بر روی یکدیگر قرار داد

گنجایه برهم‌چین

stack-only container

[بسیار] نوعی گنجایه با دیواره‌های قائم و فضای درونی کافی و استحکام لازم به نحوی که می‌توان آنها را بر روی یکدیگر نشانند

nest-only container گنجایه توهم‌چین

[ژن‌شناسی] ویژگی‌های رُخ‌نمودی که در دو یا چند دسته مجزا و غیرهمپوشان قرار می‌گیرند

گونه انحصاری ← گونه بوم‌ویژه

گونه بسیاردرخطر ← بسیاردرخطر

گونه بوم‌زاد indigenous species

[جنکل] گونه بومی یک منطقه خاص که وارداتی نیست، ولی ممکن است در جای دیگر نیز یافت شود

گونه بوم‌ویژه endemic species

[جنکل] گونه‌ای بومی که خاص یک ناحیه جغرافیایی محدود و معین است و در جای دیگر یافت نمی‌شود
مت. گونه انحصاری

گونه بومی native species

[جنکل] گونه‌ای که از پیش از دخالت انسان در گستره طبیعی خود زیست می‌کرده است

گونه پیشنهادی proposed species

[جنکل] در ایالات متحده، گونه‌ای گیاهی یا جانوری که مطابق با «قانون گونه‌های درخطر»، برای قرارگیری در فهرست گونه‌های درخطر پیشنهاد می‌شود

گونه تهدیدرسته

no longer threatened species

[جنکل] گونه‌ای گیاهی یا جانوری که تهدید آن کاهش پیدا کرده است و درحال حاضر خطری بقای آن را تهدید نمی‌کند

گوشته aril

[کبامی] زوائد یا پوشش‌های اضافه دانه

گوشته‌دار ariled, arillate

[کبامی] دارای پوششی گوشتی و براق

گوش مطلق absolute pitch¹, perfect pitch

[موسیقی] توانایی خواندن یک نغمه مشخص یا شناسایی نغمه تولیدشده بدون کمک گرفتن از صدای مرجع از پیش تولیدشده

گوش نسبی relative pitch

[موسیقی] توانایی شناسایی فواصل بدون قدرت تشخیص هر یک از نغمه‌ها

گوف ← گنجایه واسط فله‌ای

گوف صلب

← گنجایه واسط فله‌ای صلب

گوف منعطف

← گنجایه واسط فله‌ای منعطف

گوناگونی پیوسته

continuous variation

[ژن‌شناسی] گوناگونی رُخ‌نمودی در صفات کمی که به صورت طیفی از مقادیر بیان می‌شود

گوناگونی ناپیوسته

discontinuous variation

درمخاطره باشد، اما به دلیل کمبود اطلاعات اطمینان کافی در این مورد وجود ندارد

گونه کمیاب rare species

[جنکل] گونه درتهدیدی که بر اثر عوامل طبیعی یا در نتیجه فعالیت‌های انسان جمعیت اندکی دارد

گونه معرف indicator species, index species, management indicator species

[جنکل] گونه‌ای که وجود یا فقدان آن نشان‌دهنده شرایط زیست‌محیطی خاصی، مانند آلودگی یا تغییر اقلیم، در زیستگاه یا اجتماع است

گونه مهاجم invasive species, invader

[جنکل] گونه وارداتی تهاجمی که در محل جدید منتشر می‌شود و عمدتاً در رقابت با گونه یا گونه‌های بومی جای آنها را می‌گیرد

گونه نامزد candidate species

[جنکل] در ایالات متحده، گونه‌ای گیاهی یا جانوری که از میان گونه‌های پیشنهادی برای قرارگیری در فهرست گونه‌های درخطر یا درتهدید و انجام اقدامات حمایتی، از سوی بنگاه رسمی ناظر، نامزد می‌شود

گونه نامعین indeterminate species

[جنکل] هر یک از آرایه‌های درتهدیدی که در یکی از چهار وضعیت منقرض یا درخطر یا آسیب‌پذیر یا کمیاب قرار می‌گیرد، اما اطلاعات کافی برای تخصیص وضعیت یا طبقه مشخصی به آن وجود ندارد

گونه چتر umbrella species

[جنکل] گونه‌ای که زیستگاه و نیازهای زیستگاهی گسترده‌ای دارد و حمایت از آن موجب حمایت غیرمستقیم از گونه‌هایی می‌شود که با آن زیستگاه مشترک دارند

گونه دربیم imperilled species

[جنکل] اصطلاحی عمومی در امریکای شمالی که گونه‌های درخطر و درتهدید و درمخاطره و نگران‌کننده را شامل می‌شود

گونه درمخاطره species at risk, at risk species

[جنکل] طبقه‌بندی کلی شامل گونه‌های منقرض و احتمالاً منقرض و درخطر و آسیب‌پذیر و کمیاب و تهدیدرسته و وضعیت ناشناخته که بیم آن می‌رود در آینده در مقیاس جهانی یا در سطح محلی با خطر یا تهدید مواجه باشند

گونه شالوده keystone species

[جنکل] گونه‌ای که موجب افزایش یا کاهش تنوع در بوم‌سازگان می‌شود

گونه فهرست‌شده listed species

[جنکل] گونه‌ای گیاهی یا جانوری که یک بنگاه به طور رسمی آن را درخطر یا درتهدید معرفی کرده است و بنابراین، نیاز به حمایت بیشتر دارد

گونه کم‌شناخته

insufficiently known species

[جنکل] یکی از طبقه‌بندی‌های گونه تهدیدناشناخته در کتاب قرمز که گمان می‌رود یکی از گونه‌های

گوشور بومی ← بومی‌زبان

گوشور مشاور ← گوشور

isogloss **گویه‌مرز**

[زبان‌شناسی] در گوش‌شناسی، خطی بر روی نقشه که محدوده جغرافیایی گونه‌های زبانی را مشخص می‌کند

گویه‌مرز رده‌شناختی

typological isogloss

[زبان‌شناسی] خطی که تفاوت‌های رده‌شناختی را بر روی نقشه گوش‌شناسی مشخص می‌کند

herbarium **گیاکده**

[کیمی] مجموعه‌ای از گیاهان خشک که، به منظور مطالعات علمی، بر روی مقوا می‌چسبانند و برچسب می‌زنند و به روشی نظام‌مند مرتب می‌کنند و نیز مکان یا نهاد حفظ و نگهداری و تکمیل چنین مجموعه‌ای

electric guitar **گیتار برقی**

[موسیقی] گیتاری که صدای آن با ابزارهای الکترونیکی تقویت می‌شود

rigger's screw, rigger's vise, splicing vise **گیره افزاربندی**

[دریایی] گیره‌ای که از آن برای نگه داشتن دو بافه یا طناب در حین هم‌بندی استفاده می‌شود

species of concern **گونه نگران‌کننده**

[جنگل] اصطلاحی در امریکای شمالی برای گونه‌ای بومی که در فهرست گونه‌های درخطر یا درتهدید نیست، اما جمعیت آن به قدری سریع کاهش می‌یابد که موجب نگرانی زیست‌شناسان شده است

flagship species **گونه نماد**

[جنگل] گونه درخطر بااهمیت و شناخته‌شده و محبوبی که به حفاظت آن توجه خاص می‌شود

introduced species **گونه وارداتی**

[جنگل] گونه‌ای که به‌طور طبیعی در یک ناحیه پدیدار نشده بلکه اغلب به‌واسطه انسان وارد آن ناحیه شده است و بومی آنجا به شمار نمی‌رود

گونه وضعیت‌ناشناخته

status unknown species

[جنگل] یکی از طبقه‌بندی‌های طبقه تهدیدناشناخته در کتاب قرمز اتحادیه جهانی حفاظت که به گونه‌ای اختصاص دارد که نبود اطلاعات کافی، اختصاص طبقه حفاظتی معین به آن گونه را ناممکن می‌کند

hatch wedge **گوه انبار**

[دریایی] گوه‌ای چوبی برای محکم کردن زهوار دهانه‌پوش و دهانه‌پوش بر روی دهانه

informant, consultant, language consultant **گوشور**

[زبان‌شناسی] سخنگوی یک زبان یا گوش که منبع کسب اطلاعات از به آن زبان بوده است
مت. گوشور مشاور

گیره تخته‌بندی planking clamp

[دریایی] گیره‌ای که از آن برای نگه داشتن تخته به محل اتصال تا زمان اتصال کامل استفاده می‌کنند

ل

لایه‌بندی اختیاری

arbitrary stratification

[باستان‌شناسی] لایه‌بندی با عمق قراردادی که با لایه‌نگاری واقعی نهشته‌ها هم‌خوانی و تناسبی ندارد

لایه پنهان

suppressed layer

[ژئوفیزیک] لایه‌ای که مقاومت‌ویژه آن بین مقاومت‌ویژه‌های لایه‌های مجاور است و به‌جز هنگامی که ضخیم باشد، مشاهده نمی‌شود

لایه هم‌ارز

equivalent layer

[ژئوفیزیک] لایه‌ای فرضی که میدان مغناطیسی حاصل از یک توزیع مغناطش را با آن برآورد می‌کنند

لغزه پایی

pedal glissando

[موسیقی] نوعی لغزه در ساز تیمپانی (tympani) که پس از اجرای نُت به‌وسیله پایی ایجاد می‌شود

لغزیده‌چینه

olistostrome

[زمین‌شناسی] نهشته‌ای واریزه‌ای از مواد ناهمگن درآمیخته، مانند قطعه‌سنگ و کِل، که به‌صورت توده‌ای نیمه‌شاره با لغزش گرانشی در زیر دریا (submarine gravity sliding) یا لخشیدن (slumping) رسوبات تحکیم‌نیافته، انباشته شده است

لغزیده‌سنگ

olistolith

[زمین‌شناسی] قطعه‌سنگ‌های غیربومی (exotic blocks) یا دیگر توده‌های سنگی، معمولاً بزرگ‌تر از ۱۰ متر، که با لغزش گرانشی در زیر دریا (submarine gravity sliding) یا لخشیدن (slumping) حمل شده‌اند و در زمینه (binder) لغزیده‌چینه قرار گرفته‌اند

لغاف افزاربندی

rigging-mat

[دریایی] گونی یا پارچه ضخیمی که به دور قسمت‌هایی از وسایل افزاربندی ثابت پیچیده می‌شود تا مانع از سایش و خوردگی آنها شود

[ء نجوم] ناحیه‌ای بر روی سطح ستاره با میدان مغناطیسی قوی و روشنایی سطحی اندک

shank painter **لنگربند**

[دریایی] طناب یا زنجیری که با آن پنجه لنگر را در بستر لنگر مهار می‌کنند

accessory **لوازم جانبی**

[عمومی] هر یک از لوازمی که به دستگاه یا افزاره یا وسیله‌ای افزوده می‌شود تا آن را مفیدتر یا کاراتر یا زیباتر کند

fruit leather **لواشک**

[فتاری غذا] فراورده‌ای از پوره میوه که به صورت ورقه با رطوبت کم خشک شده است و ممکن است در تولید آن از شکر یا عسل نیز استفاده شود

cling wrap, **لفاف چسبان**
food wrap, cling film

[بسهار] فیلم (film) نازکی از جنس پلی‌اتیلن اصلاح شده که پس از قرارگیری بر روی جسم به آن می‌چسبد

bubble wrap **لفاف حباب‌دار**

[بسهار] ضربه‌گیر پلاستیکی مخصوص بسته‌بندی که معمولاً از فیلم‌های (films) لایه‌بندی شده گرمانرمی، که دارای حباب‌های هواست، تشکیل شده است

لفاف کشی باشلقی

stretch hood wrapping system

[بسهار] نوعی بسته‌بندی که در آن کلاهک کشایندی لوله‌ای شکلی را بر روی چهار طرف یک بارکف می‌کشند

starspot **لکه ستاره‌ای**

م

مجموعه‌ای از مشاهدات مشخص می‌کند

ماده بسته‌بندی حباب‌دار

bubble packaging material

[بسیار] فیلم (film) پلاستیکی انعطاف‌پذیری که به‌طور یکنواخت حباب‌دار شده باشد

مارپیچ helix

[ژن‌شناسی] ساختار سه‌بعدی زیست‌مولکول‌ها، مانند دنا و پروتئین، که پیچشی و تکراری است

مارپیچ-حلقه-مارپیچ

helix-loop-helix, HLH

[ژن‌شناسی] پلی‌پپتیدهایی سه‌بخشی که در آنها دو مارپیچ با یک حلقه به هم متصل‌اند

مارپیچ دوگانه double helix

[ژن‌شناسی] مارپیچی که در آن بازهای چهارگانه دورشته دنا با پیوندهای هیدروژنی به هم پیوسته‌اند

مت. مارپیچ واتسون-کریک

Watson-Crick helix

مابعدالطبیعه metaphysics

[فلسفه] بحث درباره اوصاف کلی وجود و مبادی آن، سرشت و ساختار واقعیت که مباحثی نظیر بود و نمود، وحدت و کثرت، ثبات و تغییر، علت و معلول، جزئی و کلی و اقسام مقولات را دربرمی‌گیرد

مابعدالطبیعه‌دان metaphysician

[فلسفه] کسی که به مطالعه و پژوهش در مابعدالطبیعه می‌پردازد

مابعدالطبیعی metaphysical

[فلسفه] ویژگی یا مشخصه آنچه به مابعدالطبیعه مربوط می‌شود

ماتریس پراکندگی dispersion matrix

[آمار] ماتریسی شامل میزان انحراف هر متغیر از پارامتر مکان توزیع همان متغیر

ماتریس طرح design matrix

[آمار] ماتریسی که مدلی آماری را برای

mission **مأموریت** **مارپیچ واتسون - کریک**
 [مدیریت] وظیفه‌ای که انجام آن دلیل وجودی آن
 سازمان است ← مارپیچ دوگانه

ماشین بازیافت گرم آسفالت
 hot-in-place asphalt recycling machine
 [درون‌شهری] ماشینی که عملیات بازیافت گرم
 آسفالت را انجام می‌دهد
مانده مغناطش چرخایی
 gyroremanent magnetization, GRM
 [ژئوفیزیک] بازماند (remanence) مغناطیسی
 به‌دست‌آمده از طریق چرخش مواد
 مغناطیسی ناهمسان‌گرد در یک میدان
 مغناطیسی متناوب

ماشین‌بر equipment-intensive
 [م. پروژه] ویژگی فعالیت‌هایی تولیدی که در آنها
 نسبت به کارگیری ماشین‌آلات به کار نیروی
 انسانی بیشتر است

مانده مغناطش چرخشی
 rotational remanent magnetism,
 RRM
 [ژئوفیزیک] مغناطش به‌دست‌آمده از طریق چرخش
 نمونه در میدان مغناطیسی متناوب

ماشین شمع‌کوب pile driver
 [ریلی] دستگاهی برای کوبیدن شمع

مانش قیاسی analogical maintenance
 [زبان‌شناسی] متوقف شدن تحول واجی منظم
 آن‌هنگام که به بروز تغییر در صیغگان منجر
 شود

ماشین عدلساز baling machine
 [بهار] افزاره‌ای برای بستن و شکل دادن مواد
 شکل‌پذیر به‌صورت عدل
 م. عدلساز

ماهک shift fork, selector fork,
 shifter fork, gear-selector fork,
 gearshift fork, gear-shifting fork,
 gearshift rod, gear-control fork,
 control fork, selector lever
 [خودرو] قطعه‌ای هلالی‌شکل که، با حرکت دادن
 دنده‌چنگکی، یکی از چرخ‌دنده‌های متحرک را بر
 روی محور خروجی جعبه‌دنده قفل می‌کند و این
 محور را به حرکت درمی‌آورد

مأمور بدرقه escort guard
 [نظامی] فردی که کار محافظت و نظارت بر
 زندانی را در اردوگاه‌های جنگی و بازداشتگاه‌ها
 و جلسات بازپرسی و ترک و انتقال از مکانی به
 مکان دیگر بر عهده دارد

مأمور غیرعامل passive probe
 [نظامی] فردی که برای مأموریت اطلاعاتی تعیین
 می‌شود و صرفاً وظیفه‌پایش و ثبت جزئیات
 سازمان یا مکان موردنظر را بر عهده دارد

[زبان‌شناسی] ویژگی واژه یا جمله‌ای که بیش از یک معنی دارد

مت ← منطقه توجه

مترادف synonym

[یکبار] هر یک از نام‌های دارای مصداق یگانه که یک یا عده‌ای از گیاه‌شناسان، به دلیل نامعتبر بودن یا تشخیص آرایه‌شناختی، آن را نپذیرفته‌اند و در نتیجه مهجور شده است

متصدی ارتباطات

communication operator

[نظامی] فردی که مسئولیت دریافت و ارسال پیام‌های مخابراتی یک یگان نظامی را بر عهده دارد

متغیر انحراف deviate

[آمار] فاصله بین یک متغیر تصادفی و امید ریاضی (expected value) آن
مت. انحراف

متغیر متعارف canonical variable

[آمار] متغیری که در تحلیل همبستگی متعارف به دست می‌آید

متغیرهای تصادفی پیونددار

associated random variables

[آمار] متغیرهایی که همبستگی هر دو تابع صعودی از آنها نامنفی است

متن آوا ← موسیقی متن آوا

ماهی پرورشی farmed fish

[فناوری غذا] ماهی‌ای که در حوضچه و تحت نظارت بهداشتی و تغذیه برنامه‌ریزی شده پرورش داده می‌شود

مبدل گشتاور torque converter, TC, hydraulic torque converter, hydro-dynamic torque converter

[خودرو] بخشی از جعبه‌دنده خودکار که گشتاور دریافتی از موتور را با به حرکت درآوردن یک سیال تراکم‌ناپذیر به محور ورودی جعبه‌دنده منتقل می‌کند

مبدل گشتاور قفل‌شو

lock-up torque converter

[خودرو] مبدل گشتاوری که محورهای ورودی و خروجی آن می‌توانند از طریق یک کلاچ اصطکاکی مستقیماً به هم متصل شوند و در نتیجه از اتلاف انرژی جلوگیری شود

مبناعرشه freeboard deck

[دریایی] بالاترین عرشه یکپارچه شناور که ضدآب است و مبنای اندازه‌گیری و حک خط‌های شاهین است

مبنایگرایی foundationalism

[فلسفه] دیدگاهی در معرفت‌شناسی مبتنی بر اینکه باورهای بنیادین و غیراستنتاجی ما مبنای توجیه معرفتی سایر باورهای استنتاجی‌مان هستند

مبهم ambiguous

<p>license مجوز [مدیریت] موافقت‌نامه دولت یا بخش خصوصی برای انجام اقدام خاص</p>	<p>augering مته‌زنی [باستان‌شناسی] روشی در نمونه‌برداری از نهشته‌های باستان‌شناختی که معمولاً در مراحل اولیه شناسایی محوطه با استفاده از مته دستی یا ماشینی برای تعیین عمق و ویژگی‌های نهشته‌ها انجام می‌شود مت. پَرمه‌زنی</p>
<p>مجوزدهی ← اعطای مجوز محدودهٔ فراكاهش ultra-low emission zone, ULEZ</p>	<p>مته نمونه‌برداری auger [باستان‌شناسی] ابزاری استوانه‌ای که از آن برای ایجاد حفره در درون نهشته‌ها و برداشت نمونه‌های مواد فرهنگی استفاده می‌شود مت. پَرمه</p>
<p>[درون‌شهری] محدودهٔ کاهشی که مجوز ورود به آن مستلزم گذراندن آزمایش‌های معاینهٔ فنی با معیارهای سخت‌گیرانه‌تری است</p>	<p>مثنی dual [زبان‌شناسی] یکی از اقسام مقولهٔ شمار که بر «دوتا» دلالت می‌کند</p>
<p>محدودهٔ کاهش ← محدودهٔ کاهش آلودگی هوای شهر</p>	<p>مجاورت proximity [نقشه‌برداری] شاخصی که فاصلهٔ بین همهٔ نقاط در پیرامون یک نقطه را مشخص می‌کند</p>
<p>محدودهٔ کاهش آلودگی هوای شهر low emission zone</p>	<p>مجموعه‌داده dataset [فناوری] مجموعه‌ای از دسته‌های اطلاعات مرتبط که از اجزای جداگانه تشکیل شده‌است، اما می‌توان در رایانه آن را به‌عنوان یک واحد اداره کرد</p>
<p>[درون‌شهری] محدوده‌ای که خودروهای آلاینده حق ورود به آن را ندارند /خت. محدودهٔ کاهش، کاهش LEZ* * «کاهش» سرواژه‌ای است در برابر LEZ که از حروف اول عبارت «کاهش آلودگی هوای شهر» اخذ شده است</p>	<p>مجموعه کارافزار activity set [باستان‌شناسی] مجموعه‌ای از دست‌ساخته‌ها که به فعالیت‌های حرفه‌ای فردی معین مربوط است مت. کارافزارها</p>
<p>محدودیت هم‌آیی collocational restriction</p>	<p>محفظهٔ توازن balance chamber [نظامی] محفظهٔ احتراقی در داخل موتورهای توربین‌گازی برای گرفتن بخشی از بار رانشی که به‌وسیلهٔ چرخش فشرده‌ساز تولید می‌شود</p>
<p>[مدیریت] موافقت‌نامه دولت یا بخش خصوصی برای انجام اقدام خاص</p>	<p>محدودیت هم‌نشینی عناصر واژگانی</p>

[خودرو] محوری که توان موتور را از کلاچ به جعبه‌دنده منتقل می‌کند

extirpated, محلی منقرض
locally extinct

[جنکل] ویژگی گونه‌ای که دیگر در بخشی از گستره خود زندگی نمی‌کند

public expenditure, مخارج دولتی
government expenditure

[←مدیریت] هزینه‌های دولت در یک دوره زمانی مشخص برای برآوردن نیازهای عمومی
مت. هزینه‌های دولتی

محور خروجی توربین
turbine output shaft

[خودرو] محوری که حرکت چرخشی توربین را به جعبه‌دنده منتقل می‌کند

health hazards مخاطرات سلامتی

[فتاوری غذا] عوامل فیزیکی و شیمیایی و میکروبی که ممکن است به سلامتی آسیب برسانند

محور خروجی جعبه‌دنده

gearbox output shaft, output shaft,
gearbox tailshaft,
gearbox main shaft, mainshaft

[خودرو] محوری که توان را از جعبه‌دنده به‌طور مستقیم یا از طریق میل‌کاردان (drive shaft) به دیفرانسیل (differential) منتقل می‌کند

مخاطره کلید متن اصلی - متن اصلی
plaintext-plaintext compromise

[←رمزشناسی] لو رفتن اطلاعات کلید که از تحلیل اطلاعات حاصل از رمزگذاری دو متن اصلی P1 و P2 با یک کلید حاصل می‌شود

محور واسط

← محور واسط جعبه‌دنده

مخاطره کلید متن اصلی - متن رمز
plaintext-ciphertext compromise

[←رمزشناسی] لو رفتن اطلاعات کلید با در اختیار داشتن یک زوج متن اصلی و متن رمز متناظر با آن

محور واسط جعبه‌دنده

countershaft, layshaft,
intermediate shaft, idling shaft,
second-motion shaft

[خودرو] محوری در جعبه‌دنده دستی که از طریق چرخ‌دنده‌های نصب‌شده بر روی آن توان را از محور ورودی جعبه‌دنده به محور خروجی آن منتقل می‌کند

مت. محور واسط

مخاطره کلید متن رمز - متن رمز
ciphertext-ciphertext compromise

[←رمزشناسی] لو رفتن اطلاعات کلید که از تحلیل اطلاعات حاصل از رمزگذاری یک متن اصلی با دو کلید متفاوت حاصل می‌شود

محور ورودی جعبه‌دنده

gearbox input shaft, input shaft,
primary shaft

مختصات سیاره‌نگاشتی

planetographic coordinates²

[← نجوم] مختصات تعیین‌کننده موقعیت
عارضه‌های یک سیاره

مختصات کروی

spherical coordinates²,spherical polar coordinates²

[← نجوم] مختصات تعیین‌کننده موقعیت یک نقطه
در فضا که از دو مختصه فاصله از مبدأ و دو
زاویه تشکیل شده است

مختصات ناظرمرکز

topocentric coordinates¹

[← نجوم] مختصاتی که مبدأ آن موقعیت ناظر
روی سطح زمین است

مخلوط آسفالت سفت

harsh asphalt mix

[درون‌شهری] مخلوط آسفالتی که به دلیل ثبات
زیاد، امکان پخش شدن و کوبیده شدن اندکی
دارد

مدار خورشیدآهنگ

← مدار خورهمگام

مدار خورهمگام

sun-synchronous orbit

[ژئوفیزیک] مدار زمینی فضاپیما که بر روی آن
فضاپیما همواره جهت یکسانی نسبت به
خورشید دارد
ت. مدار خورشیدآهنگ

مختصات افقی

horizontal coordinates²

[← نجوم] مختصات تعیین‌کننده موقعیت اجرام
آسمانی نسبت به ناظر زمینی، که از دو مختصه
سمت و ارتفاع تشکیل شده است
ت. مختصات سمتی ارتفاعی

alt-az coordinates²

مختصات خورشیدمرکز

heliocentric coordinates²

[← نجوم] مختصات تعیین‌کننده موقعیت اجرام
منظومه شمسی نسبت به مرکز خورشید
ت. مختصات خورمرکز

مختصات خورشیدنگاشتی

heliographic coordinates²

[← نجوم] مختصات تعیین‌کننده موقعیت هر نقطه
از قرص خورشید نسبت به ناظر زمینی
ت. مختصات خورنگاشتی

مختصات خورمرکز

← مختصات خورشیدمرکز

مختصات خورنگاشتی

← مختصات خورشیدنگاشتی

مختصات سماوی

celestial coordinates²

[← نجوم] مختصات تعیین‌کننده موقعیت اجرام
آسمانی بر روی کره سماوی

مختصات سمتی ارتفاعی

← مختصات افقی

[آمار] مدلی که در آن هیچ عنصر تصادفی وجود ندارد

magnetic model **مدل مغناطیسی**

[ژئوفیزیک] مدل پذیرفتاری یک ساختار زمین‌شناختی واقعی یا فرضی

مدل‌های پس‌بودگی توزیع‌شده
distributed lag models

[آمار] مدل‌هایی خطی که به مقادیر گذشته و حال یک متغیر وابسته‌اند

management **مدیریت**

[مدیریت] هدایت یک سازمان و نظارت بر آن

managerialism **مدیریت‌باوری**

[مدیریت] باور به ارزش مدیران حرفه‌ای و مفاهیم و روش‌هایی که آنها استفاده می‌کنند

مدیریت بخش خصوصی
private sector management

[مدیریت] هدایت و پایش کارکنان، به‌ویژه کارکنان جزء و رده‌های میانی، با تأکید بر حفظ و رعایت معیارهای شرکت

مدیریت بر مبنای استثنا
management by exception, MBE

[مدیریت] روشی در مدیریت که در آن مسئولیت‌ها و اختیار اداره طرح‌ها و برنامه‌ها، به‌جز موارد استثنایی، به کارکنان و مدیران رده میانی واگذار می‌شود

مدت برآوردی پرواز
estimated time en route, ETE

[هوایی] مدت‌زمان تخمینی پرواز هواگرد از نقطه مبدأ تا مقصد یا از لحظه خیزش تا فرودتماس

en route time **مدت در مسیر**

[هوایی] مدت‌زمانی که هواگرد، پس از اوج‌گیری کامل و پیش از فرود، در ارتفاع پایاسیر پرواز می‌کند

scatophilia, coprophilia **مدفوع‌کامی**

[سلامت] نوعی کژکامی جنسی که در آن برای ایجاد برانگیختگی جنسی تمرکز بر مدفوع است

cloverleaf model **مدل برگ‌شبدری**

[ژن‌شناسی] نمایی از رنای ناقل که دارای یک ساقه تک‌رشته‌ای و سه حلقه است که به برگ شبدری شباهت دارد.

مدل تحول ستاره
stellar evolutionary model

[نجوم] مدلی ریاضی که می‌توان از آن برای محاسبه مراحل تحول ستاره استفاده کرد

مدل ضریب رشد
growth factor model

[درون‌شهری] روشی برای توزیع سفرهای انجام‌شده بین مبدأ و مقصد بر پایه ضریب رشد سفر در مبدأ و مقصد و تبادل سفر

deterministic model **مدل قطعیتی**

[← مدیریت] فرایند مدیریت منابع سازمان و تصمیم‌گیری و پیش‌بینی و برنامه‌ریزی بلندمدت برای دستیابی به هدف‌ها

مرحلهٔ پیاده‌سازی

implementation phase

[م. پروژه] مرحله‌ای که در آن راهکار برگزیده برای دستیابی به تحویلی‌های نهایی پروژه به اجرا درمی‌آید

مرکز جاذبه ← مرکز ربایش

مرکز ربایش center of attraction

[فیزیک] نقطه‌ای که راستای نیروی گرانشی یا الکترواستاتیکی وارد بر یک ذره یا جسم همیشه از آن می‌گذرد
مت. مرکز جاذبه

مرکز رشد incubator

[عمومی] مکان یا نهادی برای تشویق اندیشه‌های نو و حمایت از تشکیل شرکت‌های نوآفرین و گسترش آنها

مرکز نوسان center of oscillation

[فیزیک] نقطه‌ای از آونگ فیزیکی که اگر تمامی جرم آونگ در آن متمرکز شود، همان حرکت نوسانی را خواهد داشت

مرورگر browser

[فناور] برنامهٔ دسترسی به رایانه‌های خدمات‌دهندهٔ وب و نمایش محتویات بازیابی‌شدهٔ آنها

مدیریت بر مبنای سرکشی

management by walking around,
management by wandering about,
management by walking about,
MBWA

[← مدیریت] روشی در مدیریت که در آن بر حضور مستقیم و سرزدهٔ مدیریت در امور کاری و گفت‌وگو با کارمندان تأکید می‌شود

مدیریت بر مبنای نتیجه

management by results

[← مدیریت] نوعی مدیریت فرایند که در آن با استفاده از هدف‌ها، سهم نتایج در تحقق مأموریت و وظایف سازمان تعیین می‌شود

مدیریت بر مبنای هدف

management by objectives, MBO

[← مدیریت] مدیریت کار مبتنی بر هدف‌های تعریف‌شده و موردتوافق

مدیریت تأثیر

impression management

[روان‌شناسی] رفتارهایی که افراد برای ایجاد برداشت‌های خاص دربارهٔ خود در برابر دیگران انجام می‌دهند

مدیریت دولتی public management

[← مدیریت] ادارهٔ بخش دولتی و غیرانتفاعی با الگوبرداری از رویکرد مدیریت بخش خصوصی برای افزایش کارایی و اثربخشی

مدیریت راهبردی

strategic management

participation	مشارکت	mobile browser	مرورگر همراه
	[زبان‌شناسی] شرکت مستقیم در یک کار یا کنش گفتاری		[افا] مرورگر کوچکی که برای تلفن همراه و دیگر دستگاه‌های ارتباطات داده‌ای سیار بهینه‌سازی شده است
rape counseling	مشاوره تجاوز	scatologia	مستهجن‌گویی
	[سلامت] راهنمایی قربانیان تعرض یا تجاوز جنسی و حمایت از آنها		[سلامت] به کار بردن واژه‌های زشت و مستهجن به‌عنوان الگوی برانگیختگی جنسی
square lattice	مشبکه مربعی		مسدود ← اتاق مسدود
	[آمار] طرحی آزمایشی برای آزمون تیمارها که در آن شمار تیمارها مجذور کامل است		مسیر تحول ستاره
rectangular lattice	مشبکه مستطیلی	stellar evolutionary track	
	[آمار] طرحی آزمایشی برای آزمون تیمارها که در آن شمار تیمارها به‌صورت $k(k+1)$ است		[← نجوم] مسیری که ستاره در حال تحول طی می‌کند
	مصالح جنبی خط	orbit ²	مسیر چرخ‌زنی
other track material, OTM			[نظامی، هوایی] مسیر پرواز دایره‌ای هواگرد
	[ریل] مصالح مختلف غیر از ریل و سوزن و ریل‌بند که برای تکمیل خط لازم است		مسیریاب فراخ‌باند سیار
	مصرف		← چندرسانی ایستگاهی
consumption		pathfinding	مسیریابی
	[باستان‌شناسی] استفاده از مواد خام آلی یا فراوری‌شده تا مرحله‌ای از بین رفتن یا تغییر یافتن آن		[نقشه‌برداری] فرایند محاسبه مسیر بهینه میان یک مبدأ و یک نقطه یا نقاط مقصد در یک شبکه
	معاينه محدوده کاهش	responsibility	مسئولیت
low emission zone check			[← مدیریت] التزام و تعهد داشتن به انجام یا تکمیل کار به‌صورت رضایت‌بخش
	[درون‌شهری] آزمایشی که برای ورود خودروها به محدوده کاهش از خودروها به عمل می‌آید		

معرفت knowledge², episteme
 [فلسفه] باور صادق موجه

معرفت‌شناسی دینی
 religious epistemology

[فلسفه] پژوهش در باب سرشت، ساختار و توجیه باورها و تجربه‌های دینی

معرفت‌شناختی

epistemological, gnoseological

[فلسفه] مربوط به معرفت‌شناسی؛ مربوط به نظریه معرفت

مت. معرفتی epistemic

معرفت‌شناسی رهنمودی
 advisory epistemology

[فلسفه] نگرشی در معرفت‌شناسی که مهم‌ترین وظیفه آن یافتن و توصیه روش‌هایی برای پیش‌برد قلمرو فعالیت‌های معرفتی فردی و جمعی است

معرفت‌شناس

epistemologist

[فلسفه] کسی که به مطالعه نظریه معرفت می‌پردازد

معرفت‌شناسی طبیعت‌گرا

← معرفت‌شناسی طبیعی‌شده

معرفت‌شناسی epistemology, epistemics, gnoseology

[فلسفه] بررسی مؤلفه‌های اساسی معرفت (باور، صدق، توجیه و غیره) و منابع معرفت (عقل و تجربه و شهود) و حدود آن (مسئله شکاکیت)

مت. نظریه معرفت theory of knowledge

معرفت‌شناسی طبیعی‌شده
 naturalized epistemology

[فلسفه] نگرشی در معرفت‌شناسی که در آن، به تعبیر فیلسوفانی چون کواین و گودمن و کوهن، برای تبیین معرفت و فرایند اکتساب آن باید به روان‌شناسی رفتاری و مطالعه تاریخ علم روی آورد، زیرا بشر و قابلیت‌های شناختی او اموری واقع در طبیعت هستند

مت. معرفت‌شناسی طبیعت‌گرا

معرفت‌شناسی اجتماعی

social epistemology

[فلسفه] نگرشی در معرفت‌شناسی که به بررسی ابعاد اجتماعی معرفت و نقش عوامل اجتماعی در دستیابی به معرفت می‌پردازد

naturalistic epistemology

معرفتی ← معرفت‌شناختی

معناباختگی

bleaching,
 semantic bleaching,
 semantic depletion,
 semantic fading,
 semantic weakening

[زبان‌شناسی] زدوده شدن محتوای معنایی واحدی واژگانی تحت تأثیر فرایند دستوری‌شدگی

معرفت‌شناسی اصلاح‌شده

reformed epistemology

[فلسفه] رویکردی در معرفت‌شناسی دینی که براساس آن باور به خداوند معقول است بی‌آنکه نیاز به شواهد و قرائن باشد

مغناطیس‌سنج زمینی
ground magnetometer

[ژئوفیزیک] مغناطیس‌سنجی مستقر در ایستگاه پایه برای ثبت پیوسته داده‌ها و پایش تغییرات روزانه و توفان‌های مغناطیسی دوره‌ای

مفرد singular
[زبان‌شناسی] یکی از اقسام مقوله شمار که بر «یکی» دلالت می‌کند

مقاومت تیرک stake resistance
[ژئوفیزیک] مقاومت الکتریکی میان الکتروود جریان و زمین

مقاومت گرایستی bias resistor
[فیزیک] مقاومت لازم برای تولید آفت پتانسیل به‌منظور فراهم شدن ولتاژ گرایستی موردنظر

مقاومت‌ویژه حقیقی true resistivity
[ژئوفیزیک] مقاومت‌ویژه یا اثر قطبش القایی محدوده‌ای از یک محیط همگن

مقاومت‌ویژه ظاهری نسبی
relative apparent resistivity
[ژئوفیزیک] نسبت مقاومت‌ویژه ظاهری به مقاومت‌ویژه حقیقی بخشی از مدل

مقررات سیرو حرکت operating rules
[ریلی] کتابی شامل مقررات حاکم بر عملیات حمل‌ونقل ریلی

معیار بهمنی avalanche criterion
[زمین‌شناسی] معیاری برای ارزیابی رمزهای قالبی که براساس آن لازم است با تغییر یک بیت ورودی به خوارزمی/ الگوریتم رمز به‌طور متوسط نیمی از بیت‌های خروجی آن تغییر کند

معیار بهمنی اکید strict avalanche criterion
[زمین‌شناسی] نوعی معیار بهمنی برای ارزیابی توابع بولی که با تغییر هر بیت در ورودی این توابع هر یک از بیت‌های خروجی با احتمال یک‌دوم تغییر یابد

مغایرت‌های وضعیت اتاق room status discrepancy
[گردشگری] اختلاف بین توصیف بخش خانه‌داری از وضعیت اتاق‌ها با اطلاعاتی که متصدی و کارکنان پیش‌خان از وضعیت آنها برای تخصیص اتاق به مهمانان در اختیار دارند

مغزه‌گیر corer
[فتاوری غذا] ابزاری برای جدا کردن مغزه میوه‌ها و سبزی‌ها از آنها

مغزه‌گیری coring
[فتاوری غذا] فرایندی که در آن بخش مرکزی و سخت بعضی از میوه‌ها و سبزی‌ها برداشته شود

مغناطیس درون‌چاهی borehole magnetics
[ژئوفیزیک] روش و افزاره‌های بررسی و تعیین ویژگی‌های مغناطیسی سنگ‌های موجود در چاه

<p>مقیاس سلسیوس ← مقیاس دمای سلسیوس</p>	<p>مقره مهار عرضی shroud truck, seizing truck, leading truck</p>
<p>locus مکانه [ژن‌شناسی] مکان ویژه ژن بر روی فام‌تن</p>	<p>[دریایی] استوانه چوبی حفره‌داری که در نقش هادی مهار عرضی را به وسایل افزاربندی ثابت وصل می‌کند</p>
<p>complex locus مکانه مرکب [ژن‌شناسی] مکان خوشه‌ای از ژن‌های به‌هم‌پیوسته که از نظر کارکرد با هم مرتبط‌اند</p>	<p>مقصد goal [← مدیریت] هدف درازمدت افراد یا سازمان‌ها که تکیه بر برنامه‌ریزی یا طرح‌های بلندمدت دارد</p>
<p>ostinato, ground مکرر [موسیقی] الگوی کوتاه موسیقایی که در یک اجرا یا قطعه، یا بخشی از آنها، مرتب تکرار می‌شود</p>	<p>مقصود aim [← مدیریت] منظور مشخص از انجام کاری</p>
<p>suppletive مکمل [زبان‌شناسی] در فرایند تکمیل، هر یک از صورت‌های جداریشه در یک صیغگان</p>	<p>مقعدلیسی anilingus, anulingus, anilinctus [سلامت] تحریک جنسی از طریق تماس زبان با مقعد</p>
<p>dominatrix, mistress ملکه [سلامت] زنی که در انواع فعالیت‌های برده‌سازی و تن‌دهی نقش فرادست را بازی می‌کند</p>	<p>مقیاس دمای سلسیوس Celsius temperature scale [فیزیک] مقیاس دمایی که در فشار یک اتمسفر، درجه صفر آن در نقطه انجماد آب و درجه صد آن در نقطه جوش آب قرار دارد مت. مقیاس سلسیوس Celsius scale</p>
<p>filigree مليله [← نجوم] ساختاری بسیار ظریف در نورسپهر خورشید به شکل نقطه‌های ریز و درخشان و به‌هم‌پیوسته که میان نوارهای تیره دانه‌ها (granules) آرایش یافته است</p>	<p>مقیاس زمان قطبایی polarity time-scale, magnetostratigraphic time-scale, geomagnetic reversal timescale, reversal time-scale</p>
<p>public interest منافع عمومی [← مدیریت] رفاه و منافع همگانی و تقسیم‌ناپذیر جامعه</p>	<p>[ژئوفیزیک] نوعی مقیاس زمانی مبتنی بر وارونگی‌های قطبایی دوره‌ای در میدان مغناطیسی زمین</p>

[نظامی] منطقه‌ای از فضای پرواز که در آن هواگرد سوخت‌رسان مجاز است به هواگرد دیگر، در حال پرواز، سوخت‌رسانی کند

منظور purpose

[مدیریت] نتیجه موردنظر و دست‌یافتنی برای یک فعالیت

منفذ pore

[کیمی] سوراخی بسیار کوچک در پوست یا قشر خارجی جانوران یا گیاهان یا سنگ‌ها

منفذشکاف poricidal

[کیمی] ویژگی بساکی که از طریق سوراخی واقع در انتهای یکی از خانک‌های آن شکفته می‌شود

منقرض extinct, EX

[جنگل] آرایه‌ای که مطابق با فهرست قرمز اتحادیه جهانی حفاظت در مرگ آخرین بازمانده آن هیچ تردیدی وجود ندارد

منقرض در محیط‌وحش

extinct in the wild, EW

[جنگل] آرایه یا گونه‌ای که تنها در اسارت یا تحت حفاظت و خارج از گستره تاریخی خود زنده مانده است

موتور توربینی بیش‌کنارگذر

high-bypass turbofan engine,

high-bypass turbofan

[هوابی] نوعی موتور توربین‌پروانه‌ای که در آن جریان هوای کنارگذر نسبت به هوای درون‌گذر بیش از ۴ است

منبعگان resource pool

[م. پروژه] مجموعه‌ای از منابع دسترس‌پذیر برای پروژه که در بالاترین سطح در ساختار ریز منابع قرار دارند

منحنی اُفت اکسیژن oxygen sag curve

[محیط‌زیست] منحنی قاشق‌شکلی که کمبود اکسیژن محلول را در آب پذیرنده در پایین‌دست محل ورود آلودگی نشان می‌دهد

منطق معرفت epistemic logic

[فلسفه] بررسی منطقی مفاهیم و قضایای معرفتی

منطقه توجه region of interest

[نقشه‌برداری] زیرمجموعه‌ای انتخاب‌شده از نمونه‌های موجود در یک مجموعه داده که با هدف خاصی در نظر گرفته شده باشد

ROI اخت. مت

منطقه خط شاهین loadline zone, freeboard zone

[دریایی] هر یک از مناطق چندگانه جغرافیایی که آب‌های آزاد را با توجه به شرایط فصلی و عرض جغرافیایی تقسیم می‌کند و، مطابق با قانون بین‌المللی خط شاهین مربوط به هر منطقه، بر بدنه کشتی‌ها حک می‌شود تا حد مجاز بارگیری یا به عبارت دیگر حد مجاز ارتفاع آزاد مشخص و رعایت شود

منطقه سوخت‌رسانی هوایی

air-to-air refueling area, AARA,

aerial refueling area,

air refueling area,

in-flight refueling area, IFRA,

tanking area

<p>shockwave stricken [نظامی] فردی که تحت تأثیر موج شدید یا فشار یا حرارت حاصل از انفجار قرار گرفته باشد</p>	<p>موتور توربینی کم‌کنارگذر low-bypass turbofan engine, low-bypass turbofan</p>
<p>موسیقی الکتروآکوستیکی electro-acoustic music</p>	<p>[هوایی] نوعی موتور توربین‌پروانه‌ای که در آن جریان هوای عبوری از هستهٔ موتور تقریباً برابر با جریان هوای عبوری از طریق پروانه است</p>
<p>[موسیقی] نوعی موسیقی که در آن اصوات طبیعی با ابزارهای الکترونیکی تغییر می‌کنند یا بازتولید می‌شوند</p>	<p>موتور توربینی میان‌کنارگذر medium-bypass turbofan engine, medium-bypass engine, moderatic bypass</p>
<p>موسیقی الکترونیکی electronic music [موسیقی] نوعی موسیقی الکتروآکوستیکی که کل یا بخشی از اصوات آن به وسیلهٔ نوسانگرهای الکترونیکی و ابزارهای تغییردهنده ایجاد می‌شود</p>	<p>[هوایی] نوعی موتور توربین‌پروانه‌ای که در آن نسبت هوای کنارگذر به هوای درون‌گذر بین ۲ و ۳ است</p>
<p>موسیقی الکترونیکی زنده live electronic music</p>	<p>موتور فعال live engine [هوایی] موتور هواگردی که با وجود یک یا چند خرابی واقعی یا شبیه‌سازی‌شده در حال کار است</p>
<p>[موسیقی] نوعی موسیقی که در آن ابزارهای مورد استفاده در موسیقی الکتروآکوستیکی در اجرای زنده به کار گرفته می‌شوند</p>	<p>موتور کنارگذری bypass engine [هوایی] نوعی موتور جت هواژمشی (air-breathing) که هوای ورودی به آن می‌تواند از دو مسیر مجزا عبور کند</p>
<p>موسیقی رایانه‌ای computer music [موسیقی] نوعی موسیقی که با رایانه تولید یا ترکیب‌بندی می‌شود</p>	<p>موتور لُخت bare engine [هوایی] موتور هواگرد بدون افزاره‌های کمکی و متعلقات مربوط به سوخت‌رسانی و روغن و نظایر آنها</p>
<p>موسیقی متن‌آوا text-sound [موسیقی] نوعی موسیقی که در آن کلام گفتاری، که با کلام آوازی یا آواز بی‌کلام تفاوت دارد، موضوع اصلی موسیقی است متن‌آوا</p>	<p>موجه justified [فلسفه] آنچه به لحاظ توجیه قابل قبول و مورد تأیید باشد</p>

[ژن‌شناسی] ژن‌نمود یا رخ‌نمود معیار با فراوانی
بالا در طبیعت

postural control **مهار حالت‌بدنی**

[روان‌شناسی] توانایی کنترل وضعیت بدن که
نخستین علامت اصلی آن حدود سه‌هفتگی بروز
می‌کند

derrick guy, boom guy **مهار دیرک**

[دریایی] طناب قرقره‌ای که از آن برای جابه‌جایی
عرضی بازوی دیرک و ثابت نگه داشتن آن
استفاده می‌کنند

backstays **مهار طولی**

[دریایی] طناب یا بافه فلزی محکمی که از آن برای
تثبیت طولی دکل‌ها استفاده می‌شود

shroud **مهار عرضی**

[دریایی] طناب یا بافه فلزی محکمی که از آن برای
تثبیت عرضی دکل‌ها استفاده می‌شود

did not check out, DNCO **مهمان بی‌خبررفته**

[گردشگری] مهمانی که با هتل تسویه‌حساب کرده،
اما بدون اطلاع به پیشخان مهمانخانه را ترک
کرده است
مت. بی‌خبررفته

sleep-out **مهمان بیرون‌خواب**

[گردشگری] مهمانی که اتاقی را در مهمانخانه
گرفته، اما در آن نخوابیده است
مت. بیرون‌خواب

موقعیت‌یابی بیرونی

outdoor positioning

[نقشه‌برداری] تعیین مکان اشیا یا افراد در محیط
بیرون

موقعیت‌یابی پایانه‌محور

← موقعیت‌یابی کاربرمحور

موقعیت‌یابی درونی

indoor positioning

[نقشه‌برداری] تعیین موقعیت اشیا یا افراد در داخل
ساختمان

موقعیت‌یابی شبکه‌محور

network-centric positioning

[نقشه‌برداری] تعیین مکان با محور قرار دادن شبکه

موقعیت‌یابی کاربرمحور

user-centric positioning

[نقشه‌برداری] تعیین مکان با محور قرار دادن پایانه
کاربر

مت. موقعیت‌یابی پایانه‌محور

mobile terminal-centric,
terminal-centric positioning

type, type specimen **مونه**

[گیاهی] نمونه‌ای که نقش مرجع برای نام علمی
دارد و نام گیاه بر مبنای آن اختیار شده است
مت. مونه نامگانی

مونه نامگانی ← مونه

wild type **مونه وحشی**

[موسیقی] در سازوکار پیانو، افزاره‌ای با پوشش نمدی که مانع امتداد یافتن صدای سیم یا ارتعاش آن می‌شود

میل رابط ترمز push rod

[ریلی] میله‌ای که نیرو را از میل سوپاپ سیلندر ترمز به اهرم‌بندی ترمز انتقال می‌دهد

میل ماهک selector rod, shift rail, selector rail

[خودرو] میله‌ای در جعبه‌دنده‌های دستی که حرکت را از میله‌بندی تعویض دنده به ماهک انتقال می‌دهد

میله انتظار holding rail

[درون‌شهری] میله‌ای که دوچرخه‌سواران در زمان توقف با دست آن را می‌گیرند تا، بدون برداشتن پا از روی رکاب، آمادگی حرکت خود را برای عبور از تقاطع حفظ کنند
م. - میله انتظار دوچرخه‌سوار

cyclists holding rail

میله انتظار دوچرخه‌سوار

← میله انتظار

میله‌بندی تعویض دنده

gearchange linkage, shifter linkage, shifter mechanism, gearchange mechanism

[خودرو] سامانه‌ای متشکل از میله‌ها و اتصالات که حرکت را از دسته‌دنده به جعبه‌دنده انتقال می‌دهد

مهمان بیش‌مان overstay

[گردشگری] مهمانی که پس از تاریخ خروج مهمانخانه را ترک نمی‌کند
م. - بیش‌مان

مهمان کم‌مان understay

[گردشگری] مهمانی که پیش از تاریخ خروج مهمانخانه را ترک می‌کند
م. - کم‌مان

مهمان‌گریخته ← اتاق مهمان‌گریخته

میانک episode

[موسیقی] گذری فرعی که میان گذرهای درون‌مایه اصلی قرار می‌گیرد

میانه شناور amidships

[دریایی، نظامی] در وسط شناور یا به سمت وسط

میدان بوگه کامل

complete Bouguer field

[ژئوفیزیک] میدان گرانی به‌دست‌آمده پس از اعمال برگردان بوگه و تصحیح زمینگان در داده‌های گرانی مشاهده‌شده

میدان نیروی پایستار

conservative force field

[فیزیک] میدان نیرویی که در آن کاری که بر روی ذره در حرکت از یک نقطه به نقطه دیگر انجام می‌شود، فقط به مکان‌های اولیه و نهایی ذره وابسته است

میرانه damper, sordino

guide post

میله لبه‌نما

[درون‌شهری] میله‌ای برای مشخص کردن لبه

سواره‌رو

ن

[دانشناسی] ناحیه‌ای فراحساس به نوکلئاز، بیرون از ناحیه ژن ساختاری، که وجود آن برای بیان یک مکانه ژنی خاص لازم است
LCR
ناحیه . ناتم

coherence area **ناحیه هم‌دوسی**
[فیزیک] بزرگ‌ترین سطح مقطع باریکه‌ای که در آن نور گذرنده از دو روزه فریزه‌های (fringes) تداخل تولید می‌کند

depuration **ناخالصی‌زدایی**
[فناوری غذا] زدودن ناخالصی به کمک سامانه‌های واپایشی تصفیه آب

hatch foreman **ناظر انبار**
[دریایی] فردی که مسئولیت عملیات بارورزی در هر انبار را بر عهده دارد

caruncle **ناف‌گوشته**
[گیاهی] برون‌زدگی یا زائده‌ای در پیرامون یا در نزدیکی ناف دانه

aberrant **نابه‌روال**
[زبان‌شناسی] ویژگی آنچه در حوزه زبان از الگوی متداول پیروی نمی‌کند

aberrancy **نابه‌روالی**
[زبان‌شناسی] نابه‌روال بودن

shared aberrancy **نابه‌روالی مشترک**
[زبان‌شناسی] بی‌قاعدگی یا نابهنجاری ساخت‌واژی یا دستوری مشترک میان زبان‌های مرتبط یا بالقوه مرتبط

shared anomaly **مشترک**

ناتم ← ناحیه تنظیم مکانه

image area **ناحیه تصویر**
[ژئوفیزیک] ناحیه‌ای از برداشت که پس از کوچ دارای پوشش تقریباً کاملی است

locus control region **ناحیه تنظیم مکانه**

فناوری غذا] نانی که در بافت آن حداکثر پنجاه درصد وزن آرد میوه‌های خشک مانند کشمش دارد

ناکوک out of tune
[موسیقی] ویژگی اجرایی که در آن زیربمی نت‌ها نادرست است

ناوردایی بار charge invariance
[فیزیک] اصلی که به موجب آن برهم‌کنش نوکلئون‌ها با چرخش در فضای ایزوسپین (isospin) تغییر نمی‌کند

نام‌شناختی onomastic
[زبان‌شناسی] مربوط به نام‌شناسی

نام‌شناس onomastician, onomatologist

ناوگون synform
[زمین‌شناسی] چینی که در بالاسو کاو و در پایین سو کوژ باشد، در صورتی که لایه‌های چین‌خورده ترتیب چینه‌شناختی نداشته باشند یا هسته چین دارای سنگ‌های، به لحاظ چینه‌شناختی، جوان‌تر هم باشد

[زبان‌شناسی] کسی که تخصص او نام‌شناسی است

نام‌شناسی onomastics, onomatology
[زبان‌شناسی] شاخه‌ای از معنی‌شناسی که به ریشه‌شناسی نام‌های خاص می‌پردازد

ناو واپایش هوایی air-control ship
[نظامی] در پدافند هوایی، ناوی که وظیفه واپایش و دفاع هوایی ناو اصلی یا ناو مادر کاروان یا کل کاروان را بر عهده دارد

نام‌گذاری determination
[گیاهی] شناسایی و رده‌بندی و تعیین نام نمونه‌های گیاهی یا جانوری

ناهم‌محور noncoaxial
[زمین‌شناسی] ویژگی دگرشکلی پیش‌رونده‌ای که در آن جهت‌های اصلی کرنش کل و کرنش افزایشی در همه زمان‌ها با هم موازی نیستند

نام‌واژگی eponymy
[زبان‌شناسی] رابطه بین نام شخص و نام‌واژه

نبرد انهدامی battle of annihilation
[نظامی] نبردی که در آن راهبرد ارتش حمله‌کننده نابودی توان نیروی نظامی متخاصم براساس برنامه‌ریزی مشخصی است

نام‌واژه eponym
[زبان‌شناسی] نامی که بر پایه نام شخص یا شخصیت اسطوره‌ای بر روی یک مکان یا شیء یا اختراع گذاشته می‌شود

نام‌واژه‌ای eponymous
[زبان‌شناسی] مربوط به نام‌واژه

نُت ← نقطه توجه

نان میوه‌ای fruit bread

current mark

نشان جریان

[زمین‌شناسی] هر ساختاری که بر اثر جریان آب مستقیم یا غیرمستقیم در سطح رسوب ایجاد شود

chevron mark,

نشان جناغی

herringbone mark

[زمین‌شناسی] نوعی اثر شیء که به صورت ردیفی از فرورفتگی‌های جناغی شکل ظاهر می‌شود، به نحوی که نوک این جناغ‌ها معمولاً سمت پایین دست جریان را نشان می‌دهد

نشان فرست بادبزنی

fan-marker beacon, fan marker

[هوابی] نوعی نشان فرست رادیویی ثابت که پرتوهایش به صورت عمودی و به شکل بادبزنی ارسال می‌شود

نشان فرست بیرونی

outer marker beacon,

outer marker

[هوابی] نوعی نشان فرست سامانه فرود با دستگاه که در حدود ۸/۳ کیلومتری آستانه باند، هم‌راستا با محور مرکزی باند، نصب می‌شود

نشان فرست تقرب

marker beacon

[هوابی] نوعی نشان فرست که، برای تقرب، پرتوهای عمودی ارسال می‌کند و علائم شنیداری و دیداری آن در اتاقک خلبان دریافت می‌شود

bit rate

نرخ بیت

[فاز] شمار بیت‌های انتقالی از طریق خط ارتباط در واحد زمان

false discovery rate, غلط
FDR

[آمار] در آزمون‌های فرض چندگانه، امید نسبت رد به غلط فرض‌های صفر درست

freeboard ratio **نسبت ارتفاع آزاد**

[دریایی] حاصل تقسیم اندازه ارتفاع آزاد در پایین‌ترین محل خط لبه، بر آب‌خور کشتی در میانه آن که از بالای مازه (keel) اندازه‌گیری می‌شود

recycle ratio,
recycle rate**نسبت برگشتی**

[محیط‌زیست] نسبت جریان برگشتی به جریان ورودی

fineness ratio,

نسبت ظرافت

thickness/chord ratio, t/c ratio

[هوابی] نسبت طول وتر بال یا ماهیوار به قطر ضخیم‌ترین قطع آن که بر حسب درصد بیان می‌شود

operating ratio

نسبت عملکرد

[ریلی] نسبت هزینه‌های عملکرد راه آهن به درآمدهای عملکرد آن که معمولاً به درصد بیان می‌شود

نشان برخورد ← اثر برخورد

نشانگان فرسودگی جنسی
sexual burnout syndrome

[سلامت] نشانگانی که در آن کارکرد یا رغبت جنسی، متعاقب یک دورهٔ فعالیت و مطالبهٔ جنسی افراطی و مداوم از بین برود

نشان‌گذاری مکانی
geotagging

[نقشه‌برداری] فرایند افزودن نشان مکانی به عکس یا دیگر رسانه‌های رقمی

نشانگر ← نشانگر مکانی

نشانگر مکانی
landmark

[نقشه‌برداری] موقعیت یک شیء برجسته و بارز یا شناخته‌شده در چشم‌اندازی مشخص
م. نشانگر

نشان مزاحم نشوید
do not disturb, DND

[کردشگری] کارتی که مهمان بر روی در اتاقش می‌گذارد تا کارکنان مهمانخانه وارد اتاق نشوند

نشان مکانی
geotag

[نقشه‌برداری] داده‌های جانهاده‌شده در یک رسانهٔ رقمی برای تعیین اطلاعات مکانی، معمولاً طول و عرض جغرافیایی، مربوط به شیء موردنظر

نشان هلالی
chattermark,
crescentic mark

[زمین‌شناسی] هرگونه نشان یا حفره یا خراش بر سطح سنگ که بر اثر لغزش اصطکاکی یا تورانش (indentation) شکل گرفته باشد

نشان‌فرست درونی
inner marker beacon, inner marker

[هوابی] نوعی نشان‌فرست سامانهٔ فرود با دستگاه که در نزدیکی آستانهٔ باند نصب می‌شود

نشان‌فرست میانی
middle marker beacon,
middle marker

[هوابی] نوعی نشان‌فرست سامانهٔ فرود با دستگاه که در حدود یک‌کیلومتری آستانهٔ باند، هم‌راستا با محور مرکزی باند، نصب می‌شود

نشانگان بی‌حساسیتی به نرزا
← نشانگان زنانه‌شدگی بیضه‌ای

نشانگان پیش‌قاعدگی
premenstrual syndrome,
premenstrual stress syndrome,
premenstrual tension

[سلامت] مجموعه‌ای از نشانه‌های روانی و جسمانی زنان در طی هفتهٔ پیش از قاعدگی که، برخلاف اختلال ملال پیش‌قاعدگی که شدیدتر است، الگوی چندان متمایزی ندارد و اختلال عمده‌ای در عملکرد اجتماعی و شغلی ایجاد نمی‌کند

نشانگان زنانه‌شدگی بیضه‌ای
testicular feminization syndrome,
feminizing test syndrome

[سلامت] نوعی اختلال ارثی وابسته به فام‌تن X که، بر اثر تغییر میزان حساسیت به هورمون‌های نرزا (androgen)، رشد اندام‌های جنسی و تناسلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد
م. نشانگان بی‌حساسیتی به نرزا

androgen-insensitivity syndrome, AIS

نصف‌النهار مرکزی

central meridian, CM

[ذو، نجوم] نصف‌النهاری که با عبور از مرکز قرص سیاره یا ستاره آن را به دو نیم تقسیم می‌کند

نصف‌النهار معیار

standard meridian
[← نجوم] نصف‌النهاری که برای تعیین زمان رسمی به کار می‌رود

نظریه آشکارسازی

← نظریه آشکارسازی نشانک‌ها

نظریه آشکارسازی نشانک‌ها

signal detection theory, SDT

[آمار] نظریه‌ای ناظر بر چگونگی تشخیص اطلاعات از الگوهای تصادفی نشانک‌ها/سیگنال‌ها

مت. نظریه آشکارسازی detection theory

نظریه استنباط توزیعی

distributional inference theory

[آمار] نظریه‌ای درباره استنباط‌های آماری در قالب یک توزیع احتمال

نظریه توازن

balance theory
[روان‌شناسی] نظریه‌ای مبتنی بر اینکه افراد عناصری را در نظام شناختی ترجیح می‌دهند که به لحاظ سرشتی با یکدیگر سازگار و با سلاقی و اولویت‌های فکری فرد نیز نزدیکی داشته باشند

نشست آغاز کار

kick-off meeting
[م. پروژه] نخستین جلسه همه دست‌اندرکاران پروژه برای روشن‌سازی اهداف و مسئولیت‌ها و گستره کار و برنامه‌ایمی

نشست بادسوdownwind landing
[مروایی] نشست هواگرد در جهت ورزش باد**نشست‌سنج سنگین**

heavy weight deflectometer, HWD

[درون‌شهری] نوعی نشست‌سنج وزنه‌ای که قابلیت وارد آوردن وزن تا ۲۵۰ کیلونیوتن را دارد

نشست‌سنج وزنه‌ای

falling weight deflectometer, FWD

[درون‌شهری] دستگاهی که بر روی وسیله نقلیه نصب می‌شود یا وسیله نقلیه آن را یدک می‌کشد و بار حداکثر ۱۵۰ کیلونیوتنی را از طریق صفحه‌ای به قطر ۳۰ سانتی‌متر و از ارتفاع صفر تا یک‌ونیم‌متری بر روی سطح رها می‌کند تا میزان جابه‌جایی سطح راه اندازه‌گیری شود

نصف‌النهار مبدأ

principal meridian
[← نجوم] نصف‌النهاری که از آن در تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی به‌عنوان مرجع استفاده می‌شود

نصف‌النهار مبنا

prime meridian
[ذو، نجوم] نصف‌النهاری ثابت بر روی سیاره یا ستاره که می‌توان از آن برای سنجش مختصه طولی استفاده کرد

(persuasive communications) در تغییر نگرش
تأکید دارد

absolute pitch² **نغمهٔ مطلق**
[موسیقی] نغمه‌ای که هم با نام و هم با بسامد
دقیق مشخص شده باشد

drone², bourdon² **نغمهٔ واخوان**
[موسیقی] نغمهٔ ممتدی که در بعضی از قطعات
موسیقی به‌عنوان زمینه نواخته می‌شود
مت. واخوان^۲

man-day, MD **نفر-روز**
[م. پروژه] کارکرد یک فرد از نیروی انسانی در
طی یک روز

man-hour, MH **نفر-ساعت**
[م. پروژه] کارکرد یک فرد از نیروی انسانی در
طی یک ساعت

man-year, MY **نفر-سال**
[م. پروژه] کارکرد یک فرد از نیروی انسانی در
طی یک سال

man-month, MM **نفر-ماه**
[م. پروژه] کارکرد یک فرد از نیروی انسانی در
طی یک ماه

نقاط بحرانی واپایش

critical control points, CCP
[فناوری غذا] نقاط یا مراحل یا روال‌هایی که در
آنها می‌توان کیفیت را واپایش کرد و خطراتی را
که سلامت غذا را تهدید می‌کنند از بین برد یا تا
سطح قابل قبولی کاهش داد

dynamo theory **نظریهٔ دینام**
[ژئوفزیک] فرضیه‌ای که تغییرات روزانهٔ منظم در
میدان مغناطیسی زمین را برحسب جریان‌های
الکتریکی در بخش پایینی یون‌سپهر توضیح
می‌دهد

triangular theory of love **نظریهٔ سه‌وجهی عشق**
[روان‌شناسی] نظریه‌ای که در آن انواع گوناگون
عشق دارای نسبتی از سه مؤلفهٔ اصلی شور و
صمیمیت و تعهد است

Cattell's factorial theory of personality **نظریهٔ عاملی شخصیت کتِل**
[روان‌شناسی] رویکردی برای توصیف شخصیت
بر پایهٔ شناسایی ویژگی‌ها و اندازه‌گیری آنها با
استفاده از تحلیل عوامل

نظریهٔ معرفت ← معرفت‌شناسی

social comparison theory **نظریهٔ مقایسهٔ اجتماعی**
[روان‌شناسی] نظریه‌ای که بر مبنای آن افراد
توانایی‌ها و نگرش‌های خود را نسبت به دیگران
می‌سنجند

cognitive consistency theories **نظریه‌های همخوانی شناختی**
[روان‌شناسی] نظریه‌هایی که تغییر نگرش را حاصل
گرایش به حفظ ثبات در میان عناصر یک نظام
شناختی فرض می‌کنند

congruity theory **نظریهٔ همسازی**
[روان‌شناسی] نظریه‌ای شناختی که بر نقش اقناع

[نقشه‌برداری] یکپارچه‌سازی نقشه‌های اینترنتی با محتوای کاربرزاد (user-generated content)

sketch map نقشه سردستی

[باستان‌شناسی] نقشه‌ای تقریبی با جزئیات اندک و بدون مقیاس که بدون استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری دقیق و با دست ترسیم می‌شود

sketch plan نقشه کارگاهی سردستی

[باستان‌شناسی] نقشه‌ای کارگاهی با جزئیات اندک و بدون مقیاس که بدون استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری دقیق و با دست ترسیم می‌شود

نقشه کارگاهی محوطه

← نقشه باستان‌شناختی

نقشه محدوده کاهش

low emission zone map

[درون‌شهری] نقشه‌ای که مرزهای جغرافیایی محدوده کاهش را نشان می‌دهد

site map نقشه محوطه

[باستان‌شناسی] نقشه‌ای حاوی جزئیات یک محوطه، معمولاً بر پایه ثبت و ضبط تمامی پدیده‌های سطحی قابل مشاهده

en route chart, نقشه مسیر radio facility chart

[مراپی] نقشه‌ای حاوی همه اطلاعات پرواز شامل ارتفاع و سمت و طول و عرض مسیرهای جغرافیایی و سامانه‌های کمک‌ناوبری

sexual imprinting نقش‌بست جنسی

[سلامت] شکل‌گیری نوعی رجحان در انتخاب شریک جنسی، در یک دوره حساس یا بحرانی

نقش جنسیتی ژن‌امردی

androgynous gender role,

androgynous sex role

[سلامت] نوعی نقش جنسیتی که با هیچ‌یک از نقش‌های جنسیتی مرد یا زن سازگار نیست و ترکیبی از عناصر ترجیحی در هر دو جنس است

نقش شرکت‌کننده participant role

[زبان‌شناسی] در کاربردشناسی، هر یک از نقش‌هایی که به شرکت‌کنندگان نسبت داده می‌شود

نقشه بادبان‌بندی rigging plan,

sail plan, sail draught

[دریایی] نقشه‌ای که مساحت و چگونگی چینش همه بادبان‌ها و نیز نحوه به هم بستن آنها را نشان می‌دهد

نقشه باستان‌شناختی

archaeological plan

[باستان‌شناسی] نقشه‌ای که برای ثبت بقایای معماری، پدیدارها و جایمان افقی دست‌ساخته‌ها با توجه به نقشه محوطه ترسیم می‌شود و می‌توان در آن جزئیات خاصی را در داخل محوطه نشان داد

site plan نقشه کارگاهی محوطه

نقشه‌سازی همکارانه

collaborative mapping

[م. پروژه] نقصی که بحرانی نیست، اما ممکن است به بروز کاستی در کارایی موردنظر منجر شود

نقص بحرانی critical defect

[م. پروژه] نقصی که بنا بر تجربه و نظر کارشناسی احتمال دارد وضعیت خطرناک و غیرایمن به بار آورد

نقطه توافقی agreed point

[نظامی] نقطه‌ای پیش‌گزیده بر روی زمین که از ارتفاع بالا قابل تشخیص است و هواگرد را برای تنظیم آتش بر روی هدف یاری می‌کند

نقص جزئی minor defect

[م. پروژه] نقصی که احتمال دارد باعث بروز کاستی در کارایی موردنظر شود

نقطه توجه point of interest

[نقشه‌برداری] چیزی در یک مکان که از جنبه‌ای خاص مورد توجه شخصی قرار گرفته باشد

نقص‌دار بحرانی critical defective

[م. پروژه] ویژگی بخشی از کار که دارای یک یا چند نقص بحرانی و گاه چندین نقص مهم و جزئی است

POI / اخت. نُت

نقص‌دار جزئی minor defective

[م. پروژه] ویژگی بخشی از کار که یک یا چند نقص جزئی دارد

نقطه توزیع distribution point

[نظامی] نقطه‌ای که در آن یک لشکر یا واحدی دیگر تدارکات و مهمات را از نقاط پشتیبانی تدارک دریافت می‌کند و در میان واحدهای کوچکتر تقسیم می‌کند

نقص‌دار عمده major defective

[م. پروژه] ویژگی بخشی از کار که عیب بحرانی ندارد، اما یک یا چندین نقص اساسی و گاه چندین نقص جزئی دارد

نقطه داغ hot spot²

[زمین، ژئو] مرکز آتشفشانی به عرض ۱۰۰ تا ۲۰۰ کیلومتر و عمر دست‌کم چندده میلیون سال که پیوندی با کمان‌های آتشفشانی ندارد و ممکن است با پشته‌های اقیانوسی همراه باشد یا نباشد

نقص دیرپزی hard-to-cook defect

[غذایی] حالتی برگشت‌ناپذیر که در هنگام ذخیره‌سازی و نگهداری حبوبات و برخی سبزی‌ها، مانند هویج، در درجه حرارت و رطوبت بالا عارض می‌شود و باعث می‌شود که در هنگام پخت آنها، به موازات جذب آب در زمان معمول، نرمی موردنظر حاصل نشود

نقطه سرشانه hinge point

[درون‌شهری] نقطه‌ای در مقطع عرضی راه که محل تلاقی امتداد خط شیب شیروانی (batter line) با امتداد شانه راه (verge line) است

نقص عمده major defect

نمایه کدبندی مکانی geocoding index

[نقشه‌برداری] نمایه‌ای در داده‌های مرجع که برای همتایابی اطلاعات در داده‌های مرجع با مکان‌یابِ نشانی (address locator) به کار می‌رود

نقطه‌سوزی scorching

[قهره] سوختن نقطای از سطح دانه قهوه که بر اثر حرارت زیاد در مراحل آغازین برشته‌کاری رخ می‌دهد

نگاره‌برداری میدان مغناطیسی**magnetic field logging, MFL**

[ژئوفیزیک] اندازه‌گیری مستقیم میدان مغناطیسی زمین در چاه‌های گمانه

نمک‌زدایی desalting

[فناوری غذا] فرایند زدودن نمک از ماده

نمودار برشته‌کاری roast profile

[قهره] باز نمود ترسیمی تغییر دمای دانه قهوه در هنگام برشته‌کاری

نگهدار مهار عرضی shroud stopper

[دریایی] قطعه‌طنبایی کوچک برای محکم کردن بالا و پایین قطعه‌ای از مهار عرضی که رشته‌رشته شده است

نمودار کل-کل Cole-Cole plot

[ژئوفیزیک] نموداری که در آن پاسخ ناهم‌فاز به صورت تابعی از پاسخ هم‌فاز در بسامدهای متوالی ترسیم می‌شود

نگهداری کامل خط**out-of-face maintenance**

[ردی] نوعی عملیات نگهداری که تمام خط را شامل می‌شود

نمودار ناوی battleship curve, battleship-shaped curve

[باستان‌شناسی] نموداری عدسی‌شکل که در آن تغییرات در بسامد گونه‌های مختلف دست‌ساخته‌ها در مراحل مختلف کاربرد اعم از پیدایش و گسترش و کاهش کاربرد و منسوخ شدن آنها نشان داده می‌شود

نماربایی وبگاه website defacement

[فارا] نوعی خراب‌کاری اینترنتی که در آن رخنه‌گر با درج یا تغییر کدهایی وبگاه اشخاص دیگر را دستکاری و بازدیدکنندگان را گمراه می‌کند

نمود بی‌هنجاری مغناطیسی**magnetic anomaly shape**

[ژئوفیزیک] عارضه‌ای از نمودار میدان مغناطیسی ناشی از عواملی مانند هندسه چشمه و عمق چشمه و تباین پذیرفتاری

نمایه پایگاه‌داده database index

[فارا] نوعی ساختار داده‌ای که در ستون‌های یک جدول پایگاه‌داده‌ای مشخص می‌شود و سرعت بازیابی داده را تا حد زیادی افزایش می‌دهد

[آمار] نوعی نمونه‌گیری که در آن مقادیرهای متغیر موردنظر جامعه مورد مطالعه ثابت در نظر گرفته می‌شوند

نمونه‌گیری فاصله‌ای

distance sampling

[آمار] روشی برای تعیین شمار اعضای جامعه در ناحیه‌ای مشخص که کاربرد آن در حوزه‌های گیاهی و جانوری است

نمونه‌گیری مدل‌مبنا

model-based sampling

[آمار] نوعی نمونه‌گیری که در آن مقادیرهای متغیر موردنظر جامعه مورد مطالعه تصادفی در نظر گرفته می‌شوند

نمونه‌گیری مدل‌یار

model-assisted sampling

[آمار] نوعی نمونه‌گیری طرح‌مبنا که در آن برای بهبود کارایی برآوردها از یک مدل کمکی استفاده می‌شود

repack **نوبسته‌بندی**

[سپار] قراردعی یا مرتب‌سازی قطعات در یک گنجایه جدید یا به شیوه‌ای متفاوت، مانند نوبسته‌بندی چای وارداتی

نورشناسی تابش همدوس

coherent optics

[فیزیک] شاخه‌ای از نورشناسی که پدیده‌های مربوط به تابش همدوس در آن بررسی می‌شود

مت. نورشناسی همدوس

نمود کاذب چراغ راهنمایی

phantom signal aspect

[ریلی] نمودی از چراغ راهنمایی ناشی از انعکاس نور از منبع خارجی، متفاوت با نمود موردنظر

specimen **نمونه**

[گیامی] فرد یا ماده (item) یا جزئی که معرف یک رده یا سرده یا همه آنها است

voucher specimen **نمونه شاهد**

[گیامی] نمونه‌ای گیاکده‌ای که یا نمونه مرجع برای یک آرایه نام‌گذاری است یا بخشی از یک طرح پژوهشی

herbarium specimen **نمونه گیاکده‌ای**

[گیامی] نمونه‌ای از یک گیاه خشک و فشرده با برچسبی شناسه‌دار که بر روی مقوا چسبانده شده است

نمونه‌گیری پاسخگورهنما

respondent-driven sampling, RDS

[آمار] نوعی روش نمونه‌گیری که در آن نمونه‌گیری گلوله‌برفی (snowball sample) را با یک مدل ریاضی که به نمونه‌ها برای جبران عدم تصادفی بودن آنها وزن می‌دهد، ترکیب می‌کند

نمونه‌گیری تخریبی

destructive sampling

[آمار] نوعی نمونه‌گیری که در آن واحد نمونه‌گیری در حین اندازه‌گیری تخریب می‌شود

نمونه‌گیری طرح‌مبنا

design-based sampling

کاهش دهند که در آن لخته وجود نداشته باشد

نورشناسی همدوس

← نورشناسی تابش همدوس

نوع جمله sentence type

[زبان‌شناسی] در دستور زبان، برجستگی که براساس آن هویت جمله‌ها به اقسامی مانند خبری و امری و پرسشی تقسیم می‌شود

نوربختی neomorphism

[زمین‌شناسی] تغییر شکل کانی به نحوی که در آن ترکیب حفظ می‌شود، ولی اندازه بلورها کاهش یا افزایش می‌یابد

نوفه محیطی ambient noise

[محیط‌زیست] نوفه زمینه‌ای موجود در یک محیط

نوربختی افزایشی

aggrading neomorphism

[زمین‌شناسی] نوعی نوربختی که در آن اندازه بلورها افزایش می‌یابد

نومونه neotype

[کیمیا] نمونه انتخاب‌شده از یک مجموعه غیراصلی به‌عنوان مونه، مادام که نمونه اصلی، که نام علمی بر مبنای آن اختیار شده است، وجود نداشته باشد

نوربختی کاهش‌ی

degrading neomorphism

[زمین‌شناسی] نوعی نوربختی که در آن اندازه بلورها کاهش می‌یابد

نواژه neologism

[زبان‌شناسی] واژه جدیدی که از هر طریق وارد زبان شود

نوربختی یکپارچه

coalescive neomorphism

[زمین‌شناسی] نوربختی افزایشی‌ای که در آن افزایش تدریجی اندازه بلورهای کوچک آنها را به یک بلور یکنواخت بدل می‌کند

نهشته نیمه‌دریامیانی

hemipelagic deposit,
hemipelagic sediment

[زمین‌شناسی] رسوب دریایی عمیقی که بیش از ۲۵ درصد آن را ذرات خشکی‌زاد یا آتشفشان‌زاد یا با منشأ پایایی درشت‌تر از ۵ میکرون تشکیل می‌دهند

نوسانگر گرایستی

bias oscillator

[فیزیک] نوسانگری در ضبط مغناطیسی برای تولید جریانی متناوب با بسامدی که ضبط‌های پیشین را پاک می‌کند و دستگاه را برای ضبط جدید آماده می‌سازد

نیتروژن گیاه‌رس

plant available nitrogen

[محیط‌زیست] مقدار نیتروژنی که گیاه برای رشد، از لجنی که بر روی زمین پخش شده است، می‌تواند جذب کند

نوش ماست drinking yoghurt

[فناوری غذا] ماستی که گرانشی آن را به حدی

partial service application **نیم‌ترمز**

[ریلی] کاهش فشار لوله ترمز، اما نه به اندازه‌ای که فشار بین منبع هوا و سیلندر ترمز یکسان شود

manpower

نیروی انسانی

[م. پروژه] مجموع افراد مناسب یا موجود برای انجام کاری معین

thwart

نیمکت قایق

[دریایی] هر یک از تخته‌های عرضی در سازه قایق که می‌توان بر روی آنها نشست

lead

نیم‌بند

[کیمیایی] یکی از دو گزاره متضاد در یک کلید دوشاخه‌ای

و

[فلسفه] نوعی وابستگی که در آن وجود یک موجود، به لحاظ منطقی یا مابعدالطبیعی، وابسته به وجود موجودی دیگر است؛ مثلاً برای اینکه سایه‌ای بر سطحی بیفتد باید سطحی وجود داشته باشد

radar control واپایش راداری

[نظامی] واپایش هواپیما یا موشک هدایت‌شونده یا آتشبار توپ و مانند آنها با استفاده از رادار

close control واپایش کامل

[نظامی] واپایش هواپیمای خودی توسط افسر واپایش شکاری با استفاده از رادار و دستگاه ارتباط رادیویی در وضعیت راهکنشی هوایی

واپایشگر جعبه‌دنده خودکار

transmission control unit,
transmission control system

[خودرو] وسیله‌ای الکترونیکی که براساس تغییرات دور و گشتاور و بار وارد بر موتور و سرعت خودرو و نیز فرمان‌های دریافتی از راننده وضعیت جعبه‌دنده را مشخص می‌کند

dependence وابستگی

[فلسفه] نوعی رابطه میان امور واقع (facts) که بر اتکای معرفتی یا مفهومی یا هستی‌شناختی یک جزء بر جزء دیگر دلالت می‌کند

epistemic dependence وابستگی معرفتی

[فلسفه] نوعی وابستگی که در آن شناخت امری بدون شناخت امری دیگر میسر نیست؛ مثلاً علم به روشن بودن اجاق گاز مستلزم داشتن برخی تجربه‌های حسی است، از جمله حس کردن گرما یا دیدن شعله آتش

conceptual dependence وابستگی مفهومی

[فلسفه] نوعی وابستگی که در آن مفهوم امری بدون شناختن مفهوم امری دیگر میسر نیست؛ مثلاً مفهوم «عزب» تنها از طریق شناخت مفهوم «مرد» امکان‌پذیر است

ontological dependence وابستگی وجودی

[ژئوفیزیک] توده‌ای از سنگ دارای قطبایی مغناطیسی اولیه که در هنگام رسوب یا تبلور سنگ در خلال یک بازه زمانی مشخص زمین‌شناختی نمایان می‌شود

واحد گاه‌شناختی قطبایی

polarity-chronologic unit

[ژئوفیزیک] بازه زمانی مشخص در ثبت مغناطیسی که با واحدهای گاه‌چینه‌نگاشتی قطبایی بیان می‌شود

واحد مغناطیسی

magnetopolarity unit,
polarity rock-stratigraphic unit,
magnetostratigraphic polarity unit

[ژئوفیزیک] یک توده سنگی با قطبایی مانده مغناطیسی یکنواخت که از سنگ‌های مجاور با قطبایی متفاوت متمایز است

map unit

واحد نقشه

[ژئشناسی] سنجه‌ای برای بیان فاصله بین دو ژن پیوسته که بر پایه فراوانی زاده‌های نوترکیب برحسب درصد بیان می‌شود

drone¹, bourdon¹

واخوان^۱

[موسیقی] هر ساز زهی یا بادی یا بخشی از آنها، اعم از سیم و لوله، که با آن یک یا چند نغمه ثابت را در تمام یا بخشی از قطعه می‌نوازند

واخوان^۲ ← نغمه واخوان

وارس ← واریسی‌کننده

واپایشگر شبکه‌سازی نرم‌افزاری

software-defined networking
controller

[فارا] سامانه عاملی برای سرتاسر شبکه که کارهایی مانند کشف هم‌بندی و مسیردهی و مهندسی گذرکرد (traffic engineering) و بازیابی را انجام می‌دهد

SDN controller

ا.خ.ت. واشینا

واپایشگر فشار اتاقک

cabin pressure controller, CPC

[مروایی] دستگاهی الکترونیکی در هواگردهای تحت‌فشار که علائم لازم برای باز و بسته شدن شیرهای خروجی هوا از اتاقک هواگرد را ارسال می‌کند و فشار اتاقک را در محدوده مجاز نگه می‌دارد

م.ت. تنظیم‌گر فشار اتاقک

cabin pressure regulator

واپد ← وضعیت آمادگی پدافندی

واج‌شناسی طبیعی

natural phonology

[زبان‌شناسی] رویکردی در واج‌شناسی که بر فرایندهای طبیعی واجی تأکید دارد

matrix sorting

واجویی

[باستان‌شناسی] سواسازی دستی دست‌ساخته‌ها و بوم‌ساخته‌های بسیار کوچک از واحدهای نمونه‌برداری خاک

واحد گاه‌چینه‌نگاشتی قطبایی

polarity-chronostratigraphic unit

<p>secondary refuse¹ وازنش دگرجا [باستان‌شناسی] انتقال اشیا یا مواد ناخواسته از محل استفاده به جای دیگر</p>	<p>وارسی‌کننده verifier [رمزشناسی] هستاری که هویت ادعایی هستار دیگر را با استفاده از یک قرارداد احراز اصالت (authentication protocol) بررسی می‌کند متد. وارس</p>
<p>refuse² وازنه [باستان‌شناسی] هر ماده یا بقایایی که انسان آن را رها کرده باشد و دیگر قابل بازگشت به چرخه فرآوری (behavioral processes) نباشد</p>	<p>وارونگی زمین مغناطیس ← وارونگی قطبایی</p>
<p>de facto refuse² وازنه برجا [باستان‌شناسی] دست‌ساخته‌های رها شده در زمان متروک شدن محوطه استقرار یا کارجا</p>	<p>وارونگی قطبایی polarity reversal, field reversal, geomagnetic polarity reversal, magnetic polarity reversal, magnetic reversal, reversal [ژئوفیزیک] تغییر میدان مغناطیسی زمین از قطبایی بهنجار (normal polarity) به قطبایی وارون متد. وارونگی زمین مغناطیس geomagnetic reversal</p>
<p>primary refuse² وازنه درجا [باستان‌شناسی] اشیا یا مواد ناخواسته کنار گذاشته شده در محل استفاده</p>	<p>وازش refuse¹ [باستان‌شناسی] مرحله یا شرایطی که در آن دست‌ساخته‌ها رها می‌شوند و دیگر قابل بازگشت به چرخه فرآوری نیستند</p>
<p>secondary refuse² وازنه دگرجا [باستان‌شناسی] اشیا یا مواد ناخواسته‌ای که از محل استفاده به جای دیگر منتقل شده‌اند واشبننا ← واپایشگر شبکه‌سازی نرم‌افزاری</p>	<p>وازش برجا de facto refuse¹ [باستان‌شناسی] رها کردن دست‌ساخته‌ها در زمان متروک شدن محوطه استقرار یا کارجا</p>
<p>Wi-Fi, Wi-Fi technology وافا [فارا] نوعی شبکه داخلی بی‌سیم که حداکثر برد انتقال آن ۱۰۰ متر است متد. وای‌فای</p>	<p>وازش درجا primary refuse¹ [باستان‌شناسی] کنار گذاشتن اشیا یا مواد ناخواسته در محل استفاده</p>
<p>allotment واگذاری [کردشکری] اختصاص دادن اتاق‌های مهمانخانه به گشت‌پردازها</p>	

- واگنک پشت کار** push car
[ریلی] واگن کاری چهارچرخه‌ای برای حمل افراد و مصالح سنگین که می‌توان آن را هل داد یا با موتور به حرکت درآورد
- واگن گشت و گوی** parlor car
[ریلی] واگن مسافری برای سفر روزانه دارای صندلی‌های چرخان یا متحرک و دیگر امکانات رفاهی که در دیگر واگن‌ها وجود ندارد
- واگن مخزنی پرفشار** pressure car
[ریلی] واگنی مخزنی دارای یک سرلوله در قسمت فوقانی برای حمل گاز با فشار بالا
- واماندگی شتاب‌یافته**
accelerated stall, high-speed stall
[مروایی] واماندگی هواگرد در حالت پرواز شتاب‌یافته
- وای‌فای ← وایفا**
- وب‌کتاب** book
[فارا] مجموعه‌ای از وب‌نوشت‌ها که به صورت کتاب چاپ شده باشد
/ختت. وتاب
- وتاب ← وب‌کتاب**
- وجدان** conscience
[روان‌شناسی] آگاهی از پیامدهای اخلاقی و اجتماعی رفتار شخصی
- واگرایی باریکه** beam divergence
[فیزیک] زاویه بین نقاط متقابل در سطح مقطع یک باریکه تابش الکترومغناطیسی که در آن شدت نور به $1/e$ بیشینه آن کاهش می‌یابد
- واگرایی کروی ← گسترش هندسی**
- واگن افزایشی** pickup²
[ریلی] واگنی که در مسیر، بین مبدأ و مقصد، به قطار افزوده می‌شود
- واگن بینه‌بر ← واگن درخت‌بر**
- واگن خدمت محوطه** yard caboose
[ریلی] واگن خدمتی که در محوطه‌ای مشخص به کار گرفته می‌شود
- واگن درخت‌بر** logging car
[جنگل، ریلی] واگن ویژه حمل الوار، دارای بدنه‌ای با قاب اسکلتنی و دو بوژی
مت. واگن بینه‌بر
- واگن سنگ معدن ← واگن کان‌سنگ**
- واگن کان‌سنگ** ore car
[ریلی] واگنی روباز و قیفی‌شکل که برای حمل سنگ معدن فلزی طراحی شده است
مت. واگن سنگ معدن
- واگن کاهشی** set-off²
[ریلی] واگنی که در مسیر، بین مبدأ و مقصد، از قطار جدا می‌شود

[ژن‌شناسی] نوعی وردایی ژنی ناشی از جایگزینی یک دگره به جای دگره دیگر در یک جایگاه معین

وردایی رخ‌نمودی

phenotypic variance

[ژن‌شناسی] وردایی کل که شامل وردایی ژنی و محیطی است و در یک صفت دیده می‌شود

وردایی محیطی

environmental variance

[ژن‌شناسی] بخشی از وردایی رخ‌نمودی که ناشی از تفاوت‌های محیطی است که افراد جمعیت در آن قرار گرفته‌اند

وزن ترکیبی کل

gross combination mass, GCM

[درون‌شهری] ۱. حداکثر وزن خودرو پس از بارگیری کامل که سازنده خودرو آن را تعیین می‌کند ۲. حداکثر مجموع وزن خودرو کشنده و مجموع بارهای محوری که خودرو قادر به کشیدن آن است

وزن کل پی‌نورد

gross trailer mass, GTM

[درون‌شهری] وزنی که از طریق محور یا محورهای پی‌نورد، هنگامی که به کشنده بسته است و حداکثر بار خود را حمل می‌کند، تقریباً به صورت یکنواخت به زمین منتقل می‌شود

وزن کل خودرو

gross vehicle mass, GVM

[درون‌شهری] مجموع وزن خودرو بدون بار و حداکثر وزن بار آن

وجدان اقتدارمدار

authoritarian conscience

[روان‌شناسی] سنجی از وجدان که جهت‌گیری آن براساس ترس از اقتداری بیرونی‌شده یا درونی‌شده است

وجدان فردمدار

humanistic conscience

[روان‌شناسی] سنجی از وجدان که نه براساس ترس از اقتدار بیرونی بلکه با معیارهای فردی هدایت می‌شود

conscientious

وجدان‌مند

[روان‌شناسی] فرد تابع وجدان

conscientiousness

وجدان‌مندی

[روان‌شناسی] گرایش به نظم و مسئولیت و سخت‌کوشی که در «الگوی پنج بُعد کلان شخصیت» یک سوی طیف تفاوت‌های فردی به شمار می‌آید

وجدان‌شناختی ← هستی‌شناختی

وجدان‌شناس ← هستی‌شناس

وجدان‌شناسی ← هستی‌شناسی

وراثت چندژنی polygenic inheritance

[ژن‌شناسی] انتقال یک صفت رخ‌نمودی که بیان آن به اثر افزایشی چند ژن بستگی دارد

additive variance

وردایی افزایشی

وضعیت خانه‌داری اتاق housekeeping room status

[گردشگری] اطلاعات موجود درباره هر یک از اتاق‌ها از نظر وضعیت خانه‌داری

وضعیت‌شناسی چهره face pose recognition

[نظامی] تعیین موقعیت و جهت چهره، بر مبنای موضع دوربین یا حسگر تصویربرداری

وضعیت نامطلوب poor condition

[ریلی] وضعیت واگنی که آسیب جدی دیده و فاقد ایمنی یا عدم امکان خدمت‌رسانی است

وضعیت‌های هشدار پدافند هوایی air defense warning conditions

[نظامی] سه وضعیت متفاوت احتمال حمله هوایی که شامل سه نوع هشدار زیر است: الف) هشدار زرد پدافندی: حمله هواپیماها یا موشک دشمن محتمل است؛ ب) هشدار قرمز پدافندی: حمله هواپیماها یا موشک دشمن قریب‌الوقوع یا در حال اجراست؛ پ) هشدار سفید پدافندی: حمله هواپیماها یا موشک دشمن غیرمحتمل است

ولتاژ گرایستی bias voltage

[فیزیک] ولتاژ پایایی که آستانه کارکرد مدار را پیشاپیش معین می‌کند

ویژگی توازن balance property

[رزم‌شناسی] برابری شمار صفرها و یک‌ها در یک دوره تناوب از یک دنباله دودویی متناهی به طول بیشینه

وسایل افزاربندی rigging

[دریایی] تجهیزاتی از قبیل بافه و قرقره و ملحقات آنها که از آنها برای بستن و مهار کردن و جابه‌جا کردن و ثابت نگه داشتن بار و وسایل و ادوات شناور و دکل و بادبان استفاده می‌شود

وسایل افزاربندی ثابت standing rigging

[دریایی] وسایلی مانند مهارهای طولی و عرضی که به صورت ثابت در محل خود استقرار می‌یابند و معمولاً تا زمان تعویض جابه‌جا نمی‌شوند

وسایل افزاربندی متحرک running rigging

[دریایی] بخشی از وسایل افزاربندی که در طی عملیات حرکت دارند

وضعیت آبداری hydration status

[فناوری غذا] میزان آب بدن که به توازن مایعات و الکترولیت‌های آن مربوط می‌شود

وضعیت آمادگی پدافندی defense readiness condition

[نظامی] سامانه یکپارچه وضعیت‌های هشدار صعودی پدافندی، متناسب با شدت متغیر تهدید
DEFCON /خت- واپد

وضعیت اتاق room status

[گردشگری] اطلاعات مربوط به هر یک از اتاق‌های مهمانخانه از نظر ذخیره جا و خانه‌داری

ه

[نظامی] هدفی غیر از هدف انهدامی موردنظر که بلافاصله پس از آمادگی لازم قابل انهدام است، مشروط بر اینکه فرمان آن صادر شده باشد

هزینه چرخه عمر، LCC، life cycle cost

[م. پروژه] مجموعه هزینه‌های برپایی و دراختیارگیری و بهره‌برداری یک سامانه در طول عمر مفید آن که گاه شامل هزینه‌های پاک‌سازی ضایعات و جمع‌آوری پسماندها نیز می‌شود

هزینه‌های دولتی ← مخارج دولتی

هسته‌گرفته، pitted, stone removed

[فناوری غذا] ویژگی میوه‌ای که هسته آن جدا شده است

هسته‌گیری^۱، pitting

[فناوری غذا] خارج کردن هسته میوه‌های دارای هسته نسبتاً ریز به نحوی که به بافت میوه کمترین آسیب برسد

هارپسیکورد پایی‌دار

pedal harpsichord

[موسیقی] هارپسیکوردی که مانند ارگ به صفحه پایی مجهز است

هجانامی، solmization

[موسیقی] نام‌گذاری نغمه‌ها به وسیله هجاهای متداول به جای حروف

هجایی، syllabic

[موسیقی] در موسیقی آوازی، ویژگی‌ای موسیقایی که در آن تنها یک نت با هر هجا همراهی می‌کند

هدف، objective

[مدیریت] دستاوردهای ملموس و قابل سنجش که برای دست یافتن به آنها فعالیت‌های مشخصی صورت می‌گیرد

هدف انهدامی جنبی

preliminary demolition target

[موسیقی] هر یک از نغمه‌هایی که با به صدا درآوردن هماهنگ دوم یا بالاتر از یک سامانه ارتعاشی تولید می‌شوند

هماهنگی رده‌شناختی

typological harmony

[زبان‌شناسی] همسویی مشخصه‌های ساختاری هر زبان با طبقه‌بندی رده‌شناختی آن

هماهنگی شناختی

cognitive consonance

[روان‌شناسی] در نظریه ناهماهنگی شناختی، موقعیتی که در آن دو عنصر شناختی با یکدیگر همخوان‌اند

collocate **همایند**

[زبان‌شناسی] هریک از واژه‌هایی که با یکدیگر هم‌آیی دارند

collocability, **همایندپذیری**

collocational range

[زبان‌شناسی] قابلیت هم‌آیی واژه‌ها

colligability **همایندپذیری دستوری**

[زبان‌شناسی] قابلیت هم‌آیی دستوری واژه‌ها

colligate **همایند دستوری**

[زبان‌شناسی] هریک از واژه‌هایی که با یکدیگر هم‌آیی دستوری دارند

collocation **هم‌آیی**

[زبان‌شناسی] همنشینی عناصر واژگانی

stoning **هسته‌گیری^۲**

[فتاوری غذا] خارج کردن هسته میوه‌های دارای هسته نسبتاً درشت به نحوی که به بافت میوه کمترین آسیب برسد

compound nucleus **هسته مرکب**

[فیزیک] حالت بینابینی هسته هدف پس از جذب یک ذره فرودی و پیش از واپاشی آن به حالت نهایی

ontological **هستی‌شناختی**

[فلسفه] مربوط به هستی‌شناسی
مت. وجودشناختی

ontologist **هستی‌شناس**

[فلسفه] متخصص در هستی‌شناسی
مت. وجودشناس

ontology **هستی‌شناسی**

[فلسفه] پژوهشی فلسفی در باب هستی یا وجود برای پاسخ به پرسش‌هایی مانند: معنای هستی چیست؟ بودن یک چیز به چه معناست؟ چه چیزهایی وجود دارند؟ اقسام کلی موجودات کدام است؟
مت. وجودشناسی

harmonic¹, partial **هماهنگ^۱**

[موسیقی] در صوت‌شناسی، هریک از بسامدها از مجموعه‌ای که هریک مضرب صحیحی از یک بسامد واحد به نام صوت اصلی است

harmonic², flageolet **هماهنگ^۲**

speed synchronizer, **هم‌دورکننده**
synchronizer, synchromesh

[خودرو] قطعه‌ای در جعبه‌دنده دستی که با یکسان کردن سرعت دو چرخ‌دنده امکان درگیر شدن آنها را فراهم می‌کند
مت. هم‌دورساز

هم‌رسانی ← هم‌رسانی اینترنت

هم‌رسانی اینترنت

internet connection sharing

[فناور] به اشتراک گذاشتن یک خط شبکه در میان گروهی از رایانه‌های متصل به شبکه

ICS / اخت. هم‌رسانی

cohyponym **هم‌شمول**

[زبان‌شناسی] واژه‌ای که در رابطه زیرشمولی با یک یا چند واژه دیگر اشتراک دارد

cooperation **همکاری**

[روان‌شناسی] تعامل و کار کردن با هم برای رسیدن به هدف
مت. همیاری

spacing **همگام‌سازی**

[ریلی] مهار سرعت قطار از طریق کاهش نوسان دریچه هوا برای رسیدن به سرعت متوسط و زمان‌بندی برنامه

coaxial **هم‌محور**

[زمین‌شناسی] ویژگی دگرشکلی پیش‌رونده‌ای که در آن جهت‌های اصلی کرنش کل و کرنش افزایشی در همه زمان‌ها با هم موازی هستند

colligation **هم‌آیی دستوری**

[زبان‌شناسی] رابطه ساختاری خاص میان واژه‌هایی که هم‌نشینی دارند

همبستگی متعارف

← تحلیل همبستگی متعارف

strategic alliance **هم‌پیمانی راهبردی**

[مدیریت] توافق برای همکاری میان دو یا چند کشور یا سازمان مستقل یا جز آنها برای نیل به اهداف مشترک

tautonym **هم‌تایام**

[گیاهی] نامی دو قسمتی که اسم سرده و لقب گونه آن شبیه به یکدیگر است

address matching **هم‌تایابی نشانی**

[نقشه‌برداری] فرایندی که در آن یک نشانی یا یک جدول از نشانی‌ها با ویژگی‌های نشانی یک مجموعه داده مرجع مقایسه می‌شود تا مشخص شود که یک نشانی خاص در دامنه نشانی‌های مرتبط با عارضه موردنظر در مجموعه داده مرجع انطباق دارد یا خیر

analogical levelling **هم‌ترازی قیاسی**

[زبان‌شناسی] از بین رفتن صورت‌های متنوع تصریفی یک واحد واژگانی بر اثر غالب شدن یکی از گونه‌ها

هم‌دورساز ← هم‌دورکننده

هواگرد تحت‌فشار pressurized aircraft

[هوابی] هواگردی که برای پرواز در ارتفاعات بالا طراحی و ساخته شده است و در هر ارتفاعی از پرواز همه بخش‌های آن، از جمله اتاقک و انبار کالا، تحت فشاری معادل سطح دریا یا نزدیک به آن قرار می‌گیرند

هوش محیط ambient intelligence, Aml

[نقشه‌برداری] فضایی الکترونیکی و اطلاعاتی حساس به حضور افراد که با عملکردی هوشمند پاسخگوی نیازهای آنان است

هوش مکانی محیط**ambient spatial intelligence, AmSI**

[نقشه‌برداری] هوش مربوط به محیط‌های ساختمانی و طبیعی برای پاسخگویی به پرسش‌های مکانی-زمانی و پایش رویدادهای جغرافیایی

هول همجنس‌گرایانه**homosexual panic**

[سلامت] ۱. حمله اضطرابی ناگهانی و حاد ناشی از ترس ناهشیار فرد از اینکه ممکن است همجنس‌گرا باشد و تکانه‌های همجنس‌خواهانه از خود بروز دهد. ۲. ترس از اینکه از طرف یک همجنس مورد حمله جنسی قرار گیرد

هم‌گونه syntype

[کیامی] یکی از دو یا چند نمونه‌ای که پیش‌تر در شرح اصلی به‌عنوان نمونه معرفی شده بوده‌اند

هم‌نام homonym

[کیامی] نام واحدی که به دو یا چند نمونه متفاوت اطلاق می‌شود

همیارانه cooperative

[روان‌شناسی] ویژگی کاری که در آن همه طرف‌ها برای هدف یا منفعتی مشترک مشتاقانه با یکدیگر مشارکت می‌کنند

همیاری ← همکاری**همیوگی بار** charge conjugation

[فیزیک] عملی که ذره را به پادذره خود تبدیل می‌کند

مت. عمل همیوگی بار

charge conjugation operation**هواکشاورزی** agronautics, agricultural aeronautics

[نظامی، هوابی] شاخه‌ای از صنعت هوانوردی که با کشاورزی سروکار دارد

ی

[ریلی] یاتاقانی که در سمت خارجی چرخ بر روی محور نصب می‌شود

یادداشت میدانی
field note
[نظامی] ثبت و مستندسازی صحنه جرم توسط افسر انتظامی از زمان ورود تا اتمام مأموریت و خروج او از محل

یابش
acquisition
[باستان‌شناسی] مرحله‌ای در چرخه فرآوری (behavioral processes) که مقدم بر ساخت و کاربرد و وانهش (deposition) است و در طی آن مواد خام معدنی فراهم می‌آید

یاتاقان بیرونی
outboard bearing

horizon(tal) coordinate system	دستگاه مختصات افقی	spherical polar coordinates ²	
<i>syn.</i> horizon(tal) system of coordinates,		→ spherical coordinates ²	
horizontal coordinates ¹		standard meridian	نصف‌النهار معیار
horizon(tal) system of coordinates		standard star	ستاره معیار
→ horizontal coordinate system		starburst galaxy	کهکشان اخترفشان
planetographic	سیاره‌نگاشتی	star cloud	اثرستاره‌ای
planetographic coordinates ¹		star color	رنگ ستاره
→ planetographic coordinate system		star count	شمار ستاره‌ها
planetographic coordinates ²		star density	چگالی ستاره‌ای
	مختصات سیاره‌نگاشتی	starquake	اختزلرزه
planetographic coordinate system		starspot	لکه ستاره‌ای
	دستگاه مختصات سیاره‌نگاشتی	star streaming	جریان ستاره‌ای
<i>syn.</i> planetographic coordinates ¹		stellar atmosphere	جو ستاره
planetography	سیاره‌نگاری	stellar evolution	تحول ستاره،
prime meridian	نصف‌النهار مینا		تحول ستارگان
principal meridian	نصف‌النهار مبدأ	stellar evolutionary model	مدل تحول ستاره
relay lens → transfer lens		stellar evolutionary track	مسیر تحول ستاره
spherical coordinates ¹			
→ spherical coordinate system		topocentric coordinates ¹	
spherical coordinates ²	مختصات کروی	→ topocentric coordinate system	
<i>syn.</i> spherical polar coordinates ²		topocentric coordinates ²	مختصات ناظرمرکز
spherical coordinate system		topocentric coordinate system	
	دستگاه مختصات کروی		دستگاه مختصات ناظرمرکز
<i>syn.</i> spherical coordinates ¹ ,		<i>syn.</i> topocentric coordinates ¹	
spherical polar coordinates ¹		transfer lens	عدسی انتقال
spherical polar coordinates ¹		<i>syn.</i> relay lens	
→ spherical coordinate system		triplet	سه‌تابی

volunteer(ed) geographic(al) information		giant branch	شاخهٔ غول‌ها
abbr. VGI	اطلاعات مکانی مردم‌گستر	heliocentric coordinates ¹	
syn. volunteer(ed) geospatial information		→ heliocentric coordinate system	
volunteer(ed) geospatial information		heliocentric coordinates ²	مختصات خورشیدمرکز، مختصات خورمرکز
→ volunteered geographic information		heliocentric coordinate system	مختصات خورشیدمرکز، دستگاه مختصات خورشیدمرکز، دستگاه مختصات خورمرکز
wayfinding	رهیابی	syn. heliocentric coordinates ¹	
	نجوم	heliocentric latitude	عرض خورشیدمرکز، عرض خورمرکز
alt-az coordinates ¹		heliocentric longitude	طول خورشیدمرکز، طول خورمرکز
	دستگاه مختصات سمتی ارتفاعی	heliographic coordinates ¹	
alt-az coordinates ²	مختصات سمتی ارتفاعی	→ heliographic coordinate system	
celestial coordinates ¹		heliographic coordinates ²	مختصات خورشیدنگاشتی، مختصات خورنگاشتی
→ celestial coordinate system		heliographic coordinate system	دستگاه مختصات خورشیدنگاشتی، دستگاه مختصات خورنگاشتی
celestial coordinates ²	مختصات سماوی	syn. heliographic coordinates ¹	
celestial coordinate system	دستگاه مختصات سماوی	heliographic latitude	عرض خورشیدنگاشتی، عرض خورنگاشتی
syn. celestial coordinates ¹		heliographic longitude	طول خورشیدنگاشتی، طول خورنگاشتی
central meridian	نصف‌النهار مرکزی	horizontal branch	شاخهٔ افقی
abbr. CM		horizontal coordinates ¹	
civil day	روز رسمی	→ horizontal coordinate system	
civil time	زمان رسمی	horizontal coordinates ²	مختصات افقی
CM → central meridian			
doublet	دوتایی		
evolved star	ستارهٔ تحول‌یافته		
evolving star	ستارهٔ درحال تحول		
filigree	ملیله		
Fraunhofer lines	خطهای فرانوفر		

expertsourcing/ expert sourcing/		outdoor positioning	موقعیت‌یابی بیرونی
expert-sourcing	خبره‌سپاری	participatory GIS	سامانه اطلاعات مکانی مشارکتی
geocode	کدبندی مکانی	pathfinding	مسیریابی
syn. geocoding		PGIS	سام مشارکتی
geocoded feature class	رده عارضه کدبندی‌شده مکانی، رده عارضه کدبندی‌شده	POI	نُت
geocoding → geocode		point of interest	نقطه توجه
geocoding engine	کدگر مکانی	PPGIS	سام همگانی
geocoding index	نمایه کدبندی مکانی	proximity	مجاورت
geocoding platform	بستر کدبندی مکانی	proximity operation	عملیات مجاورت
geocoding process	فرایند کدبندی مکانی	public participation GIS	سامانه اطلاعات مکانی مشارکت همگانی
geocoding reference data	داده‌های مرجع کدبندی مکانی	reclassify operation	عملیات بازرده‌بندی
geocoding rule base	پایگاه قواعد کدبندی مکانی	region of interest	منطقه توجه
geotag	نشان مکانی	region-wide overlay	برهم‌گذاری منطقه‌مبنا
geotagging	نشان‌گذاری مکانی	regular tessellation	پاره‌بندی منظم
indoor positioning	موقعیت‌یابی درونی	renumber operation	عملیات بازشماره‌بندی
irregular tessellation	پاره‌بندی نامنظم	reverse geocoding	کدبندی مکانی وارون
landmark	نشانگر مکانی، نشانگر	ROI	مَت
landmark identification	شناسایی نشانگر	semiregular tessellation	پاره‌بندی نیمه‌منظم
location-specific overlay	برهم‌گذاری مکان‌مبنا	size operation	عملیات اندازه‌بندی
mobile terminal-centric	موقعیت‌یابی پایانه‌محور	slice operation	عملیات بُرش‌زنی
syn. terminal-centric positioning		spatial crowdsourcing	جمع‌سپاری مکانی
neighbors operation	عملیات همسایگی	terminal-centric positioning	
network-centric positioning	موقعیت‌یابی شبکه‌محور	→ mobile terminal-centric	
		tessellation	پاره‌بندی
		user-centric positioning	موقعیت‌یابی کاربرمحور
		VGI → ed geographic information	

listed species	گونه فهرست شده	species of concern	گونه نگران کننده
local extinction → extirpation		status unknown species	
locally extinct → extirpated			گونه وضعیت ناشناخته
logging car	واگن درخت بر، واگن بینه بر	umbrella species	گونه چتر
logging truck	بوژی درخت بری، بوژی بینه بری	unknown threat category of species	
management indicator species			طبقه تهدیدناشناخته
→ indicator species		WCS	راجات
native species	گونه بومی	World Conservation Strategy	
NE → not evaluated			راهبرد جهانی حفاظت
near threatened	روبه تهدید	World Conservation Union	
abbr. NT			اتحادیه جهانی حفاظت
no longer threatened species			
	گونه تهدید رسته	مهندسی نقشه برداری	
not evaluated	ارزیابی نشده	address format	قالب نشانی
abbr. NE		address geocoding	کدبندی مکانی نشانی
not threatened category of species		address matching	همتایابی نشانی
	طبقه بی تهدید	address range	گستره نشانی
NT → near threatened		address service	خدمات نشانی
possibly extinct	احتمالاً منقرض	ambient intelligence	هوش محیط
proposed species	گونه پیشنهادی	abbr. AmI	
rare species	گونه کمیاب	ambient spatial intelligence	
rarity	کمیابی	abbr. AmSI	هوش مکانی محیط
Red Data Book	کتاب قرمز	AmI → ambient intelligence	
syn. IUCN Red Data Book		AmsI → ambient spatial intelligence	
Red Data List → Red List		batch geocoding	کدبندی مکانی دسته ای
Red List	فهرست قرمز	category-wide overlay	برهم گذاری رسته مبنا
syn. IUCN Red List of Threatened		clump operation	عملیات دسته بندی
Species, IUCN Red List, Red Data List		collaborative mapping	نقشه سازی همکارانه
safe	ایمن	crowdsourcing GIS	سام جمع سپاری
species at risk	گونه درمخاطره	distance operation	عملیات فاصله بندی
syn. at risk species			

storage coefficient	ضریب ذخیره سازی	extirpation	انقراض محلی
transmissivity	ظرفیت انتقال	syn. local extinction	
workface	سینه کار	flagship species	گونه نماد
syn. working face		imperilled species	گونه دربیم
working face → workface		indeterminate species	گونه نامعین
		index species → indicator species	
		indicator species	گونه معرف
		syn. index species,	
		management indicator species	
		indigenous species	گونه بوم زاد
		insufficiently known species	گونه کم شناخته
		International Union for Conservation of Nature (IUCN)	
		→ World Conservation Union	
		International Union for Conservation of Nature and Natural Resources (IUCN)	
		→ World Conservation Union	
		introduced species	گونه وارداتی
		invader → invasive species	
		invasive species	گونه مهاجم
		syn. invader	
		IUCN	راجات
		IUCN Red Data Book → Red Data Book	
		IUCN Red List → Red List	
		IUCN Red List of Threatened Species	
		→ Red List	
		keystone species	گونه شالوده
		LC → least concern	
		least concern	کم نگران کننده
		abbr. LC	
مهندسی منابع طبیعی - شاخه جنگل و محیط زیست			
at risk species → species at risk			
candidate species	گونه نامزد		
conservation biology	زیست شناسی حفاظت		
CR → critically endangered			
critically endangered	بسیار در خطر		
abbr. CR			
critical species	گونه بسیار در خطر		
data deficient	کم داده		
abbr. DD			
DD → data deficient			
endemic species	گونه بوم ویژه، گونه انحصاری		
EW → extinct in the wild			
EX → extinct			
extinct	منقرض		
abbr. EX			
extinct in the wild	منقرض در محیط وحش		
abbr. EW			
extinction risk	خطر انقراض		
extirpated	محلی منقرض		
syn. locally extinct			

straight-sided drum	طبله استوانه‌ای	ambient noise	نوفه محیطی
stretch hood wrapping system		ASP → aerated static pile	
	لفاف‌کشی باشلقی	backyard composting	پوسش خانگی
SUP → stand-up pouch		syn. home composting	
tamper-evident packaging		bed ash	خاکستر بستر
→ tamper-resistant packaging		biological waste	پسماند زیستی
tamper-proof packaging		biomethanisation	زیست‌متان‌سازی
→ tamper-resistant packaging		bioproduct	فراورده زیستی
tamper-resistant packaging		combined sewer	فاضلاب‌رو درهم
abbr. TRP	بسته‌بندی ضد دست‌خوردگی	enclosed-reactor composting	
syn. tamper-evident packaging,		→ in-vessel compositing	
tamper-proof packaging		home composting	
tight-head drum		→ backyard composting	
→ non removable drum		in-vessel composting	پوسش درون‌محفظه‌ای
transit packaging		syn. enclosed-reactor composting	
→ transport packaging		landfilling	خاکچال‌آکنی
transport packaging	بسته‌بندی ترابری	oxygen sag curve	منحنی افت اکسیژن
syn. logistic packaging,		plant available nitrogen	نیتروژن گیاه‌رس
transit packaging, distribution		recycle rate → recycle ratio	
packaging, transport package		recycle ratio	نسبت برگشتی
TRP → tamper-resistant packaging		syn. recycle rate	
vacuum bag	کیسه خلأ	Secchi depth	عمق سِکی
visual carded display packaging		syn. Secchi disk depth,	
→ skin packaging		Secchi disk transparency	
woven geotextile	زمین‌منسوج بافته	Secchi disk	زلالی‌سنج سِکی
abbr. GTX-W		Secchi disk depth → Secchi depth	
		Secchi disk transparency	
		→ Secchi depth	
		self-cleansing velocity	سرعت خودتمیزی
advancing face	سینه کار پیش‌رونده	separate sewer	فاضلاب‌رو مجزا
aerated static pile	ایستاپشته هوادهی‌شده	silt density index	شاخص چگالی لای
abbr. ASP		storability	نخیره‌پذیری

مهندسی محیط‌زیست و انرژی

loose-fill packaging	بسته‌بندی پوشال‌پر	pouch	چنته
nestable fiber drum	طبلهٔ مقوایی توهم‌چین	PPP → child-resistant packaging	
nest-only container	گنجایهٔ توهم‌چین	primary package	بسته‌بندی اولیه
non-removable drum	طبلهٔ سر بسته	recloseable package	بستهٔ بازبست‌شدنی
<i>syn.</i> tight-head drum		removable drum	طبلهٔ سر باز شو
one gallon jug	چهارلیتری	<i>syn.</i> open-head drum	
<i>syn.</i> gallon jug, gallon		repack	نوبسته‌بندی
open-head drum → removable drum		RIBC	گوف صلب
open mouth bag	کیسهٔ یک‌سرباز	rigid intermediate bulk container	گنجایهٔ واسط فله‌ای صلب
<i>syn.</i> open mouth sack		sachet	تکینه
open mouth sack → open mouth bag		sack → bag	
pack ¹ → package ¹		secondary package	بسته‌بندی ثانویه
pack ² → package ²		shrink packaging	بسته‌بندی جمع‌شو
package ¹	بسته، بسته‌بندی ^۱	single serve pack	بستهٔ تک‌نفره
<i>syn.</i> pack ¹ , packing, packaging ¹		<i>syn.</i> portion pack	
package ²	بسته‌بندی ^۲	skin pack → skin packaging	
<i>syn.</i> pack ² , packaging ²		skin packaging	بسته‌بندی جلدشفاف
packaging ¹ → package ¹		<i>syn.</i> contour packaging,	
packaging ² → package ²		visual carded display packaging,	
packing → package ¹		skin pack	
pallet tank		smart packaging	بسته‌بندی هوشمند
→ intermediate bulk container		SP → child-resistant packaging	
pasted sack	کیسهٔ چسب‌دوخت	special packaging	
pillow pack	بستهٔ بالشتکی	→ child-resistant packaging	
<i>syn.</i> flat pouch		spout pouch	چنتهٔ شیردار
poison-prevention packaging		stack and nest container	
→ child-resistant packaging		polymer	گنجایهٔ برهم- توهم‌چین
polymer	بسپار	polymeric geosynthetic barrier	گنجایهٔ برهم‌چین
polymeric geosynthetic barrier	زمین‌ساز سدگر بسپاری	stand-up pouch	چنتهٔ ایستاده
portion pack → single serve pack		<i>abbr.</i> SUP	

C-R packaging		GMA → geomat	
→ child-resistant packaging		GTX → geotextile	
distribution packaging		GTX-K → knitted geotextile	
→ transport packaging		GTX-W → woven geotextile	
drum	طبله	gusset	کاچه
drum with metal chimes	طبله زهوارفلزی	gusset bag → gusseted sack	
drum without chimes	طبله بی‌زهوار	gusseted sack	کیسه کاچه‌دار
easy open pack	بسته آسان‌بازشو	syn. gusset bag	
electronic packaging	بسته‌بندی الکتروافزار	hamper → basket	
FIBC	گوف منعطف	hot-fill packaging	بسته‌بندی داغ‌پُر
fiber drum	طبله مقوایی	IBC	گوف
flat bag	کیسه تخت	IBC tote	
flat pouch → pillow pack		→ intermediate bulk container	
flexible intermediate bulk container		industrial packaging	بسته‌بندی بین‌کارخانه‌ای
	گنجایه واسط‌فله‌ای منعطف	inner packing → interior packing	
flexible packaging	بسته‌بندی انعطاف‌پذیر	integrated sensor-packaging system	
food wrap → cling wrap			سامانه یکپارچه بسته-حسگر
gallon → one gallon jug		intelligent packaging	بسته‌بندی پیام‌ده
gallon jug → one gallon jug		abbr. IP	
GBR-C → clay geosynthetic barrier		interior packing	پیراکنند
GBR-P → geomembrane		syn. inner packing	
geomat	زمین‌ساز نمدی	intermediate bulk container	
abbr. GMA		abbr. IBC tote	گنجایه واسط‌فله‌ای
geomembrane	زمین‌ساز ورقی	syn. pallet tank	
abbr. GBR-P		IP → intelligent packaging	
geopolymer	زمین‌بسپار	jerry can/jerry can/jerrican	پیت کتابی
geospacer	زمین‌ساز فاصله‌انداز	jumbo bag → big bag	
geosynthetic barrier	زمین‌ساز سدگر	keg	چلیک
geosynthetic clay liner		knitted geotextile	زمین‌منسوج کشباف
→ clay geosynthetic barrier		abbr. GTX-K	
geotextile	زمین‌ساز منسوج، زمین‌منسوج	logistic packaging	
abbr. GTX		→ transport packaging	

una corda → soft pedal		bulk packaging	بسته‌بندی فله‌ای
voice exchange	جابه‌جایی صدایی	bulk sack → big bag	
syn. part exchange		bundle	بندیل
word painting	طراحی واژگانی	can	قوطی
		carboy	قرابه
		carton	کارتن
		cask	آوند
		child-resistant packaging	
			بسته‌بندی کودک‌پاس
air bag	کیسه هوا	abbr. CRP ¹ , C-R packaging	
bag	کیسه	syn. poison-prevention packaging, PPP,	
syn. sack		special packaging, SP	
bagging ¹	کیسه‌کشی	clamshell pack	بسته‌بندی دردار
bagging ²	چادر	clay geosynthetic barrier	
bagging ³	چادرکشی		زمین‌ساز سدگر رُسی
bag moulding	قالب‌گیری چادری	syn. geosynthetic clay liner, GBR-C	
bale cutter	عدل‌بر	cling film → cling wrap	
baling machine	ماشین عدل‌ساز، عدل‌ساز	cling wrap	لفاف چسبان
barrel	بشکه	syn. food wrap, cling film	
basket	سبد، زنبیل	commercial package	بسته‌بندی تجاری
syn. hamper		consumer package	بسته‌بندی مصرف‌کننده
big bag	کلان‌کیسه	syn. consumer packaging	
syn. bulk bag, bulk sack, jumbo bag		consumer packaging	
block-bottom bag	کیسه کف‌چارگوش	→ consumer package	
boil-in-bag	کیسه آب‌پزی	container	کُنجابه
bottle	بطری	contour packaging → skin packaging	
box	جعبه	controlled-release packaging	
breathable film packaging			بسته‌بندی واپاییده‌رهش، بسته‌بندی واپارزش
	بسته‌بندی تنفسی	abbr. CRP ²	
bubble packaging material		CRP ¹ → child-resistant packaging	
	ماده بسته‌بندی حباب‌دار	CRP ² → controlled-release packaging	
bubble wrap	لفاف حباب‌دار		
bulk bag → big bag			

harmonic ²	هماهنگ ^۲	relative pitch	گوش نسبی
syn. flageolet (fr.)		rest	سکوت
harmonie	سازگان هارمونی، ارکستر هارمونی	reverb	بازآواگر
interpretation	روایت	slur	خط اتصال
interval class	رده فاصله‌ای	soft pedal	پایی کاهش
in tune	کوک	syn. una corda	
live electronic music		solmization	هجانامی
	موسیقی الکترونیکی زنده	sonore (fr.)	پُر صدا
live room	اتاق مانایی	syn. sonorous, sonorously	
loud pedal → sustaining pedal		sonority	صدادهی
moderator → muffler pedal		sonorous → sonore	
muffler pedal	پایی صداگیر	sonorously → sonore	
syn. moderator		soprano (it.)	سُپرانو
music stand	جاثتی	sordino (it.) → damper	
syn. pupitre (fr.)		sostenuto pedal	پایی تداوم برگزین
neumatic	غیرهجایی	sustaining pedal	پایی تداوم
open pedal → sustaining pedal		syn. damper pedal, loud pedal,	
ostinato (it.)	مکرر	open pedal	
syn. ground		syllabic	هجایی
out of tune/out-of-tune	ناکوک	tenor	تنور
overtone	صوت فرعی	text-sound	موسیقی متن آوا، متن آوا
part exchange → voice exchange		thematic catalogue	فهرست درون‌مایه‌ای،
partial → harmonic ¹			فهرست تمی
pedal	پایی	theme	درون‌مایه، تم
pedal board	صفحه پایی	through bass → continuo	
pedal glissando	لغزه پایی	tie	خط اتحاد
pedal harp	چنگ پایی‌دار	timbre (fr.) → tone colour	
pedal harpsichord	هارپسیکورد پایی‌دار	tone colour	رنگ صدا
pedal piano	پیانوی پایی‌دار	syn. timbre (fr.)	
perfect pitch → absolute pitch ¹		transition → bridge	
pupitre (fr.) → music stand		treble	زیر

acoustic	صداآرایی	drone ¹	واخوان ¹
acoustic(al) instrument	ساز آکوستیکی	syn. bourdon ¹ (fr.)	
ad lib. (lat.) → ad libitum		drone ²	نغمه واخوان، واخوان ²
ad libitum (lat.)	به اختیار	syn. bourdon ² (fr.)	
abbr. ad lib. (lat.)		ear training	تربیت شنوایی
alto (it.)	آلتو	electric guitar	گیتار برقی
baguette (fr.) → baton		electric musical instrument	
bass ¹	باس	→ electronic instrument	
bass ²	بم	electro-acoustic music	
basso continuo (it.) → continuo		موسیقی الکتروآکوستیکی	
basso ostinato (it.) → ground bass		electronic instrument	ساز الکترونیکی
baton	چوب رهبر سازگان، چوب رهبر ارکستر	syn. electric musical instrument,	
syn. baguette (fr.)		electro-phonetic instrument	
bourdon ¹ (fr.) → drone ¹		electronic music	موسیقی الکترونیکی
bourdon ² (fr.) → drone ²		electrophones	برق صداها
bridge	پُل	electro-phonetic instrument	
syn. bridge passage, transition		→ electronic instrument	
bridge passage → bridge		envelope	پوش
cantino (it.)	سیم خوانش	episode	میانک
syn. chanterelle (fr.)		figured bass	باس عددی
chanterelle (fr.) → cantino		flageolet (fr.) → harmonic ²	
coda (it.)	ته بند	fundamental → fundamental tone	
codetta (it.)	ته بندک	fundamental tone	صوت اصلی
computer music	موسیقی رایانه‌ای	syn. fundamental	
continuo (it.)	باس ممتد	general bass → continuo	
syn. basso continuo, through bass,		ground → ostinato	
general bass		ground bass (it.)	باس مکرر
damper	میرانه	syn. basso ostinato	
syn. sordino		hammer	چکش
damper pedal → sustaining pedal		harmonic ¹	هماهنگ ¹
dead room	اتاق میرایی	syn. partial	

critical defective	نقص‌دار بحرانی	master plan	طرح کلی
destructive testing	آزمایش مخرب	syn. main plan	
equipment-intensive	ماشین‌بر	MD → man-day	
hold point	بازه انتظار	megaproject	کلان‌پروژه
implementation phase	مرحله پیاده‌سازی	MH → man-hour	
in scope	درون‌گستره	minor defect	نقص جزئی
kick-off meeting	نشست آغاز کار	minor defective	نقص‌دار جزئی
labor-intensive	کارگر‌بر	MM → man-month	
labor pool	کارگرگاه	mobilization	تجهیز
LCC → life cycle cost		MY → man-year	
letter of intent	قصدا نامه	non-destructive testing	آزمایش نامخرب
life cycle cost	هزینه چرخه عمر	out of scope	برون‌گستره
abbr. LCC		plant	تولیدگاه
liquidated damages	تاوان نقدی	progress	پیشرفت
long lead items	اقلام دیرآیند	progress measurement	سنجش پیشرفت
main plan → master plan		progress report	گزارش پیشرفت
major defect	نقص عمده	project implementation plan	برنامه پیاده‌سازی پروژه
major defective	نقص‌دار عمده	resource pool	منبعگان
man-day/man day	نفر-روز	site	ساختگاه
abbr. MD		site layout	چیدمان ساختگاه
man-hour/ man hour	نفر-ساعت	site mobilization	تجهیز ساختگاه، تجهیز کارگاه
abbr. MH		site preparation	آماده‌سازی ساختگاه
man-month/ man month	نفر-ماه	site works	کارهای ساختگاهی
abbr. MM			
manpower	نیروی انسانی		
manpower analysis	تحلیل نیروی انسانی		
manpower planning	برنامه‌ریزی نیروی انسانی		
man-year/man year	نفر-سال	absolute pitch ¹	گوش مطلق
abbr. MY		syn. perfect pitch	
		absolute pitch ²	نغمه مطلق

pruning strategy	راهبرد هرس	strategy execution	اجرای راهبرد
<i>syn.</i> product line pruning strategy		strategy formulation	تدوین راهبرد
public agency	دستگاه دولتی	strategy implementation	پیاده‌سازی راهبرد
public engagement	پایبندسازی عموم	support differentiation strategy	راهبرد تمایزبخشی پشتیبانی
<i>syn.</i> community engagement		target specialization strategy	
public ethics	اخلاق عمومی	→ product specialization strategy	
public expenditure	مخارج دولتی، هزینه‌های دولتی	transnational company	شرکت تراملی
<i>syn.</i> government expenditure		<i>syn.</i> transnational enterprise	
public interest	منافع عمومی	transnational enterprise	
public involvement	درگیرسازی عموم	→ transnational company	
public management	مدیریت دولتی	turnaround strategy	راهبرد احیا
public sector	بخش عمومی، بخش دولتی	undifferentiation strategy	راهبرد تمایزپرهیزی
public service	خدمات عمومی	vertical integration strategy	راهبرد فراگسترش عمودی
public trust	اعتماد عمومی	worldwide enterprise	
public value	ارزش عمومی	→ cross border company	
purpose	منظور		
quality differentiation strategy	راهبرد تمایزبخشی کیفی		
regulatory quality	کیفیت مقررات	مدیریت پروژه	
responsibility	مسئولیت		
responsiveness	پاسخ‌دهی	AFE	اِک
retrenchment strategy	راهبرد انقباض	application for expenditure	
stability strategy	راهبرد ثبات	→ authority for expenditure	
storiynomics	داستان‌آوری	authority for expenditure	اجازه‌نامه هزینه‌کرد
strategic action	کنش راهبردی	<i>syn.</i> application for expenditure,	
strategic alliance	هم‌پیمانی راهبردی	authorization for expenditure	
strategic capability	قابلیت راهبردی	authorization for expenditure	
strategic fit(ness)	برازش راهبردی	→ authority for expenditure	
strategic management	مدیریت راهبردی	capital-intensive	سرمایه‌بر
strategic planning	طرح‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی راهبردی	critical defect	نقص بحرانی

management by objectives	حکومت باز
abbr. MBO	مدیریت بر مبنای هدف
management by results	
	مدیریت بر مبنای نتیجه
management by walking about	
→ management by walking around	
management by walking around	
	مدیریت بر مبنای سرکشی
syn. management by wandering about,	
management by walking about	
management by wandering about	
→ management by walking around	
managerialism	مدیریت‌باوری
market development strategy	
	راهبرد ایجاد بازار
market penetration strategy	
	راهبرد رسوخ در بازار
market specialization strategy	
→ product specialization strategy	
MBE → management by exception	
MBO → management by objective	
MBWA	
→ management by walking around	
mission	مأموریت
MNC → multinational company	
multinational company	شرکت چندملیتی
abbr. MNC	
syn. multinatinal organization	
multinational organization	
→ multinational company	
objective	هدف
open government	
organizational strategy	
→ corporate strategy	
organizing	سازمان‌دهی
outcome	پیامد
plan	طرح، برنامه ^۱
policy	خطمشی، سیاست
policy adoption	پذیرش خطمشی، پذیرش سیاست
policy advocacy	جانبداری از خطمشی
policy analysis	تحلیل خطمشی
policy evaluation	ارزشیابی خطمشی
policy formulation	تدوین خطمشی، تدوین سیاست
policy implementation	پیاده‌سازی خطمشی
policy network	شبکه خطمشی
private sector	بخش خصوصی
syn. citizen sector	
private sector management	مدیریت بخش خصوصی
product development strategy	
	راهبرد خلق و بهبود محصول
product line pruning strategy	
→ pruning strategy	
product pruning	راهبرد هرس محصول
product specialization strategy	
	راهبرد تخصصی‌سازی
syn. market specialization strategy,	
target specialization strategy	
professional ethics	اخلاق حرفه‌ای
program/programme	برنامه ^۲

backward vertical integration strategy	راهبرد تمایزبخشی	differentiation strategy
راهبرد فراگسترش عمودی پس‌نگر		
business strategy	راهبرد تنوع‌بخشی	diversification strategy
راهبرد کسب‌وکار		راهبرد متنوع‌سازی،
central government	حکومت مرکزی	expansion strategy
		راهبرد انبساط
citizen sector → private sector		focus strategy
		راهبرد تمرکز
civil service	سازمان خدمات کشوری	forward vertical integration strategy
		راهبرد فراگسترش عمودی پیش‌نگر
community engagement		generic strategy
→ public engagement		راهبرد عام
compatibility	سازواری	global company
		شرکت جهانی
competency	شایستگی، صلاحیت	goal
		مقصد
concentric diversification strategy		government expenditure
راهبرد متنوع‌سازی همگون،		→ public expenditure
راهبرد تنوع‌بخشی همگون		
conglomerate diversification strategy		harvesting strategy
راهبرد متنوع‌سازی ناهمگون،		راهبرد سرمایه‌برداری
راهبرد تنوع‌بخشی ناهمگون		horizontal integration strategy
		راهبرد فراگسترش افقی
consequence	پایاند	image differentiation strategy
		راهبرد تمایزبخشی انگاره‌ای
corporate strategy	راهبرد سازمانی	international company
syn. organizational strategy		شرکت بین‌المللی
corruption	فساد	license
		مجوز
cost leadership strategy		licensing
راهبرد پیشگامی در کاهش هزینه		اعطای مجوز، مجوردهی
cross-border company	شرکت فرامرزی	syn. licensing agreement
syn. worldwide enterprise		licensing agreement → licensing
crowdsourcing	جمع‌سپاری	life cycle
		چرخه عمر
decentralization	تمرکززدایی	linear programming
		برنامه‌ریزی خطی
design differentiation strategy		abbr. LP
راهبرد تمایزبخشی طراحی		liquidation strategy
		راهبرد انحلال
design thinking	تفکر طراحی	local government
		حکومت محلی
		LP → linear programming
		management
		مدیریت
		management by exception
		abbr. MBE
		مدیریت بر مبنای استثنا

- semi-automatic gearbox**
abbr. SAT جعبه‌دنده نیمه‌خودکار
syn. semi-automatic transmission,
 clutchless manual transmission,
 automated manual transmission,
 trigger shift, flappy-paddle gear
 shift, paddle-shift gearbox
- semi-automatic transmission**
 → semi-automatic gearbox
- shifter fork** → shift fork
- shifter linkage** → gearchange linkage
- shifter mechanism**
 → gearchange linkage
- shift fork** ماهک
syn. selector fork, shifter fork,
 gear-selector fork, gearshift fork,
 gear-shifting fork, gearshift rod,
 gear-control fork, control fork,
 selector lever
- shift rail** → selector rod
- single-speed transmission¹**
 → continuously variable
 transmission
- single-speed transmission²**
 → variable-diameter pulley
- speed synchronizer** هم‌دورکننده، هم‌دورساز
syn. synchronizer, synchronesh
- standard transmission**
 → manual gearbox
- stator** → impeller
- stepless transmission¹**
 → continuously variable
 transmission
- stepless transmission²**
 → variable-diameter pulley
- sun-and-planet gears**
 → planetary gear set
- sun-and-planet gearset**
 → planetary gear set
- synchronesh** → speed synchronizer
- synchronesh gearbox**
 جعبه‌دنده هم‌دورکننده، جعبه‌دنده هم‌دورساز
syn. synchronesh transmission
- synchronesh transmission**
 → synchronesh gearbox
- synchronizer** → speed synchronizer
- TC** → torque converter
- third** → third gear
- third gear** دنده‌سه
syn. third
- throttle-position sensor**
abbr. TPS حسگر دریچه گاز
- tiptronic** → manumatic transmission
- toroidal continuously variable
 transmission** جعبه‌دنده پیوسته چنبره‌ای
abbr. toroidal CVT
syn. roller-based
 continuously variable transmission,
 full-toroidal continuously variable
 transmission

- output shaft → gearbox output shaft
- paddle-shift gearbox
→ semi-automatic gearbox
- parking pawl قفل جعبه‌دنده خودکار
- planetary continuously variable transmission جعبه‌دنده پیوسته سیاره‌ای
abbr. planetary CVT
- planetary CVT
→ planetary continuously variable transmission
- planetary gearbox جعبه دنده سیاره‌ای
syn. epicyclic gearbox,
planetary transmission,
epicyclic transmission
- planetary gears → planetary gear set
- planetary gear set چرخ‌دنده‌های سیاره‌ای
syn. sun-and-planet gearset,
planetary gears,
planetary gear system,
planetary gear train,
sun-and-planet gears
- planetary gear system
→ planetary gear set
- planetary gear train
→ planetary gear set
- planetary transmission
→ planetary gearbox
- primary shaft → gearbox input shaft
- pulley transmission¹
→ continuously variable transmission
- pulley transmission²
→ variable-diameter pulley
- ratcheting continuously variable transmission جعبه‌دنده پیوسته جفجغهای
abbr. ratcheting CVT
- ratcheting CVT
→ ratcheting continuously variable transmission
- reeves drive
→ variable-diameter pulley
- reverse → reverse gear
- reverse gear دنده عقب
syn. reverse
- reverse idler gear چرخ‌دنده هرزگرد،
چرخ‌دنده هرزگرد دنده عقب
- roller-based continuously variable transmission
→ toroidal continuously variable transmission
- rotor → impeller
- SAT → semi-automatic gearbox
- second → second gear
- second gear دنده دو
syn. second
- second-motion shaft → countershaft
- selector fork → shift fork
- selector lever → shift fork
- selector rail → selector rod
- selector rod میل‌ماهک
syn. shift rail, selector rail
- self-shifting transmission
→ automatic gearbox

gearshift rod → shift fork	manual gearbox	جعبه‌دنده دستی
half toroidal continuously variable transmission	abbr. MT	
جعبه‌دنده پیوسته نیم‌چنبره‌ای	syn. manual transmission,	
abbr. half toroidal CVT	manually-shifted transmission,	
half toroidal CVT	standard transmission	
→ half toroidal continuously variable transmission	manually-shifted transmission	
hydraulic torque converter	→ manual gearbox	
→ torque converter	manual transmission	
hydro-dynamic torque converter	→ manual gearbox	
→ torque converter	manumatic transmission	جعبه‌دنده خودکار-دستی
idling shaft → countershaft	syn. tiptronic	
impeller	MCTV	
پروانه مبدل گشتاور، درون‌رانه	→ magnetic continuously variable transmission	
syn. stator, turbine wheel,	MT → manual gearbox	
driving torus, driving member,	multi disk clutch/multidisc clutch	
rotor	→ multi-plate clutch	
infinitely variable transmission	multi plate → multi-plate clutch	
abbr. IVT	multi-plate clutch	کلاچ چندصفحه‌ای
جعبه‌دنده پیوسته نامحدود	syn. multiple-plate clutch,	
input shaft → gearbox input shaft	multi disk clutch, multiple-disk clutch, multi plate, multiple clutch	
intermediate shaft → countershaft	multiple clutch → multi-plate clutch	
IVT → infinitely variable transmission	multiple-disk clutch/multiple disk clutch → multi-plate clutch	
jaw clutch → dog clutch	multiple-plate clutch	
layshaft → countershaft	→ multi-plate clutch	
lock-up torque converter	oil cooler	خنک‌کن روغن، روغن‌سردکن
مبدل گشتاور قفل‌شو	syn. oil radiator	
lowest gear → first gear	oil radiator → oil cooler	
low gear → first gear		
magnetic continuously variable transmission		
abbr. MCTV		
جعبه‌دنده پیوسته مغناطیسی		
main shaft → gearbox output shaft		

driving torus → impeller	
dual-clutch transmission	
abbr. DCT	جعبه‌دنده دوکلاچه
syn. twin-clutch gearbox, double-clutch transmission	
dual-range gearbox	جعبه‌دنده دودامنه
syn. dual-range transmission	
dual-range transmission	
→ dual-range gearbox	
epicyclic gearbox	
→ planetary gearbox	
epicyclic transmission	
→ planetary gearbox	
fifth → fifth gear	
fifth gear	دنده پنجم
syn. fifth	
first → first gear	
first gear	دنده یک
syn. lowest gear, low gear, first, bottom gear	
flappy-paddle gear shift	
→ semi-automatic gearbox	
flexplate	
→ torque converter drive plate	
four speed → four-speed transmission	
four-speed gearbox	
→ four-speed transmission	
four-speed transmission	جعبه‌دنده چهارسرعت
syn. four-speed gearbox, four speed	
fourth → fourth gear	
fourth gear	دنده چهارم
syn. fourth	
full-toroidal continuously variable transmission	
→ toroidal continuously variable transmission	
gearbox	جعبه‌دنده
syn. transmission, gearcase	
gearbox housing	پوسته جعبه‌دنده
syn. gear housing	
gearbox input shaft	محور ورودی جعبه‌دنده
syn. input shaft, primary shaft	
gearbox main shaft	
→ gearbox output shaft	
gearbox output shaft	محور خروجی جعبه‌دنده
syn. output shaft, gearbox tailshaft, gearbox main shaft, mainshaft	
gearbox tailshaft	
→ gearbox output shaft	
gearcase → gearbox	
gearchange linkage	میله‌بندی تعویض دنده
syn. shifter linkage, shifter mechanism, gearchange mechanism	
gearchange mechanism	
→ gearchange linkage	
gear-control fork → shift fork	
gear housing → gearbox housing	
gear-selector fork → shift fork	
gearshift fork → shift fork	
gear-shifting fork → shift fork	

- automatic gearbox** جعبه‌دنده خودکار
syn. automatic transmission,
 automatic transmission system, AT,
 self-shifting transmission
- automatic gearbox brake**
 → automatic transmission brake
- automatic gearbox clutch disk**
 صفحه‌کلاچ جعبه‌دنده خودکار
syn. automatic transmission clutch disk
- automatic transmission**
 → automatic gearbox
- automatic transmission actuator**
 فعالگر جعبه‌دنده خودکار، فعالگر
- automatic transmission brake**
 ترمز جعبه‌دنده خودکار
syn. automatic gearbox brake
- automatic transmission clutch disk**
 → automatic gearbox clutch disk
- automatic transmission system**
 → automatic gearbox
- bell housing**
 → torque converter housing
- bottom gear** → first gear
- brake pedal position sensor**
 حسگر وضعیت پدال ترمز
- CKP** → crankshaft position sensor
- clutchless manual transmission**
 → semi-automatic gearbox
- cone continuously variable transmission** جعبه‌دنده پیوسته مخروطی
abbr. cone CVT
- cone CVT**
 → cone continuously variable transmission
- constantly variable transmission**
 → continuously variable transmission
- constant-mesh gearbox** جعبه‌دنده همه‌گرد
abbr. CVT
- continuously variable transmission** جعبه‌دنده پیوسته
syn. single-speed transmission¹,
 stepless transmission¹,
 pulley transmission¹, constantly variable transmission
- control fork** → shift fork
- countershaft** محور واسط جعبه‌دنده،
 محور واسط
syn. layshaft, intermediate shaft,
 idling shaft, second-motion shaft
- CP** → crankshaft position sensor
- crankshaft position sensor**
abbr. CP, CKP حسگر وضعیت میل‌لنگ
- CVT**
 → continuously variable transmission
- DCT** → dual-clutch transmission
- dog clutch** دنده‌چنگکی
syn. jaw clutch
- double-clutch transmission**
 → dual-clutch transmission
- drive plate** صفحه‌محرك
- driving member** → impeller

choke filter	پالایهٔ خفانشی، صافی خفانشی	conservation of mass	پایستگی جرم
syn. choke input filter		syn. conservation of matter	
choke input filter → choke filter		conservation of matter	
choke joint	پیوند خفانشی	→ conservation of mass	
circular motion	حرکت دایره‌ای	conservation of momentum	پایستگی تکانه
circular velocity	سرعت دایره‌ای	conservative force field	
coherence area	ناحیهٔ همدوسی		میدان نیروی پایستار
coherent optics	نورشناسی تابش همدوس، نورشناسی همدوس	conservative scattering	پراکندگی پایستار
coherent radiation	تابش همدوس	conservative system	سامانهٔ پایستار
coherent scattering	پراکندگی همدوس	conserved quantity	کمیت پایسته
coherent source	چشمهٔ همدوس	CP → candlepower	
colour filter	پالایهٔ رنگ، صافی رنگ	diagonal glide	سُرش قطری
colour temperature	دمای رنگ	diamond glide	سُرش الماسی
compound lens	عدسی مرکب	gamma-ray scattering	
compound nucleus	هستهٔ مرکب	→ Compton scattering	
Compton absorbtion	جذب کامپتون	glide	سُرش
Compton process		syn. slip	
→ Compton scattering		glide plane	صفحهٔ سُرش
Compton recoil	پس‌زنی کامپتون	heating value → calorific value	
Compton recoil particle	ذرهٔ پس‌زنی کامپتون	high-energy scattering	پراکندگی پُرانرژی
Compton scattering	پراکندگی کامپتون	incoherent scattering	پراکندگی ناهمدوس
syn. Compton process,		syn. noncoherent scattering	
gamma-ray scattering		light filter	پالایهٔ نور
Compton shift	جاب‌جایی کامپتون	neutron scattering	پراکندگی نوترون
configuration space	فضای پیکربندی	noncoherent scattering	
conservation of angular momentum		→ incoherent scattering	
	پایستگی تکانهٔ زاویه‌ای	slip → glide	
conservation of charge	پایستگی بار		
syn. charge conservation			
conservation of linear momentum			
	پایستگی تکانهٔ خطی		
		قطعات و اجزای خودرو	
		AT → automatic gearbox	
		automated manual transmission	
		→ semi-automatic gearbox	

alpha-particle scattering	پراکندگی ذرهٔ آلفا	center of mass system	دستگاه مرکز جرم
angular displacement	جابجایی زاویه‌ای	<i>syn.</i> center of momentum coordinate system, center-of-gravity coordinate system	
average acceleration	شتاب متوسط	center of momentum coordinate system → center of mass system	
average velocity	سرعت متوسط	center of oscillation	مرکز نوسان
axial glide	سُرُش محوری	Cerenkov counter	شمارگر چرنکوف
beam angle	زاویهٔ باریکه	Cerenkov radiation	تابش چرنکوف
beam diameter	قطر باریکه	characteristic radiation	→ characteristic X-ray
beam divergence	واگرایی باریکه	characteristic rays	→ characteristic X-ray
beam width	پهنای باریکه	characteristic X-ray	پرتو ایکس مشخصه
beat frequency	بسامد زنش	<i>syn.</i> characteristic rays, characteristic radiation	
bias	گرایستگی	charge conjugation	همیوگی بار
bias current	جریان گرایستی	charge conjugation operation	عمل همیوگی بار
bias oscillator	نوسانگر گرایستی	charge conservation	→ conservation of charge
bias resistor	مقاومت گرایستی	charge density	چگالی بار
bias voltage	ولتاژ گرایستی	charged particle	ذرهٔ باردار
bias winding	سیم‌پیچ گرایستی	charge exchange	تبادل بار
calorific value	ارزش گرمایی	charge invariance	ناوردایی بار
<i>syn.</i> heating value		charge neutrality	خنثایی بار
candlepower	توان شمعی	charge transfer	انتقال بار
<i>abbr.</i> CP		choke	خفانه
Celsius degree	درجهٔ سلسیوس	choke coil → choking coil	
Celsius scale	مقیاس سلسیوس	choking coil	پیچۀ خفانش
Celsius temperature scale	مقیاس دمای سلسیوس	<i>syn.</i> choke coil	
center of attraction	مرکز ربایش، مرکز جاذبه		
center-of-gravity coordinate system			
→ center of mass system			
center-of-mass coordinate system	دستگاه مختصات مرکز جرم		

online database	پایگاه‌دادهٔ برخط	system migration	سامانه‌گذاری
ORDBMS		stationary hotspot	چندرسانی ایستگاهی
→ object-relational database management system		sticker	چسبانقش
orientation sensor	حسگر راستا	transaction(al) database	پایگاه‌دادهٔ تراکنشی
padlette	رایانک‌گیر	tethering	تک‌رسانی اینترنت، تک‌رسانی
pedometer	گام‌شمار	syn. smartphone hotspots	
phishing	طعمه‌گذاری	UI redress attack → clickjacking	
power-aware	توان‌آگاه	UI redressing → clickjacking	
power-aware computing	رایانش توان‌آگاه	ultrasonic imaging	تصویربرداری فراصوتی
power bank	باتری‌پُرکن همراه	user interface redress attack	
radio determination	تعیین رادیویی	→ clickjacking	
ransomware	باچ‌افزار	visible light communications	
RDB → relational database		ارتباطات نورمرئی	
RDBMS	سامپادرا	syn. light fidelity, LI-FI	
relational database management system	سامانهٔ مدیریت پایگاه‌دادهٔ رابطه‌ای	VLC	ارنوم
relational database	پایگاه‌دادهٔ رابطه‌ای	website defacement	نماربایی وبگاه
abbr. RDB		Wi-Fi/WiFi/wifi	وفا، وای‌فای
screen mirroring	پخش آینه‌ای	syn. Wi-Fi technology	
SDN	شینا	Wi-Fi technology → Wi-Fi	
SDN controller	واشینا	wireless LAN	
smartphone hotspots → tethering		→ wireless local area network	
smombie	سربه‌گوشی	wireless local area network	
software bloat	فربهی نرم‌افزاری	abbr. wireless LAN	شبکهٔ داخلی بی‌سیم
software-defined networking		WLAN	شداب
شبکه‌سازی نرم‌افزاری			
software-defined networking controller	وایشگر شبکه‌سازی نرم‌افزاری		
source code	کد منبع	absolute temperature	دمای مطلق
spatial database		abundance	فراوانی
→ geographic database		accelerated particle	ذرهٔ شتاب‌دار
		alpha-particle detector	آشکارساز ذرهٔ آلفا

فیزیک

data migration	کوچاندن داده	ICS	هم‌رسانی
syn. database migration		IM worm	کرم پراف
dataset	مجموعه داده	instant messaging worm	
DB	پادا		کرم پیام‌رسانی فوری
DBMS	سامپاد	intelligent sensor	حسگر هوشمند
device-aware	افزازه آگاه	internet connection sharing	هم‌رسانی اینترنت
device awareness	افزازه آگاهی	irreversible compression	
distributed database	پایگاه داده توزیعی	→ lossy compression	
distributed transaction database	پایگاه داده تراکنشی توزیع شده	LI-FI → visible light communications	
e-book	رایاکتاب، رایاک	light fidelity	
facial expression analysis	حالت‌کاوی چهره	→ visible light communications	
facial identification system	سامانه تشخیص چهره	lossless compression	فشرده‌سازی بی‌اتلاف
fatware → bloatware ²		lossy compression	فشرده‌سازی بااتلاف
follower	دنبالگر	syn. irreversible compression	
full-text database	پایگاه داده تمام‌متن	m-governance → mobile-governance	
syn. complete text database		mobile broadband router	مسیریاب فراخ‌باند سیار
geographic database	پایگاه داده مکانی	mobile browser	مرورگر همراه
syn. geospatial database,		mobile computing	رایانش همراه
spatial database		mobile-governance	حاکمیت سیار
geospatial database		abbr. m-governance	
→ geographic database		mobile hotspot	چندرسانی همراه
gesture recognition	بازشناسی ایما	mobile malware	بدافزار تلفن همراه
hacktivism	رخنه‌کنشگری، رخنشگری	mobile virtual network operator	بهره‌بردار شبکه مجازی سیار
hacktivist	رخنه‌کنشگر، رخنشگر	motion sensor	حسگر حرکت
hierarchical database	پایگاه داده سلسله‌مراتبی، پایگاه داده پایگانی	MVNO	باکاس
honey pot	تله‌عسل	net neutrality	بی‌طرفی اینترنتی
hot spot/hotspot	چندرسانی اینترنت، چندرسانی	object-relational database management system	سامانه مدیریت پایگاه داده شیئی-رابطه‌ای
		abbr. ORDBMS	

privileged access	دسترسی ممتاز	analytic(al) database	پایگاه دادهٔ تحلیلی
Pyrrhonian skepticism	شکاکیت پیرونی	assisted-GPS	سامانهٔ موقعیت‌یاب جهانی یاری‌شده
<i>syn.</i> Pyrrhonism		bit rate	نرخ بیت
Pyrrhonism → Pyrrhonian skepticism		bloatware ¹	زائدافزار
reformed epistemology	معرفت‌شناسی اصلاح‌شده	bloatware ²	فربه‌افزار
religious epistemology	معرفت‌شناسی دینی	<i>syn.</i> fatware	
sceptic → skeptic /sceptic		blook	وب‌کتاب، وِتاب
sceptical → skeptical/sceptical		browser	مرورگر
scepticism → skepticism/scepticism		built-in appalication	برنامهٔ کاربردی توکار
scepticist → skeptic/sceptic		capacitive touch screen	صفحهٔ لمسی خازنی
skeptic (am.)/sceptic (br.)	شکاک	click ¹	کلیک
<i>syn.</i> scepticist		click ²	کلیک کردن
skeptical (am.)/sceptical (br.)	شکاکانه	clickjack attack → clickjacking	
skepticism (am.)/scepticism (br.)	شکاکیت	clickjacking	کلیک‌ربایی
social epistemology	معرفت‌شناسی اجتماعی	<i>syn.</i> user interface redress attack,	
theory of knowledge	نظریهٔ معرفت	UI redress attack, UI redressing,	
		clickjack attack	
		cognitive computing	رایانش شناختی
		cognitive system	سامانهٔ شناختی
		complete text database	
		→ full-text database	
		compression	فشرده‌سازی
		context-aware computing	رایانش بافت‌آگاه
		database	پایگاه‌داده، دادگان
		database index	نمایهٔ پایگاه‌داده
		database management system	سامانهٔ مدیریت پایگاه‌داده
		database migration → data migration	
		database schema	طرحوارهٔ پایگاه‌داده
		data compression	فشرده‌سازی داده‌ها
فناوری اطلاعات و ارتباطات			
AAC	کدپی		
accelerometer	شتاب‌سنج		
active database	پایگاه‌دادهٔ فعال		
ad hoc network	شبکهٔ موردی		
advanced audio coding	صوت‌کدگذاری پیشرفته، کدگذاری پیشرفتهٔ صوت		
A-GPS	ساموجی		
all-in-one computer	رایانهٔ یک‌تکه		
ALO	رایک		

episteme (gr.) → knowledge ²		gnoseology → epistemology	
epistemic	معرفتی	inferential justification	توجیه استنتاجی
epistemic accessibility	دسترس‌پذیری معرفتی	justification	توجیه
epistemic circularity	دور معرفتی	justified	موجه
epistemic community	اجتماع معرفتی	knowledge ¹	دانش
epistemic dependence	وابستگی معرفتی	knowledge ²	معرفت
epistemic entitlement	حق‌مندی معرفتی	syn. episteme (gr.)	
epistemic logic	منطق معرفت	metaphysical	مابعدالطبیعی
epistemic luck	بخت معرفتی	metaphysician	مابعدالطبیعه‌دان
epistemic permissibility	جواز معرفتی	metaphysics	مابعدالطبیعه
epistemic principle	اصل معرفتی	methodic doubt	شک روشی
epistemic privacy	خصوصی‌بودگی معرفتی	methodic skepticism	شکاکیت روشی
epistemic privilege	امتیاز معرفتی	method of doubt	روش شک
epistemics → epistemology		methodological skepticism	
epistemological	معرفت‌شناختی		شکاکیت روش‌شناختی
syn. gnoseological		motivational externalism	
epistemological externalism			برونی‌گرایی انگیزشی
	برونی‌گرایی معرفتی	motivational internalism	
epistemological internalism			درونی‌گرایی انگیزشی
	درونی‌گرایی معرفتی	naturalistic epistemology	
epistemologist	معرفت‌شناس		معرفت‌شناسی طبیعت‌گرا
epistemology	معرفت‌شناسی	naturalized epistemology	
syn. epistemics, gnoseology			معرفت‌شناسی طبیعی‌شده
ethical externalism	برونی‌گرایی اخلاقی	non-inferential justification	
ethical internalism	درونی‌گرایی اخلاقی		توجیه غیراستنتاجی
ethnoepistemology	قوم‌معرفت‌شناسی	noosphere	خردسپهر
evidentialism	بینه‌گرایی	ontological	هستی‌شناختی، وجودشناختی
fallibilism	خطا‌پذیرانگاری	ontological dependence	وابستگی وجودی
fideism	ایمان‌گرایی	ontological priority	تقدم وجودی
foundationalism	مبنا‌گرایی	ontologist	هستی‌شناس، وجودشناس
gnoseological → epistemological		ontology	هستی‌شناسی، وجودشناسی

megamall	آبربازار	walker	گام‌یار
mini beamer → pico projector		syn. walking frame	
mini-mall → strip mall		walking frame → walker	
mobile projector → pico projector		wristocat	زیرمچی
nomophobia	بی‌گوشی‌هراسی	zip-line/zip line	بندستره
personal teller machine → virtual teller machine		syn. Sypline, zip wire, aerial runway, aerial ropeslide, death slide, flying fox, foefie slide	
petshop	رامه‌فروشی	zipliner	بندستر
syn. pet store		ziplining	بندستری
pet store → petshop		zip wire → zip-line	
pico projector	ریزتاب		
syn. pocket projector, mobile projector, handheld projector, mini beamer			
plaza → mall			
pocket projector → pico projector			
PTM → virtual teller machine			
shopping centre ¹ → mall			
shopping centre ² → strip mall			
shopping mall → mall			
shopping plaza → strip mall			
strip mall	راسته‌بازار		
syn. shopping plaza, shopping centre ² , mini-mall			
Sypline → zip-line			
vending machine	خودبردار		
video teller machine → virtual teller machine			
virtual teller machine	خودبانک		
syn. video teller machine, VTM, personal teller machine, PTM			
VTM → virtual teller machine			
			فلسفه
		Academic skepticism	شکاکیت آکادمیایی
		advisory epistemology	
			معرفت‌شناسی رهنمودی
		a posteriori (lat.)	پسینی
		a priori (lat.)	پیشینی
		apriorism	پیشینی‌انگاری
		apriority	پیشینی‌بودگی
		Cartesian doubt	شک دکارتی
		Cartesian skepticism	شکاکیت دکارتی
		coherentism	انسجام‌گرایی
		conceptual dependence	وابستگی مفهومی
		conclusive justification	توجیه قاطع
		cosmogeny → cosmogony	
		cosmogony	کیهان‌زایش
		syn. cosmogony	
		cosmology	کیهان‌شناسی
		dependence	وابستگی

cold-water method		slow roast(ing)	کُندبرشته‌کاری
→ cold-water brewing method		solubles concentration → strength	
continuous roaster	برشته‌کن پیوسته	strength	غلظت
crack	ترق	syn. brew strength,	
cupper → coffee cupper		solubles concentration	
cupping → coffee cupping		tipping	سرسوزی
dark-roast(ed) coffee	قهوه تیره‌برشت	trowel	قاشقک برشته‌کاری
decaffeinated coffee	قهوه بدون کافئین	syn. coffee roaster sample spoon	
decaffeination	کافئین‌زدایی		
degree of roast → roast degree			عمومی
double drum roaster			
	برشته‌کن استوانه‌ای دوجداره	accessory	لوازم جانبی
drum roaster	برشته‌کن استوانه‌ای	aerial ropeslide → zip-line	
fast roast(ing)	تندبرشته‌کاری	aerial runway → zip-line	
flavour note	طعم‌یاد	bookazine	کتاب - مجله
fluid-bed roaster	برشته‌کن بسترسیال	campaign ¹	پویش
fresh-roast(ed) coffee	قهوه تازه‌برشت	campaign ²	کارزار
hopper → bean hopper		celebrity	چهره
light-roast(ed) coffee	قهوه روشن‌برشت	centre/center → mall	
master roaster	استاد برشته‌کار	corn dog/corndog	سوسیس چوبی
syn. roast master		death slide → zip-line	
medium-roast(ed) coffee	قهوه میان‌برشت	flying fox → zip-line	
roast defect	عیب برشته‌کاری	foefie slide → zip-line	
roast degree	درجه برشتگی	geckopod	پاپنجه‌ای
syn. degree of roast		handheld projector → pico projector	
roaster	برشته‌کار	headset	سرافزار
roastery	کارگاه برشته‌کاری	incubator	مرکز رشد
roast master → master roaster		item	برنامک
roast profile	نمودار برشته‌کاری	itemize	برنامک‌بندی
scorching	نقطه‌سوزی	mall	بازار بزرگ
single-origin coffee/single origin coffee	قهوه تک‌خاستگاه	syn. shopping mall, shopping centre ¹ ,	
		plaza, centre	

fruit bread	نان میوه‌ای	
fruit leather	لواشک	علوم و فناوری غذا - شاخه قهوه‌پژوهی
granulated sugar	شکر دانه‌ای	
granulometry	دانه‌سنجی	batch roaster برشته‌کن ناپیوسته
GRAS status	ایمن‌انگاشتی	bean hopper قیف تغذیه
HACCP → hazard analysis critical control points		syn. hopper
hardening	سختی‌دیگی	blend → blended coffee
hard-to-cook defect	نقص دیرپزی	blended coffee قهوه ترکیبی
Haugh score	درجه تازگی	syn. coffee blend, blend
hazard analysis critical control points		blending ترکیب‌سازی قهوه
abbr. HACCP	تحلیل خطر نقاط بحرانی واپایش	brew strength → strength
headspace analysis	سنجش سرفضا	coffee blend → blended coffee
health claim	ادعای سلامتی	coffee cupper قهوه‌آزما
health hazards	مخاطرات سلامتی	syn. cupper
heat stability	پایداری گرمایی	coffee cupping قهوه‌آزمایی
syn. thermostability, thermal stability		syn. cupping
hydration status	وضعیت آبداری	coffee mix قهوه فوری مخلوط
hydrocooling	آب‌خنک‌سازی	coffee roaster برشته‌کن قهوه، برشته‌کن
hydrometer	آب‌سنج	coffee roaster sample spoon → trowel
hydrometry	آب‌سنجی	coffee roasting برشته‌کاری قهوه
open dating	تاریخ‌زنی دقیق	coffee roasting machine دستگاه برشته‌کنی
pitted	هسته‌گرفته	cold brew ¹
syn. stone removed		→ cold-water brewing method
pitting	هسته‌گیری ^۱	cold brew ² قهوه سرددم
stone removed → pitted		syn. cold-brewed coffee,
stoning	هسته‌گیری ^۲	cold brew coffee
thermal stability → heat stability		cold brew coffee → cold brew ²
thermostability → heat stability		cold brew coffeemaker سرددم‌آور قهوه، سرددم‌آور
wet milling	آسیا کردن مرطوب	cold-brewed coffee → cold brew ²
		cold-water brewing method سرددم‌آوری
		syn. cold brew ¹ , cold-water method

RPG operator	آرپی‌جی‌زن	cooking properties	خواص پخت
scouting	دیدهوری	corer	مغزه‌گیر
shockwave stricken	موجی	coring	مغزه‌گیری
signal lamp → Aldis lamp		cornflake	پرک ذرت
silent running	کارکرد بی‌صدا	creamery → dairy factory	
sonic depth finder	عمق‌یاب صوتی	critical control points	نقاط بحرانی واپایش
SORD → submerged ordnance recovery device		<i>abbr.</i> CCP	
starboard	به‌راست!، راست!	dairy → dairy factory	
steaming → mugging		dairy factory	کارخانه لبنیات
submarine haven	ایمن‌گاه زیردریایی	<i>syn.</i> creamery, dairy	
submerged ordnance recovery device		date marking → dating	
<i>abbr.</i> SORD	بازیاب مهمات غوطه‌ور	dating	تاریخ‌زنی
suppressing fire → covering fire		<i>syn.</i> date marking	
tanking area		deaeration → degassing	
→ air-to-air refueling area		debitting	تلخی‌زدایی
total war	جنگ تمام‌عیار	debranning	سبوس‌گیری
underwater demolition	تخریب زیرآبی	decaffeinated coffee	قهوه بدون کافئین
visit and search	بازدید و بازرسی	decaffeinated tea	چای بدون کافئین
war stricken	جنگ‌زده	decaffeination	کافئین‌زدایی
<i>syn.</i> war torn		degassing	گاززدایی
war torn → war stricken		<i>syn.</i> deaeration	
		depositor	تقسیم‌گر
		depuration	ناخالصی‌زدایی
		desalting	نمک‌زدایی
		dewatering	آبکش کردن
		dispensing	رهایش
		dispenser	رهانه
		drinking yoghurt	نوش‌ماست
		drip loss	اتلاف چکه‌ای
		farmed fish	ماهی پرورشی
		fish paste	خمیر ماهی

علوم و فناوری غذا

best if use by	بهترین زمان مصرف تا
CCP → critical control points	
code dating	شناسه‌زنی
cook chill foods	غذاهای آماده سرد
cook chill processing	فراوری سردپخت
cooking loss	اُفت پخت‌زاد

direct support artillery	توپخانه کمک مستقیم	fuel flowmeter	جریان سنج سوخت
distribution point	نقطه توزیع	fuel jettison(ing)	سوخت پرتابی
dual granulation	باروت دودانه	syn. fuel dumping	
endless war → perpetual war		gait recognition	گام شناسی
escort guard	مأمور بدرقه	harness	سپربافه
face identification	تشخیص چهره	hit and run/hit-and-run	تصادف و گریز
face image synthesis	تصویرسازی چهره	IFRA → air-to-air refueling area	
face pose recognition	وضعیت شناسی چهره	ignition harness	سپربافه گیرانش
face recognition	بازشناسی چهره	inboard	درون سو
face reconstruction	بازسازی چهره	in-flight refueling area	
facial expression analysis	حالت کاوی چهره	→ air-to-air refueling area	
facial identification system		initial → initial approach	
	سامانه تشخیص چهره	initial approach	تقرب آغازین
field note/fieldnote	یادداشت میدانی	syn. initial	
firing pass	عبور با آتش	jet wash/jetwash	جت شار
flank	پهلوی	labor pool	کارگرگاه
flanker	پهلودار	landing pattern	دور فرود
flank guard	پهلویان	Morse lamp → Aldis lamp	
flanking fire	آتش پهلویی	mugging	زورگیری
flanking maneuver	جولان پهلویی	syn. steaming	
flanking movement	حرکت پهلویی	orbit ¹	چرخ زنی
flanking observation	دیدهبانی پهلویی	orbit ²	مسیر چرخ زنی
flight clearance	اجازه پرواز	outboard	برون سو
syn. clearance		passive probe	مأمور غیرعامل
flight follow-up	تعقیب پرواز	perpetual war	جنگ ادامه دار
flight simulator	شبیه ساز پرواز	syn. endless war, forever war	
footstep identification	تشخیص ردپا	port	به چپ!، چپ!
footstep verification	تأیید ردپا	preliminary demolition target	هدف انهدامی جنبی
forever war → perpetual war		radar control	واپایش راداری
fuel dope	بهسوز	reverse flow region	بخش و اشارش
fuel dumping → fuel jettison			

vagnial plethysmography	حجم‌نگاری زهراه	allograph	جعل‌نگاشت
wife rape → marital rape		amidships	میانه شناور
woman-on-top position	قرارگیری زن‌رو	assault echelon	رده هجومی
<i>syn.</i> female superior position		assault fire	آتش هجومی
علوم نظامی		bait and bleed	تحریک و درگیرسازی
AARA → air-to-air refuelling area		balance chamber	محفظه توازن
absolute war	جنگ مطلق	bare base	پایگاه صحرایی
aerial gunnery	شلیک هوایی	barrier engagement	بازدارگیری
aerial refueling area		basic flying training	آموزش پرواز پایه
→ air-to-air refueling area		battle damage assessment	
after body	بدنه پاشنه		ارزیابی خسارت نبرد
agreed point	نقطه توافقی	battle of annihilation	نبرد انهدامی
agricultural aeronautics		BDA → bomb damage assessment	
→ agronautics		BFT	آپ‌پ
agronautics	هواکشاورزی	Blitzkrieg(de)/blitzkrieg	حمله برق‌آسا
<i>syn.</i> agricultural aeronautics		bomb damage assessment	
air-control ship	ناو واپایش هوایی	<i>abbr.</i> BDA	ارزیابی خسارت بمباران
air defense warning conditions		CAS	پان
	وضعیت‌های هشدار پدافند هوایی	chemical survey	شیمی‌کاوی
air land operation(s)	عملیات هوا-زمین	claims officer	افسر شکایات
air parity	برابری هوایی	clearance → flight clearance	
air refueling area		clear and hold	پاک‌سازی و تأمین
→ air-to-air refueling area		close air support	پشتیبانی هوایی نزدیک
air-to-air refueling area		close control	واپایش کامل
<i>abbr.</i> AARA	منطقه سوخت‌رسانی هوایی	communication operator	متصدی ارتباطات
<i>syn.</i> aerial refueling area,		covering fire	آتش پوششی
air refueling area, in-flight		<i>syn.</i> suppressing fire	
refueling area, IFRA, tanking area		DEFCON	واپد
Aldis lamp	چراغ مخابره آلدیس	defense readiness condition	
<i>syn.</i> signal lamp, Morse lamp			وضعیت آمادگی پدافندی
		demolition operator	تخریب‌چی

feminizing test syndrome		premenstrual tension	
→ testicular feminization syndrome		→ premenstrual syndrome	
footjob	پاکام‌دهی	professional-client sexual relation	رابطه جنسی مُراجع - متخصص
fornication	زنا	rape counseling	مشاوره تجاوز
handjob	دست‌کام‌دهی	rear entry position	قرارگیری از پشت
homosexual panic	هول همجنس‌گرایانه	<i>syn. doggy style</i>	
infibulation	فَرَج‌دوزی	scatologia	مستهجن‌گویی
lateral coital position	قرارگیری یک‌سویه	scatophilia	مدفوع‌کامی
man-on-top position	قرارگیری مردرو	<i>syn. coprophilia</i>	
marital rape	تجاوز به همسر	sensate focus therapy	درمان حس‌مدار
<i>syn. spousal rape, wife rape</i>		sex crime	جرم جنسی
master	ارباب	sexism	جنسیت‌نگری
micromastia	کوچک‌پستانی	sex position	قرارگیری کامشی، قرارگیریس
missionary position	قرارگیری سنتی	sexual assault	تعرض جنسی
mistress → dominatrix		sexual burnout syndrome	نشانگان فرسودگی جنسی
morning-after pill	قرص صبح بعد	sexual capital	سرمایه جنسی
naturism → nudism		<i>syn. erotic capital</i>	
nudism	برهنه‌گرایی	sex(ual) ethics¹	اخلاق‌شناسی جنسی
<i>syn. naturism</i>		sex(ual) ethics²	اخلاق جنسی
paraphiliac interests	رغبت‌های کژکامانه	sexual imprinting	نقش‌بست جنسی
penile plethysmography	حجم‌نگاری آلت	sexual violence	خشونت جنسی
<i>abbr. PPG</i>		side-by-side sex position	قرارگیری همبر
<i>syn. phallometry</i>		slave	برده
penilingus → fellatio		spousal rape → marital rape	
phallometry		statutory rape	تجاوز به صغیر
→ penile plethysmography		stop-start technique	روش ایست - آغاز
PPG → penile plethysmography		testicular feminization syndrome	نشانگان زنانه‌شدگی بیضه‌ای
premenstrual stress syndrome		<i>syn. feminizing test syndrome</i>	
→ premenstrual syndrome			
premenstrual syndrome	نشانگان پیش‌قاعدگی		
<i>syn. premenstrual stress syndrome,</i>			
premenstrual tension			

- spherical polar coordinates
→ spherical coordinate system
- stake resistance مقاومت تیرک
- sun-synchronous orbit مدار خورهمگام،
مدار خورشیدآهنگ
- suppressed layer لایه پنهان
- tectonic earthquake زمین‌لرزه زمین‌ساختی
- time history تاریخچه زمانی
- topocentric coordinates
→ topocentric coordinate system
- topocentric coordinate system
دستگاه مختصات ناظرمرکز
syn. topocentric coordinates
- transcurrent fault گسل تراگذر
- transfer function تابع انتقال
- transform fault گسل تراذیسی
- transtension تراکشش
- true resistivity مقاومت ویژه حقیقی
- vertical component filter صافی مؤلفه قائم
- علوم سلامت**
- acquaintance rape تجاوز به آشنا
- adultery زناى محصنه، زناى محصن
- AIS
→ androgen-insensitivity syndrome
- androgen-insensitivity syndrome
abbr. AIS نشانگان بی‌حساسیتی به نرزا
- androgynous gender role نقش جنسیتی زن‌امردی
syn. androgynous sex role
- androgynous sex role
→ androgynous gender role
- anilinctus → anilingus
- anilingus مقعدلیسی
syn. anulingus, anilinctus
- anulingus → anilingus
- CAT → coital alignment technique
- coital alignment technique
abbr. CAT روش نزدیکی هم‌راستا
- coital position قرارگیری جماعی
- coitus intra mammas کامش بین پستانی
- conventional position قرارگیری متعارف
- coprophilia → scatophilia
- cunnilinctio → cunnilingus
- cunnilinctio → cunnilingus
- cunnilinctus → cunnilingus
- cunnilingam → cunnilingus
- cunnilingus فرج‌لیسی
syn. cunnilinctio, cunnilinctio,
cunnilinctus, cunnilingam
- doggy style → rear entry position
- dominatrix ملکه
syn. mistress
- emergency contraceptive pill قرص ضدبارداری اضطراری
- erotica شهوت‌نگاره
- erotic capital → sexual capital
- fellatio قضیب‌لیسی
syn. penilingus
- female superior position
→ woman-on-top position

polarity-chronostratigraphic unit	واحد گاه‌چینه‌نگاشتی قطبایی	prime meridian	نصف‌النهار مینا
polarity epoch	دور قطبایی	pulse induced polarization method	روش قطبش تپ‌القایی
polarity event	رویداد قطبایی	syn. pulse potential, direct current	
polarity interval	بازه قطبایی	pulse, simply pulse method	
polarity period	دوره قطبایی	pulse potential → pulse induced polarization method	
polarity reversal	وارونگی قطبایی	regional gravity	گرانی منطقه‌ای
syn. field reversal, geomagnetic		relative apparent resistivity	مقاومت‌ویژه ظاهری نسبی
polarity reversal, magnetic polarity reversal, magnetic reversal, reversal		relative thickness	ضخامت نسبی
polarity-reversal horizon	افق وارونگی قطبایی	residual gravity	گرانی باقی‌مانده
syn. polarity-change horizon, magnetostratigraphic polarity-reversal horizon		reversal → polarity reversal	
polarity rock-stratigraphic unit		reversal time-scale	
→ magnetopolarity unit		→ polarity time-scale	
polarity subchron	زیرگاه قطبایی	rotational remanent magnetism	
polarity superchron	آبرگاه قطبایی	abbr. RRM	مانده مغناطش چرخشی
polarity time-scale	مقیاس زمان قطبایی	RRM	
syn. magnetostratigraphic time-scale, geomagnetic reversal timescale, reversal time-scale		→ rotational remanent magnetism	
polarity transition period	دوره گذار قطبایی	seismogenic structure	ساختار لرزه‌زا
pore pressure	فشار منفذی	seismological parameter	پارامتر لرزه‌شناختی
syn. pore-water pressure, neutral pressure, neutral stress		self-exciting dynamo	دینام خودانگیخته
pore-water pressure → pore pressure		simply pulse method → pulse induced polarization method	
primary surface rupture	گسیخت سطحی اصلی	spherical coordinates	
		→ spherical coordinate system	
		spherical coordinate system	دستگاه مختصات کروی
		syn. spherical coordinates, spherical polar coordinates	
		spherical divergence	واگرایی کروی

half-width method	روش نیم‌پهنا	magnetic field logging	
heading correction	تصحیح سوگیری	abbr. MFL	نگاره‌برداری میدان مغناطیسی
heliocentric coordinates		magnetic induced polarization method	
→ heliocentric coordinate system		abbr. MIP	روش قطبش القامغناطیسی
heliocentric coordinate system		magnetic model	مدل مغناطیسی
	دستگاه مختصات خورشیدمرکز،	magnetic polarity reversal	
	دستگاه مختصات خورمرکز	→ polarity reversal	
	syn. heliocentric coordinates	magnetic reversal → polarity reversal	
horizontal component filter		magnetopolarity unit	واحد مغناطیابی
	صافی مؤلفه افقی	syn. polarity rock-stratigraphic unit,	
hot spot	نقطه داغ	magnetostratigraphic polarity unit	
hydrostatic stress	تنش آب‌ایستایی	magnetostratigraphic polarity-reversal	
image area	ناحیه تصویر	horizon → polarity-reversal horizon	
image gather	گردآورد تصویر	magnetostratigraphic polarity unit	
image log	تصویرنگاره	→ magnetopolarity unit	
induced magnetic anomaly		magnetostratigraphic time-scale	
	بی‌هنجاری مغناطیسی القایی	→ polarity time-scale	
lithostatic stress	تنش سنگ‌ایستایی	MFL → magnetic field logging	
magnetic anomaly amplitude		MIP → magnetic induced polarization	
	دامنه بی‌هنجاری مغناطیسی	method	
magnetic anomaly shape		moving-source method	روش چشمه‌متحرک
	نمود بی‌هنجاری مغناطیسی	natural radio-frequency interference	
magnetic anomaly wavelength			تداخل بسامدرادیویی طبیعی
	طول موج بی‌هنجاری مغناطیسی	neutral pressure → pore pressure	
magnetic compensation system		neutral stress → pore pressure	
	سامانه جبران مغناطیسی	off time	زمان قطع
magnetic component filter		polarity-change horizon	
	صافی مؤلفه مغناطیسی	→ polarity-reversal horizon	
magnetic corrections	تصحیح‌های مغناطیسی	polarity chron	گاه قطبایی
magnetic domain	حوزه مغناطیسی	polarity-chronologic unit	
magnetic elevation	ارتفاع مغناطیسی		واحد گاه‌شناختی قطبایی

altiplano	فرازدشت	cosine correction	تصحیح کسینوسی
syn. altiplanicie		design earthquake	زمین‌لرزه طراحی
amplitude anomaly	بی‌هنجاری دامنه	design ground motion	زمین‌جنبش طراحی
anomaly amplitude	دامنه بی‌هنجاری	dipole moment per unit volume	
auroral frequency	بسامد شفق		گشتاور دوقطبی یکاحجمی
biomagnetism	زیست‌مغناطیس	direct current pulse	
blocking volume	حجم بندالی	→ pulse induced polarization	
borehole magnetics	مغناطیس درون‌چاهی	method	
brittle behavior	رفتار شکننده	ductile behavior	رفتار شکل‌پذیر
Bullard B correction	تصحیح بولارد بی	dynamo effect	اثر دینام
syn. Bullard B gravity correction		dynamo theory	نظریه دینام
Bullard B gravity correction		electrical basement	پی‌سنگ الکتریکی
→ Bullard B correction		equivalent layer	لایه هم‌ارز
celestial coordinates		field reversal → polarity reversal	
→ celestial coordinate system		fixed-source method	روش چشمه ثابت
celestial coordinate system		fixed wing survey	برداشت بال‌اتصال
	دستگاه مختصات سماوی	geodynamo	زمین‌دینام
syn. celestial coordinates		geomagnetic polarity reversal	
central meridian	نصف‌النهار مرکزی	→ polarity reversal	
abbr. CM		geomagnetic reversal	
civil day	روز رسمی		وارونگی زمین‌مغناطیس
civil time	زمان رسمی	geomagnetic reversal timescale	
CM → central meridian		→ polarity time-scale	
Cole-Cole plot	نمودار کل - کل	geometrical spreading	گسترش هندسی
common-image gather	گردآورد هم‌تصویر	Goussev filter	صافی گوسف
comparative interpretation		GRM → gyroremanent magnetization	
	تفسیر مقایسه‌ای	ground magnetic intensity	
complete Bouguer field	میدان بوگه کامل		شدت مغناطیسی زمین
confining pressure	فشار همه‌سویه	ground magnetometer	مغناطیس‌سنج زمینی
correction of magnetic data		gyroremanent magnetization	
	تصحیح داده‌های مغناطیسی	abbr. GRM	مانده‌مغناطش چرخایی

indented key	کلید دندان‌های	transverse dehiscence	شکفتگی عرضی
introrse dehiscence	شکفتگی درون‌افشان	type	مونه
involucel	گریبانک	syn. type specimen	
involucre	گریبان	type specimen → type	
isotype	جورمونه	unistomal	تک‌روزی
key	کلید	unitegmia	تک‌پوششی
latrorse dehiscence	شکفتگی کنارافشان	valvular dehiscence	شکفتگی کفه‌ای
lead	نیم‌بند	voucher specimen	نمونه شاهد
lectotype	گزین‌مونه	xylarium	چوبکده
longitudinal dehiscence	شکفتگی طولی		
monograph	تک‌نگاشت	ژئوفیزیک	
monothecal	تک‌خانگی	absolute station	ایستگاه مطلق،
neotype	نومونه		ایستگاه گرانی مطلق
nomenclatural type	مونه نامگانی	aerogravimetry → aerogravity	
numbered key	کلید شماره‌ای	aerogravity	گرانی‌سنجی هوایی
paratype	پرامونه	syn. airborne gravity, aerogravimetry	
polyclave key	کلید بس‌شناسه‌ای	aerogravity corrections	
pore	منفذ		تصحیح‌های گرانی‌سنجی هوایی
poricidal	منفذشکاف	airborne gravimeter	گرانی‌سنج هواپرد
poricidal capsule	پوشینه منفذشکاف	syn. airborne gravity meter	
sarcotesta	دانه‌پوش گوشتی	airborne gravity → aerogravity	
sensu lato (lat.)	با دید وسیع	airborne gravity meter	
sensu stricto (lat.)	با دید باریک	→ airborne gravimeter	
specimen	نمونه	Airy hypothesis	فرضیه ایری
synonym	مترادف	Alpides → Alpine-Himalayan belt	
syntype	هم‌مونه	Alpine-Himalayan belt	کمربند آلپ - هیمالایا
tautonym	هم‌تنام	syn. Alpides	
taxonomic key	کلید آرایه‌شناختی	Alpine-Himalayan orogeny	
taxonomic revision	بازنگری آرایه‌شناختی		کوه‌زایی آلپی - هیمالایی
tenuinucellate	کم‌خورش	altiplanicie → altiplano	
theca	خانک		

cloverleaf model	مدل برگ‌شبدری	helix	مارپیچ
complementation test	آزمون تکمیل‌سازی	helix-loop-helix	مارپیچ-حلقه-مارپیچ
complete linkage	پیوستگی کامل	abbr HLH	
complex locus	مکانه مرکب	HGP	طژا
complex trait	صفت پیچیده	HLH → helix-loop-helix	
conditional mutation	جهش شرطی	HR → hairpin ribozyme	
continuous variation	گوناگونی پیوسته	human genome project	طرح ژنگان انسان
cruciform DNA	بنای چلیپایی	incomplete linkage	پیوستگی ناکامل
cruciform structure	ساختار چلیپایی	inverted repeat	تکراری ناهم‌سو
direct repeat	تکراری هم‌سو	abbr. IR	
abbr. DR		inverted terminal repeat	تکراری ناهم‌سوی پایانی
discontinuous variation	گوناگونی ناپیوسته	IR → inverted repeat	
DNA duplex → double-stranded DNA		lariat RNA	رنای کمندی
double crossover/double crossing-over	دوچلیپایی	LCR	ناتم
syn. double exchange		linker DNA	بنای پیونده
double exchange → double crossover		linking number	شمار پیوندش
double helix	مارپیچ دوگانه	locus	مکانه
double-stranded DNA	بنای دورشته‌ای	locus control region	ناحیه تنظیم مکانه
abbr. dsDNA		map unit	واحد نقشه
syn. DNA duplex, duplex DNA		micromutation → point mutation	
DR → direct repeat		migration coefficient	ضریب مهاجرت
dsDNA → double-stranded DNA		mutation rate	آهنگ جهش
dual-effect mutation → polar mutation		negative supercoiling	اُبرپیچش منفی
duplex DNA → double-stranded DNA		syn. underwinding	
dyad	دوتایه	neutral mutation	جهش خنثی
environmental variance	وردایی محیطی	nonrandom mating	آمیزش انتخابی
hairpin loop	حلقه سنجاق‌سری	overwinding → positive supercoiling	
hairpin ribozyme	رنایم سنجاق‌سری	pangenesi	تمام‌زایش
abbr. HR		phenotypic variance	وردایی رخ‌نمودی
hammerhead ribozyme	رنایم سرچکشی	point mutation	جهش نقطه‌ای
		syn. micromutation	

herringbone mark → chevron mark		polygonal structure	ساختار چندضلعی
hinterland	پس‌بوم	polymorphic transformation	تبدیل چندریختی
syn. backland		pore pressure	فشار منفذی
hot spot	نقطه داغ	syn. pore-water pressure,	
hydrostatic stress	تنش آب‌ایستایی	neutral pressure, neutral stress	
ichnofabric	ایزبافتار	pore-water pressure → pore pressure	
impact mark	اثر برخورد، نشان برخورد	prod mark → impact mark	
syn. prod mark		ptygmatic fold	چین رودهای
incremental strain	کرنش افزایشی	rain print	اثر باران
interlimb angle	زاویه میان‌یالی	reclined fold	چین کژیده
intrafolial fold	چین میان‌برگه‌ای	scour mark	اثر کندگی
lithostatic stress	تنش سنگ‌ایستایی	shattering	خردشدگی
load cast	قالب وزنی	sheath fold	چین نیامی
metamorphic facies	رخساره دگرگونی	siliciclastic sediment	رسوب سیلیس‌آواری
syn. mineral facies, densofacies		similar fold	چین همسان
metamorphic subfacies	زیررخساره دگرگونی	stabilized dune → anchored dune	
mineral facies → metamorphic facies		subfacies	زیررخساره
mullion structure	ساختار موجی	submarine weathering → halmyrolysis	
neomorphism	نورختی	subsidiary fold → parasitic fold	
neutral fold	چین خنثی	synform	ناوگون
neutral pressure → pore pressure		tectonic denudation	برهنه‌شدگی زمین‌ساختی
neutral stress → pore pressure		tool mark	اثر شیء
noncoaxial	ناهم‌محور	transcurrent fault	گسل تراگذر
noncoaxial progressive deformation	دگرشکلی پیش‌رونده ناهم‌محور	transform fault	گسل ترادپسی
olistolith	لغزیده‌سنگ	transtension	تراکشش
olistostrome	لغزیده‌چینه	زیست‌شناسی - شاخه ژئوشناسی	
paleokarst	دیرینه‌کارست	و زیست‌فناوری	
syn. buried karst		additive variance	وردایی افزایشی
paleokarstic surface	سطح دیرینه‌کارستی	circular DNA	دناى حلقوی
parasitic fold	چین کهن	cis-trans test	آزمون سیس-ترانس
syn. subsidiary fold			

anchored dune	تل‌ماسه مهارشده	denudation	برهنه‌شدگی
syn. fixed dune, established dune, stabilized dune		desiccation crack	ترک خشکیدگی
anemoclast	بادآوار	syn. drying crack	
anemoclastic	بادآواری	deviatoric stress	تنش انحرافی
anemoclastic rock	سنگ بادآواری	differential compaction	تراکم تفریقی
angular shear	بُرش زاویه‌ای	dish structure	ساختار بشقابی
antiform	طاق‌گون	drying crack → desiccation crack	
axial trace	اثر محوری	dúctile behavior	رفتار شکل‌پذیر
backland → hinterland		established dune → anchored dune	
backlimb	پس‌یال	fenestral porosity	تخلخل روزنه‌ای
brittle behavior	رفتار شکننده	syn. fenestra porosity,	
buried karst → paleokarst		fenestrule porosity	
chattermark/chatter mark	نشان هلالی	fenestra porosity → fenestral porosity	
syn. crescentic mark		fenestrule porosity	
chevron mark	نشان جناغی	→ fenestral porosity	
syn. herringbone mark		fixed dune → anchored dune	
chickenwire structure	ساختار لانه‌مرغی	flame structure	ساختار شعله‌ای
coalescive neomorphism	نوربختی یکپارچه	foredeep	پیش‌گودال
coaxial	هم‌محور	foreland	پیش‌بوم
coaxial progressive deformation		foreland basin	حوضه پیش‌بوم
	دگرشکلی پیش‌رونده هم‌محور	forelimb	پیش‌یال
cone-in-cone structure		frost shattering	خُرُدشدگی یخبندانی
	ساختار مخروط در مخروط	syn. gelifraction	
confining pressure	فشار همه‌سویه	gelifraction → frost shattering	
crescentic mark → chattermark		gutter cast	قالب ناودانکی
crest line	خط ستیغ	halmyrolysis	دگرسانی زیردریایی
current mark(ing)	نشان جریان	syn. halmyrosis, submarine weathering	
curtain fold	چین پرده‌ای	halmyrosis → halmyrolysis	
degrading neomorphism	نوربختی کاهش‌ی	hemipelagic deposit	نهشته نیمه‌دریامیانی
densofacies → metamorphic facies		syn. hemipelagic sediment	
		hemipelagic sediment	
		→ hemipelagic deposit	

participle	صفت فعلی	suppletive	مکمل
past participle	صفت مفعولی	toponym	جای‌نام
pejoration	تنزل معنایی	toponymic	جای‌نام‌شناختی
<i>syn. degeneration, deterioration</i>		toponymist	جای‌نام‌شناس
pejorative	تنزلی	toponymy ¹	جای‌نام‌شناسی
percolation	تراوش	toponymy ²	جای‌نامگان
phonetic attrition → attrition		typological	رده‌شناختی
plural	جمع	typological change → typological shift	
present participle	صفت فاعلی فعلی	typological classification	
real time	زمان واقعی، زمان تقویمی		طبقه‌بندی رده‌شناختی
real time study	بررسی زمان واقعی	typological distance	فاصله رده‌شناختی
reinforcement	تقویت	typological harmony	هماهنگی رده‌شناختی
semantic bleaching → bleaching		typological isogloss	گویه‌مرز رده‌شناختی
semantic depletion → bleaching		typologically based reconstruction	
semantic fading → bleaching			بازسازی رده‌شناختی
semantic weakening → bleaching		typological shift	دگرگشت رده‌شناختی
sentence	جمله	<i>syn. typological change</i>	
sentence adverb	قید جمله	typology	رده‌شناسی
<i>syn. sentential adverb</i>			
sentence fragment	پاره‌جمله		زمین‌شناسی
sentence grammar	دستور جمله‌بنیاد	aggrading neomorphism	نوربختی افزایشی
sentence type	نوع جمله	Alpides → Alpine-Himalayan belt	
sentence word	شبه‌جمله	Alpine-Himalayan belt	کمر بند آلپ - هیمالایا
sentential	جمله‌ای	<i>syn. Alpides</i>	
sentential adverb → sentence adverb		Alpine-Himalayan orogeny	کوه‌زایی آلپی - هیمالایی
shared aberrancy	نابه‌روالی مشترک	Alpine orogeny	کوه‌زایی آلپی
shared anomaly	سامان‌گریزی مشترک	altiplanation	فرازدشت‌سازی
singular	مفرد	altiplanicie → altiplano	
structural ambiguity	ابهام ساختی	altiplano	فرازدشت
<i>syn. constructional homonymy,</i>		<i>syn. altiplanicie</i>	
<i>constructional homonymity</i>			
suppletion	تکمیل		

consultant → informant		intuition	شم، شم زبانی
contact language	زبان تماس	intuitive	شمی
conventional	قراردادی	isogloss	گویه‌مرز
conventional implicature	تضمن قراردادی	language consultant → informant	
converb	قید فعلی	language typology	رده‌شناسی زبان
counter-intuitive	خلاف شم	meliorative → ameliorative	
declarative sentence	جمله خبری	mother tongue	زبان مادری
<i>syn.</i> indicative sentence		native language	زبان بومی
degeneration → pejoration		<i>syn.</i> native tongue	
deterioration → pejoration		native speaker	بومی‌زبان، گویشور بومی
doublet	دوگانگ	native tongue → native language	
drift	رانش	nativism	فطری‌گرایی
dual	مثنی	natural language	زبان طبیعی
embedded sentence	جمله درون‌ای	natural morphology	صرف طبیعی، ساختواره طبیعی
embedding	درون‌گیری	naturalness	طبیعی‌بودگی
eponym	نام‌واژه	natural phonology	واج‌شناسی طبیعی
eponymous	نام‌واژه‌ای	neologism	نوواژه
eponymy	نام‌واژگی	onomastic	نام‌شناختی
erosion	ساییدگی	onomastician	نام‌شناس
excrecence	درج همخوان	<i>syn.</i> onomatologist	
gerund	اسم‌مصدر	onomastics	نام‌شناسی
grammatical ambiguity	ابهام دستوری	<i>syn.</i> onomatology	
hyponym	زیرشمول	onomatologist → onomastician	
hyponymy ¹	زیرشمولی	onomatology → onomastics	
hyponymy ²	شمول معنایی	paraphrase	بازگویی
<i>syn.</i> inclusion		partial suppletion	تکمیل جزئی
inclusion → hyponymy ²		participant role	نقش شرکت‌کننده
indicative sentence		participants	شرکت‌کنندگان
→ declarative sentence		participation	مشارکت
informant	گویشور، گویشور مشاور	participial	صفت فعلی
<i>syn.</i> consultant, language consultant			

violence	خشونت	arbitrariness	دلخواهی بودگی
violent	خشن	arbitrary	دلخواهی
		archaic	کهن
	زبان‌شناسی	archaism ¹	کهن‌ساخت
		archaism ²	کهن‌گرایی
		archaism ³	کهن‌واژه
aberrancy	نابه‌روالی	attrition	فرسایش
aberrant	نابه‌روال	syn. phonetic attrition	
aberrant formation	ساخت نابه‌روال	bleaching	معناباختگی
aberrant language	زبان نابه‌روال	syn. semantic bleaching, semantic	
affrication	انسایشی‌شدگی	depletion, semantic fading,	
age-grading	گروه‌بندی سنی	semantic weakening	
amalgamation	آمیختگی	body language	زبان بدن
ambiguous	مبهم	change in progress	تغییر جاری
amelioration	ترفع معنایی	cohyponym	هم‌شمول
ameliorative	ترفعی	colligability	همایندپذیری دستوری
syn. meliorative		colligate	همایند دستوری
analogical extension	گسترش قیاسی	colligation	هم‌آیی دستوری
analogical levelling	هم‌ترازی قیاسی	collocability	همایندپذیری
analogical maintenance	مانش قیاسی	syn. collocational range	
anthroponomastics → anthroponymy		collocate	همایند
anthroponym	شخص‌نام	collocation	هم‌آیی
anthroponymic	شخص‌نام‌شناختی	collocational range → collocability	
anthroponymist	شخص‌نام‌شناس	collocational restriction	محدودیت هم‌آیی
anthroponymy	شخص‌نام‌شناسی	combining form	سازه ترکیبی
syn. anthroponomastics		condition	شرط
aphaeresis	حذف آغازی	conditional sentence	جمله شرطی
syn. aphaesis		constructional homonymity	
aphesis → aphaeresis		→ structural ambiguity	
apparent time	زمان ظاهری	constructional homonymy	
apparent time study	بررسی زمان‌ظاهری	→ structural ambiguity	
		construction grammar	دستور ساختاری

domestic violence	خشونت خانگی	passion ¹	شور
Eysenck's typology	سنخ‌شناسی آیزنک	passion ²	شهووت
facial expression ¹	بیان چهره	passionate ¹	پرشور
facial expression ²	حالت چهره	passionate ²	شهووتی
forced compliance effect	پدیده پذیرندگی خودا داشته	16PF → Sixteen Personality Factor	
syn. induced compliance effect		Questionnaire	
forgiveness	گذشت، بخشش	pluralistic ignorance	جهل گروه‌زاد
humanistic conscience	وجدان فردمدار	postural communication	پیام حالت‌بدنی
impression management	مدیریت تأثیر	postural control	مهار حالت‌بدنی
induced compliance effect		postural echo	پژواک حالت‌بدنی
→ forced compliance effect		posture	حالت بدن
informational influence	تأثیر اطلاعات	prejudice	پیش‌داوری
informational social influence	تأثیر اجتماعی اطلاعات	provocation	تحریک‌گری
ingratiation	خودشیرینی	self-concept	خودپنداره
intergroup-contact hypothesis	فرضیه تماس بین‌گروهی	self-concept tests	آزمون‌های خودپنداره
interpersonal influence	تأثیر بینافردی	self-efficacy	خودتوان‌آگاهی
job involvement	تعلق شغلی	Sixteen Personality Factor	
job satisfaction	رضایت شغلی	Questionnaire	
leadership	رهبری	abbr. 16PF	پرسش‌نامه شانزده‌عاملی شخصیت
magical thinking	جادواندیشی	social comparison theory	نظریه مقایسه اجتماعی
motivation	انگیزش	social influence	تأثیر اجتماع
neuroticism	روان‌نژندخویی	social pressure	فشار اجتماعی
nonverbal communication	ارتباط غیرکلامی	stimulation	تحریک
normative influence	تأثیر هنجار	thinking	تفکر
normative social influence	تأثیر اجتماعی هنجار	totalism	تمام‌خواهی
openness to experience	تجربه‌پذیری	transactional leadership	رهبری تبادلی
		transformational leadership	رهبری تحولی
		triangular theory of love	نظریه سه‌وجهی عشق

perfect ZK proof

→ perfect zero-knowledge proof

plaintext-ciphertext compromise

مخاطره کلید متن اصلی - متن رمز

plaintext-plaintext compromise

مخاطره کلید متن اصلی - متن اصلی

re-encryption mixnet

شبکه مخلوط بازرمزگذاری

resettable zero-knowledge proof

اثبات ناتراوای بازنشان پذیر،

اثبات دانش صفر بازنشان پذیر

abbr. resettable ZK proof

resettable ZK proof

→ resettable zero-knowledge proof

secret handshake

دست‌داد سری

software attack

حمله نرم‌افزاری

square attack

حمله مربعی

strict avalanche criterion

معیار بهمنی اکید

time-memory-data trade-off attack

حمله بده‌بستان زمان - حافظه - داده

time-memory trade-off attack

حمله بده‌بستان زمان - حافظه

universal re-encryption mixnet

شبکه مخلوط بازرمزگذاری عام

verifier

وارسی‌کننده، وارس

verifier impersonation attack

حمله جعل هویت واریسی‌کننده،

حمله جعل هویت وارس

zero-knowledge proof

اثبات ناتراوا،

abbr. ZK proof

اثبات دانش صفر

ZK proof → zero knowledge proof

روانشناسی

abstract thinking

تفکر انتزاعی

agreeable

توافق‌پذیر

agreeableness

توافق‌پذیری

authoritarian conscience

وجدان اقتدارمدار

balance theory

نظریه توازن

Big Five personality model

الگوی پنج بُعد کلان شخصیت

body language

زبان بدن

Cattell inventory

سیاهه کتل

Cattell's factorial theory of personality

نظریه عاملی شخصیت کتل

cognitive consistency theories

نظریه‌های همخوانی شناختی

cognitive consonance

هماهنگی شناختی

collective guilt

احساس گناه جمعی

commitment

تعهد

concrete thinking

تفکر عینی

congruity theory

نظریه همسازی

conscience

وجدان

conscientious

وجدان‌مند

conscientiousness

وجدان‌مندی

consideration

اعتنا

consummate love

عشق تمام‌عیار

contact hypothesis

فرضیه تماس

cooperation

همکاری، همیاری

cooperative

همیارانه

dissonance reduction

کاهش ناهماهنگی شناختی

t/c ratio → fineness ratio		حمله عیب‌افزایی
thickness/chord ratio → fineness ratio		رمز‌گذاری تابعی
ultra-high-density seating		تراست شناسه
	چینش بیش‌فشرده	اثبات شناسه
vapour-cycle air cooling system		ثبت شناسه
	سامانه خنک‌ساز گاز چرخه‌ای	imitative communications deception
wet start	خفه‌سوزی	فرب ارتباطاتی بدلی
	رمز شناسی	impersonation attack
		حمله جعل هویت
		information assurance
		تضمین اطلاعات
		invasive attack
		حمله تهاجمی
		key confirmation
		تأیید کلید
		logical attack
		حمله منطقی
		manipulative communications
		deception
		فرب ارتباطاتی ساختگی
		maximum disclosure proof
		اثبات بیش‌تراوا، اثبات بیشینه‌افشا
		minimum disclosure proof
		اثبات کم‌تراوا، اثبات کمینه‌افشا
		mixnet
		شبکه مخلوط
		syn. mix network
		mix network → mixnet
		non-interactive zero-knowledge proof
		اثبات ناتراوای غیرتعاملی،
		abbr. NZK proof
		اثبات دانش‌صفر غیرتعاملی
		non-invasive attack
		حمله غیرتهاجمی
		NZK proof → non-interactive zero-
		knowledge proof
		زوج‌نگاشت
		pairing
		perfect zero-knowledge proof
		اثبات ناتراوای کامل، اثبات دانش‌صفر کامل
		abbr. perfect ZK proof
avalanche criterion	معیار بهمنی	
balance property	ویژگی توازن	
binding	تراست	
chosen message attack	حمله پیام‌منتخب	
ciphertext-ciphertext compromise	مخاطره کلید متن‌رمز - متن‌رمز	
communications cover	پوشش ارتباطاتی	
communications deception	فرب ارتباطاتی	
communications profile	رخ‌نمای ارتباطات	
communications security	امنیت ارتباطات	
	abbr. COMSEC	
compartmentalization	حیطه‌بندی	
compromise	به‌خطر افتادگی کلید	
compromised key	کلید به‌خطر افتاده	
COMSEC → communications security		
decryption mixnet	شبکه مخلوط رمزگشایی	
designated-verifier signature	امضای وارس مشخص	
	abbr. DVS	
differential-linear attack	حمله تفاضلی - خطی	
DVS → designated-verifier signature		
existential forgery	جعل امضای وجودی	

glass CRT cockpit → glass cockpit	
HAL → height above landing	
hands-off	دست آزاد
height above landing	بلندای مجاز نشست
abbr. HAL	
high-bypass turbofan	
→ high-bypass turbofan engine	
high-bypass turbofan engine	موتور توربینی بیش‌کنارگذر
syn. high-bypass turbofan	
high-density seating	چینش فشرده
high-lift device	افزازه برآر افزا
high-speed stall → accelerated stall	
hypobaric chamber	
→ decompression chamber	
inner marker → inner marker beacon	
inner marker beacon	نشان فرست درونی
syn. inner marker	
leaky turbojet → bypass turbojet	
live engine	موتور فعال
low-bypass turbofan	
→ low-bypass turbofan engine	
low-bypass turbofan engine	موتور توربینی کم‌کنارگذر
syn. low-bypass turbofan	
marker beacon	نشان فرست تقرب
medium-bypass engine	
→ medium-bypass turbofan engine	
medium-bypass turbofan engine	موتور توربینی میان‌کنارگذر
syn. medium-bypass engine,	
moderatic bypass	
middle marker	
→ middle marker beacon	
middle marker beacon	نشان فرست میانی
syn. middle marker	
moderatic bypass	
→ medium-bypass turbofan engine	
negative pressure relief valve	شیر فشار منفی
orbit ¹	چرخ زنی
orbit ²	مسیر چرخ زنی
outer marker → outer marker beacon	
outer marker beacon	نشان فرست بیرونی
syn. outer marker	
outflow valve	شیر خروجی
over-pressure relief valve	
→ positive pressure relief valve	
plug door → pressure door	
positive pressure relief valve	شیر فشار مثبت
syn. cabin pressurization safety valve,	
safety relief valve,	
over-pressure relief valve	
pressure altitude	ارتفاع فشاری
pressure door	در تحت فشار
syn. plug door	
pressure-relief valve	شیر فشار شکن
abbr. PRV	
pressure seal	درزگیر فشاری
pressure test	آزمون فشار
pressurized aircraft	هواگرد تحت فشار
pressurized cabin	اتاقک تحت فشار
PRV → pressure relief valve	
radio facility chart → en route chart	
safety relief valve	
→ pressure relief valve	

bypass engine	موتور کنارگذری	downwind landing	نشست بادسو
bypass turbojet	توربین جت کنارگذری	downwind leg	ساق بادسو
<i>syn. leaky turbojet</i>		dump valve	شیر تخلیه
cabin altitude	ارتفاع فشاری اتاقک	<i>syn. depressurization valve</i>	
<i>syn. cabin pressure</i>		ECS	ساوام
cabin blower	دمنده اتاقک	en route chart	نقشه مسیر
<i>syn. cabin supercharger</i>		<i>syn. radio facility chart</i>	
cabin differential pressure		en route clearance	اجازه در مسیر
	اختلاف فشار اتاقک	en route climb	اوج‌گیری در مسیر
cabin pressure → cabin altitude		en route climb performance	
cabin pressure controller			کارایی اوج‌گیری در مسیر
<i>abbr. CPC</i>	وایزشگر فشار اتاقک	en route descent	کاهش ارتفاع در مسیر
cabin pressure regulator		en route time	مدت در مسیر
	تنظیم‌گر فشار اتاقک	environmental chamber	
cabin pressurization	تنظیم فشار اتاقک	→ decompression chamber	
cabin pressurization safety valve		environmental control system	سامانه وایزش محیطی
→ positive pressure relief valve		<i>syn. environmental system</i>	
cabin supercharger → cabin blower		environmental system	
composite flight	پرواز تلفیقی	→ environmental control system	
<i>syn. composite flying</i>		estimated time en route	
composite flight plan	طرح پرواز تلفیقی	<i>abbr. ETE</i>	مدت برآوردی پرواز
composite flying → composite flight		ETE → estimated time en route	
composite propeller blade	پره ملخ چندسازه‌ای	fan marker → fan-marker beacon	
CPC → cabin pressure controller		fan-marker beacon	نشان فرست بادبزی
dark cockpit	اتاقک تاریک	<i>syn. fan marker</i>	
decompression chamber	اتاق ارتفاع	fineness ratio	نسبت ظرافت
<i>syn. altitude chamber,</i>		<i>syn. thickness/chord ratio, t/c ratio</i>	
environmental chamber,		flight follow-up	تعقیب پرواز
hypobaric chamber		fuel flowmeter	جریان‌سنج سوخت
density altitude	ارتفاع چگالی	glass cockpit	اتاقک شیشه‌ای
depressurization valve → dump valve		<i>syn. glass CRT cockpit</i>	

packing cup	فنجان سیلندر ترمز	train consist	ترکیب قطار
parlor car	واگن گفت‌وگو	train crossing → train meet	
partial service application	نیم‌ترمز	train makeup	تشکیل قطار
passenger traiff	تعرفه مسافر	train meet	تلاقی قطارها، تلاقی
passing report	گزارش سبقت	syn. train crossing	
passing track	خط سبقت	triple valve	سوپاپ سه‌قلو
payload capacity	ظرفیت مجاز	ultrasonic inspection	بازرسی فراصوتی
penalty application	ترمزگیری جبرانی	wheel report	گزارش محورشمار
penalty time	زمان جبران	yard caboose	واگن خدمت محوطه
phantom signal aspect		yard master	رئیس محوطه

نمود کاذب چراغ راهنمایی

pickup¹ افزایش واگن

pickup² واگن افزایشی

pile driver ماشین شمع‌کوب

pile hammer چکش شمع‌کوب

platform steps پله واگن

platform trap door پله‌پوش

pneumatic bulkhead جداساز بادی

poor condition وضعیت نامطلوب

power brake ترمز قدرتی

power braking ترمزگیری قدرتی

pressure car واگن مخزنی پرفشار

procedure qualification record گزارش کیفیت جوش

push car واگنک پشت‌کار

push rod میل‌رابط ترمز

quick-release valve شیر تخلیه سریع

quick-service limiting valve شیر قطع ترمز سریع

quick-service valve شیر ترمز سریع

set-off¹ کاهش واگن

set-off² واگن کاهش

حمل و نقل هوایی

accelerated flight پرواز شتاب‌یافته

accelerated stall واماندگی شتاب‌یافته

syn. high-speed stall

ACM → air-cycle machine

agricultural aeronautics → agronautics

agronautics هواکشاورزی

syn. agricultural aeronautics

air-cycle cooling system

سامانه خنک‌ساز هواچرخه‌ای

air-cycle machine دستگاه هواچرخه‌ای

syn. air cycling machine, ACM

air cycling machine

→ air-cycle machine

air-to-air heat exchanger

تبادلگر گرمای هوا به هوا

altitude chamber

→ decompression chamber

bare engine موتور لخت

bogus parts قطعات تقلبی

<i>syn. mast trunk</i>		logging truck	بوژی درخت‌بری، بوژی بینه‌بری
telescopic derrick	→ weldless derrick	machine frame	قاب ماشین
thimble	حلقک	magnetic float-gauge	
thimble eye	چشمی صفحه‌فلز		سنجه مغناطیسی شناور
thwart	نیمکت قایق	magnetic-particle testing	
tubular derrick	دیرک بازولوله‌ای، دیرک لوله‌ای		آزمایش ذرات مغناطیسی
union thimble	حلقک دوتایی	magnetic speed indicator	
<i>syn. lock thimble</i>			سرعت‌نمای مغناطیسی
up-and-down fall	→ hatch whip	operating efficiency	پازده عملکرد
washboard	→ plank sheer	operating platform	سکوی عملیات
weldless derrick	دیرک بازوتلسکوپ، دیرک تلسکوپ	operating ratio	نسبت عملکرد
<i>syn. telescopic derrick</i>		operating revenue	درآمد عملکرد
yard craft	شناور حوضچه	operating rules	مقررات سیرو حرکت
yard dolly	کفی بارکنج	operating speed limit	
yard master	رئیس محوطه		سرعت مجاز سیرو حرکت
yard number	→ hull number	operating valve	شیر اصلی
yard operation computer system	سامانه رایانه‌ای عملیات بارکنجی	ordinary break	شکستگی عادی ریل، شکستگی عادی
yard planning	برنامه‌ریزی بارکنجان	ore car	واگن کان‌سنگ، واگن سنگ معدن
YOCS	ساراب	original record of repairs	شناسنامه تعمیرات واگن
		other track material	مصالح جنبی خط
		<i>abbr. OTM</i>	
		OTM	→ other track material
		outage	کسری گنجایش
BPR	→ brake pipe reduction	outage table	جدول کسری گنجایش
brake pipe reduction	أفت فشار ترمز	outboard bearing	یاتاقان بیرونی
<i>abbr. BPR</i>		outlet valve	شیر تخلیه
caboose track	خط واگن خدمت	out-of-face maintenance	نگهداری کامل خط
distributing valve	شیر توزیع	outside sill	تیر کناری
logging car	واگن درخت‌بر، واگن بنیه‌بر	pacing	همگام‌سازی

حمل و نقل ریلی

rig	افزاربندی	shank painter	لنگربند
rigger	افزاربند	ship rigger → rigger	
<i>syn.</i> ship rigger		shroud	مهار عرضی
rigger's horn	گریس‌دان افزاربند	shroud bridle	دهنه مهار عرضی
<i>syn.</i> grease horn		shroud cap	سرپوش مهار عرضی
rigger's screw	گیره افزاربندی	shroud hoop	بست بالای مهار عرضی، بست بالا
<i>syn.</i> rigger's vise, splicing vise		shroud knot	گره مهار عرضی
rigger's vise → rigger's screw		shroud laid → shroud-laid rope	
rigging	وسایل افزاربندی	shroud-laid rope	طناب چهاررشته
rigging loft	کارگاه افزاربندی	<i>syn.</i> shroud laid	
<i>syn.</i> loft		shroud plate¹	بست پایین مهار عرضی، بست پایین
rigging luff	قرقره افزاربندی	shroud plate²	پایه مهار عرضی
<i>syn.</i> luff purchase		shroud rope	طناب مهار عرضی
rigging-mat	لقاف افزاربندی	shroud stopper	نگه‌دار مهار عرضی
rigging plan	نقشه بادبان‌بندی	shroud truck	مقره مهار عرضی
<i>syn.</i> sail plan, sail draught		<i>syn.</i> seizing truck, leading truck	
rigging screw	بست چپ‌وراست	side scuttle/sidescuttle	حُبله
<i>syn.</i> bottle screw		<i>syn.</i> porthole, hublot (fr.)	
rod rigging	افزاربندی میله‌ای	slewing derrick	دیرک گردان
<i>syn.</i> bar rigging		solid thimble	حلقک توپُر
rotary davit → round bar davit		splicing vise → rigger's screw	
round bar davit	قایق‌آویز بازوخم	standing rigging	وسایل افزاربندی ثابت
<i>syn.</i> rotary davit		starboard → starboard side	
round thimble	حلقک گرد	starboard side	راست شناور
runner	کشنده	<i>syn.</i> starboard	
running rigging	وسایل افزاربندی متحرک	steam lighter → derrick lighter	
sail draught → rigging plan		stern davit	دارک پاشنه
sail plan → rigging plan		Stülcken deerick	دیرک اشتولکن
Samson post → derrick post		tabernacle	پایه دیرک
seizing truck → shroud truck			

hatchway screen	دهانه پوش	loadline zone	منطقه خط شاهین
hatch web → hatch beam		syn. freeboard zone	
hatch wedge	کُوه انبار	lock thimble → union thimble	
hatch whip ¹	بافه انبارکاری	loft → rigging loft	
syn. up-and-down fall		loft rigger	افزاربند ارتفاعی
hatch whip ² → hatch tackle		luffing davit → radial davit	
hatch zee → hatch-yest bar		luff purchase → rigging luff	
hawser thimble	حلقک بافه	masthead rigging	افزاربندی سردکل
heart-shaped thimble	حلقک قلبی	mast table → derrick stool	
syn. pear-shaped thimble		mast trunk → tabernacle	
heavy derrick	دیرک سنگین	mechanical davit	دارک مکانیکی
syn. jumbo boom		on board → aboard	
hose davit	دارک شلنگ	outboard	برون سو
hublot (fr.) → side scuttle		painter	طناب قایق
hulk	کشتی اسقاطی	parting planks	تخته سینۀ کشتی
hull	بدنه	pear-shaped thimble	
hull number	شماره بدنه	→ heart-shaped thimble	
syn. yard number		plank	تخته
hydraulic derrick	دیرک هیدرولیکی	plankage	عوارض بیسه
inboard	درون سو	planker	تخته بند
jumbo boom → heavy derrick		syn. ceiler	
king post → derrick post		plank floor	کف تخته ای
lanyard thimble	حلقک بند آویز	planking	تخته بندی
lattice boom → lattice derrick		planking clamp	گیرۀ تخته بندی
lattice derrick	دیرک بازو مشبک، دیرک مشبک	plank sheer	قرنیز
syn. lattice boom		syn. washboard, covering board	
lattice mast	دکل مشبک	port → port side	
lead block → derrick heel block		porthole → side scuttle	
leading truck → shroud truck		port side	چپ شناور
ledge bar → hatch-rest bar		syn. port	
loadline certificate	گواهینامه خط شاهین	quadrant(al) davit	دارک کمان گرد
syn. freeboard certificate		radial davit	قایق آویز چرخشی
		syn. luffing davit	

guy	طناب قرقره	hatch grating	در مشبک انبار
hatch¹ → hatchway		hatch-hours	کار- ساعت انبار
hatch² → hatch cover		hatch-ledge bar → hatch-rest bar	
hatch bar¹	دهانه پوش بند	hatch list	سیاهه انبار
<i>syn. hatch clamping beam</i>		hatch-locking bar	کلون دریچه ورودی
hatch bar² → hatch batten		hatchman	راهنمای جرثقیل
hatch batten	زهوار دهانه پوش	<i>syn. hatch tender, hatchminder,</i>	
<i>syn. battening bar, hatch bar²,</i>		hatch signal man	
battening iron		hatch mast	دکل انبار
hatch batten clip	کلون دهانه	hatchminder → hatchman	
<i>syn. hatch cleat, batten cleat</i>		hatch molding	زهوار دهانه
hatch beam	تیرک دهانه	hatch opening → hatchway	
<i>syn. hatchway beam, hatch web,</i>		hatch-rest bar	در نشین
bridle beam		<i>syn. ledge bar, hatch-rest section,</i>	
hatch beam shoe → hatch carrier		hatch bearer, hatch-ledge bar,	
hatch bearer → hatch-rest bar		hatch zee	
hatch boom → hatch derrick		hatch-rest section → hatch-rest bar	
hatch carrier	پایه تیرک دهانه	hatch ring	حلقه در انبار
<i>syn. hatch socket, beam socket,</i>		hatch-side girder → hatch stopper	
hatch beam shoe		hatch signal man → hatchman	
hatch clamping beam → hatch bar¹		hatch socket → hatch carrier	
hatch cleat → hatch batten clip		hatch speed	سرعت انبار کاری
hatch coaming	دیواره دهانه	hatch stopper	تیر دیواره انبار
<i>syn. coaming</i>		<i>syn. hatch-side girder</i>	
hatch cover(ing)	در انبار	hatch tackle	قرقره انبار
<i>syn. hatchway cover, hatch²</i>		<i>syn. hatch whip²</i>	
hatch cover ramp	در انبار شیپ راه ای	hatch tender → hatchman	
hatch davit	دارک دهانه انبار، دارک دهانه	hatchway	دهانه انبار، دهانه
hatch derrick	دیرک دهانه	<i>syn. hatch¹, hatch opening</i>	
<i>syn. hatch boom</i>		hatchway beam → hatch beam	
hatch-end beam	تیرک سر دهانه	hatchway cover → hatch cover	
hatch foreman	ناظر انبار	hatchway netting	تور دهانه انبار

bridle beam → hatch beam		derrick band	حلقه سردیرک
brow → gangplank		derrick cap piece	کلاهک دیرک
bulwark	بارو	<i>syn.</i> derrick head fitting	
cargo boom	دیرک بار	derrick guy	مهار دیرک
cargo runner	کشنده بار	<i>syn.</i> boom guy	
cat davit	دارک تنه لنگر	derrick head	سردیرک
ceiler → planker		derrick head block	قرقره سردیرک
chain → chain plate		derrick head fitting	
chain plate	زنجیربند	→ derrick cap piece	
<i>syn.</i> chain		derrick heel block	قرقره پای دیرک
coaming → hatch coaming		<i>syn.</i> lead block	
collapsible davit	دارک تاشو	derrick lighter	سبک‌ساز دیرک‌دار
companion hatch → booby hatch		<i>syn.</i> steam lighter	
covering board → plank sheer		derrick post	چارچوب دیرک
craneman → crane rigger		<i>syn.</i> Samson post, king post	
crane rigger	افزاربند جرثقیل	derrick stool	سکوی دیرک
<i>syn.</i> craneman		<i>syn.</i> derrick table, mast table,	
davit	دارک	boom table	
davit bearing → davit collar		derrick table → derrick stool	
davit bust → davit collar		fathom	فادُم
davit collar	طوق دارک	fish davit	دارک ناخن لنگر
<i>syn.</i> davit keeper, davit bearing,		freeboard certificate	
davit cranes, davit bust, davit ring		→ loadline certificate	
davit cranes → davit collar		freeboard deck	میناعرشه
davit keeper → davit collar		freeboard depth	عمق ارتفاع آزاد
davit ring → davit collar		freeboard length	طول در خط شاهین
davit socket	کرسی دارک	freeboard ratio	نسبت ارتفاع آزاد
davit stand	پایه دارک	freeboard zone → loadline zone	
DER → derrick		gangplank	بیسه
DERR → derrick		<i>syn.</i> brow	
derrick	دیرک	gravity davit	قایق‌آویز گرانشی
<i>abbr.</i> DER, DERR		grease horn → rigger's horn	

holding rail	میله انتظار	roadside hazard	خطر راه‌کنار
hook turn	گردش قلاب‌وار	trip growth factor	ضریب رشد سفر
hoon laws	قوانین تشدید مجازات	ULEZ → ultra-low emission zone	
horizontal alignment	امتداد افقی مسیر	ultra-low emission zone	محدودهٔ فراهش
horizontal curve	قوس افقی	abbr. ULEZ	
horizontal device	راهکار افقی	vertical alignment	امتداد قائم مسیر
HOT → high-occupancy toll		vertical curve	قوس قائم
hot-in-place asphalt recycling		vertical device	راهکار قائم
abbr. HIPAR	بازیافت گرم آسفالت، بازیافت گرم		
hot-in-place asphalt recycling machine		حمل و نقل دریایی	
	ماشین بازیافت گرم آسفالت	aboard	سوار
hot-in-place asphalt recycling method		syn. on board	
	روش بازیافت گرم آسفالت	after body	بدنهٔ پاشنه
hot-in-place asphalt recycling technology	فناوری بازیافت گرم آسفالت	amidships	میانهٔ شناور
hot-rolled sphalt	آسفالت گرم	anchor davit	دارک لنگر
HSS → high stress seal		athwart → athwartships	
HWD → heavy weight deflectometer		athwartships	در عرض شناور
LEZ	کاهش	syn. athwart	
low-alcohol hours	ساعات غیر اوج الکل	backstays	مهار طولی
low emission zone		bar rigging → rod rigging	
	محدودهٔ کاهش آلودگی هوای شهر	batten cleat → hatch batten clip	
low emission zone cameras		battening bar → hatch batten	
	دوربین‌های محدودهٔ کاهش	battening iron → hatch batten	
low emission zone check		beam socket → hatch carrier	
	معاینهٔ محدودهٔ کاهش	boat davit	دارک قایق‌آویز، قایق‌آویز
low emission zone map		boom guy → derrick guy	
	نقشهٔ محدودهٔ کاهش	booby hatch	دریچهٔ ورودی
low shoulder	شانهٔ افتاده	syn. companion hatch	
road network	شبکهٔ راه	boom table → derrick stool	
syn. highway network		bottle screw → rigging screw	
		bottom planking	تخته‌بندی کف

carriageway	سواره‌رو	hazard warning lights	جفت‌راه‌نما
clear zone → hazard corridor		headwall	سرآبرو
cyclists holding rail	میلهٔ انتظار دوچرخه‌سوار	headway setting	تنظیم فاصلهٔ گذر
expressway	بزرگراه	heave	برآمدگی خاک
falling weight deflectometer		heavily bound base	اساس پُر تراکم
abbr. FWD	نشست‌سنج وزنه‌ای	heavy bus	اتوبوس سنگین
freeway	آزادراه	heavy goods vehicle	خودرو باری سنگین
syn. Autobahn (de.)/autobahn		heavy-trafficked road	راه پُر تردد
FWD → falling weight deflectometer		heavy weight deflectometer	
GCM → gross combination mass		abbr. HWD	نشست‌سنج سنگین
gritting	شن‌پاشی	HHV → highest hourly volume	
gross combination mass	وزن ترکیبی کل	high-alcohol hours	ساعات اوج الکل
abbr. GCM		syn. alcohol hours	
gross trailer mass	وزن کل پی‌نورد	higher mass limits	حداکثر بارپذیری
abbr. GTM		abbr. HML	
gross vehicle mass	وزن کل خودرو	higher order turn	گردش اولویت‌دار
abbr. GVM		highest hourly volume	حجم ساعتی بیشینه
ground level	تراز زمین	abbr. HHV	
grouting	درزگیری	high float emulsion	بیش‌روان
growth factor model	مدل ضریب رشد	high-occupancy toll	
GTM → gross trailer mass		abbr. HOT	عوارض خط پرسرنشین
guide post	میلهٔ لبه‌نما	high shoulder	شانهٔ برآمده
guide sign	تابلوی هدایت مسیر، تابلوی راهنمای مسیر	high stress seal	روکش مقاومت‌بالا
GVM → gross vehicle mass		abbr. HSS	
hairline crack	ترک مویی	highway	راه
harsh asphalt mix	مخلوط آسفالت سفت	highway network → road network	
haul	فاصلهٔ حمل	hinge point	نقطهٔ سرشانه
hazard corridor	پناه‌راه	HIPAR → hot-in-place asphalt recycling	
syn. clear zone		HML → higher mass limits	
hazard marker	خطر‌نما	holding line	خط کشی انتظار

dowsing	نُخاله‌زنی	site map	نقشهٔ محوطه
dry screening	سرنده کردن خشک	site plan	نقشهٔ کارگاهی محوطه
dry sieving	الک کردن خشک	sketch map	نقشهٔ سردستی
earthwork	خاکریز	sketch plan	نقشهٔ کارگاهی سردستی
flotation	شناورسازی	skeuomorph	افزارنمود
froth flotation	شناورسازی کف‌آبی	skeuomorphic	افزارنمودی
implementation	طرح اجرایی	skeuomorphism	افزارنمودگری
invasive techniques	فنون نفوذی	sounding	گمانه‌زنی
isolated pit approach	روش گمانه‌زنی پراکنده	spoil pile	کپه‌خاک کاوش، کپه‌خاک
linear earthwork	خاکریز خطی	syn. back dirt	
manufacture	ساخت	standing wave technique	فن موج‌ساکن
matrix sorting	واجویی	storage pit	چال ذخیره
non-invasive techniques	فنون غیرنفوذی	subsurface detection	
pit	چال	→ subsurface survey	
preparation	آماده‌سازی	subsurface survey	بررسی زیرسطحی
primary refuse ¹	وازنش درجا	syn. subsurface detection	
primary refuse ²	وازنهٔ درجا	systematic survey	بررسی سامانمند
procurement	برگیری	test excavation	کاوش آزمایشی
recycling	بازیافت، بازیابش	training excavation	کاوش آموزشی
syn. re-use process		trial trenching	تاشه‌زنی آزمایشی
refuse ¹	وازنش	underwater reconnaissance	
refuse ²	وازنه		بررسی زیر آب
re-use process → recycling		use	کاربرد
rubbish pit	چال زباله	water screening/water-screening	خاک‌شویی، سرنده کردن آبی
screening	سرنده کردن	wet sieving	الک کردن آبی
secondary refuse ¹	وازنش دگرجا		
secondary refuse ²	وازنهٔ دگرجا		
shovel pit testing	بیل‌کندآزمایی		
syn. shovel testing			
shovel test(ing) → shovel pit testing			
sieving	الک کردن		
		حمل‌ونقل درون‌شهری - جاده‌ای	
		alcohol hours → high-alcohol hours	
		Autobahn (de.)/autobahn	
		→ freeway	

	آمار		
associated random variables	متغیرهای تصادفی پیونددار	design imbalance	بی‌تعادلی طرح
balanced design	طرح متعادل	design matrix	ماتریس طرح
<i>syn.</i> orthogonal design		destructive sampling	نمونه‌گیری تخریبی
canonical correlation	همبستگی متعارف	destructive test(ing)	آزمون تخریبی
canonical correlation analysis	تحلیل همبستگی متعارف	detection theory	نظریه آشکارسازی
canonical variable	متغیر متعارف	deterministic model	مدل قطعیتی
data augmentation algorithm	خوارزمی داده‌افزایی، الگوریتم داده‌افزایی	deterministic process	فرایند قطعیتی
data mining	داده‌کاوی	deterministic tests	آزمون‌های قطعیتی
data reduction	فروکاهی داده‌ها	deviance	انحراف
decapitated distribution	توزیع سربریده	deviate	متغیر انحراف، انحراف
deflated distribution	توزیع کاهیده	dimension reduction	فروکاهی بُعد
degenerate distribution	توزیع تباهیده	Dirichlet processes	فرایندهای دیریکله
delta method	روش دلتا	discrete rectangular distribution	توزیع مستطیلی گسسته
demography	جمعیت‌شناسی	discrete uniform distribution	توزیع یکنواخت گسسته
dependent events	پیشامدهای وابسته	dispersion matrix	ماتریس پراکندگی
descriptive statistic	آماره توصیفی	distance function	تابع فاصله
design-based sampling	نمونه‌گیری طرح‌مبنا	distance measures	اندازه‌های فاصله
		distance sampling	نمونه‌گیری فاصله‌ای
		distributed lag models	مدل‌های پس‌بودگی توزیع‌شده

فهرست واژه‌ها براساس حوزه

به ترتیب الفبای لاتینی

wristocat	زیرمچی [عمومی]	yard planning	برنامه‌ریزی بارگنجان [دریایی]
writhing number	شمار چرخش [ژن‌شناسی]	YOCS	ساراب [دریایی]
X		Z	
xylarium	چوبکده [گیاهی]	zero-knowledge proof	اثبات ناتراوا، اثبات دانش‌صفر [رمزشناسی]
Y		abbr. ZK proof	
yard caboose	واگن خدمت محوطه [ریلی]	zip-line/zip line	بندسُرّه [عمومی]
yard craft	شناور حوضچه [دریایی]	syn. Sypline, zip wire, aerial runway, aerial ropeslide, death slide, flying fox, foefie slide	
yard dolly	کفی بارگنج [دریایی]	zipliner	بندسُر [عمومی]
yard master	رئیس محوطه [دریایی، ریلی]	ziplining	بندسُری [عمومی]
yard number → hull number		zip wire → zip-line	
yard operation computer system	سامانه رایانه‌ای عملیات بارگنجی [دریایی]	ZK proof → zero knowledge proof	

volunteer(ed) geographic(al)

information

abbr. VGI اطلاعات مکانی مردم‌گستر [نقشه‌برداری]

syn. volunteer(ed) geospatial
information

volunteer(ed) geospatial information

→ volunteered geographic
information

voucher specimen نمونه شاهد [گیاهی]

VR → vacant and ready

VTM → virtual teller machine

W

walker گام‌یار [عمومی]

syn. walking frame

walking frame → walker

war stricken جنگ‌زده [نظامی]

syn. war torn

war torn → war stricken

washboard → plank sheer

water screening/water-screening

خاک‌شویی، سرند کردن آبی [باستان‌شناسی]

Watson-Crick helix

مارپیچ واتسون-کریک [ژن‌شناسی]

wayfinding رهیابی [نقشه‌برداری]

WCS راجات [جنگل]

website defacement نام‌رایی وبگاه [فأوا]

weldless derrick دیرک بازوتلسکوپ،

دیرک تلسکوپ [دریایی]

syn. telescopic derrick

wet milling آسیا کردن مرطوب [فأوری غذا]

wet sieving الک کردن آبی [باستان‌شناسی]

wet start خفه‌سوزی [هوایی]

wheel report گزارش محورشمار [ریلی]

wife rape → marital rape

Wi-Fi/WiFi/wifi وافا، وای‌فای [فأوا]

syn. Wi-Fi technology

Wi-Fi technology → Wi-Fi

wild type مونه وحشی [ژن‌شناسی]

wild-type allele دگره وحشی [ژن‌شناسی]

wild-type gene ژن وحشی [ژن‌شناسی]

wireless LAN

→ wireless local area network

wireless local area network

abbr. wireless LAN شبکه داخلی بی‌سیم [فأوا]

WLAN شداب [فأوا]

woman-on-top position

قرارگیری زن‌رو [سلامت]

syn. female superior position

word painting طراحی واژگانی [موسیقی]

workface سینه کار [محیط‌زیست]

syn. working face

working face → workface

World Conservation Strategy

راهبرد جهانی حفاظت [جنگل]

World Conservation Union

اتحادیه جهانی حفاظت [جنگل]

worldwide enterprise

→ cross border company

woven geotextile زمین‌منسوج بافته [بسهار]

abbr. GTX-W

- user-centric positioning**
موقعیت‌یابی کاربرمحور [نقشه‌برداری]
- user interface redress attack**
→ clickjacking
- V**
- vacant/clean** اتاق خالی مرتب،
abbr. VC خالی مرتب [گردشگری]
- vacant/dirty** → on-change
- vacant and ready** اتاق آماده فروش،
abbr. VR آماده فروش [گردشگری]
- vacuum bag** کیسه خلأ [بسهار]
- vagnial plethysmography**
حجم‌نگاری زهراه [سلامت]
- valvular dehiscence** شکستگی کفه‌ای [کیمی]
- vapour-cycle air cooling system**
سامانه خنک‌ساز گازچرخه‌ای [هوایی]
- variable-diameter pulley**
جعبه‌دنده پیوسته تسمه‌ای،
abbr. VDP جعبه‌دنده تسمه‌ای [خودرو]
syn. reeves drive,
single-speed transmission², stepless
transmission², pulley transmission²
- VC** → vacant/clean
- VD** → on-change
- VDP** → variable-diameter pulley
- vehicle-speed sensor**
حسگر سرعت خودرو [خودرو]
- vending machine** خودپرداز [عمومی]
- verifier** واریسی‌کننده، وارس [رمزشناسی]
- verifier impersonation attack**
حمله جعل هویت واریسی‌کننده،
حمله جعل هویت وارس [رمزشناسی]
- vertical alignment**
امتداد قائم مسیر [درون‌شهری]
- vertical component filter**
صافی مؤلفه قائم [ژئوفیزیک]
- vertical curve** قوس قائم [درون‌شهری]
- vertical device** راهکار قائم [درون‌شهری]
- vertical integration strategy**
راهبرد فراگسترش عمودی [مدیریت]
- VGI** → volunteered geographic
information
- video teller machine**
→ virtual teller machine
- violence** خشونت [روان‌شناسی]
- violent** خشن [روان‌شناسی]
- virtual teller machine** خودبانک [عمومی]
syn. video teller machine, VTM,
personal teller machine, PTM
- visible light communications**
ارتباطات نورمرئی [فارا]
syn. light fidelity, LI-FI
- visit and search** بازدید و بازرسی [نظامی]
- visual carded display packaging**
→ skin packaging
- VLC** [فارا] ارنوم
- voice exchange** جابه‌جایی صدایی [موسیقی]
syn. part exchange

turbine wheel → impeller

turnaround strategy [راهبرد احیا [مدیریت]

twin-clutch gearbox

→ dual-clutch transmission

twisting number [شمار پیچش [ژن‌شناسی]

type [مونه [گیاهی]

syn. type specimen

type specimen → type

typological [رده‌شناختی [زبان‌شناسی]

typological change → typological shift

typological classification

[طبقه‌بندی رده‌شناختی [زبان‌شناسی]

typological distance

[فاصله رده‌شناختی [زبان‌شناسی]

typological harmony

[هماهنگی رده‌شناختی [زبان‌شناسی]

typological isogloss

[گویه‌مرز رده‌شناختی [زبان‌شناسی]

typologically based reconstruction

[بازسازی رده‌شناختی [زبان‌شناسی]

typological shift

[دگرگشت رده‌شناختی [زبان‌شناسی]

syn. typological change

typology [رده‌شناسی [زبان‌شناسی]

U

UI redress attack → clickjacking

UI redressing → clickjacking

ULEZ → ultra-low emission zone

ultra-high-density seating

[چینش بیش‌فشرده [هوایی]

ultra-low emission zone

abbr. ULEZ [محدوده فراكاهش [درون‌شهری]

ultrasonic imaging

[تصویربرداری فراصوتی [فاوا]

ultrasonic inspection

[بازرسی فراصوتی [ریلی]

umbrella species [گونه چتر [جنگل]

una corda → soft pedal

unbalanced design [طرح نامتعادل [آمار]

syn. imbalanced design,

nonorthogonal design

understay [مهمان کم‌مان، کم‌مان [گردشگری]

underwater demolition

[تخریب زیرآبی [انظامی]

underwater reconnaissance

[بررسی زیر آب [باستان‌شناسی]

underwinding → negative supercoiling

undifferentiation strategy

[راهبرد تمایزپرهیزی [مدیریت]

union thimble [حلقک دو‌تایی [دریایی]

syn. lock thimble

unistomal [تک‌روزی [گیاهی]

unitegmic [تک‌پوششی [گیاهی]

universal re-encryption mixnet

[شبکه مخلوط بازرمزگذاری عام [رمزشناسی]

unknown threat category of species

[طبقه تهدیدناشناخته [جنگل]

up-and-down fall → hatch whip

use [کاربرد [باستان‌شناسی]

torque converter turbine	توربین مبدل گشتاور [خودرو]	transmissivity	ظرفیت انتقال [محبطزیت]
totalism	تمام‌خواهی [روانشناسی]	transnational company	شرکت تراملی [مدیریت]
total war	جنگ تمام‌عیار [نظامی]	<i>syn.</i> transnational enterprise	
TPS → throttle-position sensor		transnational enterprise	
train consist	ترکیب قطار [ریلی]	→ transnational company	
train crossing → train meet		transport packaging	بسته‌بندی ترابری [بسهار]
training excavation	کاوش آموزشی [باستان‌شناسی]	<i>syn.</i> logistic packaging, transit packaging, distribution packaging	
train makeup	تشکیل قطار [ریلی]	transtension	تراکشش [زمین، ژنو]
train meet	تلاقی قطارها، تلاقی [ریلی]	transverse dehiscence	شکفتگی عرضی [کیامی]
<i>syn.</i> train crossing		treble	زیر [موسیقی]
transaction(al) database	پایگاه‌داده تراکنشی [فناو]	trial trenching	تاشه‌زنی آزمایشی [باستان‌شناسی]
transactional leadership	رهبری تبادلی [روانشناسی]	triangular theory of love	نظریه سه‌وجهی عشق [روانشناسی]
transcurrent fault	گسل تراگذر [زمین، ژنو]	trigger shift	
transfer function	تابع انتقال [ژئوفیزیک]	→ semi-automatic gearbox	
transfer lens	عدسی انتقال [نجرم]	trip growth factor	ضریب رشد سفر [درون‌شهری]
<i>syn.</i> relay lens		triplet	سه‌تایی [نجرم]
transformational leadership	رهبری تحولی [روانشناسی]	triple valve	سوپاپ سه‌قلو [ریلی]
transform fault	گسل ترادیسی [زمین، ژنو]	trowel	قاشقک برشته‌کاری [قهوه]
transition → bridge		<i>syn.</i> coffee roaster sample spoon	
transit packaging		TRP → tamper-resistant packaging	
→ transport packaging		true resistivity	مقاومت‌ویژه حقیقی [ژئوفیزیک]
transmission → gearbox		truncated data	داده‌های بریده [آمار]
transmission control system		truncation method	روش بُرش [آمار]
→ transmission control unit		tubular derrick	دیرک بازولوله‌ای،
transmission control unit	واپایشگر جعبه‌دنده خودکار [خودرو]		دیرک لوله‌ای [دریایی]
<i>syn.</i> transmission control system		turbine output shaft	محور خروجی توربین [خودرو]

- theme** درون‌مایه، تم [موسیقی]
- theory of knowledge** نظریهٔ معرفت [فلسفه]
- thermal stability** → **heat stability**
- thermostability** → **heat stability**
- thickness/chord ratio** → **fineness ratio**
- thimble** حلقک [دریایی]
- thimble eye** چشمی صفحه‌فلز [دریایی]
- thinking** تفکر [روان‌شناسی]
- third** → **third gear**
- third gear** دنده‌سه [خودرو]
syn. third
- throttle-position sensor**
abbr. TPS حسگر دریچهٔ گاز [خودرو]
- through bass** → **continuo**
- thwart** نیمکت قایق [دریایی]
- tie** خط اتحاد [موسیقی]
- tight-head drum**
→ **non removable drum**
- timbre (fr.)** → **tone colour**
- time history** تاریخچهٔ زمانی [ژئوفیزیک]
- time-memory-data trade-off attack**
حملهٔ بده‌بستان زمان-حافظه-داده [رمزشناسی]
- time-memory trade-off attack**
حملهٔ بده‌بستان زمان-حافظه [رمزشناسی]
- tipping** سرسوزی [تپوه]
- tiptronic** → **manumatic transmission**
- toast rack** جانان‌برشتی، جابرشتی [کردشگری]
- tone colour** رنگ صدا [موسیقی]
syn. timbre (fr.)
- tool mark** اثر شیء [زمین‌شناسی]
- topocentric coordinates**¹
→ **topocentric coordinate system**
- topocentric coordinates**²
مختصات ناظرمرکز [نجوم]
- topocentric coordinate system**
دستگاه مختصات ناظرمرکز [ژئو، نجوم]
syn. topocentric coordinates¹
- toponym** جای‌نام [زبان‌شناسی]
- toponymic** جای‌نام‌شناختی [زبان‌شناسی]
- toponymist** جای‌نام‌شناس [زبان‌شناسی]
- toponymy**¹ جای‌نام‌شناسی [زبان‌شناسی]
- toponymy**² جای‌نامگان [زبان‌شناسی]
- toroidal continuously variable transmission**
جعبه‌دندهٔ پیوستهٔ چنبره‌ای [خودرو]
abbr. toroidal CVT
syn. roller-based continuously variable transmission, full-toroidal continuously variable transmission
- toroidal CVT**
→ **toroidal continuously variable transmission**
- torque converter** مبدل گشتاور [خودرو]
abbr. TC
syn. hydraulic torque converter, hydro-dynamic torque converter
- torque converter drive plate**
صفحهٔ محرک مبدل گشتاور [خودرو]
syn. flexplate
- torque converter housing**
پوستهٔ مبدل گشتاور [خودرو]
syn. bell housing
- torque converter lock-up clutch**
کلاچ قفل‌کن مبدل گشتاور، کلاچ قفل‌کن [خودرو]

- syllabic** [هجایی] موسیقی
synchromesh → speed synchronizer
synchromesh gearbox جعبه‌دنده هم‌دورکننده،
 جعبه‌دنده هم‌دورساز [خودرو]
syn. synchromesh transmission
synchromesh transmission
 → synchromesh gearbox
synchronizer → speed synchronizer
synform [ناوگون] زمین‌شناسی
synonym [مترادف] گیاهی
syntype [هم‌مونه] گیاهی
Sypline → zip-line
system migration [سامانه‌گذاری] فناوری
systematic survey
 بررسی سامانمند [باستان‌شناسی]
- T**
- t/c ratio** → fineness ratio
tabernacle [پایه دیرک] دریایی
syn. mast trunk
tamper-evident packaging
 → tamper-resistant packaging
tamper-proof packaging
 → tamper-resistant packaging
tamper-resistant packaging
abbr. TRP [بسته‌بندی ضد دست‌خوردگی] [بسیار]
syn. tamper-evident packaging,
 tamper-proof packaging
- tanking area**
 → air-to-air refueling area
target population [جامعه هدف] آمار
target specialization strategy
 → product specialization strategy
tautonym [هم‌تاناام] گیاهی
taxonomic key [کلید آرایه‌شناختی] گیاهی
taxonomic revision
 بازنگری آرایه‌شناختی [گیاهی]
TC → torque converter
tectonic denudation
 برهنه‌شدگی زمین‌ساختی [زمین‌شناسی]
tectonic earthquake
 زمین‌لرزه زمین‌ساختی [ژئوفیزیک]
telescopic derrick → weldless derrick
tenor [تنور] موسیقی
tenuinucellate [کم‌خورش] گیاهی
terminal-centric positioning
 → mobile terminal-centric
tessellation [پاره‌بندی] نقشه‌برداری
test excavation [کاوش آزمایشی] باستان‌شناسی
testicular feminization syndrome
 نشانگان زنانه‌شدگی بیضه‌ای [سلامت]
syn. feminizing test syndrome
tethering [تک‌رسانی اینترنت، تک‌رسانی] فناوری
syn. smartphone hotspots
tetrad [چهارتایه] ژن‌شناسی
tetrad analysis [چهارتایه‌کاوی] ژن‌شناسی
text-sound [موسیقی متن آوا، متن آوا] موسیقی
theca [خانک] گیاهی
thematic catalogue فهرست درون‌مایه‌ای،
 فهرست تمی [موسیقی]

- storability [ذخیره‌پذیری (محیط‌زیست)]
- storage coefficient [ضریب ذخیره‌سازی (محیط‌زیست)]
- storage pit [چال ذخیره (باستان‌شناسی)]
- storynomics [داستان‌آوری (مدیریت)]
- straight-sided drum [طبله استوانه‌ای (بِسپار)]
- strategic action [کنش راهبردی (مدیریت)]
- strategic alliance [هم‌پیمانی راهبردی (مدیریت)]
- strategic capability [قابلیت راهبردی (مدیریت)]
- strategic fit(ness) [برآزش راهبردی (مدیریت)]
- strategic management [مدیریت راهبردی (مدیریت)]
- strategic planning [طرح‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی راهبردی (مدیریت)]
- strategy execution [اجرای راهبرد (مدیریت)]
- strategy formulation [تدوین راهبرد (مدیریت)]
- strategy implementation [پیااده‌سازی راهبرد (مدیریت)]
- strength [غلظت (قهوه)]
syn. brew strength, solubles concentration
- stretch hood wrapping system [لغاف‌کشی باشلقی (بِسپار)]
- strict avalanche criterion [معیار بهمنی اکید (رزم‌شناسی)]
- strip mall [راسته‌بازار (عمومی)]
syn. shopping plaza, shopping centre², mini-mall
- structural ambiguity [ابهام ساختی (زبان‌شناسی)]
syn. constructional homonymy, constructional homonymity
- study population [جامعه مورد مطالعه (آمار)]
- Stülcken deerick [دیرک اشتولکن (دریایی)]
- subfacies [زیررخساره (زمین‌شناسی)]
- submarine haven [ایمن‌گاه زیردریایی (نظامی)]
- submarine weathering → halmyrolysis
- submerged ordnance recovery device [بازیاب مهمات غوطه‌ور (نظامی)]
abbr. SORD
- subsidiary fold → parasitic fold
- subsurface detection → subsurface survey
- subsurface survey [بررسی زیرسطحی (باستان‌شناسی)]
syn. subsurface detection
- sun-and-planet gears → planetary gear set
- sun-and-planet gearset → planetary gear set
- sun-synchronous orbit [مدار خورهمگام، مدار خورشیدآهنگ (ژئوفیزیک)]
- SUP → stand-up pouch
- supercoil [اُبرپیچ (ژن‌شناسی)]
- supercoiled DNA [دِنای اُبرپیچیده (ژن‌شناسی)]
- supercoiling [اُبرپیچش (ژن‌شناسی)]
- superhelix [اُبرمارپیچ (ژن‌شناسی)]
- suppletion [تکمیل (زبان‌شناسی)]
- suppletive [مکمل (زبان‌شناسی)]
- support differentiation strategy [راهبرد تمایزبخشی پشتیبانی (مدیریت)]
- suppressed layer [لایه پنهان (ژئوفیزیک)]
- suppressing fire → covering fire
- sustaining pedal [پایی تداوم (موسیقی)]
syn. damper pedal, loud pedal, open pedal

- spoil pile** [کپه‌خاک کاوش، کپه‌خاک (باستان‌شناسی)]
syn. back dirt
- spousal rape** → marital rape
- spout pouch** [چنته شیردار [بِسپار]]
- square attack** [حمله مربعی [رمزشناسی]]
- square lattice** [مشبکه مربعی [آمار]]
- ssDNA** → single-stranded DNA
- stability strategy** [راهبرد ثبات [مدیریت]]
- stabilized dune** → anchored dune
- stack and nest container**
 [کُنجایه برهم-توهم‌چین [بِسپار]]
- stack-only container** [کُنجایه برهم‌چین [بِسپار]]
- stake resistance** [مقاومت تیرک [ژئوفیزیک]]
- standard meridian** [نصف‌النهار معیار [نجوم]]
- standard star** [ستاره معیار [نجوم]]
- standard transmission**
 → manual gearbox
- standing rigging** [وسایل افزاربندی ثابت [دریایی]]
- standing wave technique**
 [فن موج‌ساکن [باستان‌شناسی]]
- stand-up pouch** [چنته ایستاده [بِسپار]]
abbr. SUP
- starboard¹** [به‌رایست! راست! [نظامی]]
- starboard²** → starboard side
- starboard side** [راست شناور [دریایی]]
syn. starboard²
- starburst galaxy** [کهکشان اخترفشان [نجوم]]
- star cloud** [اثر ستاره‌ای [نجوم]]
- star color** [رنگ ستاره [نجوم]]
- star count** [شمار ستاره‌ها [نجوم]]
- star density** [چگالی ستاره‌ای [نجوم]]
- starquake** [اخترلرزه [نجوم]]
- starspot** [لکه ستاره‌ای [نجوم]]
- star streaming** [جریان ستاره‌ای [نجوم]]
- stationary hotspot** [چندرسانی ایستگاهی [فاوا]]
- stator** → impeller
- status unknown species**
 [گونه وضعیت‌ناشناخته [جنگل]]
- statutory rape** [تجاوز به صغیر [سلامت]]
- stayover** [اتاق تمدیدی، تمدیدی [گردشگری]]
- steaming** → mugging
- steam lighter** → derrick lighter
- Stein effect** [اثر استاین [آمار]]
- stellar atmosphere** [جو ستاره [نجوم]]
- stellar evolution** [تحول ستاره، تحول ستارگان [نجوم]]
- stellar evolutionary model**
 [مدل تحول ستاره [نجوم]]
- stellar evolutionary track**
 [مسیر تحول ستاره [نجوم]]
- stepless transmission¹**
 → continuously variable transmission
- stepless transmission²**
 → variable-diameter pulley
- stern davit** [دارک پاشنه [دریایی]]
- sticker** [چسبانقش [فاوا]]
- stimulation** [تحریک [روان‌شناسی]]
- stone removed** → pitted
- stoning** [هسته‌گیری^۲ [فناوری غذا]]
- stop-start technique**
 [روش ایست-آغاز [سلامت]]

slow roast(ing)	کُندبرشته‌کاری [قهوه]	sordino (it.) → damper	
slur	خط اتصال [موسیقی]	sostenuto pedal	پایی تداومِ برگزین [موسیقی]
smart packaging	بسته‌بندی هوشمند [بهار]	sounding	گمانه‌زنی [باستان‌شناسی]
smartphone hotspots → tethering		source code	کد منبع [فارا]
smombie	سربه‌گوشی [فارا]	SP → child-resistant packaging	
social comparison theory	نظریهٔ مقایسهٔ اجتماعی [روان‌شناسی]	spatial crowdsourcing	جمع‌سپاری مکانی [نقشه‌برداری]
social epistemology	معرفت‌شناسی اجتماعی [فلسفه]	spatial database	→ geographic database
social influence	تأثیر اجتماع [روان‌شناسی]	special packaging	→ child-resistant packaging
social pressure	فشار اجتماعی [روان‌شناسی]	species at risk	گونهٔ درمخاطره [جنگل]
soft pedal	پایی کاهش [موسیقی]	syn. at risk species	
syn. una corda		species of concern	گونهٔ نگران‌کننده [جنگل]
software attack	حملهٔ نرم‌افزاری [رمزشناسی]	specimen	نمونه [گیامی]
software bloat	فربهی نرم‌افزاری [فارا]	speed synchronizer	هم‌دورکننده، هم‌دورساز [خودرو]
software-defined networking	شبکه‌سازی نرم‌افزاری [فارا]	syn. synchronizer, synchronesh	
software-defined networking controller	واپایشگر شبکه‌سازی نرم‌افزاری [فارا]	spherical coordinates ¹	→ spherical coordinate system
solid thimble	حلقک توپُر [دریایی]	spherical coordinates ²	مختصات کروی [نجوم]
solmization	هجانامی [موسیقی]	syn. spherical polar coordinates ²	
solubles concentration → strength		spherical coordinate system	دستگاه مختصات کروی [نجوم، ژئو]
sonic depth finder	عمق‌یاب صوتی [نظامی]	syn. spherical coordinates ¹ ,	
sonore (fr.)	پُر صدا [موسیقی]	spherical polar coordinates ¹	
syn. sonorous, sonorously		spherical divergence	واگرایی کروی [ژئوفیزیک]
sonority	صدادهی [موسیقی]	spherical polar coordinates ¹	→ spherical coordinate system
sonorous → sonore		spherical polar coordinates ²	→ spherical coordinates ²
sonorously → sonore		splicing vise → rigger's screw	
soprano (it.)	سُپرانو [موسیقی]		
SORD			
→ submerged ordnance recovery device			

- signal lamp → Aldis lamp
- silent running کارکرد بی صدا [نظامی]
- siliciclastic sediment رسوب سیلیس آواری [زمین‌شناسی]
- silt density index شاخص چگالی لای [محبیطزیست]
- similar fold چین همسان [زمین‌شناسی]
- simply pulse method
→ pulse induced polarization method
- single-origin coffee/single origin coffee قهوه تک‌خاستگاه [قهوه]
- single serve pack بسته تک‌نفره [بهار]
- syn. portion pack
- single-speed transmission¹
→ continuously variable transmission
- single-speed transmission²
→ variable-diameter pulley
- single-stranded DNA
abbr. ssDNA دینای تکرشته‌ای [ژن‌شناسی]
- singular مفرد- [زبان‌شناسی]
- site ساختگاه [م. پروژه]
- site layout چیدمان ساختگاه [م. پروژه]
- site map نقشه محوطه [باستان‌شناسی]
- site mobilization تجهیز ساختگاه،
تجهیز کارگاه [م. پروژه]
- site plan نقشه کارگاهی محوطه [باستان‌شناسی]
- site preparation آماده‌سازی ساختگاه [م. پروژه]
- site works کارهای ساختگاهی [م. پروژه]
- Sixteen Personality Factor Questionnaire پرسش‌نامه شانزده‌عاملی شخصیت [روان‌شناسی]
- abbr. 16PF
- size operation عملیات اندازه‌بندی [نقشه‌برداری]
- skeptic (am.)/sceptic (br.) شکاک [فلسفه]
- syn. scepticist
- skeptical (am.)/sceptical (br.) شکاکانه [فلسفه]
- skepticism (am.)/scepticism (br.) شکاکیت [فلسفه]
- sketch map نقشه سردستی [باستان‌شناسی]
- sketch plan نقشه کارگاهی سردستی [باستان‌شناسی]
- skeuomorph افزار نمود [باستان‌شناسی]
- skeuomorphic افزار نمودی [باستان‌شناسی]
- skeuomorphism افزار نمودگری [باستان‌شناسی]
- skin pack → skin packaging بسته‌بندی جلدشفاف [بهار]
- skin packaging
syn. contour packaging, visual carded display packaging, skin pack
- skipper اتاق مهمان‌گریخته، مهمان‌گریخته [گردشگری]
- slave برده [سلامت]
- sleeper اتاق اشغال‌نما، اشغال‌نما [گردشگری]
- sleep-out مهمان بیرون‌خواب، بیرون‌خواب [گردشگری]
- slewing derrick دیرک گردان [دریایی]
- slice operation عملیات برش‌زنی [نقشه‌برداری]
- slip → glide

- sex position قرارگیری کامشی،
قرارگیری [سلامت]
- sexual assault تعرض جنسی [سلامت]
- sexual burnout syndrome
نشانگان فرسودگی جنسی [سلامت]
- sexual capital سرمایه جنسی [سلامت]
syn. erotic capital
- sex(ual) ethics¹ اخلاق‌شناسی جنسی [سلامت]
- sex(ual) ethics² اخلاق جنسی [سلامت]
- sexual imprinting نقش‌بست جنسی [سلامت]
- sexual violence خشونت جنسی [سلامت]
- shank painter لنگر‌بند [دریایی]
- shared aberrancy
نابه‌روالی مشترک [زبان‌شناسی]
- shared anomaly
سامان‌گریزی مشترک [زبان‌شناسی]
- shattering خُردشدگی [زمین‌شناسی]
- sheath fold چین نیامی [زمین‌شناسی]
- shifter fork → shift fork
- shifter linkage → gearchange linkage
- shifter mechanism
→ gearchange linkage
- shift fork ماهک [خودرو]
syn. selector fork, shifter fork,
gear-selector fork, gearshift fork,
gear-shifting fork, gearshift rod,
gear-control fork, control fork,
selector lever
- shift rail → selector rod
- ship rigger → rigger
- shockwave stricken موجی [نظامی]
- shopping centre¹ → mall
- shopping centre² → strip mall
- shopping mall → mall
- shopping plaza → strip mall
- shovel pit testing بیل‌کندآزمایی [باستان‌شناسی]
syn. shovel testing
- shovel test(ing) → shovel pit testing
- shrinkage estimator برآوردگر انقباضی [آمار]
- shrink packaging بسته‌بندی جمع‌شو [بسه‌پار]
- shroud مهار عرضی [دریایی]
- shroud bridle دهنه مهار عرضی [دریایی]
- shroud cap سرپوش مهار عرضی [دریایی]
- shroud hoop بست بالای مهار عرضی،
بست بالا [دریایی]
- shroud knot گره مهار عرضی [دریایی]
- shroud laid → shroud-laid rope
- shroud-laid rope طناب چهاررشته [دریایی]
syn. shroud laid
- shroud plate¹ بست پایین مهار عرضی،
بست پایین [دریایی]
- shroud plate² پایه مهار عرضی [دریایی]
- shroud rope طناب مهار عرضی [دریایی]
- shroud stopper نگه‌دار مهار عرضی [دریایی]
- shroud truck مقرة مهار عرضی [دریایی]
syn. seizing truck, leading truck
- side-by-side sex position
قرارگیری هم‌بدر [سلامت]
- side scuttle/sidescuttle حُبله [دریایی]
syn. porthole, hublot (fr.)
- sieving الک کردن [باستان‌شناسی]
- signal detection theory
نظریه آشکارسازی نشانک‌ها [آمار]
abbr. SDT

- secondary refuse**² [باستان‌شناسی] واژنه دگرجا
- second gear** [خودرو] دنده‌دو
syn. second
- second-motion shaft** → countershaft
- secret handshake** [رمزشناسی] دست‌داد سرّی
- seismogenic structure**
[ژئوفیزیک] ساختار لرزه‌زا
- seismological parameter**
[ژئوفیزیک] پارامتر لرزه‌شناختی
- seizing truck** → shroud truck
- selector fork** → shift fork
- selector lever** → shift fork
- selector rail** → selector rod
- selector rod** [میل‌ماهک] [خودرو]
syn. shift rail, selector rail
- self-cleansing velocity**
[محیط‌زیست] سرعت خودتمیزی
- self-concept** [روان‌شناسی] خودپنداره
- self-concept tests**
[روان‌شناسی] آزمون‌های خودپنداره
- self-efficacy** [روان‌شناسی] خودتوان‌آگاهی
- self-exciting dynamo**
[ژئوفیزیک] دینام خودانگیخته
- self-shifting transmission**
→ automatic gearbox
- semantic bleaching** → bleaching
- semantic depletion** → bleaching
- semantic fading** → bleaching
- semantic weakening** → bleaching
- semi-automatic gearbox**
abbr. SAT [خودرو] جعبه‌دنده نیمه‌خودکار
syn. semi-automatic transmission,
clutchless manual transmission,
automated manual transmission,
trigger shift, flappy-paddle gear
shift, paddle-shift gearbox
- semi-automatic transmission**
→ semi-automatic gearbox
- semiregular tessellation**
[نقشه‌برداری] پاره‌بندی نیمه‌منظم
- sensate focus therapy**
[درمان حس‌مدار] [سلامت]
- sensu lato** (lat.) [گیاهی] با دید وسیع
- sensu stricto** (lat.) [گیاهی] با دید باریک
- sentence** [زبان‌شناسی] جمله
- sentence adverb** [زبان‌شناسی] قید جمله
syn. sentential adverb
- sentence fragment** [زبان‌شناسی] پاره‌جمله
- sentence grammar**
[زبان‌شناسی] دستور جمله‌بنیاد
- sentence type** [زبان‌شناسی] نوع جمله
- sentence word** [زبان‌شناسی] شبه‌جمله
- sentential** [زبان‌شناسی] جمله‌ای
- sentential adverb** → sentence adverb
- separate sewer** [محیط‌زیست] فاضلاب‌رو مجزا
- set-off**¹ [ریلی] کاهش واگن
- set-off**² [ریلی] واگن کاهشی
- sex crime** [سلامت] جرم جنسی
- sexism** [سلامت] جنسیت‌نگری

- room status وضعیت اتاق [گردشگری]
- room status discrepancy
مغایرت‌های وضعیت اتاق [گردشگری]
- room status report
گزارش وضعیت اتاق [گردشگری]
- room variance report
گزارش مغایرت‌ها [گردشگری]
- rotary davit → round bar davit
- rotational remanent magnetism
abbr. RRM مانده‌مغناطش چرخشی [ژئوفیزیک]
- rotor → impeller
- round bar davit قایق‌آویز بازوخم [دریایی]
syn. rotary davit
- round thimble حلقک گرد [دریایی]
- RPG operator آرپی‌جی‌زن [نظامی]
- RRM
→ rotational remanent magnetism
- rubbish pit چال زباله [باستان‌شناسی]
- runner کشنده [دریایی]
- running rigging
وسایل افزاربندی متحرک [دریایی]
- S
- sachet تکینه [بسهار]
- sack → bag
- safe ایمن [جنگل]
- safety relief valve
→ positive pressure relief valve
- sail draught → rigging plan
- sail plan → rigging plan
- Samson post → derrick post
- sarcotesta دانه‌پوش گوشتی [گیاهی]
- SAT → semi-automatic gearbox
- scatologia مستهجن‌گویی [سلامت]
- scatophilia مدفوع‌کامی [سلامت]
syn. coprophilia
- sceptic → skeptic/sceptic
- sceptical → skeptical/sceptical
- scepticism → skepticism/scepticism
- scepticist → skeptic/sceptic
- scorching نقطه‌سوزی [فهره]
- scour mark اثر کندگی [زمین‌شناسی]
- scouting دیده‌وری [نظامی]
- screening سرند کردن [باستان‌شناسی]
- screen mirroring پخش آینه‌ای [فارا]
- SDN شبنا [فارا]
- SDN controller وایشنا [فارا]
- SDT → signal detection theory
- Secchi depth عمق سیگی [محیط‌زیست]
syn. Secchi disk depth,
Secchi disk transparency
- Secchi disk زلالی‌سنج سیگی [محیط‌زیست]
- Secchi disk depth → Secchi depth
- Secchi disk transparency
→ Secchi depth
- second → second gear
- secondary package بسته‌بندی ثانویه [بسهار]
- secondary refuse¹ وازنش دگرجا [باستان‌شناسی]

responsibility	[مسئولیت [مدیریت]	rigging-mat	[دریایی] لفاف افزاربندی
responsiveness	[پاسخ‌دهی [مدیریت]	rigging plan	[دریایی] نقشهٔ بادبان‌بندی
rest	[سکوت [موسیقی]	<i>syn. sail plan, sail draught</i>	
retrenchment strategy	[راهبرد انقباض [مدیریت]	rigging screw	[دریایی] بست چپ‌وراست
re-use process → recycling		<i>syn. bottle screw</i>	
reverb	[بازآواگر [موسیقی]	rigid intermediate bulk container	[بسهار] گُنْجایهٔ واسطه‌ای صلب
reversal → polarity reversal		road network	[درون‌شهری] شبکهٔ راه
reversal time-scale		<i>syn. highway network</i>	
<i>→ polarity time-scale</i>		roadside hazard	[درون‌شهری] خطر راه‌کنار
reverse → reverse gear		roast defect	[قهوه] عیب برشته‌کاری
reverse flow region	[بخش و اشارش [نظامی]	roast degree	[قهوه] درجهٔ برشته‌گی
reverse gear	[دنده‌عقب [خودرو]	<i>syn. degree of roast</i>	
<i>syn. reverse</i>		roaster	[قهوه] برشته‌کار
reverse geocoding	[کدبندی مکانی و ارون [نقشه‌برداری]	roastery	[قهوه] کارگاه برشته‌کاری
reverse idler gear	[چرخ‌دندهٔ هرزگرد، چرخ‌دندهٔ هرزگرد دنده‌عقب [خودرو]	roast master → master roaster	
RIBC	[گوف صلب [بسهار]	roast profile	[قهوه] نمودار برشته‌کاری
rig	[افزاربندی [دریایی]	robust	[ژن‌شناسی] استوار
rigger	[افزاربند [دریایی]	robustness	[ژن‌شناسی] استواری
<i>syn. ship rigger</i>		rod rigging	[دریایی] افزاربندی میله‌ای
rigger's horn	[گریس‌دان افزاربند [دریایی]	<i>syn. bar rigging</i>	
<i>syn. grease horn</i>		ROI	[نقشه‌برداری] مت
rigger's screw	[گیرهٔ افزاربندی [دریایی]	roller-based continuously variable	
<i>syn. rigger's vise, splicing vise</i>		transmission	
rigger's vise → rigger's screw		<i>→ toroidal continuously variable</i>	
rigging	[وسایل افزاربندی [دریایی]	transmission	
rigging loft	[کارگاه افزاربندی [دریایی]	room assignment	[کردشگری] تخصیص اتاق
<i>syn. loft</i>		room data card	[کردشگری] کارت شناسهٔ اتاق
rigging luff	[قرقرهٔ افزاربندی [دریایی]	room inspection	[کردشگری] بازرسی اتاق
<i>syn. luff purchase</i>		room rack	[کردشگری] جابجگه‌ای اتاق‌ها
		room rack slip	[کردشگری] برگهٔ اتاق

- reclassify operation**
 عملیات بازرده‌بندی [نقشه‌برداری]
- reclined fold** چین کژیده [زمین‌شناسی]
- recloseable package** بسته‌بازبست‌شدنی [بسپار]
- rectangular lattice** مشبکه مستطیلی [آمار]
- recycle rate** → **recycle ratio**
- recycle ratio** نسبت برگشتی [محیط‌زیست]
syn. recycle rate
- recycling** بازیافت، بازیابش [باستان‌شناسی]
syn. re-use process
- Red Data Book** کتاب قرمز [جنگل]
syn. IUCN Red Data Book
- Red Data List** → **Red List**
- Red List** فهرست قرمز [جنگل]
syn. IUCN Red List of Threatened Species, IUCN Red List, Red Data List
- re-encryption mixnet**
 شبکه مخلوط بازرمزگذاری [رمزشناسی]
- reeves drive**
 → variable-diameter pulley
- reformed epistemology**
 معرفت‌شناسی اصلاح‌شده [فلسفه]
- refuse¹** وازنش [باستان‌شناسی]
- refuse²** وازنه [باستان‌شناسی]
- regional gravity** گرانی منطقه‌ای [ژئوفیزیک]
- region of interest** منطقه توجه [نقشه‌برداری]
- region-wide overlay**
 برهم‌گذاری منطقه‌مبنا [نقشه‌برداری]
- regular tessellation**
 پاره‌بندی منظم [نقشه‌برداری]
- regulatory quality** کیفیت مقررات [مدیریت]
- reinforcement** تقویت [زبان‌شناسی]
- relational database** پایگاه‌داده رابطه‌ای [آمار]
abbr. RDB
- relational database management system**
 سامانه مدیریت پایگاه‌داده رابطه‌ای [آمار]
- relative apparent resistivity**
 مقاومت‌ویژه ظاهری نسبی [ژئوفیزیک]
- relative efficiency** کارایی نسبی [آمار]
- relative pitch** گوش نسبی [موسیقی]
- relative thickness** ضخامت نسبی [ژئوفیزیک]
- relaxed DNA** دناى آسوده [ژن‌شناسی]
- relay lens** → **transfer lens**
- religious epistemology**
 معرفت‌شناسی دینی [فلسفه]
- removable drum** طبله سربازشو [بسپار]
syn. open-head drum
- renumber operation**
 عملیات بازشماره‌بندی [نقشه‌برداری]
- repack** نویسته‌بندی [بسپار]
- reproductive isolation**
 جدایی تولیدمثلی [ژن‌شناسی]
- resettable zero-knowledge proof**
 اثبات ناتراوای بازنشان‌پذیر،
 اثبات دانش‌صفر بازنشان‌پذیر [رمزشناسی]
abbr. resettable ZK proof
- resettable ZK proof**
 → resettable zero-knowledge proof
- residual gravity** گرانی باقی‌مانده [ژئوفیزیک]
- resource pool** منبعگان [م. پروژه]
- respondent-driven sampling**
 نمونه‌گیری پاسخگورنما [آمار]
abbr. RDS

public service	[مدیریت] خدمات عمومی	quick-service limiting valve	
public trust	[مدیریت] اعتماد عمومی	شیر قطع ترمز سریع [ریلی]	
public value	[مدیریت] ارزش عمومی	quick-service valve	شیر ترمز سریع [ریلی]
pulley transmission ¹			
→ continuously variable transmission			R
pulley transmission ²			
→ variable-diameter pulley			
pulse induced polarization method		radar control	[نظامی] واپایش راداری
روش قطبش تپ القایی [ذئوفیزیک]		radial davit	[دریایی] قایق آویز چرخشی
syn. pulse potential, direct current pulse, simply pulse method		syn. luffing davit	
pulse potential		radio determination	[فارا] تعیین رادیویی
→ pulse induced polarization method		radio facility chart → en route chart	
pupitre (fr.) → music stand		rain print	[زمین‌شناسی] اثر باران
purpose	[مدیریت] منظور	random mating	[ژن‌شناسی] آمیزش تصادفی
push car	[ریلی] واگنک پشت کار	ransomware	[فارا] باج‌افزار
push rod	[ریلی] میل‌رابط ترمز	rape counseling	[سلامت] مشاوره تجاوز
Pyrrhonian skepticism		rare species	[جنکل] گونه کمیاب
[فلسفه] شکاکیت پیرونی		rarity	[جنکل] کمیابی
syn. Pyrrhonism		ratcheting continuously variable transmission	
Pyrrhonism → Pyrrhonian skepticism		جعبه‌دنده پیوسته جغجغه‌ای [خودرو]	
		abbr. ratcheting CVT	
		ratcheting CVT	
		→ ratcheting continuously variable transmission	
		RDB → relational database	
		RDBMS	[فارا] سامپادرا
		RDS → respondent-driven sampling	
quadrant(al) davit	[دریایی] دارک کمان‌گرد	real time	[زبان‌شناسی] زمان واقعی، زمان تقویمی
quality differentiation strategy		real time study	[زبان‌شناسی] بررسی زمان واقعی
راهبرد تمایزبخشی کیفی [مدیریت]		rear entry position	[سلامت] قرارگیری از پشت
quick-release valve	[ریلی] شیر تخلیه سریع	syn. doggy style	

Q

pressurized cabin	اتاکت تحت‌فشار [هوایی]	program/programme	برنامه ^۲ [مدیریت]
primary package	بسته‌بندی اولیه [بسیار]	progress	پیشرفت [م. پروژه]
primary refuse ¹	وازنش درجا [باستان‌شناسی]	progress measurement	سنجش پیشرفت [م. پروژه]
primary refuse ²	وازنه ^۲ درجا [باستان‌شناسی]	progress report	گزارش پیشرفت [م. پروژه]
primary shaft → gearbox input shaft		project implementation plan	برنامه ^۲ پیاده‌سازی پروژه [م. پروژه]
primary surface rupture	گسیخت سطحی اصلی [ژئوفیزیک]	proposed species	گونه ^۲ پیشنهادی [جنگل]
prime meridian	نصف‌النهار مبدا [ژئو. نجوم]	provocation	تحریک‌گری [روان‌شناسی]
principal meridian	نصف‌النهار مبدأ [نجوم]	proximity	مجاورت [نقشه‌برداری]
private sector	بخش خصوصی [مدیریت]	proximity operation	عملیات مجاورت [نقشه‌برداری]
<i>syn. citizen sector</i>		pruning strategy	راهبرد هرس [مدیریت]
private sector management	مدیریت بخش خصوصی [مدیریت]	<i>syn. product line pruning strategy</i>	
privileged access	دسترسی ممتاز [فلسفه]	PRV → pressure relief valve	
procedure qualification record	گزارش کیفیت جوش [دیپ]	PTM → virtual teller machine	
procurement	برگیش [باستان‌شناسی]	ptygmatic fold	چین روده‌ای [زمین‌شناسی]
prod mark → impact mark		public agency	دستگاه دولتی [مدیریت]
product development strategy	راهبرد خلق و بهبود محصول [مدیریت]	public engagement	پایبندسازی عموم [مدیریت]
product line pruning strategy		<i>syn. community engagement</i>	
→ pruning strategy		public ethics	اخلاق عمومی [مدیریت]
product pruning	راهبرد هرس محصول [مدیریت]	public expenditure	مخارج دولتی، هزینه‌های دولتی [مدیریت]
		<i>syn. government expenditure</i>	
product specialization strategy	راهبرد تخصصی‌سازی [مدیریت]	public interest	منافع عمومی [مدیریت]
<i>syn. market specialization strategy,</i>		public involvement	درگیرسازی عموم [مدیریت]
target specialization strategy		public management	مدیریت دولتی [مدیریت]
professional-client sexual relation	رابطه جنسی مراجع- متخصص [سلامت]	public participation GIS	سامانه ^۲ اطلاعات مکانی مشارکت همگانی [نقشه‌برداری]
professional ethics	اخلاق حرفه‌ای [مدیریت]	public sector	بخش عمومی، بخش دولتی [مدیریت]

population projection

پیش‌نگری جمعیت [آمار]

pore

منفذ [کیامی]

pore pressure

فشار منفذی [زمین. ژئو]

syn. pore-water pressure,

neutral pressure, neutral stress

pore-water pressure → pore pressure

poricidal

منفذشکاف [کیامی]

poricidal capsule

پوشینه‌ منفذشکاف [کیامی]

port¹

به‌چپ!، چپ! [نظامی]

port² → port side

porthole → side scuttle

portion pack → single serve pack

port side

چپ شناور [دریایی]

syn. port²

positive pressure relief valve

شیر فشارمثبت [هوایی]

syn. cabin pressurization safety valve,

safety relief valve,

over-pressure relief valve

positive supercoiling

آبرپیچش مثبت [ژن‌شناسی]

syn. overwinding

possibly extinct

احتمالاً منقرض [جنگل]

postural communication

پیام حالت‌بدنی [روان‌شناسی]

postural control

مهار حالت‌بدنی [روان‌شناسی]

postural echo

پژواک حالت‌بدنی [روان‌شناسی]

posture

حالت بدن [روان‌شناسی]

pouch

چنته [بسپار]

power-aware

توان‌آگاه [آوا]

power-aware computing

رایانش توان‌آگاه [آوا]

power bank

باتری پُرکن همراه [آوا]

power brake

ترمز قدرتی [ریلی]

power braking

ترمزگیری قدرتی [ریلی]

PPG → penile plethysmography

PPGIS

سام همگانی [نقشه‌برداری]

PPP → child-resistant packaging

prejudice

پیش‌داوری [روان‌شناسی]

preliminary demolition target

هدف انهدامی جنبی [نظامی]

premenstrual stress syndrome

→ premenstrual syndrome

premenstrual syndrome

نشانه‌گان پیش‌قاعدگی [سلامت]

syn. premenstrual stress syndrome,

premenstrual tension

premenstrual tension

→ premenstrual syndrome

preparation

آماده‌سازی [باستان‌شناسی]

present participle

صفت فاعلی فعلی [زبان‌شناسی]

pressure altitude

ارتفاع فشاری [هوایی]

pressure car

واگن مخزنی پرفشار [ریلی]

pressure door

درِ تحت‌فشار [هوایی]

syn. plug door

pressure-relief valve

شیر فشارشکن [هوایی]

abbr. PRV

pressure seal

درزگیر فشاری [هوایی]

pressure test

آزمون فشار [هوایی]

pressurized aircraft

هواگرد تحت‌فشار [هوایی]

- POI [نقشه‌برداری]
- point mutation [جهش نقطه‌ای (ژن‌شناسی)]
syn. micromutation
- point of interest [نقطهٔ توجه (نقشه‌برداری)]
- poison-prevention packaging
→ child-resistant packaging
- polarity-change horizon
→ polarity-reversal horizon
- polarity chron [گاه قطبایی (ژئوفیزیک)]
- polarity-chronologic unit
[واحد گاه‌شناختی قطبایی (ژئوفیزیک)]
- polarity-chronostratigraphic unit
[واحد گاه‌چینه‌نگاشتی قطبایی (ژئوفیزیک)]
- polarity epoch [دور قطبایی (ژئوفیزیک)]
- polarity event [رویداد قطبایی (ژئوفیزیک)]
- polarity interval [بازهٔ قطبایی (ژئوفیزیک)]
- polarity period [دورهٔ قطبایی (ژئوفیزیک)]
- polarity reversal [وارونگی قطبایی (ژئوفیزیک)]
syn. field reversal, geomagnetic polarity reversal, magnetic polarity reversal, magnetic reversal, reversal
- polarity-reversal horizon
[افق وارونگی قطبایی (ژئوفیزیک)]
syn. polarity-change horizon, magnetostratigraphic polarity-reversal horizon
- polarity rock-stratigraphic unit
→ magnetopolarity unit
- polarity subchron [زیرگاه قطبایی (ژئوفیزیک)]
- polarity superchron [آبرگاه قطبایی (ژئوفیزیک)]
- polarity time-scale
[مقیاس زمان قطبایی (ژئوفیزیک)]
syn. magnetostratigraphic time-scale, geomagnetic reversal timescale, reversal time-scale
- polarity transition period
[دورهٔ گذار قطبایی (ژئوفیزیک)]
- polar mutation [جهش قطبی (ژن‌شناسی)]
syn. dual-effect mutation
- policy [خط‌مشی، سیاست (مدیریت)]
- policy adoption [پذیرش خط‌مشی، پذیرش سیاست (مدیریت)]
- policy advocacy [جانبداری از خط‌مشی (مدیریت)]
- policy analysis [تحلیل خط‌مشی (مدیریت)]
- policy evaluation [ارزشیابی خط‌مشی (مدیریت)]
- policy formulation [تدوین خط‌مشی، تدوین سیاست (مدیریت)]
- policy implementation [پیاده‌سازی خط‌مشی (مدیریت)]
- policy network [شبکهٔ خط‌مشی (مدیریت)]
- polyclave key [کلید بس‌شناسه‌ای (گیاهی)]
- polygenic inheritance
[وراثت چندژنی (ژن‌شناسی)]
- polygonal structure
[ساختار چندضلعی (زمین‌شناسی)]
- polymer [بِسپار (بِسپار)]
- polymeric geosynthetic barrier
[زمین‌ساز سدگر بسپاری (بِسپار)]
- polymorphic transformation
[تبدیل چندریختی (زمین‌شناسی)]
- poor condition [وضعیت نامطلوب (ریلی)]

pitting	هسته‌گیری ^۱ [فتاوری غذا]	planetographic	سیاره‌نگارشتی [نجوم]
plaintext-ciphertext compromise	مخاطرهٔ کلید متن اصلی-متن رمز [رمزشناسی]	planetographic coordinates¹	
plaintext-plaintext compromise	مخاطرهٔ کلید متن اصلی-متن اصلی [رمزشناسی]	→ planetographic coordinate system	
plan	طرح، برنامه ^۱ [مدیریت]	planetographic coordinates²	مختصات سیاره‌نگارشتی [نجوم]
planetary continuously variable transmission	جعبه‌دندهٔ پیوستهٔ سیاره‌ای [خودرو]	planetographic coordinate system	دستگاه مختصات سیاره‌نگارشتی [نجوم]
<i>abbr.</i> planetary CVT		<i>syn.</i> planetographic coordinates ¹	
planetary CVT		planetography	سیاره‌نگاری [نجوم]
→ planetary continuously variable transmission		plank	تخته [دریایی]
planetary gearbox	جعبه‌دندهٔ سیاره‌ای [خودرو]	plankage	عوارض بیسه [دریایی]
<i>syn.</i> epicyclic gearbox,		planker	تخته‌بند [دریایی]
planetary transmission,		<i>syn.</i> ceiler	
epicyclic transmission		plank floor	کف تخته‌ای [دریایی]
planetary gears → planetary gear set		planking	تخته‌بندی [دریایی]
planetary gear set	چرخ‌دنده‌های سیاره‌ای [خودرو]	planking clamp	گیرهٔ تخته‌بندی [دریایی]
<i>syn.</i> sun-and-planet gearset,		plank sheer	قرنیز [دریایی]
planetary gears, planetary gear system, planetary gear train,		<i>syn.</i> washboard, covering board	
sun-and-planet gears		plant	تولیدگاه [م. پروژه]
planetary gear system		plant available nitrogen	نیتروژن گیاه‌رس [محیطزیست]
→ planetary gear set		plate rack	جایشقابلی [کردشگری]
planetary gear train		platform steps	پلهٔ واکن [ریلی]
→ planetary gear set		platform trap door	پله‌پوش [ریلی]
planetary transmission		plaza → mall	
→ planetary gearbox		plug door → pressure door	
		plural	جمع [زبان‌شناسی]
		pluralistic ignorance	جهل گروه‌زاد [روان‌شناسی]
		pneumatic bulkhead	جداساز بادی [ریلی]
		pocket projector → pico projector	

- passionate²** [روان‌شناسی] شهوتی
passive probe [نظامی] مأمور غیرعامل
pasted sack [بسیار] کیسه چسب‌دوخت
past participle [زبان‌شناسی] صفت مفعولی
pathfinding [نقشه‌برداری] مسیریابی
payload capacity [ریلی] ظرفیت مجاز
pear-shaped thimble
 → heart-shaped thimble
pedal [موسیقی] پای
pedal board [موسیقی] صفحه پای
pedal glissando [موسیقی] لغزه پای
pedal harp [موسیقی] چنگ پای‌دار
pedal harpsichord
 [موسیقی] هارپسیکورد پای‌دار
pedal piano [موسیقی] پیانوی پای‌دار
pedometer [فانوا] گام‌شمار
pejoration [زبان‌شناسی] تنزل معنایی
syn. degeneration, deterioration
pejorative [زبان‌شناسی] تنزلی
penalty application [ریلی] ترمزگیری جبرانی
penalty time [ریلی] زمان جبران
penile plethysmography
abbr. PPG [موسیقی] حجم‌نگاری آلت [سلامت]
syn. phallometry
penilingus → fellatio
percolation [زبان‌شناسی] تراوش
perfect pitch → absolute pitch¹
perfect zero-knowledge proof
 اثبات ناتراوی کامل،
 اثبات دانش صفر کامل [رمزشناسی]
abbr. perfect ZK proof
- perfect ZK proof**
 → perfect zero-knowledge proof
perpetual war [نظامی] جنگ ادامه‌دار
syn. endless war, forever war
personal teller machine
 → virtual teller machine
petshop [عمومی] رانه‌فروشی
syn. pet store
pet store → petshop
16PF → Sixteen Personality Factor
 Questionnaire
PGIS [نقشه‌برداری] سام مشارکتی
phallometry
 → penile plethysmography
phantom signal aspect
 نمود کاذب چراغ راهنمایی [ریلی]
phenotypic variance
 [ژن‌شناسی] وراثتی رخ‌نمودی
phishing [فانوا] طعمه‌گذاری
phonetic attrition → attrition
pickup¹ [ریلی] افزایش واگن
pickup² [ریلی] واگن افزایشی
pico projector [عمومی] ریزتاب
syn. pocket projector, mobile projector, handheld projector, mini beamer
pile driver [ریلی] ماشین شمع‌کوب
pile hammer [ریلی] چکش شمع‌کوب
pillow pack [بسیار] بسته بالش‌تکی
syn. flat pouch
pit [باستان‌شناسی] چال
pitted [غذای] هسته‌گرفته [غذای]
syn. stone removed

- output shaft → gearbox output shaft
- outside sill [تیر کناری] [ریلی]
- over-pressure relief valve
→ positive pressure relief valve
- overstay [مهمان بیش‌مان، بیش‌مان] [کردشگری]
- overtone [صوت فرعی] [موسیقی]
- overwinding → positive supercoiling
- oxygen sag curve
[منحنی افت اکسیژن] [محیطزیست]
- P
- pacings [همگام‌سازی] [ریلی]
- pack¹ → package¹
- pack² → package²
- package¹ [بسته، بسته‌بندی¹] [بسیار]
syn. pack¹, packing, packaging¹
- package² [بسته‌بندی²] [بسیار]
syn. pack², packaging²
- packaging¹ → package¹
- packaging² → package²
- packing → package¹
- packing cup [فنجانی سیلندر ترمز] [ریلی]
- paddle-shift gearbox
→ semi-automatic gearbox
- padlette [رایانک‌گیر] [آمارا]
- painter [طناب قایق] [دریایی]
- pairing [زوج‌نگاشت] [رمزشناسی]
- pairwise independent events
[پیشامدهای دویه‌دومستقل] [آمارا]
- paleokarst [دیرینه‌کارست] [زمین‌شناسی]
syn. buried karst
- paleokarstic surface
[سطح دیرینه‌کارستی] [زمین‌شناسی]
- pallet tank
→ intermediate bulk container
- pangeneses [تمام‌زایش] [ژن‌شناسی]
- paraphiliac interests
[رغبت‌های کژگامانه] [سلامت]
- paraphrase [بازگویی] [زبان‌شناسی]
- parasitic fold [چین کهنین] [زمین‌شناسی]
syn. subsidiary fold
- paratype [پرامونه] [کیمی]
- parking pawl [قفل جعبه‌دنده خودکار] [خودرو]
- parlor car [واگن گفت‌وگو] [ریلی]
- part exchange → voice exchange
- partial → harmonic¹
- partial service application [نیم‌ترمز] [ریلی]
- partial suppletion [تکمیل جزئی] [زبان‌شناسی]
- participant role [نقش شرکت‌کننده] [زبان‌شناسی]
- participants [شرکت‌کنندگان] [زبان‌شناسی]
- participation [مشارکت] [زبان‌شناسی]
- participatory GIS
[سامانه اطلاعات مکانی مشارکتی] [نقشه‌برداری]
- participial [صفت فعلی] [زبان‌شناسی]
- participle [صفت فعلی] [زبان‌شناسی]
- parting planks [تخته سینۀ کشتی] [دریایی]
- passenger traiff [تعرفۀ مسافر] [ریلی]
- passing report [گزارش سبقت] [ریلی]
- passing track [خط سبقت] [ریلی]
- passion¹ [شور] [روان‌شناسی]
- passion² [شبهوت] [روان‌شناسی]
- passionate¹ [پرشور] [روان‌شناسی]

- ontologist هستی‌شناس، وجودشناس [فلسفه]
- ontology هستی‌شناسی، وجودشناسی [فلسفه]
- OOO → out of order
- OOS → out of service
- open dating تاریخ‌زنی دقیق [فناوری غذا]
- open government حکومت باز [مدیریت]
- open-head drum → removable drum
- open mouth bag کیسهٔ یک‌سرباز [بهار]
- syn. open mouth sack
- open mouth sack → open mouth bag
- openness to experience تجربه‌پذیری [روان‌شناسی]
- open pedal → sustaining pedal
- operating efficiency بازده عملکرد [ریلی]
- operating platform سکوی عملیات [ریلی]
- operating ratio نسبت عملکرد [ریلی]
- operating revenue درآمد عملکرد [ریلی]
- operating rules مقررات سیروحرکت [ریلی]
- operating speed limit سرعت مجاز سیروحرکت [ریلی]
- operating valve شیر اصلی [ریلی]
- orbit¹ چرخ‌زنی [نظامی، هوایی]
- orbit² مسیر چرخ‌زنی [نظامی، هوایی]
- ORDBMS
→ object-relational database management system
- ordinary break شکستگی عادی ریل، شکستگی عادی [ریلی]
- ore car واگن کانسنگ، واگن سنگ معدن [ریلی]
- organizational strategy
→ corporate strategy
- organizing سازمان‌دهی [مدیریت]
- orientation sensor حسگر راستا [افارا]
- original record of repairs شناسنامهٔ تعمیرات واگن [ریلی]
- orthogonal design → balanced design
- ostinato (it.) مکرر [موسیقی]
- syn. ground
- other track material مصالح جنبی خط [ریلی]
- abbr. OTM
- OTM → other track material
- outage کسری گنجایش [ریلی]
- outage table جدول کسری گنجایش [ریلی]
- outboard برون‌سو [دریایی، نظامی]
- outboard bearing یاتاقان بیرونی [ریلی]
- outcome پیامد [مدیریت]
- outdoor positioning موقعیت‌یابی بیرونی [نقشه‌برداری]
- outer marker → outer marker beacon
- outer marker beacon نشان‌فرست بیرونی [هوایی]
- syn. outer marker
- outflow valve شیر خروجی [هوایی]
- outlet valve شیر تخلیه² [ریلی]
- out-of-face maintenance نگهداری کامل خط [ریلی]
- out of order اتاق غیرقابل فروش، غیرقابل فروش [کردشگری]
- abbr. OOO
- out of scope برون‌گستره [م. پروژه]
- out of service اتاق در دست تعمیر، در دست تعمیر [کردشگری]
- abbr. OOS
- out of tune/out-of-tune ناکوک [موسیقی]

nonorthogonal design		occupied	اتاق پُر [گردشگری]
→ unbalanced design		occupied/clean	اتاق پُر مرتب،
nonrandom mating	آمیزش انتخابی [ژن‌شناسی]	<i>abbr.</i> OC	پُر مرتب [گردشگری]
non-removable drum	طبقهٔ سرپیسته [بِسپار]	occupied/dirty	اتاق پُر نامرتب،
<i>syn.</i> tight-head drum		<i>abbr.</i> OD	پُر نامرتب [گردشگری]
nonverbal communication		OD → occupied/dirty	
	ارتباط غیرکلامی [روان‌شناسی]	off time	زمان قطع [ژئوفیزیک]
noosphere	خردسپهر [فلسفه]	oil cooler	خنک‌کن روغن، روغن‌سردکن [خودرو]
normative influence	تأثیر هنجار [روان‌شناسی]	<i>syn.</i> oil radiator	
normative social influence		oil radiator → oil cooler	
	تأثیر اجتماعی هنجار [روان‌شناسی]	olistolith	لغزیده‌سنگ [زمین‌شناسی]
not evaluated	ارزیابی نشده [جنگل]	olistostrome	لغزیده‌چینه [زمین‌شناسی]
<i>abbr.</i> NE		on board → aboard	
not threatened category of species		on-change	اتاق درحال تعویض،
	طبقهٔ بی‌تهدید [جنگل]		درحال تعویض [گردشگری]
NT → near threatened		<i>syn.</i> vacant/dirty, VD	
nudism	برهنه‌گرایی [سلامت]	one gallon jug	چهارلیتری [بِسپار]
<i>syn.</i> naturism		<i>syn.</i> gallon jug, gallon	
numbered key	کلید شماره‌ای [کیبای]	online database	پایگاه‌دادهٔ برخط [فارا]
NZK proof → non-interactive		onomastic	نام‌شناختی [زبان‌شناسی]
zero-knowledge proof		onomastician	نام‌شناس [زبان‌شناسی]
		<i>syn.</i> onomatologist	
		onomastics	نام‌شناسی [زبان‌شناسی]
		<i>syn.</i> onomatology	
		onomatologist → onomastician	
		onomatology → onomastics	
objective	هدف [مدیریت]	on-queue	اتاق دراولویت، دراولویت [گردشگری]
object-relational database management system		ontological	هستی‌شناختی، وجودشناختی [فلسفه]
	سامانهٔ مدیریت پایگاه‌دادهٔ شیئی-رابطه‌ای [فارا]	ontological dependence	وابستگی وجودی [فلسفه]
<i>abbr.</i> ORDBMS		ontological priority	تقدم وجودی [فلسفه]
OC → occupied/clean			

native species گونه بومی [جنگل]

native tongue → native language

nativism فطری‌گرایی [زبان‌شناسی]

naturalistic epistemology

معرفت‌شناسی طبیعت‌گرا [فلسفه]

naturalized epistemology

معرفت‌شناسی طبیعی‌شده [فلسفه]

natural language زبان طبیعی [زبان‌شناسی]

natural morphology صرف طبیعی،

ساختواژه طبیعی [زبان‌شناسی]

naturalness طبیعی‌بودگی [زبان‌شناسی]

natural phonology

واج‌شناسی طبیعی [زبان‌شناسی]

natural radio-frequency interference

تداخل بسامدرادیویی طبیعی [ژئوفیزیک]

naturism → nudism

NE → not evaluated

near threatened روبه‌تهدید [جنگل]

abbr. NT

negative pressure relief valve

شیر فشارمنفی [هوایی]

negative supercoiling

آبرپیچش منفی [ژن‌شناسی]

syn. underwinding

neighbors operation

عملیات همسایگی [نقشه‌برداری]

neologism نوواژه [زبان‌شناسی]

neomorphism نوریختی [زمین‌شناسی]

neotype نومونه [گیاهی]

nestable fiber drum

طلبه مقوایی توهم‌چین [بسیار]

nest-only container گنجایه توهم‌چین [بسیار]

net neutrality بی‌طرفی اینترنتی [افاوا]

network-centric positioning

موقعیت‌یابی شبکه‌محور [نقشه‌برداری]

neumatic غیرهجایی [موسیقی]

neuroticism روان‌نژندخویی [روان‌شناسی]

neutral fold چین‌خنثی [زمین‌شناسی]

neutral mutation جهش خنثی [ژن‌شناسی]

neutral pressure → pore pressure

neutral stress → pore pressure

neutron scattering پراکندگی نوترون [فیزیک]

no longer threatened species

گونه تهدید‌رسته [جنگل]

nomenclatural type نمونه نامگانی [گیاهی]

nomophobia بی‌گوشی‌هراسی [عمومی]

noncoaxial ناهم‌محور [زمین‌شناسی]

noncoaxial progressive deformation

دگرشکلی پیش‌رونده ناهم‌محور [زمین‌شناسی]

noncoherent scattering

→ incoherent scattering

non-destructive testing

آزمایش نامخرب [م. پروژه]

non-inferential justification

توجیه غیراستنتاجی [فلسفه]

non-interactive zero-knowledge proof

اثبات ناتراوای غیرتعاملی،

اثبات دانش‌صفر غیرتعاملی [رمز‌شناسی]

abbr. NZK proof

non-invasive attack

حمله غیرتهاجمی [رمز‌شناسی]

non-invasive techniques

فنون غیرنفوذی [باستان‌شناسی]

mobile projector → pico projector

mobile terminal-centric

موقعیت‌یابی پایانه‌محور [نقشه‌برداری]

syn. terminal-centric positioning

mobile virtual network operator

بهره‌بردار شبکه مجازی سیار [فاوا]

mobilization

تجهیز [م. پروژه]

model-assisted sampling

نمونه‌گیری مدل‌یار [آمار]

model-based sampling

نمونه‌گیری مدل‌مبنا [آمار]

moderatic bypass → medium-bypass

turbofan engine

moderator → muffler pedal

monograph

تک‌نگاشت [کیامی]

monothecal

تک‌خانگی [کیامی]

morning-after pill

قرص صبح بعد [سلامت]

Morse lamp → Aldis lamp

mother tongue

زبان مادری [زبان‌شناسی]

motion sensor

حسگر حرکت [فاوا]

motivation

انگیزش [روان‌شناسی]

motivational externalism

برونی‌گرایی انگیزشی [فلسفه]

motivational internalism

درونی‌گرایی انگیزشی [فلسفه]

moving-source method

روش چشمه‌متحرک [ذونویزیک]

MT → manual gearbox

muffler pedal

پایی صداگیر [موسیقی]

syn. moderator

mugging

زورگیری [نظامی]

syn. steaming

mullion structure ساختار موجی [زمین‌شناسی]

multi disk clutch/multidisc clutch

→ multi-plate clutch

multinational company

abbr. MNC

شرکت چندملیتی [مدیریت]

syn. multinational organization

multi-national organization

→ multinational company

multi plate → multi-plate clutch

multi-plate clutch کلاچ چندصفحه‌ای [خودرو]

syn. multiple-plate clutch,

multi disk clutch, multiple-disk

clutch, multi plate, multiple clutch

multiple clutch → multi-plate clutch

multiple-disk clutch/multiple disk

clutch → multi-plate clutch

multiple-plate clutch

→ multi-plate clutch

music stand

جانثی [موسیقی]

syn. pupitre (fr.)

mutation rate

آهنگ جهش [ژن‌شناسی]

MVNO

باکاس [فاوا]

MY → man-year

N

native language

زبان بومی [زبان‌شناسی]

syn. native tongue

native speaker

بومی‌زبان، گویشور بومی [زبان‌شناسی]

medium-bypass turbofan engine

موتور توربینی میان‌کنارگذر [هوابی]

syn. medium-bypass engine,
moderatic bypass**medium-roast(ed) coffee**

قهوهٔ میان‌برشت [قهوه]

megamall

آب‌بازار [عمومی]

megaproject

کلان‌پروژه [م. پروژه]

meliorative → ameliorative**message rack**

جایپایمی [مردشگری]

metamorphic facies

رخسارهٔ دگرگونی [زمین‌شناسی]

syn. mineral facies, densofacies

metamorphic subfacies

زیررخسارهٔ دگرگونی [زمین‌شناسی]

metaphysical

مابعدالطبیعی [فلسفه]

metaphysician

مابعدالطبیعه‌دان [فلسفه]

metaphysics

مابعدالطبیعه [فلسفه]

methodic doubt

شک روشی [فلسفه]

methodic skepticism

شکاکیت روشی [فلسفه]

method of doubt

روش شک [فلسفه]

methodological skepticism

شکاکیت روش‌شناختی [فلسفه]

MFL → magnetic field logging**m-governance → mobile-governance****MH → man-hour****micromastia**

کوچک‌پستانی [سلامت]

micromutation → point mutation**middle marker**

→ middle marker beacon

middle marker beacon

نشان‌فرست میانی [هوابی]

syn. middle marker

migration coefficient

ضریب مهاجرت [ژن‌شناسی]

mineral facies → metamorphic facies**mini beamer → pico projector****mini-mall → strip mall****minimum disclosure proof** اثبات کم‌تراوا،

اثبات کمینه‌افشا [رمزشناسی]

minor defect

نقص جزئی [م. پروژه]

minor defective

نقص‌دار جزئی [م. پروژه]

MIP

→ magnetic induced polarization

method**mission**

مأموریت [مدیریت]

missionary position

قرارگیری سنتی [سلامت]

mistress → dominatrix**mixnet**

شبکهٔ مخلوط [رمزشناسی]

syn. mix network

mix network → mixnet**MM → man-month****MNC → multinational company****mobile broadband router**

مسیریاب فراخ‌باند سیار [فاوا]

mobile browser

مرورگر همراه [فاوا]

mobile computing

رایانش همراه [فاوا]

mobile-governance

حاکمیت سیار [فاوا]

abbr. m-governance

mobile hotspot

چندرسیانی همراه [فاوا]

mobile malware

بدافزار تلفن همراه [فاوا]

- managerialism** [مدیریت‌باوری] [مدیریت]
- man-day/man day** [نفر - روز] [م. پروژه] *abbr.* MD
- man-hour/man hour** [نفر - ساعت] [م. پروژه] *abbr.* MH
- manipulative communications**
 deception [فریب ارتباطاتی ساختگی] [رمزشناسی]
- man-month/man month** [نفر - ماه] [م. پروژه] *abbr.* MM
- man-on-top position** [قرارگیری مردرو] [سلامت]
- manpower** [نیروی انسانی] [م. پروژه]
- manpower analysis**
 تحلیل نیروی انسانی [م. پروژه]
- manpower planning**
 برنامه‌ریزی نیروی انسانی [م. پروژه]
- manual gearbox** [جعبه‌دنده دستی] [خودرو] *abbr.* MT
syn. manual transmission,
 manually-shifted transmission,
 standard transmission
- manually-shifted transmission**
 → manual gearbox
- manual transmission**
 → manual gearbox
- manufacture** [ساخت] [باستان‌شناسی]
- manumatic transmission**
 جعبه‌دنده خودکار - دستی [خودرو]
syn. tiptronic
- man-year/man year** [نفر - سال] [م. پروژه] *abbr.* MY
- map unit** [واحد نقشه] [ژئشناسی]
- marital rape** [تجاوز به همسر] [سلامت]
syn. spousal rape, wife rape
- marker beacon** [نشان فرست تقرب] [هوایی]
- market development strategy**
 راهبرد ایجاد بازار [مدیریت]
- market penetration strategy**
 راهبرد رسوخ در بازار [مدیریت]
- market specialization strategy**
 → product specialization strategy
- master** [ارباب] [سلامت]
- master plan** [طرح کلی] [م. پروژه]
syn. main plan
- master roaster** [استاد برشته‌کار] [قهوه]
syn. roast master
- masthead rigging** [افزاربندی سردکل] [دریایی]
- mast table** → derrick stool
- mast trunk** → tabernacle
- matrix sorting** [واجویی] [باستان‌شناسی]
- maximum disclosure proof** [اثبات بیش‌تراوا]، [اثبات بیشینه‌افشا] [رمزشناسی]
- MBE** → management by exception
- MBO** → management by objective
- MBWA**
 → management by walking around
- MCTV** → magnetic continuously variable transmission
- MD** → man-day
- mechanical davit** [دارک مکانیکی] [دریایی]
- medium-bypass engine**
 → medium-bypass turbofan engine

magnetic anomaly wavelength

طول موج بی‌هنجاری مغناطیسی [ژئوفیزیک]

magnetic compensation system

سامانه جبران مغناطیسی [ژئوفیزیک]

magnetic component filter

صافی مؤلفه مغناطیسی [ژئوفیزیک]

magnetic continuously variable transmission

جعبه‌دنده پیوسته مغناطیسی [خودرو]

abbr. MCTV

magnetic corrections

تصحیح‌های مغناطیسی [ژئوفیزیک]

magnetic domain

حوزه مغناطیسی [ژئوفیزیک]

magnetic elevation

ارتفاع مغناطیسی [ژئوفیزیک]

magnetic field logging

نگاره برداری میدان مغناطیسی [ژئوفیزیک]

abbr. MFL

magnetic float-gauge

سنجه مغناطیسی شناور [ریلی]

magnetic induced polarization method

روش قطبش القامغناطیسی [ژئوفیزیک]

abbr. MIP

magnetic model

مدل مغناطیسی [ژئوفیزیک]

magnetic-particle testing

آزمایش ذرات مغناطیسی [ریلی]

magnetic polarity reversal

→ polarity reversal

magnetic reversal → polarity reversal

magnetic speed indicator

سرعت‌نمای مغناطیسی [ریلی]

magnetopolarity unit

واحد مغناقطبایی [ژئوفیزیک]

syn. polarity rock-stratigraphic unit,

magnetostratigraphic polarity unit

magnetostratigraphic polarity-reversal

horizon → polarity-reversal horizon

magnetostratigraphic polarity unit

→ magnetopolarity unit

magnetostratigraphic time-scale

→ polarity time-scale

mail rack

جانامه‌ای [کردشگری]

main plan → master plan

mainshaft → gearbox output shaft

major defect

نقص عمده [م. پروژه]

major defective

نقص‌دار عمده [م. پروژه]

mall

بازار بزرگ [عمومی]

syn. shopping mall, shopping centre¹,

plaza, centre

management

مدیریت [مدیریت]

management by exception

abbr. MBE مدیریت بر مبنای استثنا [مدیریت]

management by objectives

abbr. MBO مدیریت بر مبنای هدف [مدیریت]

management by results

مدیریت بر مبنای نتیجه [مدیریت]

management by walking about

→ management by walking around

management by walking around

مدیریت بر مبنای سرکشی [مدیریت]

syn. management by wandering about,

management by walking about

management by wandering about

→ management by walking around

management indicator species

→ indicator species

local extinction → extirpation
 local government [حکومت محلی [مدیریت]
 locally extinct → extirpated
 location-specific overlay
 برهم‌گذاری مکان‌مبنا [نقشه‌برداری]
 lock out [اتاق مسدود، مسدود [کردشگری]
 lock thimble → union thimble
 lock-up torque converter
 مبدل گشتاور قفل‌شو [خودرو]
 locus [مکانه [ژن‌شناسی]
 locus control region
 ناحیه تنظیم مکانه [ژن‌شناسی]
 loft → rigging loft
 loft rigger [افزاربند ارتفاعی [دریایی]
 logging car
 واگن درخت‌بر،
 واگن بینه‌بر [جنگل، ریلی]
 logging truck
 بوژی درخت‌بری،
 بوژی بینه‌بری [جنگل، ریلی]
 logical attack [حمله منطقی [رمزشناسی]
 logistic packaging
 → transport packaging
 longitudinal dehiscence
 شکفتگی طولی [گیاهی]
 long lead items [اقلام دیرآیند [م. پروژه]
 loose-fill packaging [بسته‌بندی پوشال‌پُر [بهارا]
 lossless compression
 فشرده‌سازی بی‌اتلاف [فارا]
 lossy compression [فشرده‌سازی بااتلاف [فارا]
 syn. irreversible compression
 loud pedal → sustaining pedal
 low-alcohol hours
 ساعات غیر اوج الکل [درون‌شهری]

low-bypass turbofan
 → low-bypass turbofan engine
 low-bypass turbofan engine
 موتور توربینی کم‌کنارگذر [هوایی]
 syn. low-bypass turbofan
 low emission zone
 محدوده کاهش آلودگی هوای شهر [درون‌شهری]
 low emission zone cameras
 دوربین‌های محدوده کاهش [درون‌شهری]
 low emission zone check
 معاینه محدوده کاهش [درون‌شهری]
 low emission zone map
 نقشه محدوده کاهش [درون‌شهری]
 lowest gear → first gear
 low gear → first gear
 low shoulder [شانه افتاده [درون‌شهری]
 LP → linear programming
 luffing davit → radial davit
 luff purchase → rigging luff
 luggage rack [جاچمدانی [کردشگری]
 syn. baggage rack
 luggage stand [زیرچمدانی [کردشگری]

M

machine frame [قاب ماشین [ریلی]
 magical thinking [جادوآندیشی [روان‌شناسی]
 magnetic anomaly amplitude
 دامنه بی‌هنجاری مغناطیسی [ژئوفیزیک]
 magnetic anomaly shape
 نمود بی‌هنجاری مغناطیسی [ژئوفیزیک]

language consultant → informant	مجوز [مدیریت]
language typology	اعطای مجوز، مجوزدهی [مدیریت]
	<i>syn.</i> licensing agreement
lanyard thimble	licensing agreement → licensing
large-scale data	life cycle
large-scale inference	life cycle cost
	<i>abbr.</i> LCC
lariat RNA	LI-FI → visible light communications
lateral coital position	light fidelity
	→ visible light communications
latrorse dehiscence	light filter
lattice boom → lattice derrick	light-roast(ed) coffee
lattice derrick	linear earthwork
	linear programming
<i>syn.</i> lattice boom	<i>abbr.</i> LP
lattice mast	linker DNA
layshaft → countershaft	linking number
LC → least concern	liquidated damages
LCC → life cycle cost	liquidation strategy
LCR	listed species
lead	lithostatic stress
lead block → derrick heel block	live electronic music
leadership	live engine
leading truck → shroud truck	live room
leaky turbojet → bypass turbojet	load cast
least concern	loadline certificate
<i>abbr.</i> LC	
lectotype	loadline zone
ledge bar → hatch-rest bar	
letter of intent	
LEZ	

- information rack slip** [برگه مهمان (کردشگری)]
- ingratiation** [خودشیرینی (روان‌شناسی)]
- initial** → **initial approach**
- initial approach** [تقرب آغازین (نظامی)]
syn. initial
- inner marker** → **inner marker beacon**
- inner marker beacon**
[نشان فرست درونی (هوایی)]
syn. inner marker
- inner packing** → **interior packing**
- input shaft** → **gearbox input shaft**
- in scope** [درون‌گستره (م. پروژه)]
- instant messaging worm**
[کرم پیام‌رسانی فوری (افا)]
- insufficiently known species**
[گونه کم‌شناخته (جنگل)]
- integrated sensor-packaging system**
[سامانه یکپارچه بسته - حسگر (بسیار)]
- intelligent packaging** [بسته‌بندی پیام‌ده (بسیار)]
abbr. IP
- intelligent sensor** [حسگر هوشمند (افا)]
- intergroup-contact hypothesis**
[فرضیه تماس بین‌گروهی (روان‌شناسی)]
- interior packing** [پیراکنند (بسیار)]
syn. inner packing
- interlimb angle** [زاویه میان‌یالی (زمین‌شناسی)]
- intermediate bulk container**
[کُنجایه واسط فله‌ای (بسیار)]
abbr. IBC tote
syn. pallet tank
- intermediate shaft** → **countershaft**
- international company**
[شرکت بین‌المللی (مدیریت)]
- International Union for Conservation of Nature (ϕ)** → **World Conservation Union**
- International Union for Conservation of Nature and Natural Resources (ϕ)**
→ **World Conservation Union**
- internet connection sharing**
[هم‌رسانی اینترنت (افا)]
- interpersonal influence**
[تأثیر بین‌فردی (روان‌شناسی)]
- interpretation** [روایت (موسیقی)]
- interval class** [رده فاصله‌ای (موسیقی)]
- intrafolial fold** [چین میان‌برگه‌ای (زمین‌شناسی)]
- introduced species** [گونه وارداتی (جنگل)]
- introrse dehiscence**
[شکفتگی درون‌افشان (گیاهی)]
- intuition** [شم، شم زبانی (زبان‌شناسی)]
- intuitive** [شمی (زبان‌شناسی)]
- in tune** [کوک (موسیقی)]
- invader** → **invasive species**
- invasive attack** [حمله تهاجمی (رمزشناسی)]
- invasive species** [گونه مهاجم (جنگل)]
syn. invader
- invasive techniques** [فنون نفوذی (باستان‌شناسی)]
- inverted repeat** [تکراری ناهم‌سو (ژن‌شناسی)]
abbr. IR
- inverted terminal repeat**
[تکراری ناهم‌سوی پایانی (ژن‌شناسی)]
- in-vessel composting**
[پوسش درون‌محفظه‌ای (محبیطزیست)]
- syn. enclosed-reactor composting*

- imitative communications deception**
فرباب ارتباطاتی بدلی [رمزشناسی]
- impact mark** اثر برخورد،
نشان برخورد [زمین‌شناسی]
syn. prod mark
- impeller** پروانه مبدل گشتاور، درون‌رانه [خودرو]
syn. stator, turbine wheel,
driving torus, driving member,
rotor
- imperilled species** گونه دربریم [جنگل]
- impersonation attack**
حمله جعل هویت [رمزشناسی]
- implementation** طرح اجرایی [باستان‌شناسی]
- implementation phase**
مرحله پیاده‌سازی (م. پروژه)
- impression management**
مدیریت تأثیر [روان‌شناسی]
- IM worm** کرم پراف [فاوا]
- inboard** درون‌سو [دریایی، نظامی]
- inclusion** → hyponymy²
- incoherent scattering**
پراکنندگی ناهمدوس [فیزیک]
syn. noncoherent scattering
- incomplete linkage** پیوستگی ناکامل [ژن‌شناسی]
- incremental strain**
گرنش افزایشی [زمین‌شناسی]
- incubator** مرکز رشد [عمومی]
- indented key** کلید دندان‌های [کیامی]
- independent events** پیشامدهای مستقل [آمار]
- indeterminate species** گونه نامعین [جنگل]
- index species** → indicator species
- indicative sentence**
→ declarative sentence
- indicator species** گونه معرف [جنگل]
syn. index species,
management indicator species
- indigenous species** گونه بوم‌زاد [جنگل]
- indoor positioning**
موقعیت‌یابی درونی [نقشه‌برداری]
- induced compliance effect**
→ forced compliance effect
- induced magnetic anomaly**
بی‌هنجاری مغناطیسی القایی [ژئوفیزیک]
- industrial packaging**
بسته‌بندی بین‌کارخانه‌ای [بهار]
- inferential justification**
توجیه استنتاجی [فلسفه]
- infibulation** فرج‌دوزی [سلامت]
- infinitely variable transmission**
abbr. IVT جعبه‌دنده پیوسته نامحدود [خودرو]
- inflated distribution** توزیع آماسیده [آمار]
- in-flight refueling area**
→ air-to-air refueling area
- informant** گویشور، گویشور مشاور [زبان‌شناسی]
syn. consultant, language consultant
- informational influence**
تأثیر اطلاعات [روان‌شناسی]
- informational social influence**
تأثیر اجتماعی اطلاعات [روان‌شناسی]
- information assurance**
تضمین اطلاعات [رمزشناسی]
- information rack** جابریکه‌ای مهمانان [گردشگری]

hot-in-place asphalt recycling method

روش بازیافت گرم آسفالت [درون‌شهری]

hot-in-place asphalt recycling

technology

فناوری بازیافت گرم آسفالت [درون‌شهری]

hot-rolled sphalt [درون‌شهری]

hot spot¹/hotspot

چندرسیانی اینترنت،

چندرسیانی [فاوا]

hot spot²

نقطه داغ [زمین، ژنو]

housekeeping room status

وضعیت خانه‌داری اتاق [کردشگری]

HR → hairpin ribozyme

HSS → high stress seal

hublot (fr.) → side scuttle

hulk

کشتی اسقاطی [دریایی]

hull

بدنه [دریایی]

hull number

شماره بدنه [دریایی]

syn. yard number

human genome project

طرح ژنگان انسان [ژن‌شناسی]

humanistic conscience

وجدان فردمدار [روان‌شناسی]

HWD → heavy weight deflectometer

hydration status

وضعیت آبداری [فناوری غذا]

hydraulic derrick

دیرک هیدرولیکی [دریایی]

hydraulic torque converter

→ torque converter

hydrocooling

آب‌خنک‌سازی [فناوری غذا]

hydro-dynamic torque converter

→ torque converter

hydrometer

آب‌سنج [فناوری غذا]

hydrometry

[فناوری غذا]

hydrostatic stress

[تنش آب‌ایستایی [زمین، ژنو]

hypobaric chamber

→ decompression chamber

hyponym

[زیرشمول [زبان‌شناسی]

hyponymy¹

[زیرشمولی [زبان‌شناسی]

hyponymy²

[شمول معنایی [زبان‌شناسی]

syn. inclusion

I

IBC

[گوف [بسهار]

IBC tote

→ intermediate bulk container

ichnofabric

[ایزبافتار [زمین‌شناسی]

ICS

[هم‌رسیانی [فاوا]

identification

[شناسایی [گیاهی]

identity binding

[ترابست شناسه [رمزشناسی]

identity proofing

[اثبات شناسه [رمزشناسی]

identity registration

[ثبت شناسه [رمزشناسی]

idling shaft → countershaft

IFRA → air-to-air refueling area

ignition harness

[سپربافته گیرانش [نظامی]

image area

[ناحیه تصویر [ژئوفیزیک]

image differentiation strategy

[راهبرد تمایزبخشی انگاره‌ای [مدیریت]

image gather

[گردآورد تصویر [ژئوفیزیک]

image log

[تصویرنگاره [ژئوفیزیک]

imbalanced design

→ unbalanced design

higher mass limits

abbr. HML حداکثر بارپذیری [درون‌شهری]

higher order turn

گردش اولویت‌دار [درون‌شهری]

highest hourly volume

abbr. HHV حجم ساعتی بیشینه [درون‌شهری]

high float emulsion

بیش‌روان [درون‌شهری]

high-lift device

افزاره برآرآفا [هوایی]

high-occupancy toll

abbr. HOT عوارض خط پرسرنشین [درون‌شهری]

high shoulder

شانه برآمده [درون‌شهری]

high-speed stall → accelerated stall**high stress seal**

روکش مقاومت‌بالا [درون‌شهری]

abbr. HSS

highway

راه [درون‌شهری]

highway network → road network**hinge point**

نقطه سرشانه [درون‌شهری]

hinterland

پس‌بوم [زمین‌شناسی]

syn. backland

HIPAR

→ hot-in-place asphalt recycling

hit and run/hit-and-run

تصادف و گریز [نظامی]

HLH → helix-loop-helix**HML → higher mass limits****holding line**

خط کشی انتظار [درون‌شهری]

holding rail

میله انتظار [درون‌شهری]

hold point

بازه انتظار [م. پروژه]

holotype

تام‌مونه [کیامی]

home composting

→ backyard composting

homonym

هم‌نام [کیامی]

homosexual panic

هول هم‌جنس‌گرایانه [سلامت]

honey pot

تله‌عسل [فناوری]

hook turn

گردش قلاب‌وار [درون‌شهری]

hoon laws

قوانین تشدید مجازات [درون‌شهری]

hopper → bean hopper**horizontal alignment**

امتداد افقی مسیر [درون‌شهری]

horizontal branch

شاخه افقی [نجوم]

horizontal component filter

صافی مؤلفه افقی [ژئوفیزیک]

horizontal coordinates¹

→ horizontal coordinate system

horizontal coordinates²

مختصات افقی [نجوم]

horizon(tal) coordinate system

دستگاه مختصات افقی [نجوم]

syn. horizon(tal) system of

coordinates, horizontal coordinates¹**horizontal curve**

قوس افقی [درون‌شهری]

horizontal device

راهکار افقی [درون‌شهری]

horizontal integration strategy

راهبرد فراگسترش افقی [مدیریت]

horizon(tal) system of coordinates

→ horizontal coordinate system

hose davit

دارک شلنگ [دریایی]

HOT → high-occupancy toll**hot-fill packaging**

بسته‌بندی داغ‌پر [بستبار]

hot-in-place asphalt recycling

بازیافت گرم آسفالت، بازیافت گرم [درون‌شهری]

abbr. HIPAR

hot-in-place asphalt recycling machine

ماشین بازیافت گرم آسفالت [درون‌شهری]

heavily bound base اساس پُرتراکم [درون‌شهری]

heavy bus اتوبوس سنگین [درون‌شهری]

heavy derrick دیرک سنگین [دریایی]

syn. jumbo boom

heavy goods vehicle

خودرو باری سنگین [درون‌شهری]

heavy-trafficked road راه پُرتردد [درون‌شهری]

heavy weight deflectometer

abbr. HWD نشست‌سنج سنگین [درون‌شهری]

height above landing

abbr. HAL بلندای مجاز نشست [هوایی]

heliocentric coordinates¹

→ heliocentric coordinate system

heliocentric coordinates²

مختصات خورشیدمرکز، مختصات خورمرکز [نجوم]

heliocentric coordinate system

دستگاه مختصات خورشیدمرکز،

دستگاه مختصات خورمرکز [ذو، نجوم]

syn. heliocentric coordinates¹

heliocentric latitude عرض خورشیدمرکز،

عرض خورمرکز [نجوم]

heliocentric longitude طول خورشیدمرکز،

طول خورمرکز [نجوم]

heliographic coordinates¹

→ heliographic coordinate system

heliographic coordinates²

مختصات خورشیدنگاشتی،

مختصات خورنگاشتی [نجوم]

heliographic coordinate system

دستگاه مختصات خورشیدنگاشتی،

دستگاه مختصات خورنگاشتی [نجوم]

syn. heliographic coordinates¹

heliographic latitude عرض خورشیدنگاشتی،

عرض خورنگاشتی [نجوم]

heliographic longitude طول خورشیدنگاشتی،

طول خورنگاشتی [نجوم]

helix

مارپیچ [ژن‌شناسی]

helix-loop-helix

abbr. HLH مارپیچ-حلقه-مارپیچ [ژن‌شناسی]

hemipelagic deposit

نهشته نیمه‌دریامیانی [زمین‌شناسی]

syn. hemipelagic sediment

hemipelagic sediment

→ hemipelagic deposit

herbarium

گیاکده [گیاهی]

herbarium specimen نمونه گیاکده‌ای [گیاهی]

herringbone mark → chevron mark

HGP

طژا [ژن‌شناسی]

HHV → highest hourly volume

hierarchical database

پایگاه‌داده سلسله‌مراتبی،

پایگاه داده پایگانی [فازا]

high-alcohol hours

ساعات اوج الکل [درون‌شهری]

syn. alcohol hours

high-bypass turbofan

→ high-bypass turbofan engine

high-bypass turbofan engine

موتور توربینی بیش‌کنارگذر [هوایی]

syn. high-bypass turbofan

high-density seating چینش فشرده [هوایی]

high-energy scattering

پراکندگی پُرانرژی [فیزیک]

- hatch grating در مشبک انبار [دریایی]
hatch-hours کار- ساعت انبار [دریایی]
hatch-ledge bar → hatch-rest bar
hatch list سیاهه انبار [دریایی]
hatch-locking bar کلون دریچه ورودی [دریایی]
hatchman راهنمای جرثقیل [دریایی]
syn. hatch tender, hatchminder,
hatch signal man
hatch mast دکل انبار [دریایی]
hatchminder → hatchman
hatch molding زهوار دهانه [دریایی]
hatch opening → hatchway
hatch-rest bar درنشین [دریایی]
syn. ledge bar, hatch-rest section,
hatch bearer, hatch-ledge bar,
hatch zee
hatch-rest section → hatch-rest bar
hatch ring حلقه در انبار [دریایی]
hatch-side girder → hatch stopper
hatch signal man → hatchman
hatch socket → hatch carrier
hatch speed سرعت انبارکاری [دریایی]
hatch stopper تیر کیواره انبار [دریایی]
syn. hatch-side girder
hatch tackle قرقره انبار [دریایی]
syn. hatch whip²
hatch tender → hatchman
hatchway دهانه انبار، دهانه [دریایی]
syn. hatch¹, hatch opening
hatchway beam → hatch beam
hatchway cover → hatch cover
hatchway netting تور دهانه انبار [دریایی]
hatchway screen دهانه پوش [دریایی]
hatch web → hatch beam
hatch wedge گوه انبار [دریایی]
hatch whip¹ بافه انبارکاری [دریایی]
syn. up-and-down fall
hatch whip² → hatch tackle
hatch zee → hatch-yest bar
Haug score درجه تازگی [فتاوری غذا]
haul فاصله حمل [درون شهری]
hawser thimble حلقک بافه [دریایی]
hazard analysis critical control points
تحلیل خطر نقاط بحرانی واپایش [فتاوری غذا]
abbr. HACCP
hazard corridor پناهراه [درون شهری]
syn. clear zone
hazard marker خطرنا [درون شهری]
hazard warning lights جفت راهنما [درون شهری]
heading correction تصحیح سوگیری [ژئوفیزیک]
headset سرافزار [عمومی]
headspace analysis سنجش سرفضا [فتاوری غذا]
headwall سرآپرو [درون شهری]
headway setting تنظیم فاصله گذر [درون شهری]
health claim ادعای سلامتی [فتاوری غذا]
health hazards مخاطرات سلامتی [فتاوری غذا]
heart-shaped thimble حلقک قلبی [دریایی]
syn. pear-shaped thimble
heating value → calorific value
heat stability پایداری گرمایی [فتاوری غذا]
syn. thermostability, thermal stability
heave برآمدگی خاک [درون شهری]

- HAL → height above landing
- half toroidal continuously variable transmission
 جعبه‌دندهٔ پیوستهٔ نیم‌چنبره‌ای [خودرو]
abbr. half toroidal CVT
- half toroidal CVT → half toroidal continuously variable transmission
- half-width method [روش نیم‌پهنا [ژئوفیزیک]
- halmyrolysis [دگرسانی زیردریایی [زمین‌شناسی]
syn. halmyrosis, submarine weathering
- halmyrosis → halmyrolysis
- hammer [چکش [موسیقی]
- hammerhead ribozyme
 رِنازیم سرچکشی [ژن‌شناسی]
- hamper → basket
- handheld projector → pico projector
- handjob [دست‌کام‌دهی [سلامت]
- hands-off [دست‌آزاد [هوایی]
- hardening [سخت‌یابی [غذایی]
- hard-to-cook defect [نقص دیرپزی [غذایی]
- harmonic¹ [هماهنگ¹ [موسیقی]
syn. partial
- harmonic² [هماهنگ² [موسیقی]
syn. flageolet (fr.)
- harmonie [سازگان هارمونی،
 ارکستر هارمونی [موسیقی]
- harness [سپربافه [نظامی]
- harsh asphalt mix
 مخلوط آسفالت سفت [درون‌شهری]
- harvesting strategy
 راهبرد سرمایه‌برداری [مدیریت]
- hatch¹ → hatchway
- hatch² → hatch cover
- hatch bar¹ [دهانه‌پوش‌بند [دریایی]
syn. hatch clamping beam
- hatch bar² → hatch batten
- hatch batten [زهوار دهانه‌پوش [دریایی]
syn. battening bar, hatch bar²,
 battening iron
- hatch batten clip [کلون دهانه [دریایی]
syn. hatch cleat, batten cleat
- hatch beam [تیرک دهانه [دریایی]
syn. hatchway beam, hatch web,
 bridle beam
- hatch beam shoe → hatch carrier
- hatch bearer → hatch-rest bar
- hatch boom → hatch derrick
- hatch carrier [پایهٔ تیرک دهانه [دریایی]
syn. hatch socket, beam socket,
 hatch beam shoe
- hatch clamping beam → hatch bar
- hatch cleat → hatch batten clip
- hatch coaming [دیوارهٔ دهانه [دریایی]
syn. coaming
- hatch cover(ing) [در انبار [دریایی]
syn. hatchway cover, hatch²
- hatch cover ramp [در انبار شیپ‌راهه‌ای [دریایی]
- hatch davit [دارک دهانهٔ انبار، دارک دهانه [دریایی]
- hatch derrick [دیرک دهانه [دریایی]
syn. hatch boom
- hatch-end beam [تیرک سر دهانه [دریایی]
- hatch foreman [ناظر انبار [دریایی]

- global company [شرکت جهانی (مدیریت)]
- GMA → geomat
- gnoseological → epistemological
- gnoseology → epistemology
- goal [مقصد (مدیریت)]
- Goussev filter [صافی گوسف [ژئوفیزیک]]
- government expenditure
→ public expenditure
- grammatical ambiguity
[ابهام دستوری (زبان‌شناسی)]
- granulated sugar [شکر دانه‌ای (فناوری غذا)]
- granulometry [دانه‌سنجی (فناوری غذا)]
- GRAS status [ایمن‌انگاشتنی (فناوری غذا)]
- gravity davit [قایق‌آویز گرانشی (دریایی)]
- grease horn → rigger's horn
- gritting [شن‌پاشی (ادرون‌شهری)]
- GRM → gyroremanent magnetization
- gross combination mass
abbr. GCM [وزن ترکیبی کل (ادرون‌شهری)]
- gross trailer mass [وزن کل پی‌نورد (ادرون‌شهری)]
abbr. GTM
- gross vehicle mass [وزن کل خودرو (ادرون‌شهری)]
abbr. GVM
- ground → ostinato (it.)
- ground bass [باس مکرر (موسیقی)]
syn. basso ostinato (it.)
- ground level [تراز زمین (ادرون‌شهری)]
- ground magnetic intensity
[شدت مغناطیسی زمین (ژئوفیزیک)]
- ground magnetometer
[مغناطیس‌سنج زمینی (ژئوفیزیک)]
- grouting [درزگیری (ادرون‌شهری)]
- growth factor model
[مدل ضریب رشد (ادرون‌شهری)]
- GTM → gross trailer mass
- GTX → geotextile
- GTX-K → knitted geotextile
- GTX-W → woven geotextile
- guide post [میلهٔ لبه‌نما (ادرون‌شهری)]
- guide sign [تابلوی هدایت مسیر،
تابلوی راهنمای مسیر (ادرون‌شهری)]
- gusset [کاچه (بهار)]
- gusset bag → gusseted sack
[کیسهٔ کاچه‌دار (بهار)]
syn. gusset bag
- gutter cast [قالب ناودانکی (زمین‌شناسی)]
- guy [طناب‌قرقره (دریایی)]
- GVM → gross vehicle mass
- gyroremanent magnetization
abbr. GRM [مانده‌مغناطش چرخایی (ژئوفیزیک)]

H

HACCP

→ hazard analysis critical control

points

رخنه‌کنشگری، رخنشگری [فاوا]

رخنه‌کنشگر، رخنشگر [فاوا]

ترک مویی (ادرون‌شهری)

حلقهٔ سنجاق‌سری (ژن‌شناسی)

hairpin ribozyme

رنازیم سنجاق‌سری (ژن‌شناسی)
abbr. HR

gear housing → gearbox housing

gear-selector fork → shift fork

gearshift fork → shift fork

gear-shifting fork → shift fork

gearshift rod → shift fork

geckopod [پاپنجه‌ای [عمومی]

gelifraction → frost shattering

general bass → continuo

generic strategy [راهبرد عام [مدیریت]

geocode [کدبندی مکانی [نقشه‌برداری]

syn. geocoding

geocoded feature class

رده‌ عارضه‌ کدبندی‌شده‌ مکانی،

رده‌ عارضه‌ کدبندی‌شده [نقشه‌برداری]

geocoding → geocode

geocoding engine [کدگر مکانی [نقشه‌برداری]

geocoding index

نمایه‌ کدبندی مکانی [نقشه‌برداری]

geocoding platform

بستر کدبندی مکانی [نقشه‌برداری]

geocoding process

فرایند کدبندی مکانی [نقشه‌برداری]

geocoding reference data

داده‌های مرجع کدبندی مکانی [نقشه‌برداری]

geocoding rule base

پایگاه قواعد کدبندی مکانی [نقشه‌برداری]

geodynamo [زمین‌دینام [ژئوفیزیک]

geomagnetic polarity reversal

→ polarity reversal

geomagnetic reversal

وارونگی زمین‌مغناطیس [ژئوفیزیک]

geomagnetic reversal timescale

→ polarity time-scale

geomat [زمین‌ساز نم‌دی [بسیار]

abbr. GMA

geomembrane [زمین‌ساز ورق‌ی [بسیار]

abbr. GBR-P

geometrical spreading

[گسترش هندسی [ژئوفیزیک]

geopolymer [زمین‌بسیار [بسیار]

geographic database [پایگاه‌داده‌ مکانی [فاوا]

syn. geospatial database,

spatial database

geospacer [زمین‌ساز فاصله‌انداز [بسیار]

geospatial database

→ geographic database

geosynthetic barrier [زمین‌ساز سدگر [بسیار]

geosynthetic clay liner

→ clay geosynthetic barrier

geotag [نشان مکانی [نقشه‌برداری]

geotagging [نشان‌گذاری مکانی [نقشه‌برداری]

geotextile [زمین‌ساز منسوج، زمین‌منسوج [بسیار]

abbr. GTX

gerund [اسم‌مصدر [زبان‌شناسی]

gesture recognition [بازشناسی ایما [فارا]

giant branch [شاخه‌ غول‌ها [نجوم]

glass cockpit [اتاقک شیشه‌ای [هوابی]

syn. glass CRT cockpit

glass CRT cockpit → glass cockpit

glide [سُرش [فیزیک]

syn. slip

glide plane [صفحه‌ سُرش [فیزیک]

fresh-roast(ed) coffee قهوه تازه برشت [قهوه]

frost shattering

خُرَدشَدگی یخ‌بندانی [زمین‌شناسی]

syn. gelifraction

froth flotation

شناورسازی کف‌آبی [باستان‌شناسی]

fruit bread

نان میوه‌ای [غذای]

fruit leather

لواشک [غذای]

fuel dope

بهبسوز [نظامی]

fuel dumping → fuel jettison

fuel flowmeter جریان‌سنج سوخت [نظامی، هوایی]

fuel jettison(ing) سوخت‌پرتابی [نظامی]

syn. fuel dumping

full-text database پایگاه‌داده تمام‌متن [فارا]

syn. complete text database

full-toroidal continuously variable

transmission → toroidal

continuously variable transmission

functional encryption

رمزگذاری تابعی [رمزشناسی]

fundamental → fundamental tone

fundamental tone صوت اصلی [موسیقی]

syn. fundamental

fungarium

قارچکده [گیاهی]

FWD → falling weight deflectometer

gallon jug → one gallon jug

gamma-ray scattering

→ Compton scattering

gangplank

بیسه [دریایی]

syn. brow

GBR-C → clay geosynthetic barrier

GBR-P → geomembrane

GCM → gross combination mass

gearbox

جعبه‌دنده [خودرو]

syn. transmission, gearcase

gearbox housing پوسته جعبه‌دنده [خودرو]

syn. gear housing

gearbox input shaft

محور ورودی جعبه‌دنده [خودرو]

syn. input shaft, primary shaft

gearbox main shaft

→ gearbox output shaft

gearbox output shaft

محور خروجی جعبه‌دنده [خودرو]

syn. output shaft, gearbox tailshaft,

gearbox main shaft, mainshaft

gearbox tailshaft

→ gearbox output shaft

gearcase → gearbox

gearchange linkage

میله‌بندی تعویض دنده [خودرو]

syn. shifter linkage, shifter mechanism,

gearchange mechanism

gearchange mechanism

→ gearchange linkage

gear-control fork → shift fork

G

gait recognition گام‌شناسی [نظامی]

gallon → one gallon jug

flank guard	پهلویان [نظامی]	forced compliance effect	پدیده پذیرندگی خوداداشته [روان‌شناسی]
flanking fire	آتش پهلویی [نظامی]	<i>syn.</i> induced compliance effect	
flanking maneuver	جولان پهلویی [نظامی]	foredeep	پیش‌گودال [زمین‌شناسی]
flanking movement	حرکت پهلویی [نظامی]	foreland	پیش‌بوم [زمین‌شناسی]
flanking observation	دیدهبانی پهلویی [نظامی]	foreland basin	حوضه پیش‌بوم [زمین‌شناسی]
flappy-paddle gear shift → semi-automatic gearbox		forelimb	پیش‌پال [زمین‌شناسی]
flat bag	کیسه تخت [بهار]	forever war → perpetual war	
flat pouch → pillow pack		forgiveness	گذشت، بخشش [روان‌شناسی]
flavour note	طعم‌یاد [قهره]	fornication	زنا [سلامت]
flexible intermediate bulk container	کُنجابه واسط‌فله‌ای منعطف [بهار]	forward vertical integration strategy	راهبرد فراگسترش عمودی پیش‌نگر [مدیریت]
flexible packaging	بسته‌بندی انعطاف‌پذیر [بهار]	foundationalism	مبناگرایی [فلسفه]
flexplate		four speed → four-speed transmission	
→ torque converter drive plate		four-speed gearbox	
flight clearance	اجازه پرواز [نظامی]	→ four-speed transmission	
<i>syn.</i> clearance		four-speed transmission	
flight follow-up	تعقیب پرواز [هوایی، نظامی]	جعبه‌دنده چهارسرعه [خودرو]	
flight simulator	شبیه‌ساز پرواز [نظامی]	<i>syn.</i> four-speed gearbox, four speed	
floor inspector	بازرس طبقه [گردشگری]	fourth → fourth gear	
flotation	شناورسازی [باستان‌شناسی]	fourth gear	دنده چهار [خودرو]
fluid-bed roaster	برشته‌کن بسترسیال [قهره]	<i>syn.</i> fourth	
flying fox → zip-line		Fraunhofer lines	خط‌های فرانهورفر [نجوم]
focus strategy	راهبرد تمرکز [مدیریت]	freeboard certificate	→ loadline certificate
foefie slide → zip-line		freeboard deck	میناعرشه [دریایی]
follower	دنبالگر [فنا]	freeboard depth	عمق ارتفاع آزاد [دریایی]
food wrap → cling wrap		freeboard length	طول در خط شاهین [دریایی]
footjob	پاکام‌دهی [سلامت]	freeboard ratio	نسبت ارتفاع آزاد [دریایی]
footstep identification	تشخیص ردپا [نظامی]	freeboard zone → loadline zone	
footstep verification	تأیید ردپا [نظامی]	freeway	آزادراه [درون‌شهری]
		<i>syn.</i> Autobahn (de.)/autobahn	

- face reconstruction بازسازی چهره [نظامی]
- facial expression¹ بیان چهره [روانشناسی]
- facial expression² حالت چهره [روانشناسی]
- facial expression analysis
حالت‌کاوی چهره [فاوا، نظامی]
- facial identification system
سامانه تشخیص چهره [فاوا، نظامی]
- fallibilism خطاپذیرانگاری [فلسفه]
- falling weight deflectometer
abbr. FWD نشست‌سنج وزنه‌ای [درون‌شهری]
- false discovery rate نرخ کشف غلط [آمار]
abbr. FDR
- fan marker → fan-marker beacon
نشان‌فرست بادبزن [هوایی]
syn. fan marker
- farmed fish ماهی پرورشی [فناوری غذا]
- fast roast(ing) تندبرشته‌کاری [قهوه]
- fathom فاذم [دریایی]
- fatware → bloatware²
- fault attack حمله عیب‌افزایشی [رمزشناسی]
- FDR → false discovery rate
- fellatio قضیب‌لیسی [سلامت]
syn. penilingus
- female superior position
→ woman-on-top position
- feminizing test syndrome
→ testicular feminization syndrome
- fenestral porosity
تخلخل روزنه‌ای [زمین‌شناسی]
syn. fenestra porosity,
fenestrule porosity
- fenestra porosity → fenestral porosity
- fenestrule porosity
→ fenestral porosity
- FIBC گوف منعطف [بسپار]
- fiber drum طبله مقوایی [بسپار]
- fideism ایمان‌گرایی [فلسفه]
- field note/fieldnote یادداشت میدانی [نظامی]
- field reversal → polarity reversal
- fifth → fifth gear
دنده پنجم [خودرو]
- fifth gear
syn. fifth
- figured bass باس عددی [موسیقی]
- filigree ملیه [نجوم]
- fineness ratio نسبت ظرافت [هوایی]
syn. thickness/chord ratio, t/c ratio
- firing pass عبور با آتش [نظامی]
- first → first gear
دنده یک [خودرو]
- first gear
syn. lowest gear, low gear, first,
bottom gear
- fish davit دارک ناخن لنگر [دریایی]
- fish paste خمیر ماهی [فناوری غذا]
- fixed dune → anchored dune
- fixed-source method
روش چشمه‌ثابت [ژئوفیزیک]
- fixed wing survey برداشت بال‌اتصال [ژئوفیزیک]
- flageolet (fr.) → harmonic²
- flagship species گونه نماد [جنگل]
- flame structure ساختار شعله‌ای [زمین‌شناسی]
- flank پهلو [نظامی]
- flanker پهلودار [نظامی]

electronic instrument

ساز الکترونیکی [موسیقی]

syn. electric musical instrument,

electroponic instrument

electronic music [موسیقی الکترونیکی]**electronic packaging**

بسته‌بندی الکتروافزار [بسیار]

electrophones [برق‌صداها [موسیقی]]**electroponic instrument**

→ electronic instrument

embedded sentence

جمله درونه‌ای [زبان‌شناسی]

embedding [درونه‌گیری [زبان‌شناسی]]**emergency contraceptive pill**

قرص ضدبارداری اضطراری [سلامت]

enclosed-reactor composting

→ in-vessel composting

endemic species گونه بوم‌ویژه،

گونه انحصاری [جنگل]

endless war → perpetual war**endostomal** [درون‌روزی [کیمی]]**en route chart** [نقشه مسیر [هوایی]]*syn.* radio facility chart**en route clearance** [اجازه در مسیر [هوایی]]**en route climb** [اوج‌گیری در مسیر [هوایی]]**en route climb performance**

کارایی اوج‌گیری در مسیر [هوایی]

en route descent [کاهش ارتفاع در مسیر [هوایی]]**en route time** [مدت در مسیر [هوایی]]**envelope** [پوش [موسیقی]]**environmental chamber**

→ decompression chamber

environmental control system

سامانه واپایش محیطی [هوایی]

syn. environmental system**environmental system**

→ environmental control system

environmental variance

وردایی محیطی [ژن‌شناسی]

epicyclic gearbox → planetary gearbox**epicyclic transmission**

→ planetary gearbox

episode [میانک [موسیقی]]**episteme (gr.) → knowledge²****epistemic** [معرفتی [فلسفه]]**epistemic accessibility**

دسترسی‌پذیری معرفتی [فلسفه]

epistemic circularity [دور معرفتی [فلسفه]]**epistemic community** [اجتماع معرفتی [فلسفه]]**epistemic dependence**

وابستگی معرفتی [فلسفه]

epistemic entitlement

حق‌مندی معرفتی [فلسفه]

epistemic logic [منطق معرفت [فلسفه]]**epistemic luck** [بخت معرفتی [فلسفه]]**epistemic permissibility** [جواز معرفتی [فلسفه]]**epistemic principle** [اصل معرفتی [فلسفه]]**epistemic privacy**

خصوصی‌بودگی معرفتی [فلسفه]

epistemic privilege [امتیاز معرفتی [فلسفه]]**epistemics → epistemology****epistemological** [معرفت‌شناختی [فلسفه]]*syn.* gnoseological

- double-locked room اتاق دوقفله [کردشگری]
- double-stranded DNA
abbr. dsDNA [دینای دورشته‌ای [ژن‌شناسی]]
syn. DNA duplex, duplex DNA
- doublet¹ دوتایی [نجوم]
- doublet² دوگانگ [زبان‌شناسی]
- downwind landing نشست بادسو [هوائی]
- downwind leg ساق بادسو [هوائی]
- dowsing دُخاله‌زنی [باستان‌شناسی]
- DR → direct repeat
- drift رانش [زبان‌شناسی]
- drinking yoghurt نوش‌ماست [فناوری غذا]
- drip loss اتلاف چکه‌ای [فناوری غذا]
- drive plate صفحه‌محرك [خودرو]
- driving member → impeller
- driving torus → impeller
- drone¹ واخوان¹ [موسیقی]
syn. bourdon¹
- drone² نغمه‌واخوان، واخوان² [موسیقی]
syn. bourdon²
- drum طبله [بِسپار]
- drum roaster برشته‌کن استوانه‌ای [قهوه]
- drum with metal chimes طبله زهوارفلزی [بِسپار]
- drum without chimes طبله بی‌زهوار [بِسپار]
- drying crack → desiccation crack
- dry screening سرند کردن خشک [باستان‌شناسی]
- dry sieving الک کردن خشک [باستان‌شناسی]
- dsDNA → double-stranded DNA
- dual مثنی [زبان‌شناسی]
- dual-clutch transmission
abbr. DCT [جعبه‌دنده دوکلاچه [خودرو]]
syn. twin-clutch gearbox,
double-clutch transmission
- dual-effect mutation → polar mutation
- dual granulation باروت دودانه [نظامی]
- dual-range gearbox
جعبه‌دنده دودامنه [خودرو]
syn. dual-range transmission
- dual-range transmission
→ dual-range gearbox
- ductile behavior رفتار شکل‌پذیر [زمین، ژئو]
- due out اتاق فرداخالی، فرداخالی [کردشگری]
- dump valve شیر تخلیه¹ [هوائی]
syn. depressurization valve
- duplex DNA → double-stranded DNA
- DVS → designated-verifier signature
- dyad دوتایه [ژن‌شناسی]
- dynamo effect اثر دینام [ژئوفیزیک]
- dynamo theory نظریه دینام [ژئوفیزیک]
- E
- earthwork خاکریز [باستان‌شناسی]
- ear training تربیت شنوایی [موسیقی]
- easy open pack بسته آسان‌بازشو [بِسپار]
- e-book رایاکتاب، رایاک [فاوا]
- ECS ساوام [هوائی]
- electrical basement
پی‌سنگ الکتریکی [ژئوفیزیک]
- electric guitar گیتار برقی [موسیقی]
- electric musical instrument
→ electronic instrument
- electro-acoustic music موسیقی الکتروآکوستیکی [موسیقی]

- dipole moment per unit volume
گشتاور دو قطبی یکا حجمی [ژئوفیزیک]
- direct current pulse
→ pulse induced polarization
method
- direct repeat [تکراری هم‌سو [ژئشناسی]
abbr. DR
- direct support artillery
توپخانه کمک مستقیم [نظامی]
- Dirichlet processes [فرایندهای دیریکله [آمار]
- discontinuous variation
گونناگونی ناپیوسته [ژئشناسی]
- discrete rectangular distribution
توزیع مستطیلی گسسته [آمار]
- discrete uniform distribution
توزیع یکنواخت گسسته [آمار]
- dish structure [ساختار بشقابی [زمین‌شناسی]
- dispensing [رهايش [فناوری غذا]
- dispenser [رهانه [فناوری غذا]
- dispersion matrix [ماتریس پراکنندگی [آمار]
- dissonance reduction
کاهش ناهماهنگی شناختی [روان‌شناسی]
- distance function [تابع فاصله [آمار]
- distance measures [اندازه‌های فاصله [آمار]
- distance operation
عملیات فاصله‌بندی [نقشه‌برداری]
- distance sampling [نمونه‌گیری فاصله‌ای [آمار]
- distributed lag models
مدل‌های پس‌بودگی توزیع شده [آمار]
- distributing valve [شیر توزیع [ریلی]
- distributed database [پایگاه داده توزیعی [فناور]
- distributed transaction database
پایگاه داده تراکنشی توزیع شده [فناور]
- distributional inference theory
نظریه استنباط توزیعی [آمار]
- distribution packaging
→ transport packaging
- distribution point [نقطه توزیع [نظامی]
- dithecal [دو خانگی [کیامی]
- diversification strategy [راهبرد متنوع‌سازی،
راهبرد تنوع‌بخشی [مدیریت]
- diversity index [شاخص چندگونگی [آمار]
- DNA duplex → double-stranded DNA
- DNCO → did not check out
- DND → do not disturb
- dog clutch [دنده چنگکی [خودرو]
syn. jaw clutch
- doggy style → rear entry position
- domestic violence [خشونت خانگی [روان‌شناسی]
- dominatrix [ملکه [سلامت]
syn. mistress
- do not disturb [نشان مزاحم نشوید [مردشگری]
abbr. DND
- double-clutch transmission
→ dual-clutch transmission
- double crossover/double crossing-over
دو چلیپایی [ژئشناسی]
syn. double exchange
- double drum roaster
برشته‌کن استوانه‌ای دوجداره [قهوه]
- double exchange → double crossover
- double helix [مارپیچ دوگانه [ژئشناسی]

- derrick head [سر دیرک] دریایی]
- derrick head block [قرقره سر دیرک] دریایی]
- derrick head fitting
→ derrick cap piece
- derrick heel block [قرقره پای دیرک] دریایی]
- syn. lead block
- derrick lighter [سبک‌ساز دیرک‌دار] دریایی]
- syn. steam lighter
- derrick post [چارچوب دیرک] دریایی]
- syn. Samson post, king post
- derrick stool [سکوی دیرک] دریایی]
- syn. derrick table, mast table,
boom table
- derrick table → derrick stool
- desalting [نمک‌زدایی] فناوری غذا]
- description [شرح] گیاهی]
- descriptive statistic [آماره توصیفی] آمار]
- desiccation crack [ترک خشکیدگی] زمین‌شناسی]
- syn. drying crack
- designated-verifier signature
abbr. DVS [امضای وارس مشخص] رمزشناسی]
- design-based sampling
نمونه‌گیری طرح‌مبنا [آمار]
- design differentiation strategy
راهبرد تمایزبخشی طراحی [مدیریت]
- design earthquake [زمین‌لرزه طراحی] ژئوفیزیک]
- design ground motion
زمین‌جنبش طراحی [ژئوفیزیک]
- design imbalance [بی‌تعادلی طرح] آمار]
- design matrix [ماتریس طرح] آمار]
- design thinking [تفکر طراحانه] مدیریت]
- destructive sampling
نمونه‌گیری تخریبی [آمار]
- destructive testing [آزمایش مخرب] م. پروژه]
- destructive test(ing) [آزمون تخریبی] آمار]
- detection theory [نظریه آشکارسازی] آمار]
- deterioration → pejoration
- determination [نام‌گذاری] گیاهی]
- deterministic model [مدل قطعیتی] آمار]
- deterministic process [فرایند قطعیتی] آمار]
- deterministic tests [آزمون‌های قطعیتی] آمار]
- deviance [انحراف] آمار]
- deviate [متغیر انحراف، انحراف] آمار]
- deviatoric stress [تنش انحرافی] زمین‌شناسی]
- device-aware [افزازه‌آگاه] فناوری]
- device awareness [افزازه‌آگاهی] فناوری]
- dewatering [آبکش کردن] فناوری غذا]
- diagnosis
→ diagnostic characterization
- diagnostic characterization
شرح تشخیصی: [گیاهی]
- syn. diagnosis
- diagonal glide [سُرش قطری] فیزیک]
- diamond glide [سُرش الماسی] فیزیک]
- dichotomous key [کلید دوشاخه‌ای] گیاهی]
- did not check out
مهمان بی‌خبررفته،
abbr. DNCO [بی‌خبررفته] گردشگری]
- differential compaction
تراکم تفریقی [زمین‌شناسی]
- differential-linear attack
حمله تفاضلی-خطی [رمزشناسی]
- differentiation strategy
راهبرد تمایزبخشی [مدیریت]
- dimension reduction [فروگاهی بُعد] آمار]

davit keeper → davit collar	
davit ring → davit collar	
davit socket	کرسی دارک [دریایی]
davit stand	پایه دارک [دریایی]
DB	پادا [فارا]
DBMS	سامپاد [فارا]
DCT → dual-clutch transmission	
DD → data deficient	
dead room	اتاق میرایی [موسیقی]
deaeration → degassing	
death slide → zip-line	
debitting	تلخی‌زدایی [فناوری غذا]
debranning	سبوس‌گیری [فناوری غذا]
decaffeinated coffee	قهوه بدون کافئین [فناوری غذا، قهوه]
decaffeinated tea	چای بدون کافئین [فناوری غذا]
decaffeination	کافئین‌زدایی [فناوری غذا، قهوه]
decapitated distribution	توزیع سربریده [آمار]
decentralization	تمرکززدایی [مدیریت]
declarative sentence	جمله خبری [زبان‌شناسی]
	<i>syn. indicative sentence</i>
decompression chamber	اتاق ارتفاع [هوایی]
	<i>syn. altitude chamber,</i>
	<i>environmental chamber,</i>
	<i>hypobaric chamber</i>
decryption mixnet	شبکه مخلوط رمزگشایی [رمزشناسی]
de facto refuse ¹	وازنش برجا [باستان‌شناسی]
de facto refuse ²	وازنه برجا [باستان‌شناسی]
DEFCON	واپد [نظامی]
defense readiness condition	
	وضعیت آمادگی پدافندی [نظامی]
deflated distribution	توزیع کاهیده [آمار]
degassing	گاززدایی [فناوری غذا]
	<i>syn. deaeration</i>
degenerate distribution	توزیع تباهیده [آمار]
degeneration → pejoration	
degrading neomorphism	نوریکتی کاهشی [زمین‌شناسی]
degree of roast → roast degree	
delta method	روش دلتا [آمار]
demography	جمعیت‌شناسی [آمار]
demolition operator	تخریب‌چی [نظامی]
density altitude	ارتفاع چگالی [هوایی]
densofacies → metamorphic facies	
denudation	برهنه‌شدگی [زمین‌شناسی]
dependence	وابستگی [فلسفه]
dependent events	پیشامدهای وابسته [آمار]
depositor	تقسیم‌گر [فناوری غذا]
depressurization valve → dump valve	
deputation	ناخالصی‌زدایی [فناوری غذا]
DER → derrick	
DERR → derrick	
derrick	دیرک [دریایی]
	<i>abbr. DER, DERR</i>
derrick band	حلقه سردیرک [دریایی]
derrick cap piece	کلاهک دیرک [دریایی]
	<i>syn. derrick head fitting</i>
derrick guy	مهار دیرک [دریایی]
	<i>syn. boom guy</i>

- C-R packaging
→ child-resistant packaging
- cruciform DNA [دناى چلیپایی (ژن‌شناسی)]
- cruciform structure [ساختار چلیپایی (ژن‌شناسی)]
- cunnilinctio → cunnilingus
- cunnilinctio → cunnilingus
- cunnilinctus → cunnilingus
- cunnilingam → cunnilingus
- cunnilingus [فُرَجْ لیسى (سلامت)]
syn. cunnilinctio, cunnilinctio,
cunnilinctus, cunnilingam
- cupper → coffee cupper
- cupping → coffee cupping
- cupule [پياله (گیاهی)]
- current mark(ing) [نشان جریان (زمین‌شناسی)]
- curtain fold [چین پرده‌ای (زمین‌شناسی)]
- CVT → continuously variable
transmission
- cyclists holding rail [میلهٔ انتظار دوچرخه‌سوار (درون‌شهری)]
- D**
- dairy → dairy factory
- dairy factory [کارخانهٔ لبنیات (غذای)]
syn. creamery, dairy
- damper [میرانه (موسیقی)]
syn. sordino (it.)
- damper pedal → sustaining pedal
- dark cockpit [اتاقک تاریک (مروایی)]
- dark-roast(ed) coffee [قهوهٔ تیره‌برشت (قهوه)]
- data augmentation algorithm [خوارزمی داده‌افزایی، الگوریتم داده‌افزایی (آمار)]
- database [پایگاه‌داده، دادگان (فارا)]
- database index [نمایهٔ پایگاه‌داده (فارا)]
- database management system [سامانهٔ مدیریت پایگاه‌داده (فارا)]
- database migration → data migration
- database schema [طرحوارهٔ پایگاه‌داده (فارا)]
- data collection → data gathering
- data compression [فشرده‌سازی داده‌ها (فارا)]
- data deficient [کم‌داده (جنگل)]
abbr. DD
- data gathering [گردآوری داده‌ها (باستان‌شناسی)]
syn. data collection
- data migration [کوچاندن داده (فارا)]
syn. database migration
- data mining [داده‌کاوی (آمار)]
- data reduction [فروگاهی داده‌ها (آمار)]
- dataset [مجموعه‌داده (فارا)]
- date marking → dating
- dating [تاریخ‌زنی (غذای)]
syn. date marking
- davit [دارک (دریایی)]
- davit bearing → davit collar
- davit bust → davit collar
- davit collar [طوق دارک (دریایی)]
syn. davit keeper, davit bearing,
davit cranes, davit bust, davit ring
- davit cranes → davit collar

cook chill processing	فرآوری سردپخت [فناوری غذا]	covering fire	آتش پوششی [نظامی]
		syn. suppressing fire	
cooking loss	أفت پخت‌زاد [فناوری غذا]	CP ¹ → candlepower	
cooking properties	خواص پخت [فناوری غذا]	CP ² → crankshaft position sensor	
cooperation	همکاری، همکاری [روانشناسی]	CPC → cabin pressure controller	
cooperative	همیارانه [روانشناسی]	CR → critically endangered	
coprophilia → scatophilia		crack	ترق [قهوه]
corer	مغزه‌گیر [فناوری غذا]	craneman → crane rigger	
coring	مغزه‌گیری [فناوری غذا]	crane rigger	افزاربند جرثقیل [دریایی]
corn dog/corndog	سوسیس چوبی [عمومی]	syn. craneman	
cornflake	پرک ذرت [فناوری غذا]	crankshaft position sensor	حسگر وضعیت میل‌لنگ [خودرو]
corporate strategy	راهبرد سازمانی [مدیریت]	abbr. CP ² , CKP	
syn. organizational strategy		crassinucellate	پُرخورش [گیاهی]
correction of magnetic data	تصحیح داده‌های مغناطیسی [ژئوفیزیک]	creamery → dairy factory	
		creSCentric mark → chattermark	
corruption	فساد [مدیریت]	crest line	خط سستیغ [زمین‌شناسی]
cosine correction	تصحیح کسینوسی [ژئوفیزیک]	critical control points	نقاط بحرانی واپایش [فناوری غذا]
cosmogeny → cosmogony		abbr. CCP	
cosmogony	کیهان‌زایش [فلسفه]	critical defect	نقص بحرانی [م. پروژه]
syn. cosmogeny		critical defective	نقص‌دار بحرانی [م. پروژه]
cosmology	کیهان‌شناسی [فلسفه]	critically endangered	بسیاردرخطر [جنگل]
cost leadership strategy	راهبرد پیشگامی در کاهش هزینه [مدیریت]	abbr. CR	
counter-intuitive	خلاف شم [زبان‌شناسی]	critical species	گونه بسیاردرخطر [جنگل]
countershaft	محور واسط جعبه‌دنده، محور واسط [خودرو]	cross-border company	شرکت فرامرزی [مدیریت]
syn. layshaft, intermediate shaft,		syn. worldwide enterprise	
idling shaft, second-motion shaft		crowdsourcing	جمع‌سپاری [مدیریت]
couplet	بند [گیاهی]	crowdsourcing GIS	سام جمع‌سپاری [نقشه‌برداری]
covering board → plank sheer		CRP ¹ → child-resistant packaging	
		CRP ² → controlled-release packaging	

- conservation of matter
→ conservation of mass
- conservation of momentum
پایستگی تکانه [فیزیک]
- conservative force field
میدان نیروی پایستار [فیزیک]
- conservative scattering
پراکنندگی پایستار [فیزیک]
- conservative system
سامانه پایستار [فیزیک]
- conserved quantity
کمیت پایسته [فیزیک]
- consideration
اعتنا [روان‌شناسی]
- constantly variable transmission
→ continuously variable transmission
- constant-mesh gearbox
جعبه‌دنده همه‌گرد [خودرو]
- construction grammar
دستور ساختاری [زبان‌شناسی]
- constructional homonymy
→ structural ambiguity
- constructional homonymy
→ structural ambiguity
- consultant → informant
- consumer package
بسته‌بندی مصرف‌کننده [بسیار]
syn. consumer packaging
- consumer packaging
→ consumer package
- consummate love
عشق تمام‌عیار [روان‌شناسی]
- consumption
مصرف [باستان‌شناسی]
- contact hypothesis
فرضیه تماس [روان‌شناسی]
- contact language
زبان تماس [زبان‌شناسی]
- container
کُنجابه [بسیار]
- context-aware computing
رایانش بافت‌آگاه [فارا]
- continuo (it.)
باس ممتد [موسیقی]
syn. basso continuo, through bass, general bass
- continuously variable transmission
abbr. CVT
جعبه‌دنده پیوسته [خودرو]
syn. single-speed transmission¹, stepless transmission¹, ulley transmission¹, constantly variable transmission
- continuous roaster
برشته‌کن پیوسته [قهوه]
- continuous variation
گوناکونی پیوسته [ژن‌شناسی]
- contour packaging → skin packaging
- control fork → shift fork
- controlled-release packaging
بسته‌بندی واپاییده‌رهش،
abbr. CRP² بسته‌بندی واپارهمش [بسیار]
- conventional
قراردادی [زبان‌شناسی]
- conventional implicature
تضمن قراردادی [زبان‌شناسی]
- conventional position
قرارگیری متعارف [سلامت]
- converb
قید فعلی [زبان‌شناسی]
- cook chill foods
غذاهای آماده سرد [فناوری غذا]

- composite flying → composite flight
- composite propeller blade
پرهٔ ملخ چندسازه‌ای [هوابی]
- compound lens
عدسی مرکب [فیزیک]
- compound nucleus
هستهٔ مرکب [فیزیک]
- compression
فشرده‌سازی [فارا]
- compromise
به‌خطرافتادگی کلید [رمزشناسی]
- compromised key
کلید به‌خطرافتاده [رمزشناسی]
- Compton absorbtion
جذب کامپتون [فیزیک]
- Compton process
→ Compton scattering
- Compton recoil
پس‌زنی کامپتون [فیزیک]
- Compton recoil particle
ذرهٔ پس‌زنی کامپتون [فیزیک]
- Compton scattering
پراکندگی کامپتون [فیزیک]
syn. Compton process,
gamma-ray scattering
- Compton shift
جاب‌جایی کامپتون [فیزیک]
- computer music
موسیقی رایانه‌ای [موسیقی]
- COMSEC → communications security
- concentric diversification strategy
راهبرد متنوع‌سازی همگون،
راهبرد تنوع‌بخشی همگون [مدیریت]
- conceptual dependence
وابستگی مفهومی [فلسفه]
- conclusive justification
توجیه قاطع [فلسفه]
- concrete thinking
تفکر عینی [روان‌شناسی]
- condition
شرط [زبان‌شناسی]
- conditional mutation
جهش شرطی [ژن‌شناسی]
- conditional sentence
جملهٔ شرطی [زبان‌شناسی]
- cone continuously variable transmission
جعبه‌دندهٔ پیوستهٔ مخروطی [خودرو]
abbr. cone CVT
- cone CVT → cone continuously variable transmission
- cone-in-cone structure
ساختار مخروط در مخروط [زمین‌شناسی]
- configuration space
فضای پیکربندی [فیزیک]
- confining pressure
فشار همه‌سویه [زمین، ژئو]
- conglomerate diversification strategy
راهبرد متنوع‌سازی ناهمگون،
راهبرد تنوع‌بخشی ناهمگون [مدیریت]
- congruity theory
نظریهٔ همسازی [روان‌شناسی]
- conscience
وجدان [روان‌شناسی]
- conscientious
وجدان‌مند [روان‌شناسی]
- conscientiousness
وجدان‌مندی [روان‌شناسی]
- consequence
پیامند [مدیریت]
- conservation biology
زیست‌شناسی حفاظت [جنگل]
- conservation of angular momentum
پایستگی تکانهٔ زاویه‌ای [فیزیک]
- conservation of charge
پایستگی بار [فیزیک]
syn. charge conservation
- conservation of linear momentum
پایستگی تکانهٔ خطی [فیزیک]
- conservation of mass
پایستگی جرم [فیزیک]
syn. conservation of matter

- cold brew coffeemaker** سرددم‌آور قهوه، سرددم‌آور [قهوه]
- cold-brewed coffee** → **cold brew**²
- cold-water brewing method** سرددم‌آوری [قهوه]
syn. cold brew¹, cold-water method
- cold-water method** → cold-water brewing method
- Cole-Cole plot** نمودار کُل-کُل [ژئوفیزیک]
- collaborative mapping** نقشه‌سازی همکاریانه [نقشه‌برداری]
- collapsible davit** دارک تاشو [دریایی]
- collective guilt** احساس گناه جمعی [روان‌شناسی]
- colligability** هم‌آیندپذیری دستوری [زبان‌شناسی]
- colligate** هم‌آیند دستوری [زبان‌شناسی]
- colligation** هم‌آیی دستوری [زبان‌شناسی]
- collocability** هم‌آیندپذیری [زبان‌شناسی]
syn. collocational range
- collocate** هم‌آیند [زبان‌شناسی]
- collocation** هم‌آیی [زبان‌شناسی]
- collocational range** → **collocability**
- collocational restriction** محدودیت هم‌آیی [زبان‌شناسی]
- colour filter** پالایه رنگ، صافی رنگ [فیزیک]
- colour temperature** دمای رنگ [فیزیک]
- combined sewer** فاضلاب‌رو درهم [محیط‌زیست]
- combining form** سازه ترکیبی [زبان‌شناسی]
- commercial package** بسته‌بندی تجاری [بهار]
- commitment** تعهد [روان‌شناسی]
- common-image gather** گردآورده هم‌تصویر [ژئوفیزیک]
- communication operator** متصدی ارتباطات [نظامی]
- communications cover** پوشش ارتباطاتی [رمزشناسی]
- communications deception** فریب ارتباطاتی [رمزشناسی]
- communications profile** رخ‌نمای ارتباطات [رمزشناسی]
- communications security** امنیت ارتباطات [رمزشناسی]
abbr. COMSEC
- community engagement** → public engagement
- companion hatch** → **booby hatch**
- comparative interpretation** تفسیر مقایسه‌ای [ژئوفیزیک]
- compartmentalization** حیطه‌بندی [رمزشناسی]
- compatibility** سازواری [مدیریت]
- competency** شایستگی، صلاحیت [مدیریت]
- complementation test** آزمون تکمیل‌سازی [ژن‌شناسی]
- complete Bouguer field** میدان بوگه کامل [ژئوفیزیک]
- complete linkage** پیوستگی کامل [ژن‌شناسی]
- complete text database** → full-text database
- complex locus** مکانه مرکب [ژن‌شناسی]
- complex trait** صفت پیچیده [ژن‌شناسی]
- composite flight** پرواز تلفیقی [هوابی]
syn. composite flying
- composite flight plan** طرح پرواز تلفیقی [هوابی]

click ¹	کلیک [فارا]	قهوهٔ فوری مخلوط [قهوه]
click ²	کلیک کردن [فارا]	برشته‌کن قهوه، برشته‌کن [قهوه]
clickjack attack → clickjacking		coffee roaster sample spoon → trowel
clickjacking	کلیک‌ریایی [فارا]	برشته‌کاری قهوه [قهوه]
<i>syn.</i> user interface redress attack,		coffee roasting machine
UI redress attack, UI redressing,		دستگاه برشته‌کنی [قهوه]
clickjack attack		cognitive computing
cling film → cling wrap		رایانش شناختی [فارا]
cling wrap	لفاف چسببان [بسپار]	cognitive consistency theories
<i>syn.</i> food wrap, cling film		نظریه‌های هم‌خوانی شناختی [روان‌شناسی]
close air support		cognitive consonance
	پشتیبانی هوایی نزدیک [نظامی]	هماهنگی شناختی [روان‌شناسی]
close control	واپایش کامل [نظامی]	cognitive system
cloverleaf model	مدل برگ‌شیدری [ژن‌شناسی]	سامانهٔ شناختی [فارا]
clump operation	عملیات دسته‌بندی [نقشه‌برداری]	ناحیهٔ همدوسی [فیزیک]
clutchless manual transmission		انسجام‌گرایی [فلسفه]
→ semi-automatic gearbox		coherent optics
CM → central meridian		نورشناسی تابش همدوس،
coalescive neomorphism		نورشناسی همدوس [فیزیک]
	نوریختی یکپارچه [زمین‌شناسی]	coherent radiation
coaming → hatch coaming		تابش همدوس [فیزیک]
coaxial	هم‌محور [زمین‌شناسی]	coherent scattering
coaxial progressive deformation		پراکندگی همدوس [فیزیک]
	دگرشکلی پیش‌روندهٔ هم‌محور [زمین‌شناسی]	coherent source
Coda (it.)	ته‌بند [موسیقی]	چشمهٔ همدوس [فیزیک]
code dating	شناسه‌زنی [فناوری غذا]	cohyponym
codetta (it.)	ته‌بندک [موسیقی]	هم‌شمول [زبان‌شناسی]
coffee blend → blended coffee		coital alignment technique
coffee cupper	قهوه‌آزما [قهوه]	روش نزدیکی هم‌راستا [سلامت]
<i>syn.</i> cupper		abbr. CAT
coffee cupping	قهوه‌آزمایی [قهوه]	coital position
<i>syn.</i> cupping		قرارگیری جماعی [سلامت]
		coitus intra mammas
		کامش بین‌پستانی [سلامت]
		cold brew ¹
		→ cold-water brewing method
		cold brew ²
		قهوهٔ سرددم [قهوه]
		<i>syn.</i> cold-brewed coffee,
		cold brew coffee
		cold brew coffee → cold brew ²

characteristic rays

→ characteristic X-ray

characteristic X-ray

پرتو ایکس مشخصه [فیزیک]

syn. characteristic rays,

characteristic radiation

charge conjugation [همیوگی بار [فیزیک]

charge conjugation operation

عمل همیوگی بار [فیزیک]

charge conservation

→ conservation of charge

charge density [چگالی بار [فیزیک]

charged particle [ذره باردار [فیزیک]

charge exchange [تبادل بار [فیزیک]

charge invariance [ناوردایی بار [فیزیک]

charge neutrality [خنثایی بار [فیزیک]

charge transfer [انتقال بار [فیزیک]

chattermark/chatter mark

نشان هلالی [زمین‌شناسی]

syn. crescentic mark

chemical survey [شیمیاکاوی [نظامی]

chevron mark [نشان جناغی [زمین‌شناسی]

syn. herringbone mark

chickenwire structure

ساختار لانه مرغی [زمین‌شناسی]

child-resistant packaging

بسته بندی کودک پاس [بسهار]

abbr. CRP¹, C-R packaging

syn. poison-prevention packaging, PPP,

special packaging, SP

choke [خفانه [فیزیک]

choke coil → choking coil

choking coil [پیچۀ خفانش [فیزیک]

syn. choke coil

choke filter [پالایۀ خفانشی،

صافی خفانشی [فیزیک]

syn. choke input filter

choke input filter → choke filter

choke joint [پیوند خفانشی [فیزیک]

chosen message attack

حمله پیام‌منتخب [رمزشناسی]

ciphertext-ciphertext compromise

مخاطره کلید متن‌رمز - متن‌رمز [رمزشناسی]

circular DNA [دینای حلقوی [ژن‌شناسی]

circular motion [حرکت دایره‌ای [فیزیک]

circular velocity [سرعت دایره‌ای [فیزیک]

cis-trans test [آزمون سیس-ترانس [ژن‌شناسی]

citizen sector → private sector

civil day [روز رسمی [ژنو، نجوم]

civil service [سازمان خدمات کشوری [مدیریت]

civil time [زمان رسمی [ژنو، نجوم]

CKP → crankshaft position sensor

claims officer [افسر شکایات [نظامی]

clamshell pack [بسته بندی دردار [بسهار]

clay geosynthetic barrier

زمین‌ساز سدگر رُسی [بسهار]

syn. geosynthetic clay liner, GBR-C

cleaning in progress [اتاق درحال نظافت،

درحال نظافت [کردشگری]

clearance → flight clearance

clear and hold [پاک‌سازی و تأمین [نظامی]

clear zone → hazard corridor

cantino (it.)	سیم خوانش [موسیقی]	Celsius degree	درجهٔ سلسیوس [فیزیک]
<i>syn.</i> chanterelle (fr.)		Celsius scale	مقیاس سلسیوس [فیزیک]
capacitive touch screen		Celsius temperature scale	
	صفحهٔ لمسی خازنی [فارا]		مقیاس دمای سلسیوس [فیزیک]
capital-intensive	سرمایه‌بَر [م. پروژه]	centre/center → mall	
carboy	قرابه [بِسپار]	center of attraction	مرکز ربایش،
cargo boom	دیرک بار [دریایی]		مرکز جاذبه [فیزیک]
cargo runner	کشندهٔ بار [دریایی]	center-of-gravity coordinate system	
'carriageway	سواره‌رو [درون‌شهری]	→ center of mass system	
Cartesian doubt	شک دکارتی [فلسفه]	center-of-mass coordinate system	
Cartesian skepticism	شکاکیت دکارتی [فلسفه]		دستگاه مختصات مرکز جرم [فیزیک]
carton	کارتن [بِسپار]	center of mass system	
caruncle	ناف‌گوشته [گیاهی]		دستگاه مرکز جرم [فیزیک]
CAS	پان [نظامی]	<i>syn.</i> center of momentum coordinate	
cask	آوند [بِسپار]	system, center-of-gravity	
CAT → coital alignment technique		coordinate system	
cat davit	دارک تنهٔ لنگر [دریایی]	center of momentum coordinate system	
category-wide overlay		→ center of mass system	
	برهم‌گذاری رسته‌مبنا [نقشه‌برداری]	center of oscillation	مرکز نوسان [فیزیک]
Cattell inventory	سیاههٔ کتِل [روان‌شناسی]	central government	حکومت مرکزی [مدیریت]
Cattell's factorial theory of personality		central meridian	
	نظریهٔ عاملی شخصیت کتِل [روان‌شناسی]	<i>abbr.</i> CM	نصف‌النهار مرکزی [ژئو. نجوم]
CCP → critical control points		Cerenkov counter	شمارگر چرنکوف [فیزیک]
ceiler → planker		Cerenkov radiation	تابش چرنکوف [فیزیک]
celebrity	چهره [عمومی]	chain → chain plate	
celestial coordinates ¹		chain plate	زنجیربند [دریایی]
→ celestial coordinate system		<i>syn.</i> chain	
celestial coordinates ²	مختصات سماوی [نجوم]	change in progress	تغییر جاری [زبان‌شناسی]
celestial coordinate system		chanterelle (fr.) → cantino	
	دستگاه مختصات سماوی [ژئو. نجوم]	characteristic radiation	
<i>syn.</i> celestial coordinates ¹		→ characteristic X-ray	

brake pipe reduction	أفت فشار ترمز [ریلی]	C
<i>abbr.</i> BPR		
breathable film packaging	بسته‌بندی تنفسی [بسهار]	cabin altitude
		ارتفاع فشاری اتاقک [هوایی]
brew strength → strength		<i>syn.</i> cabin pressure
bridge	پُل [موسیقی]	cabin blower
<i>syn.</i> bridge passage, transition		دمندهٔ اتاقک [هوایی]
bridge passage → bridge		<i>syn.</i> cabin supercharger
bridle beam → hatch beam		cabin differential pressure
brittle behavior	رفتار شکننده [زمین، ژئو]	اختلاف فشار اتاقک [هوایی]
brow → gangplank		cabin pressure → cabin altitude
browser	مرورگر [فاوا]	cabin pressure controller
bubble packaging material	مادهٔ بسته‌بندی حباب‌دار [بسهار]	<i>abbr.</i> CPC
		واپایشگر فشار اتاقک [هوایی]
bubble wrap	لفاف حباب‌دار [بسهار]	cabin pressure regulator
built-in application	برنامهٔ کاربردی توکار [فاوا]	تنظیم‌گر فشار اتاقک [هوایی]
bulk bag → big bag		cabin pressurization
bulk packaging	بسته‌بندی فله‌ای [بسهار]	تنظیم فشار اتاقک [هوایی]
bulk sack → big bag		cabin pressurization safety valve
Bullard B correction	تصحیح بولارد بی [ژئوفیزیک]	→ positive pressure relief valve
<i>syn.</i> Bullard B gravity correction		cabin supercharger → cabin blower
Bullard B gravity correction		خط واگن خدمت [ریلی]
→ Bullard B correction		ارزش گرمایی [فیزیک]
bulwark	بارو [دریایی]	<i>syn.</i> heating value
bundle	بندیل [بسهار]	campaign ¹
buried karst → paleokarst		پویش [عمومی]
business strategy	راهبرد کسب‌وکار [مدیریت]	campaign ²
bypass engine	موتور کنارگذری [هوایی]	کارزار [عمومی]
bypass turbojet	توربین جت کنارگذری [هوایی]	can
<i>syn.</i> leaky turbojet		قوطی [بسهار]
		candidate species
		گونهٔ نامزد [جنگل]
		candlepower
		توان شمعی [فیزیک]
		<i>abbr.</i> CP ¹
		canonical correlation
		همبستگی متعارف [آمار]
		canonical correlation analysis
		تحلیل همبستگی متعارف [آمار]
		canonical variable
		متغیر متعارف [آمار]

best if use by		bloatware ¹	ژاندا افزار [فاروا]
	بهترین زمان مصرف تا [فناوری غذا]	bloatware ²	فربه‌افزار [فاروا]
BFT	آپ پ [نظامی]	syn. fatware	
bias	گرایستگی [فیزیک]	block-bottom bag	کیسه کف چارگوش [بسپار]
bias current	جریان گرایستی [فیزیک]	blocking volume	حجم بندالی [ژئوفیزیک]
bias oscillator	نوسانگر گرایستی [فیزیک]	blook	وب‌کتاب، و تاپ [فاروا]
bias resistor	مقاومت گرایستی [فیزیک]	boat davit	دارک قایق‌آویز، قایق‌آویز [دریایی]
bias voltage	ولتاژ گرایستی [فیزیک]	body language	زبان بدن [اروان، زبان]
bias winding	سیم‌پیچ گرایستی [فیزیک]	bogus parts	قطعات تقلبی [مروبی]
big bag	کلان‌کیسه [بسپار]	boil-in-bag	کیسه آب‌پزی [بسپار]
	syn. bulk bag, bulk sack, jumbo bag	bomb damage assessment	
Big Five personality model		abbr. BDA	ارزیابی خسارت بمباران [نظامی]
	الگوی پنج بُعد کلان شخصیت [اروان‌شناسی]	booby hatch	دریچه ورودی [دریایی]
binding	ترابست [رزم‌شناسی]	syn. companion hatch	
biological waste	پسماند زیستی [محیط‌زیست]	bookazine	کتاب - مجله [عمومی]
biomagnetism	زیست‌مغناطیس [ژئوفیزیک]	boom guy → derrick guy	
biomethanisation		boom table → derrick stool	
	زیست‌متان‌سازی [محیط‌زیست]	borehole magnetics	
bioproduct	فراورده زیستی [محیط‌زیست]		مغناطیس درون‌چاهی [ژئوفیزیک]
bitegmic	دوپوششی [کیامی]	bosong/bowsing	کوبه زنی [باستان‌شناسی]
bit rate	نرخ بیت [فاروا]	bottle	بطری [بسپار]
bleaching	معناباختگی [زبان‌شناسی]	bottle screw → rigging screw	
	syn. semantic bleaching, semantic depletion, semantic fading, semantic weakening	bottom gear → first gear	
blend → blended coffee		bottom planking	تخته‌بندی کف [دریایی]
blended coffee	قهوه ترکیبی [قهوه]	bourdon ¹ → drone ¹	
	syn. coffee blend, blend	bourdon ² → drone ²	
blending	ترکیب‌سازی قهوه [قهوه]	bowsing → bosong	
Blitzkrieg (de.)/blitzkrieg		box	جعبه [بسپار]
	حمله برق‌آسا [نظامی]	BPR → brake pipe reduction	
		brake pedal position sensor	حسگر وضعیت پدال ترمز [خودرو]

backyard composting

پوسش خانگی [محبطزیت]

syn. home composting

bag

کیسه [بِسپار]

syn. sack

baggage rack → luggage rack

bagging¹

کیسه‌کُنی [بِسپار]

bagging²

چادر [بِسپار]

bagging³

چادرکشی [بِسپار]

bag moulding

قالب‌گیری چادری [بِسپار]

baguette (fr.) → baton

bait and bleed

تحریک و درگیرسازی [نظامی]

balance chamber

محفظهٔ توازن [نظامی]

balanced design

طرح متعادل [آمار]

syn. orthogonal design

balance property

ویژگی توازن [رمزشناسی]

balance theory

نظریهٔ توازن [روانشناسی]

bale cutter

عدل‌بُر [بِسپار]

baling machine

ماشین عدلساز.

عدل‌ساز [بِسپار]

bare base

پایگاه صحرایی [نظامی]

bare engine

موتور لُخت [هوابی]

barrel

بشکه [بِسپار]

barrier engagement

بازدارگیری [نظامی]

bar rigging → rod rigging

basic flying training

آموزش پرواز پایه [نظامی]

basionym

بن‌نام [کیامی]

basket

سبد، زنبیل [بِسپار]

syn. hamperbass¹

باس [موسیقی]

bass²

بِم [موسیقی]

basso continuo → continuo

basso ostinato (it.) → ground bass

batch geocoding

کدبندی مکانی دسته‌ای [نقشه‌برداری]

batch roaster

برشته‌کن ناپیوسته [قهوه]

baton

چوب رهبر سازگان.

چوب رهبر ارکستر [موسیقی]

syn. baguette (fr.)

batten cleat → hatch batten clip

battening bar → hatch batten

battening iron → hatch batten

battle damage assessment

ارزیابی خسارت نبرد [نظامی]

battle of annihilation

نبرد انهدامی [نظامی]

battleship curve

نمودار ناوی [باستان‌شناسی]

syn. battleship-shaped curve

battleship-shaped curve

→ battleship curve

BDA → bomb damage assessment

beam angle

زاویهٔ باریکه [فیزیک]

beam diameter

قطر باریکه [فیزیک]

beam divergence

واگرایی باریکه [فیزیک]

beam socket → hatch carrier

beam width

پهنای باریکه [فیزیک]

bean hopper

قیف تغذیه [قهوه]

syn. hopper

beat frequency

بسامد زُنش [فیزیک]

bed ash

خاکستر بیستر [محبطزیت]

bell housing

→ torque converter housing

- analogical maintenance** مانش قیاسی [زبان‌شناسی]
- analytic(al) database** پایگاه‌دادهٔ تحلیلی [فارا]
- anchor davit** دارک لنگر [دریایی]
- anchored dune** تَل‌ماسهٔ مهارشده [زمین‌شناسی]
syn. fixed dune, established dune,
stabilized dune
- androgen-insensitivity syndrome** نشانگان بی‌حساسیتی به نورزا [سلامت]
abbr. AIS
- androgynous gender role** نقش جنسیتی زنامردی [سلامت]
syn. androgynous sex role
- androgynous sex role** → androgynous gender role
- anemoclast** بادآوار [زمین‌شناسی]
- anemoclastic** بادآواری [زمین‌شناسی]
- anemoclastic rock** سنگ بادآواری [زمین‌شناسی]
- angular displacement** جابه‌جایی زاویه‌ای [فیزیک]
- angular shear** بُرش زاویه‌ای [زمین‌شناسی]
- anilinctus** → anilingus
- anilingus** مقعدلیسی [سلامت]
syn. anulingus, anilinctus
- anomaly amplitude** دامنهٔ بی‌هنجاری [ژئوفیزیک]
- anther dehiscence** شکفتگی بساک [گیاهی]
- anthroponomastics** → anthroponymy
- anthroponym** شخص‌نام [زبان‌شناسی]
- anthroponymic** شخص‌نام‌شناختی [زبان‌شناسی]
- anthroponymist** شخص‌نام‌شناس [زبان‌شناسی]
- anthroponymy** شخص‌نام‌شناسی [زبان‌شناسی]
syn. anthroponomastics
- antiform** طاق‌گون [زمین‌شناسی]
- anulingus** → anilingus
- aphaeresis** حذف آغازی [زبان‌شناسی]
syn. aphaesis
- aphesis** → aphaeresis
- a posteriori (lat.)** پسینی [فلسفه]
- apparent time** زمان ظاهری [زبان‌شناسی]
- apparent time study** بررسی زمان ظاهری [زبان‌شناسی]
- application for expenditure** → authority for expenditure
- appraisal** ارزش‌سنجی [مدیریت]
- a priori (lat.)** پیشینی [فلسفه]
- apriorism** پیشینی‌انگاری [فلسفه]
- apriority** پیشینی‌بودگی [فلسفه]
- arbitrariness** دلخواهی‌بودگی [زبان‌شناسی]
- arbitrary** دلخواهی [زبان‌شناسی]
- arbitrary stratification** لایه‌بندی اختیاری [باستان‌شناسی]
- archaic** کهن [زبان‌شناسی]
- archaism¹** کهن‌ساخت [زبان‌شناسی]
- archaism²** کهن‌گرایی [زبان‌شناسی]
- archaism³** کهن‌واژه [زبان‌شناسی]
- archaeological plan** نقشهٔ باستان‌شناختی [باستان‌شناسی]
- aril** گوشته [گیاهی]
- ariled** گوشته‌دار [گیاهی]
syn. arillate
- arillate** → ariled
- ashpit** چال خاکستر [باستان‌شناسی]
- ASP** → aerated static pile

- air parity** [برابری هوایی (نظامی)]
- air refueling area**
→ air-to-air refueling area
- air-to-air heat exchanger**
تبادلگر گرمای هوا به هوا [هوایی]
- air-to-air refueling area**
abbr. AARA [منطقه سوخت‌رسانی هوایی (نظامی)]
syn. aerial refueling area,
air refueling area,
in-flight refueling area, IFRA,
tanking area
- Airy hypothesis** [فرضیه ایری (ژئوفیزیک)]
- AIS**
→ androgen-insensitivity syndrome
- alcohol hours** → high-alcohol hours
- Aldis lamp** [چراغ مخابره آلدیس (نظامی)]
syn. signal lamp, Morse lamp
- all-in-one computer** [رایانه یک‌تکه (فارا)]
- allograph** [جعل‌نگاشت (نظامی)]
- allotment** [واگذاری (کردشگری)]
- ALO** [رایک (فارا)]
- alpha-particle detector**
آشکار ساز ذره آلفا [فیزیک]
- alpha-particle scattering**
پراکندگی ذره آلفا [فیزیک]
- Alpides** → Alpine-Himalayan belt
- Alpine-Himalayan belt**
کمر بند آلپ - هیمالایا [زمین، ژئو]
syn. Alpides
- Alpine-Himalayan orogeny**
کوه‌زایی آلپی-هیمالایی [زمین، ژئو]
- Alpine orogeny** [کوه‌زایی آلپی (زمین‌شناسی)]
- alt-az coordinates¹**
دستگاه مختصات سمتی ارتفاعی [انجم]
- alt-az coordinates²**
مختصات سمتی ارتفاعی [انجم]
- altiplanation** [فرازدشت‌سازی (زمین‌شناسی)]
- altiplanicie** → altiplano
- altiplano** [فرازدشت (زمین، ژئو)]
syn. altiplanicie
- altitude chamber**
→ decompression chamber
- alto (it.)** [آلتو (موسیقی)]
- amalgamation** [آمیختگی (زبان‌شناسی)]
- ambient intelligence** [هوش محیط (تفقه‌برداری)]
abbr. AmI
- ambient noise** [نوفه محیطی (محیط‌زیست)]
- ambient spatial intelligence**
abbr. AmSI [هوش مکانی محیط (تفقه‌برداری)]
- ambiguous** [میهم (زبان‌شناسی)]
- amelioration** [ترقیع معنایی (زبان‌شناسی)]
- ameliorative** [ترقیعی (زبان‌شناسی)]
syn. meliorative
- AmI** → ambient intelligence
- amidships** [میانه شناور (دریایی، نظامی)]
- amphistomal** [دوروزنی (گیاه)]
- amplitude anomaly** [بی‌هنجاری دامنه (ژئوفیزیک)]
- AmSI** → ambient spatial intelligence
- analogical extension**
گسترش قیاسی (زبان‌شناسی)
- analogical levelling**
هم‌ترازی قیاسی (زبان‌شناسی)

A

AAC	کدهی [فاوا]	accelerated flight	پرواز شتاب‌یافته [هوابی]
AARA → air-to-air refueling area		accelerated particle	ذره شتاب‌دار [فیزیک]
aberrancy	نابه‌روالی [زبان‌شناسی]	accelerated stall	واماندگی شتاب‌یافته [هوابی]
aberrant	نابه‌روال [زبان‌شناسی]	syn. high-speed stall	
aberrant formation	ساخت نابه‌روال [زبان‌شناسی]	accelerometer	شتاب‌سنج [فاوا]
aberrant language	زبان نابه‌روال [زبان‌شناسی]	accessory	لوازم جانبی [عمومی]
aboard	سوار [دریایی]	accountability	پاسخگویی [مدیریت]
syn. on board		ACM → air-cycle machine	
absolute pitch ¹	گوش مطلق [موسیقی]	acoustic	صدا آرایی [موسیقی]
syn. perfect pitch		acoustic(al) instrument	ساز آکوستیکی [موسیقی]
absolute pitch ²	نغمه مطلق [موسیقی]	acquaintance rape	تجاوز به آشنا [سلامت]
absolute station	ایستگاه مطلق،	acquisition	یابش [باستان‌شناسی]
ایستگاه گرانی مطلق [ژئوفیزیک]		acquisition strategy	راهبرد تملک [مدیریت]
absolute temperature	دمای مطلق [فیزیک]	active database	پایگاه داده فعال [فاوا]
absolute war	جنگ مطلق [نظامی]	activity set	مجموعه کارافزار،
abstract thinking	تفکر انتزاعی [روان‌شناسی]	کارافزارها [باستان‌شناسی]	
abundance	فراوانی [فیزیک]	adaptability	تطبیق‌پذیری [مدیریت]
Academic skepticism	هشاکایت آکادمیایی [فلسفه]	additive variance	وردایی افزایشی [ژن‌شناسی]
		address format	قالب نشانی [نقشه‌برداری]
		address geocoding	کدبندی مکانی نشانی [نقشه‌برداری]
		address matching	همتایابی نشانی [نقشه‌برداری]

فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی

A Collection of Terms

**Approved by
the Academy of Persian
Language and Literature**

volume 15

Terminology Department

April 2018

